

# دارالترقیہ و تبلیغہ طرابلس

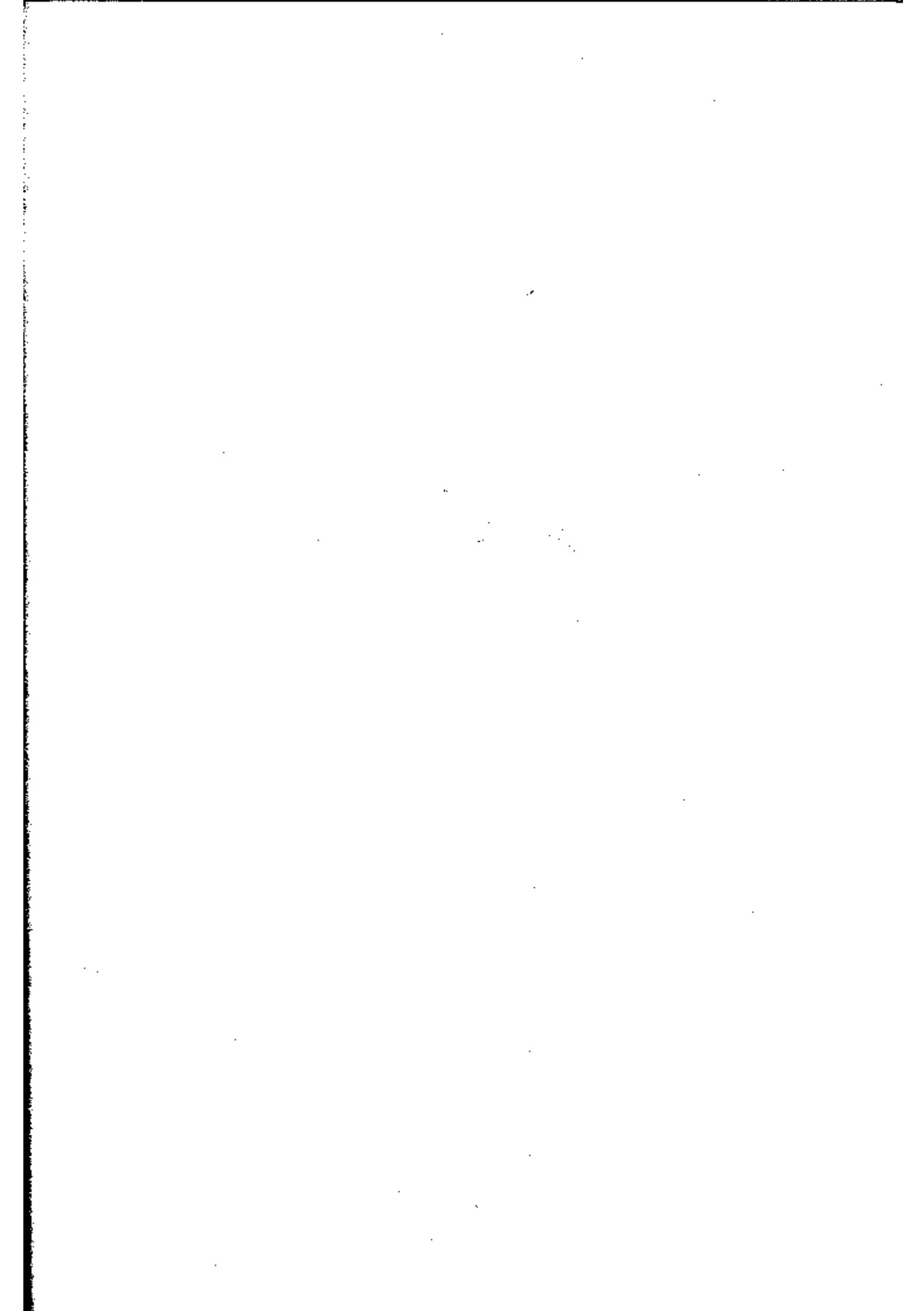


کیا ہاں داروبی



آیت اللہ مصطفیٰ نورانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دائرة المعارف طب اسلامي

ج ۵

حروف ك، گ، ل، م، ن  
و، ه، ی

مؤسسة مكتب اهل البيت

آية الله مصطفى نوراني

نورانی ، مصطفی  
دایرةالمعارف بزرگ طب اسلامی / مصطفی نورانی  
ج ۱۵  
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما  
کتابخانه به صورت زیر نویس  
۱. پزشکی اسلامی - دایرةالمعارف ها. الف. مرکز نشر میراث مکتوب.  
ب. عنوان.  
۹۵۲ ن / ۱۲۸۳ R ۶۱۰ / ۹۱۷۶۷۱

---

دائرةالمعارف بزرگ طب اسلامی ج ۵

---

ناشر: فخر دین  
آیه الله مصطفی نورانی  
ویراستار: علی بیات  
حروفچینی و صفحه آرایی: احمد قلی پور  
نوبت انتشار: اول  
تاریخ انتشار: ۱۳۸۴  
تیراژ: ۵۰۰۰  
قیمت: ۲۵۰۰ تومان  
شابک: ۹۶۲-۷۰۴۱-۰۰-۴

---

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

## «فهرست»

۵	..... «فهرست»
	● حرف ک
۱۷	..... * کات هندی
۱۸	..... * کاج ایرانی
۱۸	..... * کادی
۱۹	..... * کاسنی
۲۵	..... * کاسیای سورینام
۲۶	..... * کاشم
۲۶	..... * کافور
۲۸	..... * کافور بورنثو
۲۹	..... * کافشه - کاجیره
۳۰	..... * کاکوتی
۳۱	..... * کاکائو
۳۲	..... * کاکل ذرت
۳۳	..... * کاکنج
۳۵	..... * کاهو
۳۷	..... * کاوا

۳۸	.....	* کبابه
۳۹	.....	* کبر
۴۰	.....	* کتان
۴۲	.....	* کتیرا
۴۴	.....	* کدو
۴۸	.....	* کدوی هندی
۴۸	.....	* کرفس
۵۳	.....	* کرفس وحشی
۵۴	.....	* کرفس قمری
۵۴	.....	* کراٹ
۵۵	.....	* کرچک
۵۶	.....	* کزبرهٔ صغیره
۵۶	.....	* کسب
۵۷	.....	* کشمش
۵۹	.....	* زبدالبحر، کف دریا
۶۰	.....	* کلمبو
۶۱	.....	* کلک
۶۱	.....	* کلم
۶۶	.....	* کنف
۶۷	.....	* کنگر
۶۸	.....	* کنگر بیابانی
۶۸	.....	* آرتیشو یا گنگر فرنگی
۶۹	.....	* کندش
۷۰	.....	* کندر
۷۲	.....	* کنجد
۷۵	.....	* روغن کنجد

فہرست ..... ۷

۷۶ ..... \* عنبر زرد یا کھریا

۷۸ ..... \* کورا

۷۹ ..... \* کوکا

۸۰ ..... \* کونجید

۸۱ ..... \* کور

۸۲ ..... \* کی وی

۸۲ ..... \* کیسہ کشیش

### ● حرف گ

۸۹ ..... \* گل گاو زبان

۹۱ ..... \* گاو

۹۲ ..... \* گاومیش

۹۳ ..... \* گرد زغال چوب

۹۴ ..... \* گردو

۱۰۱ ..... \* گرمک

۱۰۲ ..... \* گز

۱۰۳ ..... \* گز علفی

۱۰۴ ..... \* گزانگین

۱۰۵ ..... \* گزنہ

۱۰۷ ..... \* گزنہ بدبو

۱۰۸ ..... \* گشنیز

۱۱۰ ..... \* گلابی

۱۱۵ ..... \* گل انگستانہ

۱۱۹ ..... \* گلپر

۱۲۱ ..... \* گلپورہ

۱۲۱ ..... \* گل حنا



- ۱۲۳ ..... \* گل جعفری
- ۱۲۳ ..... \* گلرنگ
- ۱۲۷ ..... \* گل سرخ
- ۱۲۹ ..... \* گل سرخ معطر
- ۱۳۰ ..... \* گلستگ
- ۱۳۲ ..... \* گل شیپوری
- ۱۳۳ ..... \* گل صد تومانی
- ۱۳۴ ..... \* گل طاووسی
- ۱۳۵ ..... \* گل عباسی
- ۱۳۶ ..... \* گل قارکون
- ۱۳۷ ..... \* گل قاصد
- ۱۳۸ ..... \* گل گندم
- ۱۳۹ ..... \* گل لادن
- ۱۳۹ ..... \* گل ماهور
- ۱۴۰ ..... \* گل مریم
- ۱۴۰ ..... \* گل میخک
- ۱۴۱ ..... \* گل نسترن
- ۱۴۲ ..... \* گل نگونسار
- ۱۴۳ ..... \* گل‌های نیلوفر آبی
- ۱۴۵ ..... \* گل یخ
- ۱۴۵ ..... \* گندم
- ۱۴۸ ..... \* گنه گنه
- ۱۴۹ ..... \* گواوا
- ۱۴۹ ..... \* گوجه فرنگی
- ۱۵۱ ..... \* گوجه سبز
- ۱۵۱ ..... \* گوشت

- ۱۵۲ ..... \* گیاه حشره خوار
- ۱۵۲ ..... \* گیاه پیرو
- ۱۵۲ ..... \* گیہ
- ۱۵۴ ..... \* گیلاس
- ۱۵۶ ..... \* گیلاس باریادوس

### ● حرف ل

- ۱۶۱ ..... \* لاجورد
- ۱۶۲ ..... \* لادن
- ۱۶۵ ..... \* لاله
- ۱۶۵ ..... \* لاله سرنگون
- ۱۶۶ ..... \* لالکی سہ خار
- ۱۶۷ ..... \* لاک پشت
- ۱۶۷ ..... \* لاله عباسی
- ۱۶۸ ..... \* لبلاب
- ۱۶۹ ..... \* لینیات
- ۱۷۰ ..... \* لحاء الغول
- ۱۷۰ ..... \* لسان الحیة
- ۱۷۱ ..... \* لعوق
- ۱۷۲ ..... \* لوبیا
- ۱۷۲ ..... \* لوبیا چشم بلبلی
- ۱۷۳ ..... \* لیچی
- ۱۷۴ ..... \* لیمو
- ۱۷۵ ..... \* لیمو شیرین
- ۱۷۶ ..... \* لیمو ترش
- ۱۷۸ ..... \* لیمو ترش عمانی

● حرف م

- ۱۸۱ ..... \* مامیران
- ۱۸۴ ..... \* هاماملیس
- ۱۸۵ ..... \* ماءالشعیر
- ۱۸۶ ..... \* مارء حیه
- ۱۸۷ ..... \* مازریون
- ۱۸۸ ..... \* مارچوبه
- ۱۹۰ ..... \* مارقشیشا
- ۱۹۲ ..... \* ماست
- ۱۹۳ ..... \* ماش
- ۱۹۶ ..... \* مرغ
- ۱۹۸ ..... \* ماگنولیا
- ۱۹۹ ..... \* مامینا
- ۲۰۱ ..... \* ماهی
- ۲۰۲ ..... \* مخلصه
- ۲۰۴ ..... \* مخمر
- ۲۰۷ ..... \* مُر
- ۲۰۷ ..... \* قطلب یا مرخ
- ۲۰۸ ..... \* بداشقان
- ۲۰۸ ..... \* مرزنگوش
- ۲۱۰ ..... \* مرزه
- ۲۱۴ ..... \* مروارید
- ۲۱۵ ..... \* مریم گلی
- ۲۱۷ ..... \* مریم نخودی
- ۲۲۱ ..... \* مس
- ۲۲۱ ..... \* مصطکی

۲۲۳	..... * مشمش
۲۲۴	..... * مقل
۲۲۵	..... * داروی مقدّس
۲۲۷	..... * مگیلان
۲۲۸	..... * مگس
۲۲۹	..... * ملاس
۲۲۹	..... * ملاس سیاه
۲۳۰	..... * من
۲۳۴	..... * مو
۲۳۵	..... * موچه
۲۳۷	..... * مورچه
۲۳۸	..... * موز
۲۳۹	..... * موز بهشت
۲۴۰	..... * موسیر
۲۴۱	..... * بصل المسک؛ بصل الذئب
۲۴۲	..... * موگه
۲۴۲	..... * مهرگیاه
۲۴۴	..... * میخک
۲۴۶	..... * میعه
۲۴۶	..... * میمون
۲۴۷	..... * مشک

● حرف ن

۲۵۵	..... * ناشف (بسد)
۲۵۸	..... * نارگیل
۲۶۱	..... * روغن نارگیل

- \* نارباچ ..... ۲۶۲
- \* ناخنک (اکلیل الملک) ..... ۲۶۲
- \* نارمشک ..... ۲۶۴
- \* نارنج ..... ۲۶۷
- \* نارنگی ..... ۲۷۱
- \* نانخواه (زنیان) ..... ۲۷۲
- \* نان ..... ۲۷۴
- \* نان قندی ..... ۲۷۵
- \* نبق (سدر) ..... ۲۷۶
- \* نخل ..... ۲۷۸
- \* نخود ..... ۲۸۰
- \* نخود فرنگی ..... ۲۸۳
- \* نرگس ..... ۲۸۴
- \* نسرين ..... ۲۸۶
- \* نسترن ..... ۲۸۷
- \* نعناع ..... ۲۸۹
- \* نعناع فلفلی ..... ۲۹۵
- \* نوره (زرنيخ) ..... ۲۹۵
- \* نمک ..... ۳۰۰
- \* نوشادر ..... ۳۰۰
- \* نی ..... ۳۰۱
- \* نیلوفر اصفر ..... ۳۰۱
- \* نارون ..... ۳۰۲
- \* نی بوريا ..... ۳۰۶
- \* نی جارو ..... ۳۰۷
- \* نی هندی ..... ۳۰۹

نهرت ..... ۱۳

### ● حرف و

- \* وانیل ..... ۳۱۳  
\* وج ..... ۳۱۵  
\* وج ورس ..... ۳۱۷  
\* ورس ..... ۳۱۷  
\* وسمه ..... ۳۱۹  
\* ورون ..... ۳۲۰  
\* وشا (اوشق) ..... ۳۲۰

### ● حرف ه

- \* هُد هُد ..... ۳۲۵  
\* هریسه ..... ۳۲۶  
\* هزار برگ آبی ..... ۳۲۷  
\* هفت بند ..... ۳۲۷  
\* هل ..... ۳۲۹  
\* هلیله ..... ۳۳۱  
\* اطریفل (هلیله، بلیله، آمله) ..... ۳۳۲  
\* هوا ..... ۳۳۴  
\* هلو ..... ۳۳۵  
\* همیشه بهار ..... ۳۳۹  
\* هزار چشم (هوفاریقون) ..... ۳۴۰  
\* هوم ..... ۳۴۳  
\* هوم المعجوس ..... ۳۴۴  
\* هندوانه ..... ۳۴۵  
\* هندوانه ابو جهل ..... ۳۴۷  
\* هاماملیس ..... ۳۵۳

- ۳۵۵ ..... \* هویج
- ۳۶۱ ..... \* هفت کول
- ۳۶۲ ..... \* هزار دارو
- ۳۶۳ ..... \* هزار دانه
- ۳۶۳ ..... \* هند باتری

● حرف ی

- ۳۶۷ ..... \* یونجه
- ۳۷۱ ..... \* یوهیمبه
- ۳۷۱ ..... \* یوکا
- ۳۷۲ ..... \* یتوع
- ۳۷۳ ..... \* یاقوت
- ۳۷۴ ..... \* یاس
- ۳۷۴ ..... \* یاس سفید
- ۳۷۵ ..... \* یاس زرد
- ۳۷۶ ..... \* یاس رازقی
- ۳۷۶ ..... \* یاس چمپا
- ۳۷۷ ..... \* یولاف جو دوسر
- ۳۸۱ ..... \* منابع و مأخذ

حرف

ح





## \* کات هندی

به فارسی کاد هندی و کات هندی گفته می شود.

مشخصات:

درختی است به بلندی ۱۰-۱۲ متر. برگهای بزرگ مرکب مضاعف و متشکل از برگچه‌های شانهای به شکل برگ درخت گل ابریشم، هر برگچه دارای تعدادی جفت برگچه است که برگچه‌ها به نوبه خود شانهای و دارای برگچه‌های خیلی ریز می باشند. گلها سفید و میوه آن غلافی بدون خمیدگی است.

ترکیبات شیمیایی:

در پوست و چوب درخت مواد کاتچین، کاتچوتانیک اسید و تانن وجود دارد. چوب آن دارای آلفا-کاتچین، بتا-کاتچین، گاما-کاتچین و آل-کاتچین می باشد.

خواص - کاربرد:

پوست این درخت قابض است و صمغ کاشه، تونیک و قابض و مقوی است و برای اسهال، قطع خونریزیها و کاهش بلغم در موارد لازم مصرف می شود. عصاره چوب آن برای التیام زخمهای باز و ناراحتیهای سینه مصرف می شود.<sup>۱</sup>

## \* کاج ایرانی

این کاج به نام کاج ایرانی یا کاج تهران معروف شده است.

### خواص - کاربرد:

جوانه های کاج وحشی و جوانه های کاج اطریش و سایر کاجها بطور دم کرده در موارد اختلالات حاصله در اثر کمبود ویتامین C در بدن و همچنین در ناراحتیهای رماتیسمی و ورم مزمن مثانه و اختلالات کلوروزی مصرف می شود.<sup>۱</sup>  
بادام میوه کاج قدرت غذائی دارد و برای رفع سرفه فواید زیادی دارد و سینه را نرم می کند با دوشاب خورده شود جهت سرفه تأثیر دارد، درمان رعشه و مقوی اعصاب است ولی نباید زیاد از آن خورد.<sup>۲</sup>

## \* کادی

گیاهی است که در طب سنتی با نامهای «کادی» و «کاذی» می نویسند و کادی لغت عربی است که در یمن به این گیاه گفته می شود. نام دیگر عربی آن که بیشتر معمول است «کدر» می باشد.

### مشخصات:

کادی درختچه ای است کوتاه، خیلی منشعب، برگهای آن زیاد، خطی، دنداندار بدون دمبرگ. گلهای دو پایه نر و ماده جداگانه است. از گلهای آن معمول است عرق می گیرند و به عرق کادی معروف است و عطر آن شبیه بیدمشک است.

### ترکیبات شیمیایی:

در کادی اسانس روغنی فراوان وجود دارد که آن را این طور معطر می نمایند. قسمت

۲- اسرار خوراکیها، ص ۲۳۱.

۱- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۶۳.

خارجی گلهای آن اسانسی می دهد که ۷۰ درصد آن را متیل اتراف، بتافیل، و اتیل الکل تشکیل می دهد. جوشانده ریشه های هوایی آن دارای پتاسیم نترات است.

#### خواص - کاربرد:

در هندوستان برگهای تلخ و معطر آن را در معالجه جذام و آبله و سیفلیس و لک و پیسی یا برص استعمال می نمایند. در فیلیپین شاخه های جوان و سبز گیاه که له شده با کمی نمک و عصاره نوعی مرکبات مخلوط و به صورت ضماد گرم روی جوش و کورک می اندازند.<sup>۱</sup>

### \* کاسنی

در کتب طب سنتی با نامهای هندبا، کاسنی تلخ، کاسنی وحشی و کاسنی صحرايي نام برده شده است.

#### مشخصات:

دارای برگها و ساقه های گوشتی سفید، نرم، ترد و آبدار هستند. کاسنی های اندیو پرورشی دارای خواص طبی ضعیف تر از کاسنی وحشی هستند. گیاهی است علفی پایا از تیره مرکبان که در حقیقت سردسته این تیره است. ارتفاعش حدود ۵۰ تا ۱۰۰ سانتی متر است و آن بر اثر کشت های متوالی تا ۲ متر نیز می رسد. ساقه اش خشن و برگهایش پوشیده از گُرک است. برگهای این گیاه بسیار تلخ است و به عنوان تقویت دهنده دستگاه هضم در بیمارانی که از تبهای توبه یی برخاسته اند، توصیه می شود.

این گیاه در اکثر نقاط بحرالرومی و آسیای صغیر و شمال آفریقا و ایران به فراوانی

می‌روید و به صورت مختلف مصرف می‌شود.<sup>۱</sup>

سیاری در روایت مرفوعه خود گویند: امام علیه السلام فرمود: بر تو باد کاسنی که آب نطفه را زیاد می‌کند و کودک را زیبا می‌نماید و چون گرم است، بیشتر پسر را باعث می‌شود.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: چهار چیز است طبیعت را معتدل می‌نمایند: انار سوریه‌ای و خرما پخته شده و بنفسج و کاسنی.<sup>۳</sup>

پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس کاسنی بخورد و بخوابد جادو و زهر به وی اثر نمی‌کند و هم جنبنده‌ای از خزندگان حتی مار و عقرب به نزدیک وی تا صبح نمی‌آید.

یکی از صالحین گویند: در بعضی از وقتها بیدار شدن به نماز شب برایم مشکل می‌شد و این مرا خمگین می‌نمود، شبی امام زمان (عج) را در خواب دیدم به من فرمود: کاسنی بخور که بیدار شدن برایت آسان گردد، آب آن را نوشیدم و بیدار شدن برایم آسان گشت.<sup>۴</sup>

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: کاسنی سید سبزه‌هاست.<sup>۵</sup>

ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: قطره‌هایی از بهشت بر هندباه (کاسنی) می‌ریزد و آن فرزند را زیاد می‌نماید.<sup>۶</sup>

سکونی از امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل کرده که فرمود: سبزی کاسنی است. هیچ برگه‌اش نیست مگر این که چکه‌ای از بهشت بدان می‌ریزد، آن را بخورید و وقت خوردن به آن نگاه نکنید و تأمل ننمایید، زیرا پدرم از آن نهی می‌کرد.<sup>۷</sup>

در روایت دیگر آن حضرت فرمود: کاسنی از آن ماست.<sup>۸</sup>

امام رضا علیه السلام فرمود: بر شما باد خوردن سبزی کاسنی که مال و فرزند را زیاد می‌نماید. هر کس دوست دارد ثروت و اولادش زیاد شود به خوردن کاسنی ادامه دهد.<sup>۹</sup>

هندباه به فارسی کاسنی نزدیک کاهو است، زیرا این گیاه بزی و بستانی دارد بستانی

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۲۸۲۶.  
 ۲- بحار، ج ۶۶، ص ۳۱۰.  
 ۳- خصال، ص ۲۴۹.  
 ۴- بحار، ج ۶۶، ص ۲۱۷.  
 ۵- محاسن، ج ۲، ص ۵۰۸.  
 ۶- همان، ص ۵۰۹.  
 ۷- مکارم الاخلاق، ص ۲۰۲.  
 ۸- همان.  
 ۹- امالی طوسی، ص ۲۴۹.

را کاستنی و بری را طرخشقوق نامند.

و در صیدنه گوید: «قال علی بن المنجم: هو الهندباء بالفارسیة و الخس بالعربیة». در تحفه صفحه ۲۶۲ گوید: هندباء را به فارسی کاستنی نامند و آن بستانی و بری می باشد و بستانی آن دو قسم است: یکی را برگ بزرگ و دراز و با خشونت و مایل به تلخی و گلش کبود و بزرگ و او را هندباء شامی نامند و یکی را برگ کوچک و گلش کبود و ریزه و تلخی او بیشتر و او را هندباء البقل نامند.

در شرح اسماء صفحه ۱۱۴ گوید: «هی بالیونانیة انطوییا و هی انواع اسمه بالعربیة یعضید... و منه نوع آخر بزّی و هو الذی یسمی فی کتب الطب طرخشقوق و هو الطرخشون».

امام صادق علیه السلام فرمود: بر تو باد کاستنی که نطفه را زیاد می کند و صورت را زیبا می نماید.<sup>۱</sup>

شعیب عرقوقی از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام که فرمود: هر کس وقت خواب هفت برگ کاستنی در شکم او باشد در آن شب از قولنج در امان است.<sup>۲</sup>

محمد بن فیض گوید: با امام صادق علیه السلام در اول روز بودیم، سفره ای را آوردند که در آنجا پیر مردی کاستنی را از سبزی کنار می گذاشت و از آن اعراض می نمود، امام به وی فرمود: شما گمان می کنید که کاستنی سرد است در حالی که چنین نیست، بلکه آن معتدل است و فضیلت آن بر سایر سبزیها مانند فضیلت ما است بر سایر مردم.<sup>۳</sup>

تمّار گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: هر کس کاستنی بخورد کارش آسان می گردد، گفتم: کثافت حیوانات را زیر آن می ریزند؟ فرمود: چیزی از آن به کاستنی نمی رسد.<sup>۴</sup>

محمد بن ابی بصیر از پدرش نقل می کند که به امام از هیجان سر، دندان و ضربان چشم شکایت کردم تا این که صورتم ورم پیدا کرده فرمود: بر تو باد این کاستنی و بر روی

۱- محاسن، ج ۲، ص ۵۰۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۳.

۲- همان.

۳- همان.

۴- همان، ج ۲، ص ۵۱۰.

فشرده آب آن شکر طبرزد بریز و زیاد از آن بخور که ساکت می‌کند و ضررش را دفع می‌نماید، می‌گوید: به منزل برگشتم و در همان شب پیش از خواب معالجه نمودم و از آن نوشیدم و خوابیدم و صبح بیدار شدم و دیدم خوب شده‌ام.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس کاسنی بخورد در آن شب و روزش از آسودگان نوشته می‌شود.<sup>۲</sup>

امام رضا علیه السلام فرمود: هندباء برای هر درد شفاست، هیچ دردی در درون انسان نمی‌شود، مگر این که با هندباء از بین برود و روزی یکی از خدمتکاران خود را خواست که تب و سردرد داشت، به وی فرمود: کاسنی را بکوب و در کاغذی بگذار و روغن بتفسیح بر آن بریز و بر سر بگذار که تب و سردرد را می‌برد.<sup>۳</sup>

#### ترکیبات شیمیایی:

آب ۱۱-۱۷ درصد، ترکیبات ازته ۶-۷/۵ درصد، قند احیاء کننده ۱۵-۲۶ درصد، اینولین و دکسترین ۶-۲۱ درصد، خاکستر ۸/۴-۶/۷ درصد، مواد چرب ۲/۷-۳/۷ در هزار می‌باشد. همچنین ریشه خشک بو نداده آن حاوی موسیلاژ ۱۲-۱۹ درصد، اینولین، قند (گلوکز، لوزولز، ساکارز) تانن به مقدار جزئی، کمی اسانس و یک ماده رزینی می‌باشد.

در برگ کاسنی علاوه بر املاح معدنی گلوکوزید سیکوری‌ئین نیز یافت می‌شود. در ریشه گیاه کاسنی علاوه بر گلوکوزیدی سی کوری‌ئین دو ماده تلخ به نامهای لاکتوسین و ایتنی بین و آرسنیک است.

#### خواص کاسنی:

ریشه کاسنی مانند برگهایش دارای یک ماده خیلی تلخ کلروفیل، یک ماده قندی، آلومین، املاح و نیترات و پتاس می‌باشد.

کاسنی وحشی دارای خواص مسهل، تقویت کننده، تب‌بر و بطور ملایم خون را تصفیه می‌کند و مانند شربت به بچه‌ها می‌دهند.

برای تهیه شربت آن شیرۀ کاسنی را با هم‌وزن آن شکر مخلوط کرده و می‌جوشانند تا سفت شده و بعد از سفت شدن، شربت درست می‌شود.

کاسنی ضد یبوست است و برای رفع یبوست دم‌کرده برگ و ریشه آن به مقدار دو فنجان هر روز صبح ناشتا باید مصرف شود که ۳۰ گرم برگ و ریشه کاسنی خشک در یک لیتر آب جوش گردد. برگ کاسنی مقدار زیادی مواد قندی نشاسته‌ای به خصوص اینولین و کمی مواد سفیده‌ای و مقدار زیادی پتاسیم و مقداری کلسیم، منیزیم، آهن و اندکی ویتامین A، B و مقدار زیادی ویتامین C دارد.

کاسنی تقویت کننده، اشتها آور، مقوی معده، ملین، مدر بوده و جوشانده‌اش را در هلند به گاو‌هایی که وضع حمل دارند برای آسانی زایمان می‌دهند. نیز تب‌بر، تصفیه کننده خون و تقویت کننده دستگاہ گوارش است.

کاسنی خنک کننده بوده، معده را تقویت کرده و ترشح آن را زیاد می‌کند و از مقدار قند خون در مبتلایان به بیماری قند می‌کاهد. دم‌کرده کاسنی وحشی ۱۰ گرم در صد گرم آب کبد و کلیه را تحریک و فعال می‌سازد.

قسمت مورد استفاده کاسنی برگ تازه و ریشه خشک شده آن است. ریشه کاسنی شامل موسیلاژ، اینولین، قندهای مختلف (گلوکز، لولوز، و ساکارز)، مقدار کمی تانن، اسانس، یک ماده رزینی، شیکورین و نیترات پتاسیم می‌باشد. مطبوخ کاسنی محلل بلغم معده و رافع صفرای زیادی بوده، برای کبد و طحال و کلیه مفید است. از کاسنی داروی مسکن جهت سل ریوی درست می‌نمایند.

از نظر طبیعت تر و تازه آن سرد و تر است. مسکن خدّت، حرارت خون و صفرا و تشنگی است. ضماد آب برگ آن با آرد جو برای خفقان و تقویت قلب و تحلیل ورم و... مفید است.<sup>۱</sup>



### کاسنی از رازی:

کاسنی (هندباء): این سبزی نیز برای کسانی که مزاجشان گرم و جگرشان سوزان است نافع می باشد اما خاصیت خنک کردن و رفع عطش آن به اندازه کاهو نیست. برای معالجه سده جگر مفید است، زیرا آن را می گشاید و دردهای کبدی را چه گرم باشد و چه سرد بر طرف می سازد، برای کسانی که سرفه می کنند سازگار نیست، با مزاجهای سرد هم سازش ندارد. سبزیهایی که به مزاج سرد اشخاص بسازند بسیار کم است، زیرا بیشتر سبزیها تبرید می کنند و تولید نفخ می نمایند. چنانچه کسانی که مزاجشان سرد است بخواهند سبزیجات بخورند و به خوردن آن هم ادامه دهند باید خود را ملزم بدانند که از داروهای مقوی معده و ترکیباتی که به اصطلاح باد شکن هستند، مصرف کنند. کاسنیهایی که در باغ و بوستان بکارند و به موقع آب کافی به آنها برسانند رطوبت و نفخ آنها زیاده تر است ولی نوع بیابانی آنها که به علل کمی آب بوته هایشان لاغر و کوچک است نفخشان کمتر و تندی و لطافتشان بیشتر است. کاسنی برای معده سازگار است و چون با سرکه خورده شود بعد از فصد و حجامت بسیار سودمند و سده های کبد را باز می کند و مجاری کلیه را پاک و تمیز می سازد. طرخشقون (کاسنی بیابانی) از کاسنی قویتر است.

### آب مقطر کاسنی:

جهت تهیه آب مقطر از قسمت های هوایی گیاه شیکوریوم اتی بوس از تیره کاسنی استفاده می شود.

### مصرف:

کاسنی به عنوان اشتها آور، مقوی معده، برطرف کننده التهاب معده، ضد استفراغ و ضد اسهالهای ساده، در درمان یرقان به ویژه نوع احتباس، ضد اسهالهای صفراوی، همچنین به عنوان مقوی قلب و بر طرف کننده ورم چشم و بیشتر به عنوان تقویت معده، در بیماریها کبد و کلیه، ضد کلسترول، تصفیه خون و یرقان مصرف دارد. اثر ضد کلسترولی آن در سالهای اخیر، صریحاً به اثبات رسیده است.<sup>۱</sup>

## \* کاسیای سورینام

درختچه‌ای است به ارتفاع ۲ تا ۵ متر و دارای شاخه‌های نامنظم و برگهای متناوب مرکب از ۳ یا ۵ برگچه بی کرک و کامل که بطور خودرو در نواحی گرم آمریکای جنوبی می‌روید.

در گویان و ونزوئلا، کلمبیا و پاناما پرورش می‌یابد. گل‌های آن قرمز رنگ، فاقد بو، نر، ماده، منظم، مجتمع به صورت خوشه و شامل کاسه بسیار کوچک، مرکب از ۳ تا ۵ دانه، ۵ گلبرگ و ۱۰ پرچم است.

تخم‌دان آن دارای ۵ خانه است و پس از رسیدن به میوه‌ای به صورت شفت، به رنگ سیاه و مرکب از ۵ قسمت مشخص تبدیل می‌گردد. در داخل هر یک از قسمت‌های میوه آن نیز، یک دانه جای دارد. چوب کاسیا، رنگ سفید مایل به زرد دارد و بر روی آن رگه‌های زرد رنگ و مشخص دیده می‌شود.

چوب کاسیا سبک وزن، فاقد بوی ولی دارای طعمی بی نهایت تلخ است. کاسیا یکی از مقوی‌های تلخ، اشتها آور و تقویت کننده دستگانه گوارش است. مصرف آن با ایجاد یبوست همراه نیست، بعلاوه می‌توان آن را با املاح آهن نیز مصرف کرد. در موارد سوء هضم، ضعف عمل دستگانه هضم، قولنج‌های کبدی، نفرس و آب آوردن انساج به کار می‌رود.

در تقویت عمومی بدن و جهت بیمارانی که پس از بهبودی، به ضعف قوا مبتلا می‌گردند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرآورده‌های کاسیا در پستانداران ایجاد سمیت نمی‌کند ولی سمیت آن برای حشرات بسیار زیاد است. پس از مصرف آن، حرکات دودی شکل روده زیاد می‌شود و تزشحات صفراء، بزاق و همچنین ترشحات شیر افزایش حاصل می‌کند.

در استعمال خارج دم‌کرده آن به صورت تنقیه، جهت از بین بردن کرمک مصرف دارد. از آن در تهیه کاغذهای حشره کش برای از بین بردن مگس و حشرات دیگر استفاده می‌کنند. در دامپزشکی از آن، جهت اکسیور در اسب و گاو به کار می‌رود و هنوز هم

مصرف آن توصیه می‌گردد. در استعمال خارج، جوشانده ۲ تا ۱۰ گرم آن در ۶۰ میلی لیتر آب به صورت تنقیه جهت دفع کرمک به کار می‌رود. کاسیا در فرمول گرد و محلول‌های حشره‌کش وارد می‌شود.

مقدار مصرف عصاره آن در دامپزشکی ۲-۱۰ میلی لیتر برای اسب و ۰/۲۵ میلی لیتر برای سگ و منظور آن ۳۰-۶۰ میلی لیت برای اسب و ۲-۴ میلی لیتر برای سگ است.<sup>۱</sup>

### \* کاشم

کاشم را به انگلیسی FERULA، به یونانی فنالیون، به رومی کملاون و به سریانی نیلی فیثا می‌نامند. مزاج کاشم در درجه سوم گرم و خشک است و نافع استسقاء، سدد جگر، رطوبت معده، صدای شکم، سختی ادرار، احتباس حیض، بدی هضم و نفخ شکم است.<sup>۲</sup>

کاشم لغتی است عربی و مأخوذ از سریانی است. امام صادق علیه السلام فرمود: «اشربوا الکاشم لوجع الخاصرة».<sup>۳</sup> یعنی: «خورد کاشم نافع درد خاصره است».

کاشم از نوع کاسنی است و یونانی آن لسطیقون یا لیفسطیون و برزه یا لیوس نیز می‌نامند. در تحفه صفحه ۲۱۳ گوید: نوعی از انگدان باشد و آن را انجدان رومی گویند. ماپرهوف م ۲۵۳ گوید: چنانکه در ذیل ماده کرفس اشاره شد بذر کاشم را در مصرف کرفس جبلی نامند.

### \* کافور

ابن محبوب گوید: مردی نزد امام صادق علیه السلام وارد شد و از چشمهایش شکوه داشت، امام علیه السلام فرمود: چه کردی؟ سه جزء صبر و کافور و مرّ را، می‌گویند: چنین کردم و خوب

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۵۰۹-۵۰۵.

۲- محیط اعظم، ج ۴، ص ۸؛ قانون، ج ۲، ص ۱۹۰؛ فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۲۸۳۷.

۳- محاسن، ص ۵۱۹.

شد.<sup>۱</sup>

به فارسی کافور و در کتب طب سنتی نیز کافور نام برده می شود. جسم سفید و شفاف و متبلوری است.

### مشخصات:

درخت کافور، درختی است بزرگ دارای تنه صاف و قائم و تاج بزرگ. از کلیه اعضای درخت، از جمله چوب تنه، شاخه ها و برگ آن کافور گرفته می شود. درخت شبیه درخت زیرون است. تکثیر درخت کافور از طریق کاشت دانه یا خوابانیدن شاخه های آن انجام می گیرد. خود کافور ماده ای است که از جوشاندن و تبخیر قطعات ریز شده ساقه، شاخه و ریشه درخت به دست می آورند.

### ترکیبات شیمیایی:

در درخت کافور اسانس روغنی فراز وجود دارد. در برگهای آن در حدود ۰/۷۳ درصد کافور و ۰/۹۷ درصد کامفرول مشخص شده است. در چربی دانه های درخت، گلیسیریدهای لوریک اسید، کلوپریک اسید و اولئیک اسید مشخص شده است.

### خواص - کاربرد:

در گره از کافور به عنوان داروی ضد تشنج و در عین حال حشره کش استفاده می شود. در چین به عنوان داروی معرق، بادشکن و ضد روماتیسم کاربرد دارد. مخلوط کافور با پمادهایی برای معالجه کچلی به کار می رود.<sup>۲</sup>

کافور دارای مصارف درمانی عدیده بوده به عنوان محرک و نیرو دهنده مراکز عصبی، حرکتی و تنفسی به کار می رود. تأثیر آن بر روی قلب سالم چندان محسوس نیست ولی در موارد نارسائی بدن، موجب تنظیم ضربان قلب و افزایش دامنه نوسان آن

می‌گردد.

از کافور به عنوان مقوی قلب، ضعف مفرط، پایین آوردن درجه گرمای بدن در موارد تب و همچنین کاهش اشتهای جنسی و به عنوان ضد عفونی کننده استفاده می‌گردد.

#### صور دارویی:

کافور در مصارف داخلی به صورت گردو و به مقدار ۰/۵۰ تا یک گرم در روز، بطور تدریجی و به دفعات ۰/۵-۰/۲۵ گرم به شکل کاشه یا حب (یا امولسیون شده یا صمغ یا با یک زرده تخم مرغ) یا در پوسیون‌ها، تنقیه و غیره در اشخاص بالغ مصرف می‌شود. به صورت محلولهای روغنی یا اتره یا تزریق و در استعمال خارج، به صورت گرد در پانسمانها، استنشاق (سیگارت)، آب کافوردار (آب اشباع شده از کافور که دارای ۱/۲۰ آن در لیتر است) به صورت لوسیونهای ضد عفونی کننده و رفع خارش، روغن کامفره، پماد کامفره و غیره به کار می‌رود.

### \* کافور بورنتو

کافور بورنتو یا بورنتول که به شکل دانه‌های متبلور قرمز مایل به سفید یا صورتی مایل به سفید در بازار عرضه می‌شود. درخت کافور بورنتو در سوماترا و بورنتو می‌روید. ترکیبات شیمیایی:

در رزین روغنی درخت کافور بورنتو یا در کافور بورنتو مواد بورنتول و کامفن و ترپینتول و سسکی ترپن وجود دارد.

خواص - کاربرد:

در چین گرد کافور بورنتو را در مقدار خیلی کم و بیشتر در استعمال خارجی، در موارد تیرگی قرنیه چشم مصرف می‌شود. از گرد کافور بورنتو در استعمال خارجی در موارد ناراحتی‌های غشای مخاط بینی، چشم و گلو و بواسیر مصرف می‌شود.<sup>۱</sup>

## \* کافشه - کاجیره

گیاهی است یکساله یا دو ساله از تیره مرکبان که دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۵۰ سانتی متر است.

منشأ اصلی این گیاه را در عربستان ذکر کرده‌اند ولی امروزه در نقاط دیگر هم کشت می‌شود. از گلبرگهای این گیاه ماده‌ای به رنگ زرد، زیبا و محلول در آب و ماده دیگری به رنگ قرمز به نام کارتامین که آن نیز در آب محلول است، به دست آورده‌اند. دانه این گیاه که به کافشه موسوم است، شامل ۳۰ تا ۳۷ درصد از مواد پروتیدی و ۴۵ تا ۴۶ درصد از مواد چربی است.<sup>۱</sup>

کاجیره، قرطم است.<sup>۲</sup> قرطم اسم عربی است و به عربی حب العصفرو بزرالاحریض و به فارسی خشک دانه، تخم کافشه و تخم کاجیره و به سریانی کشنی و به رومی وقیطا و روس و به یونانی اطرقطوس و فیقن و به هندی کطر و کسبه کی بیج گویند و آن بری و بستانی می‌باشد و مراد از مطلق آن بستانی است و آن تخم عصفراست. دانه آن صنوبری شکل مایل به پهنی، بهترین آن سفید، تازه، سنگین و بالیده آن است.

گرم در دوم و خشک در اول با قوت مسهله و کم غذا و منقی و مصفی صورت و نافع قولنج و مسهل شکم و مخرج بلغم با اخلاط دیگر و تقویت باه نماید.

در حدیث معتبر منقول است که حکم بن عیینه به خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفت، دید که جامه سرخ تیره که به گل کافشه رنگ کرده بودند، پوشیده است.

حضرت فرمودند: که در این جامه چه می‌گویی؟ حکم گفت که چه گویم در چیزی که شما پوشیده باشید اما جوانان که در میان ما این جامه را می‌پوشند ما ایشان را عیب می‌کنیم. حضرت فرمود که زینت خدا را کی حرام کرده است؟ بعد از آن فرمود که به این سبب این جامه را پوشیده‌ام که تازه داماد شده‌ام. در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که جامه سرخ تیره پوشیدن کراهت دارد مگر برای نو داماد.<sup>۳</sup>

۲- محیط اعظم، ج ۴، ص ۳.

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۲۷۸۴.

۳- حلیۃ المتین، ص ۸.

## \* کاکوتی

مشخصات:

گونه‌ای از آن یکساله کوچک است به بلندی ۵-۱۲ سانتی متر. برگهای آن سبز تیره، باریک و نوک تیز است و گل‌های آن ریز و بنفش رنگ می‌باشد.

خواص - کاربرد:

از تخم آن به عنوان تب‌بر استفاده می‌شود. گرد تخم خشک گیاه را با ماست یا دوغ مخلوط کرده برای قطع اسهال خونی می‌خورند. برگ‌ها نرم‌کننده سینه و بادشکن هستند و برای ازدیاد نیروی جنسی نیز مفید می‌باشند.

در هند جوشانده گیاه خشک را می‌خورند برای معالجه تیفوس و در گرمای زیاد از دم‌کرده برگ‌های گیاه به عنوان نوشابه خنک کننده می‌نوشند.<sup>۱</sup>

کاکوتی برای ازدیاد شیر مفید است به علت داشتن هورمون زیاد، خوردن آن با دوغ نافع است.<sup>۲</sup>

کاکوتی در بند آمدن خونریزی از بینی فوق‌العاده مفید و مؤثر است. کاکوتی خشک به صورت دم‌کرده و جوشانده به مقدار پانزده تا بیست گرم در یک لیتر آب مصرف می‌شود.<sup>۳</sup>

حمام گرم کاکوتی برای اشخاصی که روماتیسم دارند یا اعضاء بدنشان ضعیف شده، مقوی است در این مورد باید ۲ گرم اسانس کاکوتی را در آب وان حمام ریخت و به مدت یک ربع در آن دراز کشید و خوابید.<sup>۴</sup>

کاکوتی خشک را به مقدار پانزده تا بیست و پنج گرم در یک لیتر آب دم‌کرده به مصرف برسانید. کاکوتی برای سیاه سرفه تجویز می‌گردد و خلط آور خوبی است. مصرف دم‌کرده کاکوتی در مورد برنشیت مفید می‌باشد.<sup>۵</sup>

۱- معارف گیاهی، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲- اعجاز خوراکیها، ص ۱۲۹.

۳- همان.

۴- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۷۲.

۵- همان.

## \* کاکائو

درخت کوچکی است که منشأ اصلی آن در مکزیک و آمریکای مرکزی بوده است ولی امروزه به علت استفاده فراوانی که از دانه آن می‌شود، در غالب نواحی مساعد پرورش می‌یابد.

دارای برگهای بزرگ، منفرد، با دمبرگ کوتاه، بی کرک، شفاف و شامل دو استیپول کوچک و زودافت می‌باشد. گلهای آن کوچک، به رنگ مایل به قرمز، فاقد بو و مجتمع به صورت دسته‌های ۶ تا ۷ تایی است که بر روی تنه درخت یا شاخه‌های مسن و نیز شاخه‌های جوان ظاهر می‌گردند.

تخمندان آن آزاد، مرکب از ۵ خانه و میوه‌اش دراز، بیضوی، به صورت نوعی به رنگ زرد یا قرمز، ناشکوف و دارای برجستگی‌های مشخص طولی است.

دانه کاکائو به درازای ۲ تا ۳ سانتیمتر، به عرض ۱/۵ سانتی‌متر و به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز می‌باشد. بادام درون آن رنگ قهوه‌ای، قرمز یا مایل به بنفش یا سایه مایل به آبی و روغن فراوان دارد. سطح خارجی آن از یک غشای نازک آلومین پوشیده است. لپه‌های آن حجیم، بوی آن ضعیف، طعمش کمی تلخ، مطبوع و معطر است. واریته‌های مختلف این گیاه و گونه‌های دیگر آن امروزه در بعضی از نواحی حاره پرورش می‌یابند. دانه این گیاه تحت نام کاکائو در بازرگانی عرضه می‌شود. گرد کاکائو به مصارف تهیه شکلات و فرآورده‌های داروئی مختلف مانند شربت‌های مقوی و غیره می‌رسد به علاوه منشأ تهیه بورردوکاکائو است. از بورردوکاکائو به صورت اکسیپیان، برای تهیه شیاف، پماد و غیره استفاده می‌شود. پوست دانه کاکائو به مصارف تهیه تئوپرومین می‌رسد، به علاوه دم‌کرده آن به عنوان یک نوشابه مقوی غالباً مصرف می‌گردد.<sup>۱</sup>

کاکائو دانه درختی است که بو داده، سرخ شده و پوست کنده و کوبیده آن را کاکائو می‌گویند.



### مشخصات:

درختچه‌ای است به ارتفاع ۸-۱۰ متر، برگهای آن بی کرک، براق، با دمبرگ بیضی و نوک تیز. گل‌های آن کوچک، قرمز، بدون بو است. میوه آن دراز، تخم مرغی، ظاهراً به شکل خیارهای با پوست ناصاف و رنگ زرد یا قرمز است.

### ترکیبات شیمیایی:

دارای روغنی هستند که به کره کاکائو معروف است و نیز دارای آلکالوئید محرک و آمیدون و مواد معدنی و فرمان‌های مختلف، سلولز و... می‌باشند.

### خواص - کاربرد:

جوشانده ریشه درخت کاکائو به عنوان قاعده آور و اکبولیک و در آخر برای سقط جنین مورد استفاده است. ماده چربی که از دانه‌های سرخ شده کاکائو حاصل می‌شود نرم‌کننده است و برای ترک‌های دست در اثر سرما و ترکهای لب و شقاق نوک پستان مفید است.<sup>۱</sup>

## \* کاکل ذرت

کاکل ذرت دارای بهترین عامل ادرار آور است و می‌توان در امراض مزمن مصرف آن را یک ماه تا شش هفته متوالی ادامه داد.

جوشانده کاکل ذرت به مقدار سی گرم آن در یک لیتر آب در موردی که بیماری مبتلا به حبس البول شده است شن کلیه یا کیسه صفرا پیدا کرده است مثانه‌اش سرماخورده یا مبتلا به ورم مثانه مزمن شده است، همچنین وقتی که سنگ کلیه پیدا کرده یا دچار قولنج کلیوی گردیده است، تجویز می‌گردد.

اشخاصی که مزاج آنها مستعد تولید شن در کلیه و کیسه صفراست و احتیاج به

خروج ادرار هست، مصرف آن مفید و مؤثر است.<sup>۱</sup>

جوشانده کاکل ذرت در معالجه و رفع یبوست نتایج خوبی دارد. باید شربت ذرت را دوازده تا پنج گرم شیره مایع کاکل ذرت که در ۹۸۸ گرم شربت ساده به دست آمده تجویز کرده مقدار مصرفی آن سی تا هشتاد گرم در روز است.<sup>۲</sup>

مصرف کاکل ذرت برای بیماران سنگ مثانه، التهاب و ورم و درد مثانه، نزله مثانه، نفريت‌ها، آلومنیوری، بیماریهای قلب و تفرس مفید تشخیص داده شده است.

کاکل ذرت در رفع رسوبات ادراری نتایج نیکو می‌دهد، اهم از این که این رسوبات شامل اوراتها و اسید اوریک یا به رنگ روشن و دارای ترکیبات شیمیایی فسفات‌ها باشد.<sup>۳</sup>

این گیاه دارای برگهای دراز و ساقه راست و نازک، بلندیش تا یک متر می‌رسد، دانه‌هایش زرد رنگ و شبیه نخود ریز و به شکل خوشه پهلوی هم تشکیل می‌شود. غالباً شاخه آن را پیش از آنکه دانه‌های آن خشک شود روی آتش بریان می‌کنند و دانه‌هایش را می‌خورند. در میان کردها جوشانده آن را برای رفع سنگ مثانه به مصرف می‌رسانند.<sup>۴</sup>

قسمت مورد استفاده این گیاه، خامه آن است که مجمرعه آن کاکل ذرت نامیده می‌شود. روغن ذرت در رفع آگزما و بیماریهای جلدی نوزاد مفید است، همچنین دارای اثر مدر قطعی و آرام کننده است. مصرف آن نه تنها مجاری ادرار را تحریک نمی‌نماید، بلکه درد و بعضی از ناراحتیهای مربوطه را نیز تسکین می‌دهد.<sup>۵</sup>

## \* کاکنج

گیاهی است از تیره بادنجانیان که گیاهی علفی است و ارتفاعش بین ۳۰ تا ۶۰ سانتی متر است و به حالت خودرو در اراضی آهکی مزارع و موستانهای غالب نقاط اروپا و آسیا از جمله ایران و آمریکا می‌روید. ساقه‌اش راست و زاویه دار به رنگ مایل به قرمز

۱- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۶۸.

۲- همان، ص ۱۶۹.

۳- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۲۷۳.

۴- رشته مروارید، ج ۴، ص ۱۹۶.

۵- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۲۷۳-۲۷۱.

است.

میوه آن مایل به قرمز و بزرگی یک گیلاس و پوشیده از پرده‌ای است که از به هم پیوستن کاسبرگها حاصل می‌شود (نام عروسک در پرده که به این گیاه داده‌اند، به همین مناسبت است).

نزد عامه اهل فارس معروف به عروسک پس پرده و به شیرازی کنچومن و به یونانی قسولیدوس و قیدس و اوسفدنون و به سریانی خمیری موجا و به رومی اسفیدولیون و به عربی جوزالمرج و حب اللهو و به هندی راجپوتکه و بن پوتکه و به لاتینی هلیله کایم نامند و آن از انواع عنب الثعلب است.

کاکنج دو نوع است، کوهی و باغی و از مطلق آن مراد بستانی (باغی) است و مستعمل پوست میوه و دانه است که سرخ تازه باشد. قوت آن تا سه سال باقی می‌ماند و مزاجش سرد و خشک در دوم است.

کاکنج نافع خنازیر و درد جگر و چکاندن عصاره اش در گوش نافع زخم کهنه آن و آشامیدن آن نافع تنگی نفس و یرقان و مخرج کرمها و کرم کدو و صفرا با ادرار و دافع امراض کلیه و مثانه و زخم آن و زخم مجاری ادرار است و چون آب کاکنج را با مغز فلوس بنوشند نافع ورم جگر است و تداوم آن به مقدار یک مثقال هر روز، جهت یرقان مفید است.

گویند: اگر زن تا هفت روز، و روزی هفت عدد از آن را بخورد، بعد از پاکی از حیض، جهت منع حمل مجرب است. مالیدن عصاره آن محلل سختیها و بواسیر و نواصیر و مخدر است. مصلح آن گل‌قند است و کثرت استعمالش مضر کلیه است و مصلحش گل سرخ و گل فارسی و بدلس بزرالبنج سفید و گویند عنب الثعلب و یا تخم خیار است. مقدار خوراکش از دو تا سه درم است. کاکنج کوهی نیز مدر بول است. یک مثقال آن خواب آور بوده و بیشتر از آن موجب جنون است.<sup>۱</sup>

۱- محیط اعظم، ج ۴، ص ۱۱۲ قانون در طب، ج ۲، ص ۱۱۸۶؛ الاثیه، ص ۲۷۶؛ تحفه حکیم، ص ۲۱۴؛ قرابادین کبیر، ص ۳۴۸؛ صیدنه، ج ۲، ص ۹۶۵.

## \* کاهو

امام صادق علیه السلام فرمود: «علیکم بالحنس فانه یطبخ الدم»<sup>۱</sup> یعنی بر شما باد کاهو که خون را خاموش می نماید.

و در برخی از روایات (یصق الدم) یعنی خون را صاف می کند و در بعضی دیگر (یقطع الدم) یعنی خون را قطع می نماید.<sup>۲</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: «کلوا الحنس فانه یورث التماس و یهضم الطعام». یعنی کاهو بخورید که باعث خواب است و غذا را می گوارد.

کاهو به علت طعم مطبوع خود بطور خام مصرف می گردد و ویتامینهای آن هیچ گونه تغییری نمی کند.

کلروفیل که ماده سبز رنگ نباتات می باشد، در برگ کاهو به مقدار زیادی وجود دارد که موجب ازدیاد هموگلوبین خون است، بعلاوه کلروفیل در جذب و سوخت و ساز مواد غذایی صرف شده تسریع و در نتیجه به تشکیل خون کمک می کند و همچنین به گفته دانشمندان کلروفیل نباتات عضله قلب را تحریک و تقویت می نماید.

کاهو سرشار از ویتامین های A، B، C، دارای آهن، آهک، کلسیم، فسفر، منیزیم، ید، منگنز، روی، سدیم و مس است. خاصیت آن خنک و تشنگی را تسکین داده و رنگ قیافه را باز می کند. سالاد کاهو مانند تمام میوه ها و سالادها اشتها را تحریک می کند. کاهو غذای سهل الهضمی است، از مجاری دستگاه هاضمه عبور کرده و راه را برای غذاهایی که به خوبی هضم نشده اند، به خارج دفع می کند.<sup>۳</sup>

کاهوی پخته برای ازدیاد شیر نافع است.<sup>۴</sup>

کاهو، معده و روده ها را تقویت می کند، جوشانده شصت گرم کاهو در یک لیتر آب با شام یا قبل از خواب میل کنند، رفع بیوست کرده و چون خواب آور است، خوابی راحت

۲- همان.

۱- محاسن ص ۵۱۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳.

۳- میوه ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۵۹.

۴- راه نجات از مرگ مصنوعی، ج ۵، ص ۱۲.

خواهید کرد.<sup>۱</sup>

کاهو آثار نیکویی در عمل کبد و حبس البول دارد.<sup>۲</sup>

محلول جوشانده شصت گرم کاهو در یک لیتر آب برای شستشو و رفع جوش صورت مفید است، ضماد کاهوی پخته با کمی روغن زیتون برای معالجه انواع دمل و کورک و آبسه سوختگی مفید می باشد.

آنهایی که مستعد چاقی هستند کاهو و سالادهای دیگر را فقط با کمی آب و مقدار خیلی کم نمک مصرف نمایند. استعمال طولانی آن مضر است.<sup>۳</sup> محلول جوشانده تخم کاهو به مقدار یک قاشق قهوه خوری در یک فنجان آب در معالجه آسم مفید است.

در سینه پهلو باید محلول جوشانده تخم کاهو به مقدار یک قاشق قهوه خوری در یک فنجان آب تجویز کرد.<sup>۴</sup> برای مرطوب ساختن دماغ، روغن تخم کاهو مفید است.<sup>۵</sup> کاهو دوست معده و دشمن بی خوابی است.

سالاد کاهو یک غذای عمومی و جهانی است، زیرا بهترین دوست معده است و غشاء کهنه و فرسوده آن را تجدید می کند.

در مصرف کاهو، پیش درآمد «هضم کامل غذا» از دهان شروع می شود و باید آن را خوب بجوید. اگر کاهو را خوب بجوید و با آب دهان مخلوط کنید، تمام طول معده و روده ها را تقویت کرده و غدد جهاز هاضمه را وادار می کند در حجم زیاد، شیرهای خود را نه تنها برای هضم کاهو، که برای تحلیل غذایی که بعداً خورده می شود، ترشح کند.

کاهو همیشه باید قبل از غذا مصرف شود؛ زیرا هضم آن آسان است و به راحتی از مجاری دستگاه هاضمه عبور کرده و راه را برای مواد غذایی بعدی باز می کند. کاهو برای بی خوابی، طپش قلب، تحریکات و سرفه های عصبی بسیار مفید است.<sup>۶</sup>

۱- میوه ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۶۱.

۲- اسرار خوراکیها، ص ۱۲۷.

۳- میوه ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۶۱.

۴- همان، ص ۶۲.

۵- راه نجات از مرگ مصنوعی، ج ۵، ص ۱۴ و ۱۵.

۶- مجله برگ سبز، ص ۳۱، مرداد و شهریور ۱۳۷۱.

## آب کاهو:

آب کاهو سرشار از مواد معدنی و ویتامین‌هایی مانند: A. B. C. D. E است بطوری که دارای یک واحد از ویتامین E برای هر ۵۰ گرم و ۱۷/۷ میلی گرم ویتامین C برای هر ۱۰۰ گرم کاهوی تازه است. کاهو علاوه بر لاکتوکاریوم، عناصر مفید فراوان مانند آهن، کلسیم، فسفر، ید، منگنز، روی، مس، سدیم، کلر، پتاسیم، کبالت، آرسنیک، فسفات‌ها، سولفات‌ها، استرول و کاروتن نیز دارا می‌باشد.

آب کاهو به علت دارا بودن لاکتوکاریوم، اثر مسکن و ضد تشنج دارد. برای افراد عصبی و کم خوابی، کاملاً مفید واقع می‌گردد. آب کاهو را به تناسب، به آب سبزیهای دیگر می‌افزایند.<sup>۱</sup>

## \* کاوا

کاوا گیاه دیگری است که در کتب طب سنتی و به فارسی «کاوا» گفته می‌شود.

## مشخصات:

این گیاه به صورت درختچه‌ای است و در مناطق مختلف اقیانوسیه و بولی نزی و جزایر هاوایی انتشار دارد. در ایران تا به حال شناسایی نشده است. ریشه این گیاه مهمترین قسمت دارویی گیاه است.

## ترکیبات شیمیایی:

ماده عامل فعال فیزیولوژیکی گیاه در رزین آن است. در رزین آن ماده مؤثر دارویی به نام دی‌هایدرو کاوائین که مشابه ماریندی تین است، وجود دارد و یک ماده مؤثر آرام‌بخش و مسکن دیگری به نام دی‌هایدرو قیستی سین در آن مشخص شده است.

### خواص - کاربرد:

ریشه گیاه برای معالجه سوزاک، ضد عفونی مجاری تناسلی و مجاری ادرار، کاهش التهاب و ورم مثانه مصرف می شود. از برگهای این گیاه برای قطع خونریزی داخلی و خارجی استفاده می شود.<sup>۱</sup>

### \* کبابه

درختچه ای است بالا رونده از دسته فلفل های سیاه و از تیره بیدها که ساقه اش قابل انعطاف و بی کرک و شاخه هایش کوتاه است و منشأ اصلی آن جاوه و سوماترا و برتو است ولی امروزه در این نواحی و همچنین در هند و نقاط دیگر پرورش می یابد. کبابه اصل، کبابه چینی، کبابه صینی، حب العروس، کبابیه، کباب چینی، مهلیون و فریغلیون نامیده می شود.<sup>۲</sup>

در هند سخنرانان و غزل گویان آن را در دهان گذاشته می شوند. کبابه چینی ۳ گرم، سوره قلمی ۱ گرم روزانه ۳ مرتبه آن را خوردن مرض سوزاک را علاج است. سردرد کهنه را نافع است، ۳ گرم کبابه چینی با آب ترب برای سردرد مفید است، بر اعضای تناسلی و بول اثر زیاد دارد به این جهت در مرض سوزاک روغن آن و در قرحه و سوزش مثانه استعمال می شود. مالیدن آن بر آلت تناسلی لذت را زیاد می کند. مقوی لثه و دندان است، مدر بول و حیض، سده های جگر و طحال را باز می کند با غسل برای سرفه مفید است. طلای آن بر آلت تناسلی آن را قوی می کند، بر اورام محلل است و برای امراض مثانه مضر است. مصلح آن گلاب، صندل سفید و مصطکی، بدل آن دارچین، هل کوچک و بزرگ، نفع خاص؛ منقی مجاری بولیه، حابس اسهال، مقوی معده و سنگ مثانه و گرده را خارج می کند. کاشت آن در چین هم زیاد است به این دلیل آن را کبابه چینی می گویند.<sup>۳</sup>

۱- معارف گیاهی، ج ۵، ص ۸۳.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۲۸۸۳.

۳- کتاب المفردات، ص ۳۵۲ بوستان المفردات، ص ۲۱۳ مخزن المفردات، ص ۲۹۲.

## \* کبر

گیاهی است از ردهٔ دولپه‌ایهای جداگلبرگ که سردستهٔ تیره‌ای به نام کبرها می‌باشد. این تیره را می‌توان جزو تیره‌های نزدیک صلیبیان محسوب داشت. بوته‌های گیاه مزبور بیشتر به شکل درختچه می‌باشد و گاهی هم به صورت درخت درمی‌آید. در حدود ۱۲۵ نوع از این گیاه شناخته شده که همه خاردار می‌باشند و مخصوص نواحی معتدل یا گرم هستند.

کیار، کبره، کبر شوکی، قبار، قباریش، اثونیطس، کورک، قبارس، کورز، اصف، لصف، شجرة الشفلج، کبر قدانی، کبره آغاجی، قباریس، قبار آغاجی، شوک الحمار، پانه ترو، خاف خاندرو و خرنوب شامی نیز نامیده می‌شود.<sup>۱</sup>

تخمش زرد می‌شود و در تارسی کمی تلخ و با عفوvert است و هرچه رسیده‌تر شود طعمش شیرین‌تر می‌شود. طعم جمیع اجزای آن تلخ است. محل رویش آن خرابه‌ها، سنگلاخها، زمینهای خشن است و آنچه نزدیک آنها و زمینهای مرطوب باشد، خوب نیست.

بیخ آن قویتر از سایر اجزا و اکثر مستعمل آن است. گرم و خشک در دوم است، محلل، مفتح، جالی، دافع سردی و باد است. بیخ آن ملطف و پاک‌کنندهٔ بلغم و سودا و اخلاط لزجه است. ضماد برگ کبر با آرد جو محلل خنازیر و مالیدنش نافع پوسته شدن، بهق و دانهٔ پوست بدن می‌باشد. ضمادش با آرد جو محلل ورم طحال مخصوصاً با سرکه و خوردن نمک سود آن قبل از غذا ملین معده و قاتل کرم شکم است.

خوراک و بخور بیخ آن نافع بواسیر است و نیروی باه را تقویت می‌نماید. خوراک و ضماد آن پادزهر اکثر سموم می‌باشد، پاشیدن گل آن نافع ناصور چشم است و از خواصش مشهی بودن و نافع سپرز بودن است.

خیار کبرگرم و ترو تخم آن در سوم گرم و خشک است، جویدن خیار کبر بدون تخم محرک اشتها، جالی بلغم، مفتح سدهٔ جگر و سپرز و سردرد آورد برای گرم مزاجان



است. مقدار شربت از آب کبر تا هشت درهم است که باید با غسل و سرکه نوشیده شود و خوراک بیخ آن تا سه درهم و در پختنیها تا هفت مثقال می باشد. مضر مثانه است و مصلحتش انیسون، مضر معده گرم مزاجان است و مصلحتش سکنجبین است.<sup>۱</sup>  
گیاهی زیبا، دارای شاخه های متعدد، پوشیده از کرک و به طول ۱ تا ۱/۵ متر است. میوه، ریشه و پوست آن بیشتر به مصارف درمانی می رسد.

### ترکیبات شیمیایی:

ریشه و جوانه های مولد گل آن، دارای پکتین، ساپونین، نوعی اسانس (به مقدار بسیار جزئی)، یک ماده رزینی، یک رامنوگلوکزید و ماده ای به نام کاپاری روتین است.

### خواص درمانی:

پوست ریشه گیاه سابقاً در بیماریهای مختلف مخصوصاً امراض مربوط به کبد و طحال مصرف می گردید و از آن در موارد ضروری به عنوان مدر، قابض و مقوی نیز استفاده به عمل می آید. مصارف آن در رفع آب آوردن، کم خونی و رنگ پریدگی دختران جوان، ضعف عمومی همراه با ضعف اعصاب و همچنین در نقرس معمول بوده است.

## \* کتان

منشأ اصلی و جغرافیایی کتان به درستی معلوم نیست ولی احتمال دارد در سرزمین قفقاز باشد. امروزه در منطقه وسیعی از نواحی مختلف جنوب اروپا و آسیا یافت می گردد به علاوه در بسیاری نقاط مساعد پرورش می یابد.

گیاهی است علفی، یکساله، و به ارتفاع ۳۰ تا ۷۰ سانتی متر که به منظور استفاده های صنعتی و دارویی، پیوسته مورد کشت قرار می گیرد.

۱- محیط اعظم، ج ۴، ص ۱۲۷، تحفه حکیم، ص ۲۱۴؛ فرابادین کیرا، ص ۳۲۹؛ صیدنه، ج ۲، ص ۵۷۹؛ الابنه، ص

استفاده از کتان به زمانهای ماقبل تاریخ نسبت داده می شود. در قرن پنجم قبل از میلاد، پرورش آن در مصر و بین النهرین معمول بوده است. طرفداران مکتب بقران در قرن ۴-۵ قبل از میلاد از دانه آن در مصارف داخلی به عنوان ضد نزله، دفع دردهای ناحیه شکم و در استعمال خارج به صورت ضماد و به منظور رفع تحریکات جلدی استفاده می کردند.

«تثوفراست» در قرن چهارم قبل از میلاد، دانه آن را به علت دارا بودن لعاب فراوان، در رفع سرفه مؤثر می دانسته است. در قرن اول میلادی، دیوسکورید، برای دانه کتان و دانه شنبلیله اثری مشابه قائل بوده، مصرف آنها را در رفع کلیه حالات التهابی به عنوان نرم کننده، خلط آور و رفع تحریکات جلدی توصیه می کرده است. در قرون وسطی و از آن به بعد، از دانه کتان مصارفی شبیه به زمانهای قبل به عمل می آمد.

از الیاف کتان در طی قرون متمادی برای تهیه پارچه استفاده کرده اند. اهمیت آن از این نظر در حال حاضر خیلی از سابق زیادتر شده است. از دانه آن، روغنی به نام بزرک استخراج می شود. رنگ این روغن اگر بدون مداخله حرارت تهیه شده باشد، زرد روشن و اگر به کمک گرما به دست آید، مایل به قهوه ای است و بخصوص به مصارف صنعتی می رسد. دانه کتان نرم کننده خوبی است و در رفع یبوست ها از آن استفاده می شود. دم کرده دانه آن اثر قاطع در وضع التهاب مخاطهای بدن مخصوصاً مجاری ادرار دارد. از دانه کتان در رفع گاستریت، ورم روده و صفاق، یبوست ها و به علت دارا بودن اثر مدر در موارد عدم ترشح کافی ادرار، ورم مثانه، التهابهای دردناک منشأ سنگ کلیه، سرفه، دردهای زمان قاعدگی، و دیابت استفاده می کنند.

در استعمال خارج از گرد دانه کتان و یا جوشانده آن در رفع التهابهای سطحی بدن، زخمهای دردناک و اولسرها به صورت ضماد استفاده می کنند. از الیاف این گیاه در تهیه پارچه های کتانی استفاده می کنند. این گیاه در آذربایجان، تبریز، جنوب ایران، لار، و بندر عباس می روید. کتان به علت مصارف مهمی که در صنعت دارد غالباً پرورش می یابد.<sup>۱</sup>

دانه تخم کتان مصارف پزشکی دارد و برای آن خواص نرم کننده، ملین، ادرار آور و مسکن ذکر کرده‌اند در تمام بیماریهایی که مربوط به ورم مجاری هاضمه و ادرار است از قبیل ورم روده‌های کوچک، یبوست، ورم مثانه، حبس البول، ورم کلیه و سوزاک تجویز می‌گردد.<sup>۱</sup>

مقدار مصرف آن سه قاشق سوپخوری تخم کتان در یک لیتر آب جوش است که باید یک شب آن را دم‌کرد و بعد هر روز سه تا چهار فنجان آن را مصرف کرد.<sup>۲</sup>  
دانه تخم کتان را آرد کرده و از آن ضمادی تهیه می‌نمایند که برای رسانیدن دمل، کورک و آبسه مفید است.<sup>۳</sup>

### \* کتیرا

به فارسی کتیرا و به عربی کتیرا گفته می‌شود. گونه‌های مختلفی است که به صورت درختچه یا گیاهان علفی چند ساله و یکساله می‌باشد تعداد گونه‌های آن از ۲۰۰ متجاوز است. عموماً در مناطق استپی و کوهستانی ایران می‌رویند و غالب آنها خاردار هستند. از تعداد زیادی از آنها صمغ کتیرا استخراج می‌شود که از لحاظ اقتصادی بسیار اهمیت دارند، زیرا کتیرا مورد مصرف دارویی و صنعتی فراوانی دارد. در کتب طب سنتی این گیاهان با نام «محلّب العقاب» آمده است.<sup>۴</sup>

کتیرا صمغی است که از برخی گونه‌های آن گون که معمولاً به نام گون کتیرا یا علف کتیرا خوانده می‌شوند، حاصل می‌گردد. برای تحصیل کتیرا معمولاً گون را تیغ می‌زنند. کتیرا در گرمای ۱۰۰ درجه، ۱۵ درصد آب خود را از دست می‌دهد، و در آب حل نمی‌شود و فاقد هرگونه اثر درمانی است. لذا چون دارویی امولسیون دهنده است برای معلق نگهداشتن پودرهای دارویی غیر محلول از آن استفاده می‌کنند و نیز در تهیه قرصهای بم دوتلو و بی‌کربنات دوسود و کلرات دویتاسیم و کلریدرات دوکائین و غیره از

۱- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۷۱.

۲- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۲۵.

۳- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۷۱.

۴- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۷۱.

آن استفاده می شود.

در صنعت از کتیرا در نساجی و ساختن چسب و کاغذ سازی و کفاشی و غیره استفاده می شود.

در اکثر نقاط ایران و بخصوص در شهرهایی مانند: مشهد، سبزوار، سلطان آباد، تربت حیدریه، کرمان ملایر، کردستان و شیراز به دست می آید. رنگهای مختلف کتیرا عبارتند از: سفید، زرد، قهوه‌ای کم رنگ و قهوه‌ای پُورنگ.

صمغ کتیرا تا اندازه‌ای شفاف، بی مزه و لزج است. سه نوع کتیرا در بازار معروف است: کتیرای ورقی، کتیرای مفتولی و کتیرای معمولی و مهم ترین محصول کتیرای ایران کتیرای ورقی است.<sup>۱</sup>

کتیرا اسم فارسی است به عربی کثیرا و به یونانی طراغامیثا و طرافائیبا نامند و به سریانی طراحا و طراحاماسیا نامند. قوت آن تا سی سال باقی می ماند و آن سفید و سیاه می باشد. و بهترین آن سفید صاف املس باریک خالص مائل به شیرینی است.

گویند که آن مغلظ خون و مواد رقیق و ملین صلابت و مسکن لذع و حدت اخلاط و مصلح ادویه حاده مسهله و کاسر حدت آنها مثل شحم حنظل است چون سر را بدان بشویند منع شقاق مو نماید و موی مجعد را دراز گرداند. آن نافع سرفه خشک و قرحه ریه و خشونت حلق و سینه است و خوردن آن با شیر خریا شیر تازه بُز قاطع نفث الدم و نرف الدم و نافع سرفه و خشونت سینه است. طلای آن رفع خشونت پوست و شقاق لب کند.<sup>۲</sup>

دیسقوریدوس گوید: صمغ درختی است که آن را طرقاقیبا گویند و ما از بحث آن فارغ شده ایم. مزاج آن سرد مایل به خشکی است. تماماً اثر صمغ را دارد و در خشکانیدن هم تقریباً با صمغ همکار است. کتیرا را همچون صمغ در چشم می کشند.<sup>۳</sup> کتیرا با عسل معجون شود و زیر زبان بگذارند در تسکین سرفه و از بین بردن زبری

۲- محیط اعظم، ج ۴، ص ۴۰.

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۲۹۰۸.

۳- قانون در طب، ج ۲، ص ۱۸۶.

سینه سودمند است. خوراک تناولی باید به وزن یک (درهمی) باشد که برابر هیجده قیراط است. کتیرا با سوخته شاخ گوزن که شستشو داده باشند یا با کمی زاج بلوری قاطی کنند درمان درد گرده و سوزش مثنانه است.<sup>۱</sup>

کتیرا صمغ قتاد است و به فارسی گون نامند و در حرارت و برودت معتدل و در اول تر است و بعضی در اول سرد و خشک دانسته‌اند. مداومت آشامیدن آن با مثل آن از هر یک از بادام و نشاسته و شکر به غایت مسمن بدن خصوصاً چون بعد از آن شیری که در آن نارگیل پخته باشند، بنوشند و از اسرار مجربه شمرده‌اند.

طلای آن با نوره و گوگرد جهت جرب و احکک و با سرکه جهت بهق و برص و با لعابها جهت شق شدن موی و اکتحال آن مفید است.<sup>۲</sup>

کتیرا صمغ یا شیرهای است که از گیاهی به نام گون گرفته می‌شود. گون گیاهی است خاردار با ساقه‌های ستبر و شاخه‌های بلند و انبوه، گل‌های سفید یا زرد کم‌رنگ، در نقاط کوهستانی می‌روید، برای به دست آوردن کتیرا ساقه‌های گیاه را تیغ زده و پس از تیغ زدن شیرهای آن بیرون می‌آید و منعقد می‌شود سپس آنها را جمع آوری می‌کنند. در میان کردها کتیرا را برای لیت مزاج و رفع پیوست به مصرف می‌رسانند.<sup>۳</sup>

### \* کدو

گیاهی است از رده دو لپه‌ای‌های پیوسه گلبرگ که سردسته تیره خاصی به نام تیره کدویان می‌باشد. گیاهی است بالا رونده و علفی و دارای برگهای ساده و خشن است و برخی از برگها به صورت پیچکهایی درمی‌آیند که گیاه بدان وسیله به تکیه‌گاه می‌چسبند. میوه این گیاه حجیم می‌شود و درون میوه، دانه‌های زیادی قرار می‌گیرند.<sup>۴</sup>

۱- قانون در طب، ج ۲، در قسمت طرغافینا (گون کتیرا)، ص ۱۷۴.

۲- تحفه حکیم، ص ۲۱۶. ۳- طب سنی در میان کردان، ص ۱۴۳.

۴- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۲۹۲۳.

کدو در روایات:

قال عليه السلام: «كل اليقطين فلو علم الله تعالى شجرة اخف من هذا لأنبتها على اخي يونس»<sup>۱</sup>.  
پیغمبر ص فرمود: «کدو را بخورید اگر خدا می دانست که سبکتر از آن گیاهی بود آن را برای برادرم یونس می رویاند».

قال عليه السلام: «إذا اتخذ احدكم مرقاً فليكثر فيه الدباء، فإنه يزيد في الدماغ والعقل»<sup>۲</sup>.  
پیغمبر خاتم ص فرمود: «موقعی که یکی از شما آب گوشت درست کرد، کدو بیشتر در آن بریزد که مغز و عقل را زیاد می کند».

در روایات زیادی است که رسول خدا ص کدو را دوست می داشت. امام صادق ع از امیرالمؤمنین ع نقل کرده که فرمود: «کدو را بخورید که بر مغزتان می افزاید» و همچنین فرمود: «انه جيد لوجع القولنج»<sup>۳</sup>. «بر درد قولنج هم خوب است».

حسین بن علی ع از جدش رسول خدا ص نقل کرد که فرمود: کدو بخورید، اگر خدا می دانست که سبکتر از آن گیاهی هست، آن را می رویانید بر برادرم یونس. وقتی که از شما کسی تلیت فراهم کند از کدو بیشتر بخورد که بر دماغ و عقل شما می افزاید.<sup>۴</sup>  
رسول خدا ص فرمود: «من اكل الدباء بالعدس رق قلبه عند ذكر الله و زاد في جماعه»<sup>۵</sup>. «هر کس کدو را با عدس بخورد دلش وقتی که خدا یادش آید نازک می گردد و جماع او بیشتر می شود».

رسول خدا ص به علی ع فرمود: کدو بخور، زیرا هر کس آن را بخورد صورتش نورانی و زیبا می شود کدو غذای من و غذای پیامبران پیش از من است.<sup>۶</sup> باز رسول خدا ص فرمود: کدو عقل را پاک و دماغ را زیاد می نماید.<sup>۷</sup>

امام رضا ع فرمود: «شجرة اليقطين هي الدباء و هي القرع». امام رضا ع فرمود: گیاه کدو همان دباء و قرع است.

۱- بحار، ج ۶۱، ص ۲۹۷. ۲- همان.

۳- محاسن، ج ۲، ص ۵۲۱، طب الاثمه، ص ۱۱۲۸، بحار، ج ۶۶، ص ۲۲۸.

۴- همان. ۵- همان. ۶- همان.

۷- همان.

امام رضا علیه السلام از پدراناش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «اذا طبختم فاكثروا القرع، فانه يستر قلب الحزين». <sup>۱</sup> موقعی که کدو پختید بیشتر بخورید که دل غمناک را شاد می نماید. علی علیه السلام فرمود: بر شما باد کدو بر دماغتان می افزاید. <sup>۲</sup>

باز علی علیه السلام فرمود: «ان الدباء يزيد في العقل». <sup>۳</sup> کدو عقل را می افزاید.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «كلوا القرع ولا تذبحوه ولا يستفزكم الشيطان». <sup>۴</sup> «کدو را بخورید و سرش را نبرید تا شیطان شما را سبک و ترسو نکند».

این روایت ناظر است به آنچه که معاویه به حیلۀ عمرو عاص جهت امتحان مردم امر به ذبح کدو کرد و آنان اطاعت کردند و این موضوع میان مسلمانان رواج پیدا کرد و در این جا حضرت علی علیه السلام به این عمل سبک، پاسخ می گوید. <sup>۵</sup>

#### خواص:

کدو مانند خیار مولد خلط سمی است و مصلش زیره و ادویۀ حارّه و در مزاج صفاوی غوره و سرکه و امثال آن و ضماد کوبیده آن جهت اورام حارّه و التهاب معده و احشاء و درد سر حار و رفع بیخوابی و خشکی دماغ و قطور آب آن با روغن گل جهت درد گوش و ورم حار و سعوط آن با شیر دختران جهت سرسام، هذیان، بیخوابی و غرغره با آن جهت خناق مفید و ساییده خشک آن جهت سرفه و درد سینه و التهاب صفاوی و درد گلو و اکتحال به آب گل آن و آب ثمر گلدان آن جهت رمد و زردی یرقان که در چشم باشد به غایت مؤثر است.

پوست خشک سوخته آن در قطع نزف الدم جراحات و رفع آکله زخمها مفید است و با روغن تازه جهت سوختگی آتش و با سرکه جهت بهق و برص و خوردن آن جهت بواسیر و نزف الدم احشاء نافع است و چون جوف کدو را با خبث الحديد مملو ساخته پس از چهل روز آب آن را با حنا مخلوط کنند خضاب بسیار نیکوست و مغز تخم کدو در

۱- عبون الاخبار ج ۲، ص ۳۶؛ خصال، ص ۶۳۲؛ بحار ج ۶۶، ص ۱۲۲۵؛ صحیفه الرضا علیه السلام، ص ۱۱ و ۲۶؛ امالی

طوسی ج ۱، ص ۳۷۲. ۲- همان.

۳- همان.

۴- همان.

۵- همان.

دوم سرد و در اول تر و جهت حرقة البول و لاغری کلیه و قرحة مئانه و خشونت سینه و نفث الدم ریه و تبهای حازه و تشنگی و سرفه و قرحة امعاء مفید و روغن تخم آن جهت رفع بیخوابی و بیوست دماغ و مغض صفاوی و سل و تبهای حازه بی نظیر است و قدر شربت از مغز تخم آن و روغن آن تا هفت مثقال و بدلیش مغز تخم هندوانه است و روغن کدو که جوف آن را کوبیده آب آن را با روغن کنجد بجوشانند تا روغن بماند سرد و تر و مرطب بدن و جهت صاحب دق و مایخولیا و حرارت و بیوست دماغ و تشنج یابس و سرفه حار و نرم کردن صلابات بسیار مفید است. و چون کدو را پوست جدا کرده با دنبه و پیه گرده بکوبند و بجوشانند تا مهرا شود، نافع امراض فوق است.

انواع کدو برای مبتلایان به خونریزی تجویز می شود.<sup>۱</sup>

اگر شیرۀ تخم کدو را بکوبند و در شیر بپزند برای رفع عطش ناشی از تب استفاده می نمایند و ممکن است برای رفع بیخوابی، درد و ورم مجاری ادرار مصرف شود.<sup>۲</sup>

انواع کدو دارای ویتامین زیادی است و برای امراض قلبی بسیار مفید می باشد.<sup>۳</sup>

شیرۀ تخم کدو دارای خاصیت ملینی است و اگر کسی مبتلا به بیوست های سخت باشد و صبح ناشتا یک فنجان از آن را سرکشد از شر بیوست راحت خواهد شد.<sup>۴</sup>

تخم کدو ضد کرم کدو می باشد، مقدار خوراک تخم کدو برای انداختن کرم در اشخاص بالغ ۷۵ تا ۱۰۰ گرم و در اطفال نصف این مقدار می باشد.<sup>۵</sup>

ضماد کدو حلوایی برای درمان دمل مفید است.<sup>۶</sup>

اگر کدو حلوایی پخته گرم را به صورت بمالید و بعد از نیم ساعت آن را بشوید رنگ صورت را باز و چهره را زیبا می نماید.<sup>۷</sup>

انواع کدو نرم کننده سینه و خنک کننده می باشد.<sup>۸</sup>

خوردن کدو عقل را زیاد می کند.<sup>۹</sup>

۱- اسرار خوراکیها، ص ۲۳۵.

۲- میوه ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۷۰.

۳- میوه ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۷۲.

۴- اسرار خوراکیها، ص ۱۰۶.

۵- اسرار خوراکیها، ص ۲۳۵.

۳- اسرار خوراکیها، ص ۲۱۵.

۵- اعجاز خوراکیها، ص ۱۳۴.

۷- اعجاز خوراکیها، ص ۱۲۴.

۹- حلیة المتقین، ص ۵۸.



## \* کدوی هندی

ترکیبات شیمیایی:

مغز تخم کدوی هندی دارای مقدار زیادی روغن ثابت است. به علاوه گیاه و تخم آن دارای نشاسته و آلکالوئید کوکوری تین و یک رزین اسید و انواعی از پروتئید است.

خواص - کاربرد:

از تخم و پوست و گوشت و عصاره گوشت این گیاه دارو تهیه می شود. مغز تخم آن کمی ملین است و به علاوه دارای روغن مقوی و تب بر است. دارای خواص تونیک و مقوی است. از تخم آن برای معالجه بواسیر و التهاب روده ای و بیماریهای کلیه و مجاری ادرار می خورند.<sup>۱</sup>

آب کدوی مسمائی:

خوردن آب کدوی مسمائی در بین بعضی از عشایر ایرانی معمول و طبق تجربیات برای کم کردن اسید اوریک، درمان اوره، نقرس و چربی خون مؤثر است و برای مبتلایان به مرض قند مفید می باشد.<sup>۲</sup>

## \* کرفس

مشخصات:

کرفس جزء سبزیجاتی است که ساقه و برگ آن مورد استفاده قرار می گیرد و از گیاهانی است که می تواند در نشاط و سلامتی بشر مؤثر باشد و در شششوی ارگانهای مختلف بدن تأثیر بسزایی دارد.

دانشمندان می‌گویند: کرفس دارای هیدرات دوکربن، آلومین، چربی و مواد معدنی می‌باشد و صد گرم آن ۳۱ کالری حرارت حیاتی تولید می‌کند و هیدرات دوکربن ماده‌ای است که برای هضم غذا و دفع میکروبیهای روده کمک می‌کند و دیابت را پایین می‌آورد. مواد معدنی در کرفس عبارت است از: پتاسیم، سدیم، منیزیم، کلر، فسفر، گوگرد، آهن. گیاهی است علفی و دو ساله از تیرهٔ چتریان به ارتفاع ۲۰ تا ۶۰ سانتی متر که در اکثر نقاط، خصوصاً در نواحی بحرالرومی (و همچنین ایران) فراوان است. این گیاه جزو سبزیهای خوراکی است و در اغذیه مصرف می‌شود.<sup>۱</sup>

به فارسی کرفس و در کتب طب سنتی با نام کرفس تابستانی نام برده شده است. از سبزیهای خوردنی است. دو ساله با دمبرگ‌های گوشتی و دراز و سفید شدهٔ آن را خام یا پخته با غذا می‌خورند.

#### خواص - کاربرد:

از نظر تخم و بیخ یا ریشهٔ آن مورد توجه است. از نظر طبیعت گرم و خشک است. تخم کرفس وحشی بازکنندهٔ گرفتگی‌ها و انسداد است و به هضم غذا کمک می‌کند و از نظر خواص طبی از ریشهٔ آن قوی‌تر است و برای استسقا و تسکین دردها مفید است.<sup>۲</sup> کرفس دارای شوره است، مثانه و کبد را اصلاح و زهکشی می‌کند و نیز خون را پاک می‌نماید.<sup>۳</sup>

جوشاندهٔ برگهای کرفس به مقدار سی گرم در یک لیتر آب مخلوط با شیر در بیماریهای ریوی و گرفتگی صدا، دارویی عالی، مقوی و مدر است.<sup>۴</sup>

کرفس سرشار از ویتامین A.B.C، سدیم، پتاسیم، فسفر و آهنک می‌باشد. اشتها آور، خنک و مقوی است، مصرف آن برای اشخاصی که روماتیسم و نقرس دارند تجویز می‌شود. برای مبارزه بر ضد روماتیسم و نقرس باید کرفس را قطعه قطعه کرده در آب

۲- معارف گیاهی، ج ۱، ص ۲۱۵.

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۲۹۴۵.

۳- اسرار خوراکیها، ص ۲۳۳.

۴- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۴۱.

جوشانیده و آب جوشیده آن را نوشید.<sup>۱</sup>

کرفس برای امراض قلبی و کسانانی که کار فکری دارند، تجویز می شود.<sup>۲</sup>

جوشانده برگ کرفس پنجاه گرم در یک لیتر آب و اگر خشک باشد ۲۵ گرم برای ضعف معده و خنازیر فوق العاده مفید و مؤثر است.<sup>۳</sup>

دم کرده تخم کرفس به مقدار یک قاشق قهوه خوری برای یک فنجان آب جوش مقوی معده است.<sup>۴</sup>

برگهای کرفس را اگر له کنند و با نمک و سرکه مخلوط کنند برای گال و جرب استعمال آن توصیه شده است.<sup>۵</sup>

محلول کرفس به شکل کمپرس در اولسره‌های سرطانی و زخم‌های شدید استعمال می شود.<sup>۶</sup>

خوردن کرفس به گفته اطباء قدیم ایران، قبل و بعد از گزیدن حشرات باعث سرعت تأثیر سم است.<sup>۷</sup>

کرفس گیاهی است دارای ساقه‌های سفید بلند شبیه ریواس، برگهایش بریده و در پختن برخی خوراکیها به کار می رود. در میان کردها دم کرده و جوشانده برگهای آن را برای رفع سرماخوردگی، زکام و روماتیسم به مصرف می رسانند.<sup>۸</sup>

گلوکزیدی به نام آپی‌ئین در ریشه آن وجود دارد که همه اختصاصات اعضاء زیر زمینی گیاه مربوط به آن است. برگ و دانه گیاه نیز به مصارف درمانی می رسد.

کرفس با آنکه پراکندگی زیاد در نواحی مختلف اروپا، آمریکای جنوبی، آفریقا و آسیا، از جمله ایران دارد با همه اینها، برای مصارف مختلف درمان پرورش می یابد و قرنهایست که از ریشه آن جهت رفع استسقا استفاده می شود.<sup>۹</sup>

۱- همان، ص ۴۰. ۲- همان، ص ۴۰. ۳- همان، ص ۴۱.

۴- همان، ص ۴۲. ۵- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۴۱.

۶- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۴۲. ۷- اسرار خوراکیها، ص ۲۳۳.

۸- طب سنتی در میان کردان، ص ۱۳۷.

۹- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۵۳۴-۵۳۶.

### کرفس در روایات:

رسول خدا ﷺ فرمود: کرفس باقلای پیامبران است.<sup>۱</sup>

شهید اول در کتاب دروس گفته: روایت شده که کرفس باعث حفظ می شود و دل را پاک می کند و جنون و جذام و برص را از بین می برد.<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ فرمود: بر شما باد کرفس که آن غذای الیاس و الیسع و یوشع بن نون است. در روایتی کماة را نیز اضافه کرده است.<sup>۳</sup>

علی بن یقطین از نادر خاتم که گفت: نزد ابوالحسن علیه السلام صحبت کرفس به میان آمد، فرمود: شما آن را دوست دارید، هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه بدن خود را بدان می مالد.<sup>۴</sup>

فلسفه روایتی که از امام صادق علیه السلام در باره نهی از خوردن کرفس وارد شده، این است که حضرت قبل از شستن، خوردن آن را نهی فرموده ولی بعد از شستن، مانعی ندارد.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ان كان شیء یزید فی العقل فهو هو». یعنی: اگر چیزی عقل را زیاد کند آن کرفس است.

کرفس در میان کوه و صحرا و سنگ می روید که زمستانی و تابستانی دارد. کرفس مدر بوده برای ضعف عمومی و عوارض ناشی از مالاریا مصرف می شود و دارای اسانسی به نام آپولین می باشد. کرفس نزد یونانیان قدیم به سبزی ماه معروف و آن را آرام بخش اعصاب و درمان درد دندان دانسته، برگ خشک آن را روی محل درد می گذاشتند.

کرفس خام و پیاز و آب لیمو در زکام مؤثر است. مخصوصاً اگر چند روز سالاد کرفس خورده و از نشاسته پرهیز شود. آب کرفس هم در رفع گرفتگی صدا به شرط آنکه مواد نشاسته ای با آن خورده نشود و در عوض با آب کرفس پیاز میل شود مؤثر می باشد و اگر به جای پیاز آب لیمو اضافه شود و غرغره نمایند در گلو و ورم لوزه ها اثر می نماید.

خوردن آب کرفس با کمی آب لیمو سه تا چهار بار در روز در آسم به شرط تنفس و

۲- بحار ج ۶۶ ص ۲۴۰

۱- محاسن ص ۵۱۵: دعائم الاسلام ج ۲ ص ۱۱۳

۴- مکارم الاخلاق ص ۲۰۵

۳- مکارم الاخلاق ص ۲۰۵

تهویه خوب مؤثر می‌باشد. خوردن کرفس و ضماد آن رنگهای پریده را اصلاح می‌کند. مخلوط آب کرفس و پیاز و سیر و آبلیموی ترش و روغن زیتون برای قولنجهای کلیوی مؤثر بوده و مدتر است.

دردهایی که به علت زیاد شدن اسید اوریک در نقاط بدن به وجود می‌آید با ضماد مخلوط کرفس و آرد برنج تسکین می‌یابد و خوردن آن مخلوط با ید در قولنج مؤثر است و در دردهای رماتیسمی اثر می‌کند و برای نقرسیها نافع است.

برگ کرفس و ساقه متورم آن پخته و مصرف می‌شود و خام آن هضمش بسیار سخت و پخته‌اش سهل می‌باشد.

### کرفس از رازی:

کرفس بسیار گرم است و دفع ادرار را زیاد می‌کند. ترشح شیر را در مادران می‌افزاید و اگر مادر شیر ده در خوردن آن زیاده روی کند ممکن است مبتلا به صرع گردد، این سبزی هم سبب نعوظ و نیرومندی غریزه جنسی است، نوع کرفس باغی برای معده بسیار نافع و برای معالجه قی نیز مفید است. نفخ آن کم و زودگذر است. کسانی که مزاجشان سرد است آن را به خوبی تحمل می‌کنند و نیازی به خوردن داروی مصلح ندارند مگر آنکه در خوردن آن از حد اعتدال خارج شوند که در این صورت باید از داروهایی استعمال نمایند که نفخ را زایل می‌سازد. برای مزاجهای گرم کافی است کمی از آن را با سرکه آلوده نمایند تا علاج نفخ شود.

کرفس را در عربی کریس بر وزن هرکس گویند.<sup>۱</sup>

در ترجمه صیدنه صفحه ۹۵ گوید: تخم کرفس کوهی است و او را کرفس صحری و

کرفس ماقدونی نیز نامند و تخم آن شبیه به نانخواه و خوشبوتر از آن و تند است.

### آب کرفس:

آب کرفس پرورش یافته با آنکه بر آب نوع وحشی گیاه، ترجیح داده می‌شود، معهذاً

هر دوی آنها صفات درمانی مشابه ظاهر می‌کنند. آب کرفس اثر مدر و دفع رسوبات

ادراری و صفراوی دارد. مقوی اعضا و غدد فوق کلیه است. مصرف آن به علت خواص متعددی که دارا می باشد در درمان بیماریهای مختلف مؤثر واقع می شود، زیرا اثر تصفیه کننده خون، ضد روماتیسم و نقرس و ضد عفونی کننده دارد به علاوه لاغر کننده است. آب کرفس به حالت خالص یا مخلوط با آب هویج، آب لیموترش و با آب میوه ها و آب سبزیهای دیگر مصرف می شود.<sup>۱</sup>

### \* کرفس وحشی

کرفس وحشی در کتب فارسی با نامهای کرفس، کرفس الماء و کرفس آمده است.

#### مشخصات:

گیاهی است دو ساله، ریشه آن کوتاه، عمودی و کمی ضخیم، گلهای آن سفید مایل به سبز که در انتهای شاخه گل دهند به صورت مجتمع و چتری ظاهر می شود. گیاه بطور خودرو در ایران می روید. تکثیر این گیاه از طریق کاشت بذر آن انجام می گیرد.

#### ترکیبات شیمیایی:

گیاه دارای کمی اسانس روغنی قرار و آپی ئین است. در تخم گیاه در حدود ۱۰ درصد خواص غیر محلول وجود دارد.

#### خواص - کاربرد:

در هند ریشه این گیاه به عنوان مدرّ و اصلاح کننده مزاج و در موارد استسقا و کولیک تجویز می شود. در چین از گیاه برای تقویت معده و خنک کننده، آرام بخش، اصلاح کننده مزاج، برای معالجه ترشحات عادت ماهیانه و اختلالات گوارشی کودکان تجویز می شود.

۱- معارف گیاهی، ج ۵، ص ۱۵۶.

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۶۸۱.

### \* کرفس قمری

کرفس قمری پخته که کاملاً هضم می‌شود، برای کسانی که دوره نقاهت را گذرانیده‌اند بسیار مفید است. اشتها آور، خنک و مغذی است، کرفس قمری را گاه‌گاهی برش برش کرده و در آفتاب یا کوره خشک می‌کنند و با آن آش و سوپ را معطر می‌سازند، ساقه و برگهای کرفس را هم خشک کرده و برای خوشمزه کردن آش و سوپ استعمال نمایند.<sup>۱</sup>

کرفس قمری ریشه آن مثل کلم بزرگ می‌شود، مصرف آن برای سنگ مثانه و کلیه مفید و دردهای مثانه را تسکین می‌دهد.<sup>۲</sup>

دم‌کرده تخم کرفس قمری به مقدار یک قاشق قهوه خوری برای یک فنجان آب جوش مقوی معده است.<sup>۳</sup>

بر ضد سرمازدگی ۲۵۰ گرم ساقه یا برگ یا پوست کرفس قمری را یک ساعت در یک لیتر آب بجوشانند و آن را صاف کنند و بگذارند آنقدر سرد و خشک شود که وقتی عضو سرمازده را در آن بگذارند قابل تحمل باشد بعد مدت ده دقیقه عضو سرمازده را در آن بگذارند و آهسته با دست به آن مالش دهند هر روز دو یا سه بار این حمام را به عضو سرمازده بدهید پس از چندی بکلی عارضه برطرف می‌شود.<sup>۴</sup>

### \* کرات

گونه‌ای از لیلکی در مناطق پست و مرطوب جنگلهای شمال ایران بطور خودرو می‌روید و از جنگلهای آستارا تا نور انشتار دارد و حداکثر تا ۵۰۰ متر بالا می‌رود. در برخی کتب فارسی آن را به نام «لالکی خزر» نوشته‌اند و در شمال ایران نیز با نامهای محلی در گیلان و آستارا «لالکی و لیلکی»، در سفارود «لک»، در رامسر، نور و کلارستاق «کرات» گفته می‌شود.<sup>۵</sup>

۲- همان، ص ۴۰.

۱- میوه‌ها و سبزیهای شفابخش، ص ۴۱.

۵- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۱۹۳.

۴- همان، ص ۴۱.

۳- همان، ص ۴۲.

## \* کرچک

کرچک گیاهی است دارای ساقه‌های بلند و سبزر و برگهای درشت شبیه به برگ انجیر، در جاهای معتدل می‌روید و گیاهی است یکساله و هر سال باید آن را کشت کنند اما در سرزمین‌های گرمسیر بوته آن بزرگ و مانند درخت می‌شود و همه ساله حاصل می‌دهد. ثمر آن خاردار و خوشه‌ای و دانه‌هایش به اندازه قهوه، مغز آن سفید، پر روغن و روغن آن را می‌گیرند. در میان مردم از روغن آن برای رفع یبوست استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

این گیاه در آب و هوای گرم و مساعد به صورت چند ساله با ظاهر درختچه مانند و به ارتفاع چهار تا شش و گاهی بیشتر ممکن است درآید. میوه‌اش پوشینه، پوشیده از خار و محتوی سه دانه روغن دار است. کرچک، انواع مختلف با مشخصات متفاوت دارد که از آنها، روغن استخراج می‌شود. روغن کرچک دارای اثر ملینی و مسهلی است. مصرف آن با تحریکات روده همراه نیست. مناسب‌ترین مسهل در طی دوره آبستنی است. به عنوان رفع یبوست عادی نیز می‌توان از روغن کرچک استفاده کرد.<sup>۲</sup>

## ترکیبات شیمیایی:

دانه‌های کرچک محتوی ۴۵ تا ۵۵ درصد روغن ثابت، در حدود ۲۰ درصد مواد پروتئینی شامل گلوبولین، آلبومین، نوکلئوآلبومین، گلیکوپروتئین و ریسین (که یک توگسالبومین است) و آکالوئید ری‌سی‌نین و تعدادی آنزیم می‌باشد.

ریسین برای دامها جسمی است فوق العاده سمی ولی اثری بر روی طیور ندارد. دانه له شده کرچک محتوی یک ماده آلرژن است که باعث ایجاد واکنش‌های آلرژیک در افراد حساس می‌شود.

۱- رشته موزارین، ج ۳، ص ۹

۲- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۲-۹.



### مصرف و مقدار خوراکی روغن کرچک:

روغن کرچک دازویی است مسهل و مقدار مصرف آن ۱۵ سانتی متر مکعب است. در صنعت جهت تهیه صابون و چرب کننده قسمت‌های داخلی موتورهای انفجاری به کار می‌رود.<sup>۱</sup>

### \* کزبره صغیره

گیاهی است کوچک، یکساله، برگهای آن تقسیم شده به قطعات کوچک، شبیه گشنیز و دنداندار است. گل‌های آن کوچک و سفید و به صورت چتر در قسمت بالای گیاه می‌رویند. این گیاه در دامنه البرز، پشند و کرج در ارتفاع‌های ۱۵۰۰-۱۷۰۰ متر می‌رویند. خواص تخم آن شبیه گشنیز است و محلی‌ها به عنوان ادویه و چاشنی از آن استفاده می‌شود.<sup>۲</sup>

### \* کسب

علی بن ابراهیم طالقانی گوید: متوکل از جهت زخمی که از بدنش بیرون آمد، سخت مریض، حتی مشرف به مرگ شد و کسی هم جرأت نمی‌کرد آهن به آن بزند و مداوا کند، مادرش نذر کرد که اگر متوکل از این مرض نجات یابد، مال مهمی از امول خود را به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام بفرستد. از طرفی هم فتح بن خاقان به متوکل گفت: اگر صلاح بدانید کسی را در باره مرض خود به سوی امام حسن عسکری علیه السلام بفرستی، آن هم بیاید که شاید از او درخواستی بکنی و امکان دارد نزد او چیزی باشد که به واسطه آن غم تو را زائل کند. متوکل گفت: بفرستید. فرستاده متوکل رفت و برگشت و گفت امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: کسب گوسفند را با آب گل مخلوط کرده و تر کنند و بر آن زخم بگذارند که به امر پروردگار نافع می‌شود. ولی کسانی که در حضور متوکل بودند به این بیان امام استهزاء کردند، فتح به آنان گفت از تجربه کردن حرف وی ضرری بر شما

۲- معارف گیاهی، ج ۱، ص ۲۵۱.

۱- مفردات پزشکی جدید (فارماکولوژی) ۱۹۷۳، ص ۲۲۱.

نمی‌رسد، بخدا من امیدوار صلاح آن هستم، دستور داد کسب را آوردند و با آب گل آن را مخلوط نمودند و بر روی زخم گذاشتند و آنچه در آن زخم بود فوراً بیرون آمد. به مادر توکل مژده عافیت او را دادند، مادرش نیز ده هزار دینار طلا با مهر بسته به حضور امام فرستاد و مرض متوکل تدریجاً رو به کمی گذاشت و خوب شد.<sup>۱</sup>

### \* کشمش

نوع مویز بی دانه را معمولاً کشمش می‌گویند و بهترین و پُر خاصیت‌ترین آن کشمش سبز است که در سایه خشک شده باشد و پُر گوشت باشد. کشمش خوب، مقوی، مبهی و خاصیت مسهل دارد.

آب کشمش پخته که با شکر تهیه شده باشد یا به عبارت دیگر کمپوت کشمش برای سرفه و پاک کردن سینه و صاف شدن صدا مفید است. و ضماد آن با زعفران و زرده تخم مرغ برای سر باز کردن دمل و نرم کردن ورم و دمل بسیار مفید است و اگر کشمش را کوبیده و با صبر مخلوط و بر سر بمالند، برای التیام زخم‌های کجلی مفید است.<sup>۲</sup>

کشمش اسم فارسی (مویز بی دانه) معرف آن قشمش و نوعی از انگور است که کوچک، مدور، کمی کشیده و لطیف‌ترین و شیرین‌ترین انواع آن است و مویز رسیده آن نیز بسیار شیرین و لطیف‌تر و بهتر از سایر انواع مویزها است. و نیمرس آن را غوره کشمش نامند و چاشنی دار می‌باشد که این از برای زیر طعام گذاشتن و در شکم مرغ و طیور دیگر نهادن، بسیار موافق و لذیذ است.

انگور در انواع سیاه، سرخ، سبز، سفید و زرد می‌باشد. بهترین آن سبز، شیرین، رسیده، بزرگ دانه و تازه آن است که از انگور عسگری می‌سازند. و بدترین نوع آن به رنگ سیاه است.

مزاج آن گرم در درجه دوم و خشک در درجه اول و اگر از کشمش سبز سفید به مقدار چهل دانه بزرگ آن را در گلاب به مدت یک شب خیس کنند و صبح آن را بخورند و

۲- معارف گیاهی، ج ۲، ص ۵۹

۱- بحار، ج ۶۲، ص ۱۹۱، نقل از دعوات راوندی.

گلاب را بنوشند برای طیش قلب و ضعف قلب مفید است و تقویت می نماید و ضماد آن با زعفران و زرده تخم مرغ جهت باز شدن دمل و تحلیل صلابات بی نظیر است و چون آن را با صبر ساییده بر سر بمالند جهت رفع کچلی و قارچ سر مجرب است.<sup>۱</sup>

«قال: علیکم بالزبيب، فانه یطفی المرّة و یسکن البلغم و یشدّ العصب و یدهب النّصب و یحسن

القلب».<sup>۲</sup>

پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله فرمود: «بر شما باد به کشمش خوردن که زهره را خاموش می کند و بلغم را ساکت و پی را محکم می کند و رنج را می برد و دل را خوب می کند.»  
ابی هند گوید: یک طبق پوشیده شده برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند. آن حضرت فرمود: بخورید، بسم الله، چه غذای خوبی است کشمش، عصب و پیهها را محکم می کند و صب (مرض) را می برد، چشم را خاموش و خدا را راضی می نماید، بلغم را می برد، بوی دهان را پاک و رنگ صورت را صاف می کند.<sup>۳</sup>

امام رضا علیه السلام از پدرانش از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود: هر کس بیست و یک کشمش قرمز ناشتا بخورد در بدنش چیز ناگوار پیدا نمی کند.<sup>۴</sup>

و در روایت علی دعبلی از امام رضا علیه السلام از پدرانش از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین است: هر کس بیست و یک کشمش قرمز را همواره ناشتا ادامه بدهد جز مرض مرگ، مریض نمی شود.<sup>۵</sup> و عین همین را ابن سینا و ابی البختری از امام صادق علیه السلام نیز نقل کرده اند.<sup>۶</sup>  
دعبلی از امام رضا علیه السلام، از پدرانش از علی علیه السلام که فرمود: «کشمش دل را محکم می نماید و مرض را می برد و حرارت را خاموش و نفس را پاک می کند».<sup>۷</sup>

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بر شما باد کشمش که زهره را خاموش می نماید، بلغم را می خورد، جسم را صحت می بخشد، اخلاق را خوب می کند پی ها را محکم می نماید و

۲- بخارج ۶۱ ص ۲۹۸.

۱- محیط اعظم، ج ۴، ص ۱۳.

۴- عیون الاخبار، ج ۲ ص ۴۱.

۳- اختصاص، ص ۱۲۳.

۵- امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۷۰.

۷- محاسن، ج ۲، ص ۵۴۸.

۶- محاسن، ج ۲، ص ۵۴۸؛ خصائص، ج ۲ ص ۶۱۲.

وصب (مرض) را می برد»<sup>۱</sup>.

عبدالله بن احمد طایبی از امام رضا علیه السلام از پدراش از حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: «بر شما باد کشمش که زهره را می گشاید، بلغم را می برد، پی ها را محکم می نماید، خستگی را رفع می کند، اخلاق را خوب می نماید و نفس را پاک و غم را می برد»<sup>۲</sup>.

### \* زبدالبحر، کف دریا

کف دریا اسم فارسی است. به عربی زبدالبحر و به یونانی فرینون و به رومی فلوس پلاسیوس و به هندی سمندر پهین نامند و آن جسمی است مرکب از اجزای ارضیه کثیفه و اجزای موانیه لطیفه مجتمع با رطوبت دریا به امتزاج تام حتی که جسمی حجری می شود و آن را نزد بعضی حجر قیشور گویند و به سبب تحریک امواج در کنار بحر قلزم به روی سنگها مجتمع و متکون می گردد. و آن پنج قسم می باشد یکی اسفنجی شبیه به اسفنج در شکل سطبر و زرد رنگ ثقیل.

دوم؛ ظفری شبیه به ناخن چشم مایل به سفیدی بسیار متخلخل است. سوم وردی فریبری رنگ و سبک و این را دودی به سبب مشابهت شکل آن به کرم و به شیرازی کرم ایوب نامند.

چهارم؛ صوفی شبیه به پشم چرک آلود است و سفید رنگ مایل به زردی و آن را اقیون گویند.

پنجم؛ فطری در شکل و سفید و سبک و ظاهر آن املس و باطن خشن است. و تند طعم و بی بوی و این از همه اقسام قوی تر است و در جزیره ای که آن را سعوسبون نامند و اهل بلاد آن را تابوس اخی نامند بسیار به هم می رسد و بهترین آنها آن است که دردی یعنی به رنگ گل سرخ مایل به زردی با اوصاف قسم پنجم باشد.

گرم و خشک است و طلای آن با سرکه بر بدن جهت لاغر کردن بدن و گداختن

گوشت از مجریات است و به قولی قسم سفید آن جالی بصر و مزیل بیاض چشم است.<sup>۱</sup>  
 شیخ می فرماید: زید البحر - کف دریا بر پنج نوع است: ۱- ابری شکل و تند بوی ۲-  
 ابری شکل و سبک و دراز و نرم و بوی جل وزغ را می دهد ۳- گلرنگ ۴- بنفشی رنگ که  
 این دو نوع سبک و کم مایه و به پشم چرکین شباهت دارند ۵- به هیئت قارچ است و  
 رویه اش صاف و طرف اندرونی زیر و هیچ بویی ندارد. گرم و خشک است.

### خواص درمانی:

پلیدی ها را پاک می کند، زداینده و سوزنده است. کف دریای گلرنگ از سایر انواع آن  
 لطیف تر است. سوخته کف دریا و بویژه سوخته گلرنگ آن داروی داء الثعلب است، کف  
 دریای صاف ورمهای میخی را علاج کند و گلرنگش دوی خنازیر است. کف دریا عموماً  
 و بویژه دو نوع ابری آن در علاج گری چرکین و انواع قویاء مفیدند. گلرنگش برای طحال  
 و استسقا سودمند است. کف گلرنگ علاج دشواری بول و درد کرده است و سنگ مثانه  
 را بیرون می آورد.<sup>۲</sup>

## \* کلمبو

کلمبو گیاهی علفی، پایا، بالا رونده، دو پایه و دارای ریشه های ضخیم با انشعابات  
 دوکی شکل است. گلهای تر آن بدون پایه و بر روی دمگل های ساده با شاخه های درازتر  
 از برگ و محتوی هسته ای کلیوی شکل است.

قسمت مورد استفاده این گیاه، ریشه آن است که به صورت قطعات خشک شده و  
 استوانه ای شکل، به قطر ۳ تا ۷ سانتی متر در معرض استفاده قرار می گیرد.

در برش عرضی ریشه کلمبو، قسمت های مختلفی از خارج به داخل دیده می شود.  
 کلمبو دارای اثر مقوی، مقوی معده، تسهیل کننده عمل هضم و اشتها آور در سوء هضم

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۸۸ فرهنگ داروها، ص ۱۱۸۴ صیدنه، ج ۲، ص ۸۷۰ ابن الیطار، ج ۲، ص ۱۱۵۴

۲- قانون در طب، ج ۲، ص ۱۲۷؛ الاینه، ص ۱۷۶. قرابادین کبیر، ص ۲۲۷.

است. در موارد عدم اشتها و نارسائی اعمال هضم از داروهای خوب می باشد. در کم خونیها و نیز در پایان بیماریها، به منظور تقویت عمومی بیمار تجویز می شود. به علاوه اثر ضد اسهال و رفع استفراغهای منشأ عصبی داشته در تب نوبه و رفع عوارض ناشی از اسکوربوت نیز اثر مفید ظاهر می نماید. مصرف مقدار زیاد آن ایجاد استفراغ و مسمومیت می کند. از تنطور کلمبو، بلادون و الیکسیر پاره گوریک، نوعی میکستور برای رفع درد معده تهیه می کنند. این گیاه در ایران نیست و محل رویش آن در سواحل شرقی آفریقا، جنگلهای موزامبیک، ماداگاسکار و برخی نواحی مجاور آنهاست.<sup>۱</sup>

### \* کلک

گیاهی پیچی است که در دامنه های البرز، اطراف اصفهان، شیراز، لرستان و در بلوچستان و در دامنه های کوه نفتان و در دشت نظیر می روید و گلهای آن به رنگ زرد و پشت گل برگها مایل به قهوه ای است. ساقه آن کم و بیش خزی و گاهی سرخ رنگ است. نام محلی آن در درّه کرج کلک است و نام کلک چال در شمال تهران شاید به علت وجود این گیاه در آن محل باشد.

ترکیبات شیمیایی:

در گیاه کلک وجود اسید سیانیدریک و اینوزیتول تأیید شده است. سمی بودن و مزه تند و گزنده آن در اثر وجود آنمونین است.<sup>۲</sup>

### \* کلم

گیاهی است از تیره صلیبیان که دارای انواع و اقسام متعدد است (در حدود ۲۰ گونه از آن وجود دارد). اقسام مختلف این گیاه را به مناسبت استفاده غذایی کشت می کنند و

۱- گیاهان دارویی: دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۹۸، ۹۷، ۹۴، ۹۳.

۲- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۱۸۱.

نمونه‌های خوبی از آنها به دست می‌آورند. میوه‌اش دراز است و تخم‌هایش گرد و سیاه رنگ یا قرمزند. مهمترین انواع آن کلم پیچ، کلم گل، کلم قمری، کلم غنچه‌ای و غیره می‌باشد.<sup>۱</sup>

کلم را با روغن زیتون و آبلیمو و کمی نمک یددار سالاد کرده با غذا بخورید یا آن را خوب بپزید و به آن آبلیمو زده میل فرمایید.<sup>۲</sup>

کلم را در آب پخته و آب آن را بنوشند قاعده زنان را باز می‌کند.<sup>۳</sup>

کلم دارای مقدار زیادی آهن و آرسنیک یکی از غذاهای بسیار عالی است برای سستی استخوان، سل و کم‌خونی مفید است. کلم دارای مقداری کلروفیل و سرشار از ویتامین‌های مختلفه بخصوص ویتامین C است.<sup>۴</sup>

برگهای خارجی کلم را که معمولاً دور می‌ریزند در مورد رماتیسم، نقرس و سیاتیک استعمال می‌شود.<sup>۵</sup>

برای مصرف کلم باید آن را به کمک یک بطری صاف کرد و کمی در آتش گذاشت تا بپزد، بعد آن را روی عضوی که درد می‌کند، گذاشت و با پارچه پشمی بست. باید هر روز این ضماد را دو یا سه بار تجدید کرد.<sup>۶</sup>

کلم اشتها آور، نیروی جوانی می‌بخشد، رنگ قیافه را قشنگ کرده و چاق می‌نماید.<sup>۷</sup> ۲۰ تا ۳۰ گرم از آب برگ کلم را به بچه‌ها بدهید هر گرمی که در معده و روده‌ها داشته باشند، دفع می‌کند. برگ کلم را می‌توان برای شستشوی زخمهای شدید به کار برد.<sup>۸</sup>

کلم برای اسهال خونی تجویز می‌شود.<sup>۹</sup>

کلم قدری خواب آور است.<sup>۱۰</sup>

اگر آب برگهای کلم قرمز را بگیرد و با دو برابر وزن آن با شکر بپزید شربت عالی

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۳۰۲۴.

۲- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۲۲۳.

۳- همان، ص ۲۳۲.

۴- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۵۰.

۵- همان.

۶- همان، ص ۴۸.

۷- همان، ص ۵۰.

۸- همان، ص ۲۳۳.

۹- اسرار خوراکیها، ص ۲۳۲.

برای سینه تهیه خواهید کرد. اگر این شربت را با دو برابر آب سرخ مخلوط و اضافه کنند در رژیم لاغری مؤثر است.<sup>۱</sup>

کلم دارای یک ماده صمغی است که سینه را نرم نموده و درمان تنگی نفس است.<sup>۲</sup> جوشانده پنج تا شش برگ کلم قرمز در یک لیتر آب برای رفع اختلالات ریوی و گرفتگی صدا توصیه شده است.<sup>۳</sup>

ابی البختری گوید: «کان النبی ﷺ يعجبه الكرنب». یعنی: پیغمبر ﷺ کرنب را دوست می داشت.

کرنب Karnab به فارسی کلم و به اصفهانی قمریست و به سریانی کرنبا است و جاننوس آن را قنبیط گفته است. در شرح اسماء م ۱۸۴ گفته: کلم پیچ را به تازی کرنب گویند.

پیدایش دو عنصر در کلم یکی به نام ویتامین O که در اولسره‌های معده و اثنی عشر مفید است و دیگری گلوتامین که در درمان الکلیکها مؤثر می باشد اهمیت کلم را بالا برده است.

بیماران کبدی صفراوی و کسانی که سنگ مجاری ادرار دارند و نقرسیها نباید کلم مصرف نمایند، زیرا نیتراهای موجود در زمینهای زراعتی سبب پیدایش اسید اگزالیک کلم می شود که در تشکیل سنگ و تشدید عوارض مربوطه بسیار مؤثر است. بعضی نباتها چون شلغم و کلم دارای عناصر گوارترزا بوده سبب بزرگ شدن و تورم غده تیروئید می شوند.

اگر روغن زیتون و آب لیمو به کلم افزوده شود چاشنی خوبی است. برگهای کلم را اگر نشویند امکان وجود بقایای مواد حشره کش در برگهای زیاد بوده مسمومیت ایجاد می نماید به علاوه چنانچه سمپاشی توسط پارامیون انجام گرفته باشد از مواد معدنی و ویتامینهای کلم به ویژه لیزین کاسته می شود.

۲- اسرار خوراکیها، ص ۲۲۲.

۱- میوه‌ها و سبزیهای شناختل، ص ۶۰.

۳- میوه‌ها و سبزیهای شناختل، ص ۵۱.



کلم قبل از غذا اشتها را باز و با ارسنیکش ترشح بزاق را تحریک و با ویتامین C فراوانش برای گریپ و به وسیله گوگردش جهت امراض جلدی و به خاطر کلسیم، متیزیم و فسفر استخوانها و ناخنها را محکم می سازد. پتاسیم کلم سبب شده برای بیماران کلیوی و ورم دار مفید باشد. اگر یک ماه صبح ناشتا دو فاشق سوپخوری آب کلم خورده شود کرمهای اسکاریس و اکسیور دفع می شوند.

شوریای کلم در عفونتهای ریوی و برونشها مفید و اگر مخلوط با عسل داغ خورده شود، خلط آور بوده تحریکات ریوی را آرام می کند.

در سال ۱۸۸۱ دکتر بلان فرانسوی متوجه اثرهای درمانی بیشتر کلم شده آن را به عنوان التیام دهنده زخمها به کار می برد.

در قدیم رومیها کلم را به عنوان ملین و تصفیه کننده خون و به شکل ضماد به کار می بردند و زخمها را به وسیله آن پانسمان می نمودند و حتی در طاعون از آن استفاده می کردند.

کلم ترشحات چرکی و نسجی زخمها را زیاد کرده سبب بهبود آنها می گردد و لذا در قانقرا یا (گانگرن)، کورک، کفکیک، پاناری (التهاب انگشت)، باد سرخ، فلیت، آبله، مخملک، سرخک، سودا، زخمهای سفلیسی، آماسهای سلی و غیره مؤثر است.

برگ کلم را بریده بر آبه، محل کوفته یا سوخته، اگزما، گانگرن، محل دردناک نقرس، زیر شکم زنانی که درد زهدان دارند، محل درد عصبی یا رماتیسمی گذارده هر وقت حرارت موضع زیاد شد آن را عوض می نمایند یا ۴-۵ برگ را با آب نیم گرم پخته آن را بین دو پارچه گذارده همین که خشک شد بر سینه یا معده آسمیها یا برنشیتیها می گذارند.

بستن کلم بر ساقها یا بازوهای تپ دار و سوختگی نیکوست و اگر بر چشم درد بیندند یا در زخم معده و اثنی عشر روی معده بگذارند یا تنقیه ملایم نمایند مناسب است.

### کلم از کتابی قدیمی:

کرنب را به فارسی کلم و به اصفهانی قمریت نامند. بستانی و پری و بحری می باشد و قتیبط قسمی از بستانی است و قسم معروف آن ریشه اش مانند چغندر سبز و برگش سطر و اصناف آن شامی و همدانی و موصلی و اندلسی و شکل آنها مختلف است و مجموع آن مرکب القوی و در اول گرم و خشک و مبهی و نیکو کننده رخسار و مولد منی و منوّم و مانع صعود بخارها به دماغ و مانع مستی و باعث سرعت حرکت اطفال و نیم پخت آن مسهل و مهزای آن قابض و رافع خمار و ارتعاش و سرفه مزمن و عصاره آن با ایرساونظرون مسهل و با چیزی که رافع سم و خوردن آن هر روز به قدر یک اوقیه رافع درد طحال و گرفتگی آواز و آب مطبوخ آن منقی بدن و عروق و مسکن درد سر و جهت سرفه کهنه و درد کمر و زانو و ورم حجاب و احشاء و تاریکی چشم که به سبب بخارها و رطوبتها باشد نافع و مضر سودای مزاج و بواسیر و مولد سودا و خون غلیظ و مضر محرورین و مصلحش پختن آن با گوشت فربه و روغن بادام و شربت ممزوج به آب و سکنجبین و در سرد مزاجها خردل و امثال آن و ضماد آن رافع ریختن موی و با حلبه و سرکه جهت نقرس و درد مفاصل و زخمهای عمیق و ضماد برگ آن با آرد جو جهت اقسام اورام و آخرهای باد سرخ و شری، سرطان و با نمک جهت نار فارس و بازاج و سرکه جهت برص و جرب و سعوط آب آن منقی دماغ و حمول آن با شیلیم در برخ از حالاتش جهت رفع احتباس حیض و فرزجه و شکوفه آن قاتل جنین و سوخته آن بغایت مخفف و رافع قلاع و زردی دندان و سعه و مانع رویانیدن موی می باشد.

### کلم از رازی:

کرنب (کلم) اندکی بدن را گرم می کند و آبی که از پختن آن با گوشت به دست می آید ملین است و بر عکس خود کلم قابض است، بخصوص اگر با ادویه و ابازیر توأم باشد، ادامه خوردن آن تولید خون سیاه می کند و از این جهت اشخاصی که مستعد بیماریهای سوداوی هستند و کسانی که آثار بیماریهای مالیخولیایی، سرطان، داءالفیل، واریس و

بواسیر در وجودشان دیده می شود باید از خوردن آن پرهیز نمایند و بطور کلی برای محرومین خوب نیست و بلغمیها و صاحبان مزاجهای سرد باید با خوردن و سیر بخورند. قنیط (کلم قمری): خوردن کلم بیشتر در بدن تولید سردا می کند و کسانی که مبتلا به بیماریهای سوداوی هستند باید از آن اجتناب نمایند. کسی که عادت به خوردن آن دارد باید با روغن و گوشت فربه آن را اصلاح کند تا خلط آن اعتدال یابد و کمتر تولید سودا نماید. اگر با آن سرکه بخورند گو این که به محرومین حرارت می دهد ولی در عوض زودتر خون سیاه تولید می کند و این در صورتی است که به خوردن آن ادامه دهند چون با یک یا دو بار خوردن هیچ خلطی از آن در بدن تولید نمی شود. کسانی که کلم و کلم قمری زیاد می خورند باید بدن را از سودا پاک کنند.

### \* کنف

کنف گیاهی است بوته مانند و دارای ساقه های پوشیده از خار است. در غالب نواحی مساعد از جمله ایران پرورش می یابد.

منشأ اصلی آن نواحی مختلف آفریقا ذکر شده است. از مشخصات آن این است که برگهایی کامل در قاعده ساقه ولی به صورت منقسم به ۳-۵ تقسیم عمیق پنجه ای در طول آن دارد. گلهای آن به رنگ زرد با لکه ارغوانی در وسط و میوه اش پوشینه، بیضوی و محتوی دانه های درشت به رنگ قهوه ای است. دانه اش طعم تند و اثر مقوی و اشتها آور دارد.

برگهای آن جهت درمان دیسانتری مصرف می شود. در استعمال خارج، له شده دانه آن در محل ضرب خوردگی و کوبیدگی اعضا برای تسکین درد و ناراحتی اثر داده می شود. برای دانه گیاه اثر مقوی باه قائل اند. این گیاه در نواح شمالی ایران مخصوصاً در آستارا، ساری و گرگان می روید و پرورش می یابد.<sup>۱</sup>

## \* کنگر

کنگر را به عربی حرشف می‌نامند. برگ کنگر بزرگتر از کاهو و با رطوبت و چسبندگی است. در تحفه حکیم مؤمن گویند: کنگر مبهی، مدر بول، حابس طبع، مسخن گرده و مثانه، محرک جماع، محلل باد، هضم کننده غذا و نافع قرحه شش، انقباض اطراف عضله و جراحات امعاء است و ضماد آن جهت داء الثعلب و خوشبو کردن عروق به کار می‌رود.

در کنگر املاح بسیاری وجود دارد. ترشحات غدد را زیاد می‌کند و برای کلیه و مثانه مضر است. اما ریشه آن برای کلیه و مثانه مفید است. هضم غذا را آسان می‌کند و جراحات روده را التیام می‌بخشد و برای مرض پیسی خیلی زیاد توصیه شده است.

کنگر چو بر آورد سر از خاک زمین گفت خرما نتوان خورد از این خار که کشیم کنگر را در عربی عکوب، سلین و خربع می‌گویند و در کتب قدیم حرشف، کندل، جندل، کعب، کعوب و عقود ذکر کرده‌اند. زادگاه اولیه کنگر صحاری خشک ایران و آسیا و آفریقا می‌باشد.

کنگر چند نوع دارد: ماشکاعی، طوبه، کافیلو و کنگر خر می‌گویند. البته خربه معنی بزرگ می‌باشد.

کنگر دارای ویتامینهای E, B, A می‌باشد و نیز دارای هورمونهای گیاهی می‌باشد. برای تقویت غرایز جنسی مفید است. ولی تنها یک مقوی ساده نیست بلکه محرک شهوت بوده و آن را لذت بخش می‌کند و برای معالجه برص و مرض پیسی مفید است. آب آن را گرفته با یک سوم آن موم و روغن مخلوط کرده، مالیدن آن روی لکه‌های برص مفید است. کنگر بادشکن و پیشاب آور بوده از اسهال جلوگیری می‌کند و برای مرض قند خوب می‌باشد، هضم غذا را ساده می‌کند، کلیه و مثانه را گرم می‌کند، زخم ریه و جراحات روده را التیام می‌بخشد، ضماد آن جهت معالجه گری و ریزش مو مفید است.<sup>۱</sup>

ضماد کنگر برای خوشبو کردن عرق بدن توصیه شده است و برای معالجه اورام سخت و خارش پوستی مفید است. ضماد ریشه آن جهت سوختگی آتش و پیچیدگی عصب نافع است. صمغ بوته آن ایجاد قی می کند و همراه آن صفرا و بلغم را خارج می کند، ضماد آن اورام را فرو می نشاند. مقدار خوراک آن ۳ تا ۷ گرم است.<sup>۱</sup>

### \* کنگر بیابانی

کنگر بیابانی گیاهی است که درازی آن زیاده بر یک گز می شود و شکوفه آن پهن بوده مانند بنفشه و در میان شکوفه آن مانند پنبه چیزی است. این گیاه در بهار می رود و پس از مدتی که پیر می شود خارهایی در برگهای آن پیدا می شود. در میان کردها برگهای آن را خشک می کنند و آن را می کوبند سپس برای التیام زخمهای کهنه و بریدگی ختنه استفاده می کنند.<sup>۲</sup>

کنگر بر دو نوع است بیابانی و بستانی، این گیاه دارای ویتامین های A, B می باشد و ضماد آن برای التیام زخم ریه و جراحات روده و معالجه گری و زخمهای دیگر تجویز می شود. ضمناً ریشه آن هم جهت سوختگی آتش و پیچیدگی عصب نافع است.<sup>۳</sup>

### \* آرتیشو یا گنگر فرنگی

در کتب قدیمی به آن انگنار، انگیناز و قناریه می گفتند. بعضی هم به آن کنگر فرنگی و بستانی می گویند. میوه آن صنبوری و شبیه به میوه درخت کاج می باشد. رنگ آن سبز است و در برگ آن تیغی شبیه به سوزن وجود دارد.

محل رویش اولیه آن نواحی بحرالروم است ولی امروزه در اکثر کشورها برای استفاده غذایی کاشته می شود. در ایران نیز چند سالی است که کاشته می شود. قسمت مورد استفاده غذایی آن انتهای برگهای روی میوه و طبق آن است در فارسی این نوع را نهج

۱- همان، دکتر غیاث الدین جزایری، ص ۳۴.

۲- طب سنتی در میان کردان، ص ۱۴۲.

۳- زبان خوراکیها، دکتر غیاث الدین جزایری، ص ۳۲، ۳۴.

می‌گویند.

این نهنج گوشت دار بوده و قسمتی از گوشت آن در برگهایش رفته است. برای خوردن آن ابتدا باید برگها را تک تک کنند و با کمک دندان گوشت آنها را به دهان کشید و بعد گوشت نهنج را میل کرد و اگر میوه آن تازه باشد، تمام نهنج گوشت دار و قابل خوردن است. میوه آن دارای ویتامین A و B می‌باشد و املاح معدنی مثل گوگرد، منگنز و فسفر زیاد دارد. و اشتها را باز و خون را پاک می‌کند، چربی و اوره خون را پایین می‌آورد و برای مرض قند مفید است.

برای معالجه اسهال البته خام آن بسیار مفید است و شیر را در پستان خشک، کم می‌کند. ریشه آن را جوشانده و بخورید برای مبتلایان به روماتیسم و نقرس و یرقان و سنگ کلیه و مثانه مفید است و ادرار را زیاد می‌کند.<sup>۱</sup>

### \* کندش

گیاهی است از تیره سوسنیا و از دسته سورنجانها که آن را خربق سفید نیز گویند. برگهایش متناوب و بیضوی و بسیار بزرگ با رگبرگهای متعدد است. گلهایش سفید مایل به زرد و گل آذینش خوشه‌ای است که در انتهای میوه‌اش مرکب از سه کپسول پیوسته به هم از قاعده است و در بالا از یکدیگر مجزا می‌شوند و خربق سفید، خربق ایض، پلخم و کندس می‌نامند.<sup>۲</sup>

ابراهیم ابن ابی یحیی گوید: به امام صادق علیه السلام از زکام شکایت کردم، فرمود: صنعی از صنعتهای خدا و از لشکرهای او است. خداوند آن را فرستاده به سوی یک مرضی که در بدن تو هست تا آن را از جای خود بکند. وقتی آن را از جای کند به وزن یک دانه (یک شششم درهم) شونیز (سیاه دانه) و نصف دانه کندس اینها را نرم کوبیده و به بینی می‌کشند که زکام را می‌برد و اگر بتوانی آن را با هیچ معالجه نکن زیرا در زکام منافی زیاد وجود دارد.<sup>۳</sup>

۱- همان، ص ۳۵. ۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۳۰۹۱.

۳- طب الانسه، ص ۶۴ - بحار، ج ۶۲، ص ۱۸۳.

## \* کندر

به فارسی کندر و در کتب سنّتی با نامهای کندر، لبان، لیان و لیان ذکر آورده شده است.

### مشخصات:

درختچه‌ای است کوچک پُر شاخه، برگهای آن مرکب و متشکل از ۱۵-۷ برگچه. با شاخه‌ی که در تنه درختچه مولد کندر ایجاد می‌کنند، شیرابه سفید رنگی که همان صمغ رزینی کندر است از آن خارج می‌شود. کندر صمغ رزینی است که در بازار عرض می‌شود.

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی، کندر دارای حدود ۲۵ درصد صمغ غیر محلول در الکل و یک رزین و مقداری اسانس است.<sup>۱</sup> بد نیست مادران در موقع آبستنی با مکیدن کندر یا انزروت ترشح نخود مغز خود و نوزاد خود را تقویت نمایند.<sup>۲</sup> خوردن اسفند و کندر برای خوره مفید است.<sup>۳</sup> اگر کندر را با زاج آمیخته کرده و به صورت ضماد درآورند و روی آن بگذارند، درد تسکین می‌یابد. اگر کندر و روغن کرچک و موم عسل را آمیخته کرده و بجوشانند و به صورت ضماد درآورده و به جای درد بمالند، نافع است.<sup>۴</sup> کندر را به تازی لبان گویند و آن صمغی است مخصوص عمان و جبال یمن و مستدیر و صلب مایل به سرخی و او را کندر مذکر و سفید سست را انثی نامند و تازه او را که در انبیاها حرکت داده باشند، مدحرج گویند و مغشوش آن از آتش شعله‌ور نمی‌گردد و

۱- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۲۵۱

۲- اسرار خوراکیها، ص ۲۰۲

۳- تحفه حکیم، ص ۱۰۱

۴- حلیة المتقین، ص ۵۸ یا ۱۹۷

درخت او به قدر دو ذرع و خاردار و برگ و تخم آن شبه به برگ و تخم مورد است.<sup>۱</sup>  
 در مخزن الادویه کندر به جای لبان آمده است و لوی در شرح این دارو می‌نویسد: لبنا  
 در تحفة الاحباب به کندر مایع اطلاق شده و حال آن که لبنا به معنی کندر تر و خشک هر  
 دو آمده است. لبان و لبنا دارای ریشهٔ سامی است.

مایرهوف م ۱۸۸ گوید: کندر را که در گذشته از ریشهٔ فارسی می‌پنداشتند مأخوذ از  
 خوندروس یونانی است. درخت کندر مخصوص عربستان و سومالی است و واژهٔ لبان  
 مانند لغت کندر ریشهٔ یونانی دارد و مأخوذ از لیانو است و این کلمه نیز مأخوذ است از  
 لویانو در آشوری و لبونا در عبری و لبوتا در آشوری و ریشهٔ لبین به معنی سپید است.

از حضرت صادق علیه السلام در بارهٔ اسپند و کندر سؤال شد؟ فرمود: ... و اما کندر برگزیدهٔ  
 انبیاء است و مریم از آن کمک می‌جست و هیچ دودی از دود آن زودتر به آسمان بالا  
 نرود، و دودش شیطان را می‌راند و مرض را دفع می‌کند، از آن محروم نمائید.<sup>۲</sup>

«قال: علیکم باللبن فانه یسح الحر من القلب کما یسح الاصبغ العرق عن الجبین و یشد  
 الظهر و یزید العقل و یزکی الذهن و یجلو البصر و یذهب النسیان».<sup>۳</sup>

امام رضا علیه السلام فرمود: زیاد کنید از کندر و مسابقه بدهید و بجوید آن را که جویدن آن  
 نزد من بهتر است. زیرا آن بلغم را می‌برد و پاکش می‌کند و عقل را محکم و غذا را در  
 معده سبک می‌گرداند.<sup>۴</sup>

امام رضا علیه السلام فرمود: زنهای حامله را کندر بخورانید، زیرا اگر آن که در شکمش هست  
 پسر باشد پاک قلب، دانا، شجاع و اگر دختر باشد صورت و سیرتش خوب می‌شود و  
 اطراف رانش بزرگ و نزد همسرش محبوب و سعادت‌مند می‌باشد.<sup>۵</sup>

باز امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «وضع اللبان یشد الاضراس و ینقی البلغم و یذهب بریح  
 الفم».<sup>۶</sup> «جویدن کندر دندانه‌ها را محکم می‌کند و بلغم را می‌برد و بوی دهان را زایل

۱- تحفة، ص ۳۳۵  
 ۲- مکارم الاخلاق، ص ۱۲۱۲ بحار، ج ۶۲، ص ۳۰۰  
 ۳- بحار، ج ۶۲، ص ۲۹۴  
 ۴- بحار، ج ۶۶، ص ۴۴۴  
 ۵- مکارم الاخلاق، ص ۲۲۲  
 ۶- خصال، ص ۶۱۲-۳۳۱-۱۲۶



می نماید».

رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود: ای علی سه چیز حافظه را زیاد می کند و درد را می برد: لبان (کنندن)، مسواک و قرائت قرآن.<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام فرمود: هیچ پیغمبری مبعوث نشد مگر به حرام بودن خمر سخن گفت و این که خدا هر چه می خواهد می کند و این که در میراثش کند وجود دارد.<sup>۲</sup>

پیغمبر خدا ﷺ فرمود: به زنهای حامله لبان (کنندن) بخورانید که در عقل کودک بیفزاید.<sup>۳</sup>

امام علی علیه السلام فرمود: هیچ بخوری نیست که به آسمان بالا رود مگر لبان (کنندن) و هیچ خانواده ای با لبان بخور نمی کند مگر اینکه عفریتهای جن را از آنها دور می گرداند.<sup>۴</sup>

### \* کنجد

کنجد را به انگلیسی SESAMUM INDICAM و به عربی سمس و جنجلان می نامند. مزاج آن در درجه دوم گرم و تر است و نافع خونریزی بواسیر، ورمها، سوختگی آتش، قولنج، جوش سوداوی، احتباس حیض، کوتاهی مو، خارش بلغمی و خونی، کمی شیر و منی، لاغری و ورم رحم است. کنجد دارای مواد گلیسریدهای اسیدهای چرب مایع و جامد و لسیتین می باشد. نوع ناخالص و فشار دوم روغن کنجد در صنعت مصارف زیادی دارد.<sup>۵</sup>

حسین بن علوان از امام باقر علیه السلام، او از پدرش، از رسول خدا ﷺ نقل می کند که فرمود: اگر سر کسی درد کند، روغن جنجلان را به بینی بکشد.<sup>۶</sup> جنجلان همان سمس یعنی کنجد است.

گیاهی است از رده دو لپه ایهای پیوسته گلبرگ که سر دسته تیره کنجدها می باشد. این

۱- همان. ۲- عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۱۴؛ تفسیر قمی، ص ۱۸۱.

۳- بحار، ج ۶۶، ص ۲۴۴. ۴- همان.

۵- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۳۰۸۶؛ مخزن الادویه، ص ۲۴۹؛ گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۲،

ص ۳۸۴. ۶- قرب الاسناد، ص ۷۱.

گیاه یکساله است و ارتفاعش بالغ بر یک متر است. دانه‌های کنجد به سبب دارا بودن مواد روغن قابل استخراج تنها قسمت مورد استفاده گیاه است.<sup>۱</sup> کنجد از جمله گیاهانی است که هم برگ و هم دانه آن مورد مصرف است. دانه‌های آن را در قدیم، پهلوانان برای ازدیاد قدرت مصرف می‌کردند. حتی امروزه، کنجد جزو برنامه غذایی اردهای تدارکاتی کشتی‌گیران ترکیه است. در ایران، خوردن کنجد از قدیم الایام معمول و متداول بوده است. از کنجد، روغن نیز گرفته می‌شود که بسیار ماندنی است و دیر فاسد می‌شود.

شیر کوبیده کنجد جهت رفع سوزش معده مفید است و می‌گویند ترشی معده را کم می‌کند و از بین برنده «سودا» است. آب برگ کنجد را برای تقویت و رشد موها مؤثر می‌دانند. به این ترتیب که باید آب آن را با فشار یا کوبیدن گرفت و به موهای سر مالید. همچنین تأثیر روغن کنجد در جلای موها بسیار مفید و مؤثر است.

در سال ۱۹۲۴ در هندستان، یک دانشمند آمریکایی به خواص معجزه آسای این گیاه پی برد و یک سری آزمایشات علمی را بر روی آن انجام داد و به این نتیجه رسید که کنجد دارای مواد سفیده‌ای و چربی است و مهمتر این‌که جایگزین مناسبی برای گوشت می‌باشد.

ماده «لسیتین» این گیاه از باقلای هندی نیز بیشتر است. در مورد ماده «لسیتین» باید دانست که: چربی فسفر داری است که وجود آن برای نسوج و اعصاب لازم است و مغز و غدد انسانی نیاز زیادی به آن دارد.

«لسیتین» در تقویت حافظه نیز نقش مهمی ایفا می‌کند چرا که بیست و هشت درصد مغز از «لسیتین» ساخته شده است.

در کنجد ویتامین‌های گوناگون، مخصوصاً ویتامین B در آن فراوان است. کنجد می‌تواند جایگزین گوشت گردد، بی آنکه زیانهای آن را داشته باشد و با این خصوصیات، قوای جوانی، تعادل زندگانی و سلامتی برای انسان به ارمغان می‌آورد.

اثر کنگد در تعویض سلولهای کهنه بدن بسیار سریع می باشد و در رفع دردهای سرطان، سل و کم خونی تأثیر فراوان دارد.<sup>۱</sup>

کنجد در مناطق گرمسیر روپیده می شود و از برگ و نخم و روغن آن در داروسازی استفاده به عمل می آید. هندوها آن را در مراسم عبادیشان استعمال می کنند. مخلوط تخم کنگد با عسل را در مراسم استفاده می کنند.

کنجد مدر شیر، مقوی، مغذی و نرم کننده می باشد. نافع مرض بواسیر و دریمادهای زخم به کار می رود. تخم و روغنش نافع امراض دیسانتری و بولی میباشد.

اطبای مسلمان آن را سمس و در آفریقا جلجلان می گویند که در شیرینی پزیها و نانوائی ها از آن استفاده می کنند.

روغن آن را عربها دهن الحل گویند. در اروپا به جای روغن زیتون استفاده می کنند. روغن کنگد چاق و نرم کننده، جوشانده کنگد مدر حیض و نافع سرفه است نیز جوشانده اش با تخم کتان مقوی باه است.

ضماد کنگد نافع سوختگی بدن ناشی از آبجوش و آتش می باشد. استفاده از محلول برگ کنگد و یا جوشانده بیخ آن رویش مو را زیاد می کند و سیاه کننده مو است. ارده کنگد به صورت داخلی و خارجی نرم کننده می باشد.

نویسندگان یونان آن را به اسم LUCIN نوشته اند. از فشردن آن ۴۴٪ روغن به دست می آید که از روغن زیتون قویتر می باشد.

جوشانده کنگد با نخود بازکننده حیض است. شیره کوییده کنگد جهت رفع سوزش معده، ترشی معده را هم کم می کند و سودا را از بین می برد.<sup>۲</sup>

کنجد گیاهی است یکساله که بوته آن کوتاه و دارای شاخه های نازک و برگهای ریز و گلهای سبز می باشد.

در میان کردها برای دفع سرفه و سیاه سرفه، آن را در لیوان آب سرد می ریزند و پس از لحظه ای دارای ماده لعابی می شود و پس از مصرف شفا می یابند، از روغن آن هم برای

رفع ییوست استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

برگهای کنجد در ناحیه قاعده ساقه، دارای وضع متناوب ولی در قسمتهای انتهایی آن، متقابل است. گلهای آن بطور منفرد در کناره قسمت انتهایی ساقه ظاهر می‌گردد. میوه‌اش پوشینه و محتوی دانه‌های کوچک، مسطح و بیضوی است. در روغن کنجد، به علت خاصیت تند نشدن آن می‌توان در مصارف درمانی، به جای روغن زیتون استفاده به عمل آورد و نیز ملین است.<sup>۲</sup>

### کنجد عامل مؤثر در طول عمر:

در بین اقوام مختلف، هندی‌ها بیش از دیگر اقوام نسبت به خواص و اثرات معجزه آسای کنجد آگاهی دارند و مصرف آن را یکی از عوامل مؤثر طول عمر می‌شناسند. به همین دلیل، آن را در مراسم و تشریفات مذهبی شان بیشتر مصرف می‌کنند. شاید یکی از دلایل طول عمر مرتاضان و برخی روستائیان هندی، مصرف کنجد باشد. روستائینی که روغن کنجد مصرف می‌کنند، معمولاً تا هشتاد سالگی عمر می‌کنند.<sup>۳</sup>

## \* روغن کنجد

### مشخصات:

روغن کنجد عبارت از روغن تصفیه شده ثابتی است که از دانه‌های کشت شده انواع سزاموم ایندیکوم به دست می‌آید. روغن کنجد را همچنین روغن تیل یا روغن بته نیز می‌نامند. روغن کنجد مایعی است به رنگ زرد روشن، بی بو و دارای طعم خیلی کم.

۱- طب سنتی در میان کردان، ص ۱۳۹.

۲- گیاهان دارویی. دکتر عنی زرگری، ج ۲ و ۳، ص ۷۳۴.

۳- مجله برگ سبز، ص ۳۳، فروردین ۱۳۷۱.

### ترکیب شیمیایی:

روغن کنجد شامل مخلوطی از گلیسریدها می باشد که از اسیدهای چرب تشکیل شده است.

### مصرف:

در دارو سازی روغن کنجد را به عنوان حلال جهت تهیه محلولات تزریقی داخل عضلانی به کار می برند. به علاوه روغن کنجد دارای خاصیت مغذی، ملین و نرم کنندگی است. سزامولین موجود در قسمت غیر قابل صابونی شدن روغن کنجد به مقدار زیادی اثر حشره کشی دارد.<sup>۱</sup>

## \* عنبر زرد یا کهربا

عنبر زرد از سواحل دریای بالئیک و نواحی دیگر جمع آوری می شود و طبق تحقیقاتی که به عمل آورده اند، این ماده رزینی در یکی از قشرهای زمین به نام TERRE BLUE یافت می شود. در روزهای طوفانی و تحت اثر عمل امواج، قطعاتی از این ماده، از توده ای که در ته دریاست کنده می شود و توسط امواج، به ساحل هدایت می گردد. غواصان نیز قطعات عنبر زرد را که محصور بین انشعابات نوعی جلبک دریایی به نام FUCUS است، به دست می آورند.

عنبر زرد به صورت قطعات سخت و شکننده است. ظاهری شفاف و به رنگ زرد یا زرد مایل به قرمز، پوشیده از قشری کدر دارد. بعضی اوقات آن نیز کدر و به رنگ مایل به سفید می باشد. عنبر زرد اگر مالش داده شود و یا تحت اثر گرما قرار گیرد، بوی ضعیف ولی معطر و خاصیت الکتریکی پیدا می نماید.

کهربا صمغی زرد رنگ و شکننده و شفاف است و برخی انواع قرمز رنگ شفاف نیز دارد و به مقدار کم به رنگ سفید کدر نیز یافت می شود.

از خواص کهربا این است که اگر به پارچه ای پشمی مالش داده شود، خاصیت

الکتریسیته می‌یابد و ذرات گاه و خرده‌های کاغذ را جذب می‌کند.<sup>۱</sup>

کهربا را به عربی صمغ البحر، صمغ الحور، قرن البحر، مصباح الروم و به یونانی دیامینطس، المقطران و به سریانی حمرما و به رومی هیغیرس و به هندی کپور گویند. و آن صمغ درختی است که از ممالک روس و بلغار و مغرب می‌آورند. و درخت آن را به نام حور می‌نامند. بعضی آن را از سواحل و دریا دانسته‌اند.

قوت کهربا تا ۳۰ سال باقی می‌ماند. به قول شیخ گرم اندک و خشک در دوم و گویند در گرمی و سردی معتدل است.

چون بر ورمهای گرم بمالند نفع دهد و مالیدنش بر پیشانی خون دماغ را بند آورد و کلاً هر خونریزی را قطع کند. چون با آب گرم یا ادویه مناسب بخورند حابس خونریزی می‌باشد.

کهربا شادی آور و مقوی قلب و نافع خفقان است و چون نیم مثقال آن را با آب سرد و گلاب بخورند نافع خفقان عارض از صفرا و مقوی قلب می‌باشد. کهربا حابس قی و خوراک یک مثقال آن مانع ریزش مواد از سر و سینه به سوی معده است و خوراکش با مصطکی نافع معده است. نیز نافع سیلان خون از رحم، مقعد، جگر، مجاری بول، اسهال خونی و استفراغ خونی می‌باشد.

خوراکش مانع زیاد حیض و مالیدنش با صبر نافع دانه بواسیر است، مالیدنش با آب نافع سوختگی از آتش می‌باشد. گویند مضر سر است و مصلحتش بنفشه می‌باشد.

بدلش سندروس است و مقدار خوراکش تا نیم مثقال می‌باشد. صاحب منهج نوشته است: استعمالش محرق و غیر محرق است.<sup>۲</sup>

از اقوال قدما ظاهر می‌گردد که کهربا و سندروس یک جنس باشند و سندروس مخصوص بلاد هند و کهربا مخصوص مغرب و شمال باشد.<sup>۳</sup>

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۳۱۶۲.

۲- محیط اعظم، ج ۴، ص ۱۶۹؛ قانون در طب، ج ۲، ص ۶۱۸۳؛ قرآبادین کبیر، ص ۳۷۰؛ الامینه، ص ۲۷۱.

۳- تحفه حکیم، ص ۲۲۶.

### ترکیبات شیمیایی:

عنبر زرد دارای مقدار کمی اسانس و سه مادهٔ رزینی متفاوت و جدا شدنی به وسیله الکل است. رزین سوکسین نامیده می‌شود و در الکل غیر محلول می‌باشد. از قسمت غیر محلول در الکل، یک مادهٔ اتری دیگری به دست می‌آید که بر اثر صابونی شدن، موادی نظیر اسید سوکسینیک و سوکسینورزینول از آن نتیجه می‌شود.

از قسمت های محلول در الکل، اسیدهای مختلف مانند اسید سوکوسی آبی یتیک و اسید سوکسنو آبی یتیک که یک اثر اسید است، به دست می‌آید. از این اثر اسید بر اثر صابونی شدن، موادی نظیر سوکسینوسیل، سوکسینو آبی یتول و بورنتول نتیجه می‌گردد.

### خواص درمانی:

سابقاً به عنوان داروی ضد تشنج مورد استفاده قرار می‌گرفت و به صورت بخور یا تنطوری به کار می‌رفت. مصارف درمانی این ماده امروزه بکلی متروک گردیده و فقط از آن جهت تهیهٔ اشیاء زینتی، ورنی و غیره استفاده می‌گردد.<sup>۱</sup>

## \* کورا

چهل تا پنجاه گرم شاخه‌های گلدار فراسیون را مدت پانزده روز در یک لیتر شراب سفید روسیون بخیسانید بعد با پارچهٔ نازکی آن را صاف کنید و هر روز ناشتا یک گیلار کوچک از آن بنوشید، هیکل رعنا و خوش اندام سابق خود را به دست خواهید آورد و لاغر خواهید شد به شرطی که از مصرف مواد چربی و قندی و نشاسته‌ای خودداری کنید و گوشت بی چربی، لبنیات و ماست بخورید و از راهپیمایی غافل نشوید. این گیاه را به نام کورا و به عربی علقما می‌گویند.<sup>۲</sup>

۲- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۵۷.

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۲، ص ۲۵۳.

## \* کوکا

کوکا درختچه‌ای است به ارتفاع ۱ تا ۳ متر که به حالت وحشی در پرو، بلیوی و آند می‌روید. به‌علاوه در بسیاری از نواحی مانند کلمبیا، برزیل و نیز در شیلی، آرژانتین، جاوه، فرمز و نواحی شرقی آفریقا پرورش می‌یابد.

از مشخصات آن این است که ریشه‌ای منشعب، ساقه‌ای ناصاف و به رنگ مایل به سفید و شاخه‌هایی به وضع متناوب باحالت راست و رنگ مایل به قرمز دارد. بوی برگ کوکا شبیه برگ چای و طعم آن تلخ و قابض است. قسمت مورد استفاده گیاه، برگ آن است.

جویدن برگ کوکا در آمریکای جنوبی، بلیوی، مکزیک و پرو برای تسکین گرسنگی بین مردم معمول است.

دم‌کردهٔ ده در هزار برگ کوکا به‌صورت غرغره، اثر بی‌حس‌کننده در بیماریهای دهان، حلق، در موارد تورم لثه‌های دندان، آنژین و غیره دارد. در مصارف داخلی، دارای اثر نیرو دهنده و آرام‌کننده است و به‌علاوه برای رفع دردهای معدی، قی، سوء هضم‌های همراه با درد و غیره به کار می‌رود. در استعمال خارج، دم‌کردهٔ ۱۰ در هزار برگ کوکا به‌صورت غرغره، لوسیون و غیره به کار می‌رود.<sup>۱</sup>

کوکائین اثر بی‌حس‌کنندهٔ موضعی و مخدر دارد. حداکثر مصرف آن از طریق خوردن ۰.۵/گرم در یک دفعه و ۰/۱۵ گرم در ۲۴ ساعت برای اشخاص بالغ است.

کلریدرات کوکائین اثر بی‌حس‌کنندهٔ موضعی قوی دارد و بر روی انتهای انشعابات اعصاب حسی، مؤثر واقع می‌شود. از آن به‌صورت محلول یک در ۲۰۰، برای آرام کردن درد و به‌صورت آغشته کردن یا وارد کردن فطرات آن در گوش وسطی، حلق و حنجره، مخاط بینی، مجرای تناسلی، ادراری، رکتوم و یا قریه و عنیبه (عمل بی‌حسی پس از ۵ دقیقه ظاهر می‌شود و یک ربع ساعت نیز طول می‌کشد) استفاده می‌شود.



اثر تنگ کننده مجاری عروق نیز دارد و در چشم پزشکی استفاده می شود. در مصارف داخلی برای رفع درد مری و معده، همچنین رفع حالت استفراغ به کار می رود و با آنکه چنین به نظر می رسد استفاده از املاح کوکائین تدریجاً ترک می شود. معهذاً در تسکین درد بیماران مبتلا به سرطان، هنوز موقعیت درمانی خود را حفظ کرده است. از کوکائین برای بیماران مبتلا به ناراحتیهای قلبی، تصلب شرائین، ناراحتیهای عصبی، اطفال کمتر از ۲ سال و اشخاص پیر و سالخورده استفاده می کنند. نیترات کوکائین دارای اثر بی حس کننده موضعی است و به مصارفی مشابه کلریدرات کوکائین از نظر درمانی می رسد. نیترات کوکائین، با بازها، املاح قلیایی، تانن و سولفات روی، ناسازگاری دارد.<sup>۱</sup>

### \* کونچید

گیاهی است که در بلوچستان با نامهای محلی «اگلبور» می نامند.

#### مشخصات:

گیاهی است چند ساله، بلندی آن یک و یک و پنج تا ۵/۰ متر، پوشیده از کرک خوابیده، برگها با دندانهای ریز و پشت برگها پوشیده از کرک سفید است.

#### خواص - کاربرد:

این گیاه برای معالجه اسهال خونی استفاده می شود و برای این کار جوشانده ۳۰ گرم ریشه خشک گیاه در ۱۰۰۰ گرم آب را تهیه و ۳-۴ فنجان در روز می خورند. در آلمان از خود گیاه به عنوان داروی بند آورنده خونریزی و قطع اخلاط خونی مصرف می کنند.

## \* کور

کور گیاهی زیبا، دارای شاخه‌های متعدد، پوشیده از کرک و به طول یک تا یک و نیم متر است. برگهای آن ساده، عاری از دندانه، به رنگ سبز روشن و دارای دو زائده خار مانند در محل اتصال دمبرگ به ساقه است.

گل‌های درشت آن، رنگ سفید مایل به گلی دارد. منشأ اصل آن نیز بعضی از نواحی آسیا به نظر می‌رسد. میوه آن بیضوی، گوشتدار و در آغاز به رنگ سبز روشن است ولی تدریجاً مایل به قرمز می‌گردد.

به حالت وحشی بیشتر در اماکن متروک، کنار دیوارهای کهنه و دامنه‌های نسبتاً مرطوب کوهستانهای کم ارتفاع یافت می‌شود. قسمت مورد استفاده گیاه، جوانه‌ها یا تکمه‌های مولد گل آن است که معمولاً پس از چیدن، در حدود ۳ ماه در سرکه قرار داده می‌شود و یا آنکه مدتی در آب شور نگهداری شده سپس مصرف می‌گردد.

میوه، ریشه و پوست آن بیشتر به مصارف درمانی می‌رسد. پوست ریشه گیاه سابقاً در بیماریهای مختلف مخصوصاً امراض مربوط به کبد و طحال مصرف می‌گردید و از آن در موارد ضروری به عنوان مدر، قابض و مقوی استفاده می‌شده است.

مصارف آن در رفع آب آوردن، کم خونی و رنگ پریدگی دختران جوان، ضعف عمومی همراه با ضعف اعصاب و همچنین در نقرس معمول بوده است.

مطالعات جدید، اثر مفید آن را در هیستری و حالات عصبی دیگر تأیید نموده است. مصرف آن موجب باز شدن خون قاعدگی در موارد قطع این حالت در زنان جوان می‌شود.

جوانه‌های ناشکفته و مولد گل آن، اثر نیرو دهنده و کمی مدر دارد. از جوشانده آن در مصارف داخلی، هنوز هم در الجزایر برای مداوای نقرس استفاده می‌شود. این گیاه در نواحی مختلف ایران، دامنه‌های البرز، شمال شرقی هرزویل، بلوچستان و شیراز می‌روید.

## \* کی وی

درختچه‌ای است که میوه آن ماکول و خوردنی است.

### مشخصات:

درختچه‌ای است که بعضی گونه‌های آن بالارونده است. برگهای آن نسبتاً گرد و پوشیده از کرک، میوه آن به رنگ مایل به سبز در ابعاد یک تخم مرغ یا یک آلوی درشت، میوه آن خوردنی است با مزه ترش.

### ترکیبات شیمیایی:

در میوه آن ماتاتایک اسید وجود دارد و دارای مقدار زیادی ویتامین C است.

### خواص - کاربرد:

شربت آن برای تقویت قلب مفید است و مدر می‌باشد. جوشانده میوه رسیده خشک شده آن برای معالجه روماتیسم و کولیک مصرف می‌شود. از برگهای آن به عنوان تب‌بر و رافع تشنگی و حشره‌کش استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

## \* کیسه کشیش

کیسه کشیش گیاهی است علفی، معمولاً دو ساله و به ارتفاع ۲۰ تا ۴۰ سانتی‌متر که بیشتر در آبادیها، کنار جاده‌ها و اماکنی که در آنجا سکونت دارند، یافت می‌گردد و چون اختصاصات گیاه به نحوی است که در هر شرایطی رشد می‌کند، از این جهت در همه جای کره زمین می‌توان به آن برخورد نمود.

آن را به عنوان بندآورنده خون به کار می‌برند. در قرن ۱۶، مصرف ضماد آن در رفع التهابهای سطحی بدن و جوشانده آن در اخلاط خونی، خونریزیهای رحمی و کلیه

خونریزیها توصیه می‌گردد.

ضمناً شیره تازه گیاه برای التیام زخمها به کار می‌رفت به علاوه در این زمان، آن را در موارد وجود خون در ادرار و بی اختیاری دفع منی هنگام شب، به کار می‌بردند.

مطالعات نشان داده است که شیره حاصله از گیاه، در موارد خونریزی در فواصل قاعدگی اثر قطعی دارد بطوری که مصرف یک قاشق قهوه خوری آن در هر ساعت، به سهولت این ناراحتی را رفع می‌نماید. در پزشکی عوام، بطوری که اظهار شده است، مصرف حتی یک قاشق از شیره این گیاه، خونریزی را قطع می‌نماید و اگر مصرف آن تا روز بعد ادامه یابد، موجبات مداوی کامل خونریزی زنان را در فواصل قاعدگی فراهم می‌آورد.

مصرف کیسه کشیش در استفراغهای خونی و اخلاط خونی نیز اثری شبیه گیاهان مذکور ولی به نحو خفیف‌تر به وجود می‌آورد، به علاوه در رفع خونریزیهای داخلی نیز مؤثر تشخیص داده شده است.

بطور کلی، این گیاه از مقوی‌های قابض است و تونوس ماهیچه‌های رحم را زیاد می‌کند. همچنین در درمان صرع و ناراحتی‌های عصبی مفید واقع می‌گردد. کیسه کشیش گیاهی است که در تمام نواحی ایران به آن برخورد می‌شود. در اطراف تهران، شمیرانات، کرج، کرمانشاه، گیلان، بلوچستان و بسیاری از نواحی البرز مانند منطقه عمارلو، داماش و نیز در مشهد، نیشابور، آبشار اقلمد، جنگل گلستان و در کرمان: کوه لاله‌زار در ارتفاع ۳۰۰۰ متری می‌روید.

از آزمایشهای کلینیکی که در نواحی مختلف اروپا بر روی بیماران به عمل آمده، این نتیجه کلی حاصل شد که با مصرف عصاره کیسه کشیش از نظر مداوا، همان عمل در خونریزیهای رحمی انجام می‌گیرد که مصرف عصاره هیدرآستیس و ارگو دوسگل دارد.<sup>۱</sup>



حرف

و



## □ مقدمه

زمانی که به آماده سازی این جلد مشغول بودم، نامه‌ها، مجلات و روزنامه‌هایی را مشاهده کردم که به سختی متأثر شدم. در آنها مشاجرات و اختلاف نظرها را مشاهده کردم که برخی از پزشکان حجامت را مورد نکوهش قرار داده و برخی دیگر به دفاع از آن برخاسته بودند.

این گونه مطالب در این عصر، تعجب‌آور است، زیرا در صورتی که می‌توان اختلاف و معضل علمی را با حربه تحقیق حل کرد، پس چرا باید از راه غیر اصولی وارد شد! اکنون که مردم جهان هر مشکلی را به وسیله علم حل می‌کنند بهتر است همین موضوع را نیز حل کنند و این جانب چنانکه در کتابهای طبی بارها متذکر شده‌ام، اسلام با هیچ علمی مخالف نیست، بلکه علم شیمی نیز از اسلام است. جابر بن حیان شاگرد امام صادق علیه السلام نخستین شیمی‌دان و مهمترین آنهاست و کتابهای زیادی در این زمینه نوشته است که نگارنده در کتابهای: شناخت فلسفه و فلاسفه، شیمی تطبیقی جابر بن حیان و دیگر کتابها بر آنها متذکر شده‌ام.

بدین جهت بهتر است آقایان اطبا و پزشکان برادرانه مطالب علمی را با استشاره از



دانشمندان حل نمایند و به ملل عالم کمک نمایند و به استقلال و خودکفایی نیز برسند و همگان به حقایق دین و علوم اسلامی نیز توجه کنند و پیشوایان دین را همانند دیگر دانشمندان به حساب آورند و کلمات آنها را به دقت مورد بررسی قرار دهند تا آنکه معلوم گردد که اصالت علوم از دین، پیامبران، امامان می باشد.

خداوند همه ما را از عناد و نجاجت محفوظ بدارد و ما را با توفیق خود به حقایق دینش آشنا گرداند.

والسلام علینا و علی عبادالله الصالحین

قم - بهار ۱۳۷۷ ه. ش

## \* گل گاو زبان

گیاهی است علفی، یکساله به ارتفاع ۱۵ تا ۷۰ سانتی متر و دارای ساقه منشعب شیاردار و پوشیده از تارهای خشن می باشد.

گل‌های آن که به تناسب محل رویش، در فاصله ماههای فروردین و تیر ظاهر می گردد، رنگ آبی زیاد و به ندرت سفید یا گلی دارد.

از خصوصیات جام گل آن این است که قطعات پهنک جام، به لوله‌ای که در غالب گیاهان این تیره دیده می شود، منتهی می گردد و این خود بهترین وسیله تشخیص آن از گیاهان مختلف این تیره است. قسمت مورد استفاده این گیاه، گل، برگ یا سر شاخه گلدار آن است.

### گل گاو زبان معروف در ایران:

گیاهی علفی، پایا و دارای اعضای پوشیده از تارهای نرم است. گل‌های درشت آن به رنگ آبی مایل به بنفش در ماههای اردیبهشت تا تیر به تعداد کم بر روی ساقه ظاهر می گردد.

این گل در جای نرم و خاکستری و شنزار بهتر به وجود می آید و در تمام تابستان گل می دهد ولی باید تا اوایل مرداد برگهای آن را چید و خشک کرد و گلهای این گیاه تیز دارای مقداری موسیلاژ (لعاب نباتی) و برگهای آن دارای آرتات دوپتاس می باشد. خوردن دم کرده چهل گرم آن در یک لیتر آب برونشیت سینه و سینه پهلو را از بین می برد.

گل گاو زبان معرق است و در تبهای مختلف امراض، سرخک و آبله، مخملک و تب خال، تب کهر و روماتیسم مفید است که باید یک قاشق سویخوری گل گاو زبان را در یک لیوان بزرگ آبجوش مدت ده دقیقه دم کرده و هر روز سه تا چهار فنجان بین غذای صبح و شام و نهار مصرف کرد. اگر برگهای تازه گل گاو زبان را له کنند و با شیر بپزند برای ضماد روی آبله و سوختگی و سایر اعضاء بدن مفید است.

مصرف دم کرده گل گاو زبان یک قاشق سویخوری در یک لیوان بزرگ آبجوش مدت ده دقیقه دم کرده و هر روز سه تا چهار لیوان بین غذای صبح، نهار و شام مصرف نمایند، معرق و به عمل مسامات بدن کمک می کند و مخلوط آن با سنبل الطیب و لیموی عمانی برای همه، بخصوص برای خانمهای حامله مفید است.<sup>۱</sup>

جوشانده ۲۰ تا ۲۵ گرم ساقه و برگ گل گاو زبان را در یک لیتر آب در مورد تفریت و سرماخوردگی مثانه تجویز می شود.<sup>۲</sup>

بیست تا چهل گرم گل گاو زبان را در یک لیتر آب دم کنند، نوشیدن آن در برونشیت و سینه پهلو داروی مؤثری خواهد بود عرق و ادرار آور است.<sup>۳</sup>

گل و برگ گاو زبان، اثر نرم کننده، آرام کننده و تصفیه کننده خون است. مصرف آن در تمام مواردی که احتیاج به تقویت اعمال کلیه، برونشها و پوست باشد، مانند زکام، سرفه، برونشیت، نزله، ذات الریه، بی اختیاری دفع ادرار، سودا، خنازیر، حالات تحریکی احتقانی اعضایی مانند کلیه و کبد و طحال و همچنین خیز اندامها توصیه گردیده است.<sup>۴</sup>

۲- همان، ص ۱۹۶.

۱- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۹۶.

۴- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۲، ص ۲۲۷.

۳- همان، ص ۱۹۶.

### آب مقطر گل گاو زبان:

جهت تهیه عرق گل گاو زبان برگ و سرشاخه‌های گیاه بوراگو افسینالیس یا گل گاو زبان را همراه با آب تقطیر می‌نمایند. عرق گل گاو زبان را به عنوان تقویت کننده عمومی و در تنگی نفس و به عنوان مدر به کار می‌برند.<sup>۱</sup>

### محل رویش:

گیلان: منجیل، ارتفاعات سیاه بیشه راه کرج به چالوس ارتفاعات بین رودبار و منجیل، جنوب رودبار بالای سینه خانی، ناحیه خوشس در ارتفاعات ۱۵۰۰ متری، کندوان، دره چالوس، گرگان: مینودشت، بین گرگان و نوده می‌روید.

## \* گاو

ابی‌الحسن اول (موسی بن جعفر علیه السلام) فرمود: هر کس شوربای گوشت گاو را بخورد، خداوند مرض یرص و جذام را از وی می‌برد.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: مرض سفیدی بر بدن بنی اسرائیل عارض شد، خداوند بر موسی علیه السلام وحی کرد به آنها بگو گوشت گاو را با چغندر بخورند.<sup>۳</sup>

ابن عباس معجونی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌نماید، که رسول خدا فرمود: هلیله سیاه و بلیله و آمله را با روغن گاو بجوشان که طریفل است.<sup>۴</sup>

گاو فارسی است و ماده آن را به عربی بقر و به فارسی ماده گاو و به هندی گای و نر آن را به عربی ثور و به فارسی نر گاو و به هندی بیل و بچه آن را به فارسی گوساله و به عربی عجل و به ترکی یوزاد گویند و آن حیوانی معروف است و بهترین آن، آن است که جوان، فربه، ماده و چرنده باشد.

گوشت گاو غلیظ‌الغذا، دیر هضم و خون متولد از آن غلیظ تر و بدبوتر و سوداوی و

۲- بحار، ج ۶۲، ص ۲۱۳.

۴- روضه کافی، ص ۱۹۳.

۱- مفردات پزشکی دکتر آینه جی، ص ۱۱۱۰.

۳- محاسن، ص ۵۱۹- مکارم الاخلاق، ص ۲۰۷.

اکثار تناول آن محدث امراض سوداوی مثل سرطان و جذام و تب ریح و وسواس و داء الفیل و بهق و جرب و فساد مزاج کل بدن و استسقاء و مانند اینها گردد.

خوردن گوشت ماده گاو نافع قروح امعاست و چون صاحب مزاج بارد و معده ضعیف اراده تناول آن نماید باید که آن را خوب طبخ نماید و با کاشم و سیر و سداب و جرجیر و خردل بریان و با عسل و شیرینینها سوای خرما تناول نماید و خوردن تره به برگ و خردل بعد از آن نیکوست و مصلح گوشت آن دارچین، فلفل و زنجبیل است و چون در هنگام طبخ قدری پوست خربزه در آن دیگ اندازند مزاج را لذیذ گرداند.

و از معده به سرعت منحدر سازد. و سرگین آن زیاد حل می شود و جاذب و حابس خون و ضماد آن با آرد جو جهت جوششها و اورام و با سرکه جهت خنازیر و اورام صلبه مفید است و روغن آن جهت قویا و جرب رطب نافع است و ذرورشاخ آن نافع زیادتی آکله است و طلای پیه آن بر خنازیر و قروح و جروح مفید است و بول ماده گاو بغایت جالی و جهت کلف و قروح اطفال و نواصیر نافع است.

و لطورخ سم سوخته آن با سرکه نافع درد دندان است و ضماد سرگین آن به آرد باقلا جهت ورم پستان مفید است و بول گاو نر جهت درد معده بارد و بواسیر و پیه آن جهت قروح معده مفید است.<sup>۱</sup>

### \* گاومیش

گاومیش اسم فارسی است. معرب آن جاموس و به هندی بخیس گویند و آن نوعی از گاو است سیاه رنگ و بسیار قویتر از گاو و شاخهای آن درازتر و قویتر و صحرايي آن که به هندی ارنه گویند قویتر از آن و شاخهای آن بلندتر و قویتر از اهلی و زور و قدرت این به مرتبه ای است که شیر و فیل را می کشد.

شیر و روغن آن از شیر گاو چرب تر و غلیظ تر و گویند که بحری آن نیز می باشد. گاومیش گونه ای از گاو است که خاص مناطق معتدل و گرم آسیا و آفریقا و اروپا

می باشد و دارای چند نژاد است که مهمترین نژادهای آن گاومیش هندی است.  
 گاومیشان وحشی اکثراً کوچکند و بیش از یک متر ارتفاع ندارند ولی گاومیش وحشی هندی نسبتاً عظیم الجثه اند و ارتفاع آنها گاه تا ۲ متر و وزنشان تا ۱۵۰۰ کیلوگرم می رسد و دارای شاخهای بلند هستند که گاهی طول آنها بر ۲ متر بالغ می گردد.  
 گاومیشان وحشی از حیوانات درنده مانند پلنگ و ببر و شیر هم باکی ندارند و غالباً با آنها مبارزه می کنند. گوش گاومیش بزرگ است و در درون آن موهای بلندی مشاهده می شود. پستان گاومیش کوچک است.<sup>۱</sup> بدل گوشت گاومیش گوشت گاو است و ضرر آن معده را ضعیف می کند و نافع خاص آن ضعف کلیه را از بین می برد و اگر شاخ و موی گاومیش را بسوزانند از دود آن مار فرار می کند.<sup>۲</sup>  
 گرم و خشک و مصلح آن زنجبیل است. شیر آن خیلی مقوی است، مسمن گوشت آن دیر هضم، نفاخ و غلیظ می باشد. گرد شاخ گاومیش در مرض صرع خیلی تأثیر دارد.<sup>۳</sup>  
 از حضرت امام موسی علیه السلام نقل شده است که باکی نیست در خوردن گوشت، شیر و روغن گاومیش.<sup>۴</sup>

### \* گرد زغال چوب

این گرد، جهاز هاضمه را که از ناخوشی ضعیف شده باشد، به حال می آورد. هر ناقهی آن را در شیر مختصر شیرین، به سهولت می خورد.  
 آن را در یک فاشق متوسط بیشتر نباید خورد آن هم یک یا دو دقیقه. به مسلولین اجازه می دهیم هر روز چند دفعه، دو نیم لیتر شیر بتوشند که هر کدام یک فاشق گرد زغال داشته باشد. در امراض کبد اثر خاصی دارد که آن هم با شیر خورده می شود. روزی دو دفعه که به زخم چرک دار باشند چاق می کند و پوست می آورد.<sup>۵</sup>

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۳۱۸۸، قلابادین کبیر، ص ۱۴۹.

۲- کتاب المعربات، ص ۴۹.

۳- بوستان المفردات، ص ۷۷.

۴- طب الصادق، ص ۲۱۰.

۵- حلیۃ المتقین، ص ۴۹.

## \* گردو

در کتب طب سنتی با نام عربی آن «جوز» نام برده می‌شود. درخت گردو درختی است بزرگ و یک پایه، گلهای در جداگانه به شکل شاتون دراز استوانه‌ای و آویزان و گلهای ماده نیز جداگانه و منفرد یا گروهی در انتهای شاخه جوان مربوط به سال رویش ظاهر می‌شود.

درخت گردو در مناطق معتدل خوب رشد می‌کند. آب و هوای خیلی سرد و خشک را دوست ندارد ولی درخت کوهستان است. معمولاً از هر یکصد کیلو گرم گردو با پوست خشبی آن در حدود ۳۰-۳۵ کیلوگرم مغز گردو به دست می‌آید.<sup>۱</sup>

گردوی خشک، آب و قندش کمتر از نازه و دارای ویتامینها و مواد معدنی و چربی است و از آن روغن و پروتئین استخراج می‌گردد. (اهالی بعضی دهات یزد از پروتئین و روغن گردو به جای روغن استفاده کرده و نیروی بدنشان زیاد می‌شود).

آنچه برای رشد کودکان لازم است تقریباً در گردو وجود دارد (ویتامینهای A و D، کلسیم، مس، فسفر، آهن) و اگر با پنیر مخلوط شود، تکمیل می‌گردد.

گردو برای بیماران قندی به علت کم داشتن گلوکوسیدها مؤثر است و کسانی که کارهای فکری زیاد دارند با فسفر گردو به شرطی که تحمل هضمش را داشته باشند بهتر انجام وظیفه می‌نمایند.

گردو برای کسانی که ضعف دستگاه هاضمه داشته یا مبتلا به ورم روده‌ها باشند یا دچار ناراحتی کبد و نفريت چرکی (بیلو نفريت) شده‌اند یا چاق می‌باشند خوردنش زیان‌آور است.

شصت گرم روغن گردو را چند شب جزو سالاد کرده بخورند دافع کرم کدو است و اگر آن را به محل آفتاب زدگی بمالند سودمند می‌باشد.

خریدن مغز گردو، کار غیر بهداشتی بوده، بهتر آن است که گردو را با همان پوست چوبی خریده، زمان نیاز، آن را شکسته و بخورند.

گردوی مانده و کهنه بویژه اگر مغز شده و کهنه گردیده باشد ایجاد ناراحتیهای حساسیتی می نماید. اگر مغز گردو را در میان ماسه خشک بگذارند مدتی سالم می ماند و چنانچه خشک شده اش را با پوست در آب نمک نهاده و بجوشانند و یک شب در آب سرد و یک شب در شیر بخیسانند تازه و خوشمزه خواهد شد.

### گردو در روایات:

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خوردن گردو در گرمی سخت، گرمی را در درون به هیجان و زخمها را در بدن به حرکت درمی آورد و خوردن آن در زمستان کلیه ها را گرم می کند و سردی را دفع می نماید.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: پنیر و گردو در هر دو شفا هست و اگر از هم جدا شدند در هر یکی از آنها مرض موجود است.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: چهار چیز چشم را نور می بخشد و نفع دارند و ضرر ندارند. از آنها سؤال کردند، فرمود: ستر و نمک اگر با هم جمع شدند و نانخواه و گردو اگر جمع شدند، گفته شد بر چه صلاحیت دارند اگر این چهار چیز با هم جمع شدند؟ فرمود: نانخواه و گردو بواسیر را می سوزانند و باد را دور می نمایند، رنگ را زیبا می کنند و معده را زیر و درشت می کنند و کلیه ها را گرم نگه می دارند. ستر و نمک نیز بادها را دور می سازند، بسته شدن اجزاء بدن را باز می کنند، بلغم را می سوزانند، آب را به جریان می اندازند، بوی بدن را خوب می نمایند، معده را نرم می کند، بوی بد را از دهان می برند و بر نزدیک می افزایند.<sup>۳</sup>

### گردو از رازی:

گردو گرمی زیاد دارد و سبب بشورات دهان و ورم گلو می شود و چون زیاد خورده شود به دندانها نیز آسیب می رساند به خصوص اگر مزاج، استعداد این عوارض را داشته



یا آنکه در بدن شخص، بعضی تبها وجود داشته باشد. پست‌ترین نوع آن گردوی کهنه است. بعد از خوردن گردو باید به دقت دهان را شست و با سرکه یا سکنجبین غرغره نمود یا انار ترش مکید، انار ترش به خصوص آتش و حرارت گردو را قرو می‌نشانند. مغز خیار هم مفید است.

برای کسانی که پنیر کهنه خورده باشند همین دستور را می‌دهند. اگر پوست نازک گردو را بکنند بیشتر ضررهای آن برای دهان و حلق متفی می‌شود. طریقه سهل و ساده برای پوست کردن گردو این است که آن را با کمی نخاله نان سفید در تابه‌ای بریزند و با حرارت ملایم ولی طولانی حرارت دهند، نخاله‌ها پوست نازک گردو را می‌سوزاند و به خود جذب می‌کنند و بدین صورت گردو از پوست پاک شده و برای خوردن آماده می‌شود.

روغن گردو از خود گردو بهتر و سازگارتر است. گردوی ترکمتر تولید حرارت می‌کند و آسانتر از معده دفع می‌گردد و برای معده از بادام بهتر است. برای فروتناندن حرارت آن کافی است اندکی از آنچه برای رفع حرارت گردوی خشک گفتیم، استفاده شود.

### گردو در علم جدید:

گردو دارای کمی اسانس، اینوزیت، ماده تلخ ژوک لاندین، ژوک لون، تانن، مواد پکتیکی، رزینی و غیره است و پوست گردو (قسمت سبز روی گردو که با گذشت زمان و کهنه شدن تیره و قهوه‌ای می‌گردد) دارای مقدار زیادی ژوک لون و اسیدهای مالیک و سیتریک و املاح مختلف، تانن، آمیدون، ژوک لاندین و غیره می‌باشد. ژوکلون در برابر هوا اکسیده و قهوه‌ای رنگ می‌گردد و اگر به دست یا پارچه‌ای مالیده شود آنها را رنگین می‌سازد.

برگ درخت و پوست گردو که سبز رنگ است، مقوی معده و ضد کرم و ضد خنازیر بوده، قند خون را پایین می‌آورند و جوشانده برگها برای شستشوی بیماریهای جلدی و جهت رفع ترشحات بی رنگ زنانگی (لکوره) و به صورت غرغره در آنزین و تورم

لوزه‌ها و... مفید است. شیره قسمت سبز رنگ میوه برای رفع زگیل و مداوای کچلی اثرهای نیکویی دارد. ژوک لون در آگزما، بیماریهای جلدی و برای تسکین خارش به صورت محلول ۰/۵۰ درصد کلروفورمی مخلوط در یک یا دو قسمت روغن وازلین استعمال خارجی دارد. برگ تازه گردو ساس و بید را فراری می‌دهد.

روغن گردو به سهولت تند و چون زود خشک می‌گردد در نقاشی نیز به کار برده می‌شود. چوب گردو در ساختن قسمت چوبی تفنگ و در ساختن اشیاء لوکس و منبت کاری مصرف می‌گردد.<sup>۱</sup>

برای این که از گردو روغن زیادی به دست آید بعد از چیدن میوه، پوست سبز آن را جدا کرده و سه ماه آن را نگهداری می‌نمایند تا خشک شود، زیرا از گردوی تازه فقط امولسیون روغنی به دست می‌آید. ولی در ظرف مدت سه ماه، روغن در آن تشکیل و جمع می‌گردد و می‌توان پس از مدت مذکور گردو را مختصری بو داده شکسته مقررش را بدون حرارت تحت فشار قرار داده و پس از مرطوب کردن تفاله با آب گرم در حرارت تحت فشار قرار داده روغن اول که سفید یا کمی مایل به زردی یا سبزی است مصرف خوراکی دارد و روغن بعدی استعمال صنعتی دارد.

قسمت اعظم روغن گردو از گلیسرید اسیدلینولئیک و کمی گلیسریدهای اسید اولئیک و لینولئیک و ایزولینولئیک و گلیسریدهای اشباع شده (لورین، میریستین و...) تشکیل شده که به زودی در برابر هوا خشک می‌شوند. گردو سرشار از ویتامین‌های A و B و مواد چربی و بیاض‌البیضی و آهن و کلسیم و فسفر و مس و روی می‌باشد و ۵۰ درصد وزنش چربی بوده که برای بیماران مسلول و مرض قندی مفید است مخصوصاً مبتلایان به خنثازیر و مرض قند می‌توانند ۲۵ گرم برگ خشک گردو را در یک لیتر آب دم‌کرده روزانه به جای آب میل نمایند. نیز دم‌کرده ۵۰ گرم آن در یک لیتر برای ورم و سرمازدگی و قرمزی پوست مفید است و به شکل کمپرس برای معالجه ورم پلک، جوش، طاول و آبله استعمال دارد و به شکل محلول برای انواع زخمها و زخمهای

خنزیری و لکوره (ترشح سفید) زنان مؤثر است.

شستن موی سر با آب گردو سبب حفظ و نرمی و درخشندگی موها می شود و اگر بدن حیوانات خانه را با آب گردو بشوید حشرات و از جمله مگس به آنها نزدیک نمی شود.

در گردو کلسیم توأم با فسفر هست که به خوبی جذب بدن شده در سوخت و ساز فعالیت عضلات و اعصاب بدن ضرورت دارد، فسفر در رشد و نمو و در فعالیت زندگی مؤثر است. گردو اضافه بر اینها دارای املاح پتاسیم، منیزیم و آهن می باشد، مواد چربی و ازت که گوشت و تخم مرغ برای ما فراهم می کند گردو به تنهایی به ما می دهد.

اگر خانمها علاقه دارند موی ابرو و پلک آنها بلند شود باید جوشانده برگ گردو را با یک نوک سوزن سولفات دوکتین مخلوط کرده و هر روز موی ابرو و پلک چشمان خود را با آن نم بزنند.<sup>۱</sup>

اگر بخواهید از شر نیش زنبور مصون بمانید برگ درخت گردو را به صورت و دستهای خود بمالید.<sup>۲</sup>

برای جلوگیری از هجوم کک به بدن باید برگ درخت گردو را در بستر آنها مخلوط کرد یا زیر رختخواب گذاشت.<sup>۳</sup>

بر داده گردو برای نرم کردن سینه بسیار مفید است.<sup>۴</sup>

جوشانده برگ گردو برای غرغره درد گلو و وزم لوزتین بسیار نافع است.<sup>۵</sup>

جوشانده پوست خارجی میوه گردو به مقدار ۵۰ تا ۶۰ گرم در یک لیتر آب به عنوان داروی غرغره برای گلو و حلق استعمال می گردد.<sup>۶</sup>

برگهای گردو برای خنازیر دارویی گرانبهاست. جوشانده برگهای گردو ۲۵ گرم در یک لیتر آب محلول برای انواع اولسر و زخمهای خنازیر مصرف می گردد.<sup>۷</sup>

۲- همان.

۱- میوه ها و سبزیهای شناختی، ص ۱۷۸

۴- اسرار خوراکیها، ص ۲۲۸.

۳- میوه ها و سبزیهای شناختی، ص ۱۷۹

۶- میوه ها و سبزیهای شناختی، ص ۱۸۰.

۵- همان، ص ۲۲۷.

۷- همان، ص ۱۷۷.

در میان کردها از برگ درخت گردو برای رفع آگزما و روماتیسم و درد مفاصل استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

درخت گردو، درختی است یک پایه و دارای برگهای مرکب از برگچه‌های خُرد و بزرگ که سنبله گل‌های نر آن، وضع آویخته دارد ولی گل‌های ماده آن دارای وضع قائم بر روی شاخه‌هاست. این درخت از درختان بسیار مفید به شمار می‌آید و چون ظاهری زیبا و سایه افکن دارد، غالباً اقدام به پرورش آن در باغها می‌شود.

قسمت مورد استفاده آن، برگ، قسمت گوشتدار میوه سبز، پوست و چوب آن است. برگ این درخت و همچنین قسمت گوشتدار میوه نارس آن از مقوی‌های تلخ به حساب آمده اثر تقویت کننده، دفع کرم و درمان ترشحات زنانگی دارد و به علاوه کم و بیش در درمان بیماری سل و دیابت اثر مفید ظاهر می‌کند.

در استعمال خارج اثر التیام دهنده زخم و جراحات و ضد عفونی کننده دارد. برگ درخت گردو و قسمت گوشتدار میوه سبز آن، به صورت دم کرده یا جوشانده در نفاتیس و عوارض استخوانی، مفصلی، شایعات و چرکین شدن مجرای بینی، حلق، ورم غدد لنفاوی ناحیه گردن، آگزما، سل استخوانی، مفصلی، اولسره‌های چرکین، ضماد بافت استخوانی، ورم لوزه و غیره می‌تواند مصرف شود. در طب عوام از برگ آن به عنوان رفع نزله‌های مزمن دستگاه هضم استفاده می‌شود.<sup>۲</sup>

محلول جوشانده و برگهای گردو به مقدار ۲۵ گرم در یک لیتر آب به شکل تزریق برای معالجه ترشح آب سفید در زنان و ورم رحم آنان مصرف می‌گردد.<sup>۳</sup> جوشانده برگ گردو در بیماریهای جلدی و آگزما و ترشحات بی‌رنگ زنانه مفید است. مغز گردو در امراض رحمی بسیار مفید است و خارش موضعی زنان آبستن را تسکین می‌دهد. در ورم رحم و دهانه بچه‌دان و خونریزی بسیار مفید است.<sup>۴</sup>

۱- طب سنتی در میان کردها، ص ۸۸.

۲- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۹۳-۱۰۱.

۳- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۱۷۸ و ۱۸۰.

۴- اسرار حوراکیها، ص ۲۲۷.

گردو علاوه بر ویتامین و املاح معدنی دارای مقدار زیادی روی و مس است.<sup>۱</sup> برای درمان روماتیسم و سیاتیک باید پوست خارجی سبز گردو را کوبیده و به شکل ضماد روی جاهایی که دردناک است، بگذارد.<sup>۲</sup>

خوردن بو داده مغز گردو با انزروت برای کرم معده نظیر ندارد.<sup>۳</sup> برگ گردو مقوی معده است. مغز گردو با کشمش و انجیر برای معده بسیار مفید است.<sup>۴</sup>

جوشانده پوست خارجی میوه درخت گردو به مقدار ۵۰ تا ۶۰ گرم در یک لیتر آب به صورت محلول برای اسهال و اسهال خونی مفید است.<sup>۵</sup>

اگر برگهای درخت گردو را در مقدار کمی آب بپزند و آن را مثل ضماد به روی جوشهای پوستی زخمی یا امراض جلدی میکروبی مثل کچلی و گال بگذارند آن را معالجه می‌کند.<sup>۶</sup>

آب گردوی تازه را بگیرد و آن را به روی جاهایی که مبتلا به سودا شده است بمالید بیماری شما معالجه خواهد شد.<sup>۷</sup>

جوشانده برگ تازه گردو برای اگزما مفید است.<sup>۸</sup> کمپرس جوشانده ۲۵ گرم برگ گردو در یک لیتر آب به شکل محلول برای آبله استعمال می‌گردد.

جوشانده برگ گردو و به مقدار ۵۰ گرم در یک لیتر آب برای رفع ورم سرمازدگی و قرمزی پوست مصرف می‌شود.<sup>۹</sup>

دُمبرگهای جوان درخت گردو را روی میخچه و پینه و زگیل دست یا پا بمالید آنها را برطرف خواهد کرد.<sup>۱۰</sup>

۲- همان، ص ۱۸۰.

۴- همان، ص ۱۷۱.

۶- همان، ص ۱۷۸.

۹- همان، ص ۱۷۸.

۱- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۱۸۱.

۳- اسرار خوراکیها، ص ۱۱۸.

۵- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۱۸۰.

۷- همان، ص ۱۸۰. ۸- همان، ص ۱۱۷.

۱۰- همان، ص ۱۸۰.

## برگ گردو:

یکی دیگر از داروهای گیاهی که در طب سنتی برای پایین آوردن قند خون و جلوگیری از عوارض آن به کار می‌رود، برگ گردو است.

جوشاندهٔ ۲۵ گرم برگ خشک درخت گردو، قند خون را پایین می‌آورد. همچنین گرد کوبیدهٔ پوست دوم گردو و پره‌های وسط آن، چنانچه ساییده شود و بیمار روزی چند قاشق چای خوری از آن بخورد، قند خون را پایین می‌آورد.

برای آگزماهای جلدی مرض قند که در مواضع مخصوص دیده می‌شود، هیچ دارویی مؤثرتر از جوشاندهٔ پوست و برگ گردو و مالیدن روغن گردو نیست. برگ گردو دارای مس و مواد ضد عفونی کننده و ویتامین E است.<sup>۱</sup>

## گردوی آمریکایی:

این درخت بومی در مناطق جنوبی آمریکای شمالی است. میوهٔ آن دارای مغزی کمی شیرین، لذیذ و چرب است و پوست آن نازک و به آسانی شکسته می‌شود. این گیاه از نظر ویتامینها و مواد معدنی و چربی خیلی شبیه گردوی معمولی است با اختلافات جزئی مثلاً ویتامین A در این گردو بیشتر از مغز گردوی معمولی است و پتاسیم هم بیشتر است ولی از نظر سایر مواد کمی از گردوی معمولی کمتر است. خواص مغز انواع فوقی کم و بیش شبیه مغز گردوی معمولی است.<sup>۲</sup>

## \* گرمک

گرمک، بعضی از بیماریها را پیشگیری و درمان می‌کند. میزان قند آن خیلی کم است و به همین دلیل، مبتلایان به مرض قند، می‌توانند آن را با خیال راحت مصرف کنند.

گرمک بهترین دارو برای درمان برقان است و مصرف آن از نقرس و روماتیسم جلوگیری می‌کند. برای رفع عطش و جلوگیری از التهاب مفید می‌باشد، خنک و ملین

بوده و مناسب طبع اشخاص صفراوی مزاج است.

گرمک سرشار از ویتامین A.B.C می باشد و دارای ده نوع هورمون گیاهی و آنزیم است. سنگ کلیه و مثانه را از بین می برد و ضد خشکی مو و پوست است.

گرمک به اکسیر جوانی هم شهرت دارد و اگر خانمها آن را به شکل ماسک به چهره بگذارند چین و چروک و لکهای سیاه صورتشان برطرف می شود و پوست چهره از شادابی و طراوت خاصی برخوردار می گردد.<sup>۱</sup>

خوردن گرمک بین دو غذا شیر را زیاد می کند.<sup>۲</sup>

گرمک خنک و ملین بوده و برای مزاجهای صفرائی مناسب است. گرمک سرشار از ویتامین A و C و سلولز است برای کسانی که از یبوست می نالند تجویز شده است. همچنین تشنگی را در تابستان تسکین می دهد. اشخاصی که به بیماری دیابت یا بیماری ورم امعاء مبتلا هستند از مصرف آن خودداری کنند.<sup>۳</sup>

## \* گز

گز درختی است بزرگ و تناور، برگهایش مانند برگ سرو، چوب آن را می سوزانند، یک قسم دیگر آن کوتاه و بوته مانند، دارای خوشه های گل سفید یا سرخ رنگ است که زنبور عسل آن را دوست می دارد، ثمر آن هم خوشبو است. در میان کردها ساقه یا چوب آن را روی آتش می گذارند و به محض گرم شدن آب آن، شیره ای از آن می چکد که از آن شیره برای التیام اگزما یا سودا استفاده می کنند.<sup>۴</sup>

این درخت که در نواحی سردشت و کردستان می روید، بر اثر نیش زدن نوعی حشره کوچک، ماده شیرینی به نام گزانگبین یا گز علفی به خارج ترشح می شود که در مجاورت هوا منعقد شده صبح زود قبل از طلوع آفتاب به وسیله افراد محلی جمع آوری می شود.

۱- مجله برگ سبز، ص ۲۹، مهر ۱۳۷۱.

۲- راه نجات از مرگ مصنوعی، ج ۵، ص ۱۴.

۳- بوته ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۱۶۵.

۴- طب سنتی در میان کردان، ص ۱۴۶.

برای این کار، شاخه‌های درخت را تکان می‌دهند و گاهی برگها را که دارای ذرات ماده قندی مذکور است چیده و خشک می‌کنند و گز را از آن جدا می‌سازند.<sup>۱</sup>

درخت گز دارای چند نوع قند و الکل است، مقداری صمغ و لعاب، مواد معدنی و عوامل زنده در بر دارد و از این جهت و از نظر خواص شبیه انگبین‌ها شفافبخش و مفید بوده و دارای فلزات گیاهی و ویتامینهای گوناگون می‌باشد. خوردن آن نرمی استخوان را معالجه می‌کند و میکروبیهای ناخوش را از بین می‌برد.<sup>۲</sup>

درخت گز در غالب مناطق نسبتاً گرم مانند منطقه مدیترانه، جنوب فرانسه، الجزیره، نواحی جنوبی ایران و غیره می‌روید. پوست آن دارای طعم قابض، کمی تلخ و اثر درمانی است. در بعضی کتب، پوست ریشه گیاه موثر ذکر شده است.

پوست این درخت و گونه‌های مختلف آن، اثر قابض دارد به علاوه مدر، اشتها آور و مقوی است. در گذشته اعراب، شیره تغلیظ شده گیاه مذکور را به عنوان بند آورنده خون به کار می‌بردند. خاکستر حاصل از سوزاندن این گیاه دارای اثر خنک کننده اولسرهاست به علاوه سوختگیهای مختلف را بهبود می‌بخشد. درخت گز در آذربایجان: شریف‌خانه در ۱۲۲۰ متری. لرستان: بین خرم آباد و اندیمشک. اهواز، بختیاری، اصفهان: نزدیک گاو خونی، شیراز: کنار رود پولوار، نزدیک پرسپولیس. لار، کرمان: کوه سیرج در ۲۲۰۰ متری بین کرمان و بم، بین کرمان و یزد، خبیس، زاهدان، خراسان بین بجنورد و شیروان. قزوین، کرج، تهران، پل جاجرود، کاشان: کوشکوه، یزد و کرمانشاهان می‌روید.<sup>۳</sup>

## \* گز علفی

آقای دکتر صادق مقدم در کتاب داروهای جالینوسی می‌نویسد: گز علفی یکی از «مان»های ایران است و از برگ گونه‌های مختلف درخت بلوط کرکوس و الوینا و کرکوس پرسیکا هنگام تابستان چکیده می‌شود. درختهای نامبرده در جنگلهای مازندران و

۲- زبان خوراکیها، ص ۱۶۱-۱۶۲.

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۱۱۶.

۳- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۳۱۵، ۳۱۶.



لرستان و مخصوصاً کردستان به حالت خودرو یافت می‌شود و در ترکیه در نزدیکی ارض روم مشاهده می‌گردد.

گز علفی در ابتدای روزهای گرم تابستان مانند شبیمی در روی برگهای بلوط دیده می‌شود. ماده اصلی گز علفی ساکاروز است.

در اثر نیش حشره‌ای کوچک به برگ و ساقه‌های جوان این درخت در تابستان ماده شیرینی به نامهای محلی «گز علفی» یا «گزو» ترشح می‌شود که در مجاورت هوا سفت شده و روستائیان آنها را صبح روز بعد جمع‌آوری می‌کنند. گز علفی با برگهای خشک بلوط همراه است و سبز رنگ به نظر می‌رسد.<sup>۱</sup>

گز علفی به مقدار بیست ناسی گرم پس از انحلال در آب صاف نموده با داروی دیگر مخلوط به صورت تنقیه استعمال می‌شود.<sup>۲</sup>

## \* گزانگبین

شکرک مترشح از بوته‌های گز را گزانگبین گویند. این شکرک سفت و شکننده و دارای قند و الکلهای مختلف است و خواص دارویی دارد. از جمله به‌عنوان مسهل جهت اطفال و ضد راشیتیس استعمال می‌شود. به‌علاوه از آن نوعی شیرینی به نام گز درست می‌کنند. گز بویژه در اواخر تابستان به‌دست می‌آید بدین طریق که در زیر درختچه‌های گز چادر می‌اندازند و با چوب محکم به شاخه‌ها می‌زنند و مواد مترشحه را جمع‌آوری می‌کنند.<sup>۲</sup>

گزانگبین اسم فارسی است و به سریانی عروبا گویند و آن شبیمی است که بر درخت گز و سایر اشجار می‌نشیند و مانند ترنجبین منعقد می‌گردد و آنچه بر درخت بید منعقد می‌گردد الطف است از آنچه بر درخت گز و بلوط منعقد می‌گردد و بهترین آن صاف سفید، شفاف، بزرگ دانه مثل مصطکی است که مخلوط به برگ و خاشاک نباشد.

۲- گلپا و گیاهان شفا بخش، ص ۱۷۴.

۱- معارف گیاهی، ج ۱۷، ص ۱۰.

۳- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۳۳۰۶.

گرم در اول و در خشکی معتدل است. جالی و با قوت مسهله و منقی دماغ و رباح غلیظه آن و جهت نزلات و تقویت اعضاء تنفس و آلات غذا و ملین سینه و آواز و زافع خشونت آنها از رطوبت، تنگی نفس و مرطوبی مزاج را نافع است. مقدار شربت آن از هفت تا ده درم و گویند تا بیست درم است.<sup>۱</sup>

### \* گزنه

گزنه گیاهی است علفی، چند ساله و دارای ساقه‌های راست به ارتفاع ۵۰ تا ۱۰۰ سانتی متر، بیشتر در اماکن مخروبه، باغها و نقاط مرطوب خارج شهر، نواحی سایه دار و جاهایی که چهار پایان در آنجا به سر می‌برند، به حالت خودرو می‌روید.

از ریشه‌های خزانده آن، پاجوشهایی در کلیه جهات خارج می‌شود که خود باعث آن می‌گردد که گیاه به صورت پایه‌های متعدد درآمده، محل رویش خود را بکلی فرآگیرد. لمس کردن گزنه باعث سوزش می‌شود. قسمت مورد استفاده گزنه، برگهای تازه، ریشه و شیره حاصل از آن است. دانه آن کم و بیش به مصارف درمانی می‌رسد. گزنه نافع بیماری قند، امراض کلیه و نزله است.

گزنه در نواحی مرطوب غالب نقاط ایران، مخصوصاً مناطق شمالی به حد فراوان می‌روید.

ساقه و برگ گزنه را اگر بکوبند و آن را بگیرند شیرهای از آن به دست می‌آید که خون را بند می‌آورد. وقتی که کسی خون دماغ می‌شود و خون او بند نمی‌آید، قطعه کوچک پنبه را در شیره گزنه تر و مرطوب کنند و آن را در سوراخ بینی بگذارند خون بند می‌آید.<sup>۲</sup> گزنه ادرارآور است چون نترات دو پتاس که در آن هست خروج ادرار را تقویت می‌کند. سی تا چهل گرم را در یک لیتر آب ده دقیقه جوشانده مدت ۴۸ ساعت میل کنند.<sup>۳</sup>

۲- گلها و گیاهان شناختی، ص ۴۳.

۱ محیط اعظم، ج ۴، ص ۷۸ - تحفه حکیم، ص ۲۲۰.

۳- همان، ص ۴۵.

دم کرده برگ گزنه سفید در نارسائی کبد فوق العاده مؤثر است.<sup>۱</sup>  
 دکتر تروسو در مورد حمله‌های نرله مختنق که با سرفه همراه باشد دستور می‌دهد  
 یک دسته گیاه گزنه سفید را به بدن بزنند در معالجه بیمار مفید است.<sup>۲</sup>  
 برای معالجه زخم معده، عفونت، زخم روده و سنگ کلیه صفرا مقدار سی الی چهل  
 گرم برگ تازه گزنه را در یک لیتر آب جوشانده در مدت ۴۸ ساعت بین غذا مصرف  
 نمایند.<sup>۳</sup>

گزنه گیاهی است که بیشتر در کنار رودخانه‌ها و نهرها می‌روید و ارتفاعش حدود  
 چهل سانتی متر می‌رسد، برگهایش بیضی و دندانه‌دار و تیغهای ریز مانند مو دارد، هرگاه  
 به برگ آن دست بزنند تیغهای آن به پوست بدن فرو می‌رود و ماده‌ای هم از آن مترشح  
 می‌شود که باعث درد و سوزش می‌گردد، اما پس از آنکه برگهایش پلاسیده و خشک  
 شود گزندگی آن از میان می‌رود و چهارپایان هم آن را می‌خورند. کردها دم‌کرده و  
 جوشانده آن را برای کمردرد و درد مفاصل به مصرف می‌رسانند و از برگهای سبز آن  
 برای تسکین درد استفاده می‌کنند.<sup>۴</sup>

این گیاه علفی اعضاء پوشیده از تارهای مخروطی شکل و گزنده دارد. قسمت مورد  
 استفاده گزنه برگهای تازه، ریشه و شیره حاصله از آن است. دانه آن نیز کم و بیش به  
 مصارف درمانی می‌رسد. این گیاه در تقویت اعمال هضم، علاج بیماری قند و ازدیاد  
 ترشح شیر اثر مفید دارد.<sup>۵</sup>

مقدار سی تا چهل گرم گزنه و ریشه آن را در یک لیتر آب ده دقیقه بجوشانند مدت  
 ۴۸ ساعت بین غذا مصرف کنند، مادرانی که از کمی شیر خود نگرانند گزنه پخته را  
 بخورند شیر آنها زیاد می‌شود. گزنه ادرار آور است و خون را هم تصفیه می‌نماید.<sup>۶</sup>  
 گزنه سفید مقوی و قابض است و در معالجه خونریزی سخت و دردناک همراه با

۱- گلپای و گیاهان شفا بخش، ص ۱۸۶. ۲- همان، ص ۱۷۶.

۳- همان، ص ۴۳. ۴- طب سنتی در میان کردان، ص ۱۴۷.

۵- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۴۹. ۶- گلپا و گیاهان شفا بخش، ص ۴۵.

ضایعات رحمی استفاده می شود. دم کرده برگ گزنه سفید فوق العاده مفید و مؤثر است.<sup>۱</sup>  
گزنه خروج سموم خون را آسان و سریع می سازد.<sup>۲</sup>  
گزنه سفید در کنار دیوار خرابه‌ها و نقاط متروک می‌روید. این گیاه در باز کردن  
قاعدگی، رفع بیماریهای پوست، رفع کرم، ورم لوزه، التهاب لثه دندان، رفع بی‌حسی  
اعضاء بدن و روماتیسم مزمن اثر مفید دارد.<sup>۳</sup>

### \* گزنه بدبو

گزنه زرد یا گزنه بدبو، گیاهی است چند ساله، گل‌های آن زرد و درشت و دارای بوی  
ناپسندی است. در شمال ایران و در کلاردشت دیده می‌شود. در کتب طب سنتی این گیاه  
را «حرف اصغر» نام می‌برند.  
نام علمی این گیاه فلور ایران است. در کتب طب سنتی با نام‌های «قریص احمر» و  
«المنته» یاد می‌شود.

#### مشخصات:

گیاهی است کوچک با گل‌هایی به رنگ بنفش و بیشتر در مزارع می‌روید. گفته می‌شود  
گیاهی است یکساله به بلندی ۵-۲۰ سانتی متر کمی پوشیده از کرک، برگ‌های پایین تخم  
مرغی مایل به گرد و برگ‌های بالای ساقه کلیه‌ای، بدون دم‌برگ می‌باشد.<sup>۴</sup>  
استخراج کلروفیل از گزنه:

استخراج کلروفیل از برگ گزنه دو پایه، به کمک الکل یا استن صورت می‌گیرد.  
کلروفیل خام حاصل از این عمل را در اتردو پترول حل کرده، انکن متیلیک به آن  
می‌افزایند و ظرف محتوی محلول را تکان می‌دهند تا کاروتن و گزانتوفیل که با کلروفیل  
همراه است از آن جدا گردد و این عمل را چند بار تکرار نموده با انجام عملیات دیگر،  
کلروفیل خالص به دست می‌آورند.

۱- همان، ص ۱۷۵. ۲- همان، ص ۴۴.

۳- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۴۹. ۴- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۲۲۰.

## \* گشنیز

گشنیز گیاهی است یکساله دارای گل‌های سفید و چتری از جمله سبزی‌های خوردنی است، خام و پخته آن خورده می‌شود، دانه‌های آن نیز خوشبو است. در میان کردها دم‌کرده برگ‌های آن را برای تسکین سردرد و دندان درد و درد مفاصل به مصرف می‌رسانند.<sup>۱</sup>

گشنیز گیاهی است علفی و دارای ساقه‌ای شفاف، بی‌گرک و به ارتفاع سی تا شصت سانتی متر است. میوه‌اش دو فندقه‌ای و معطر می‌باشد. گشنیز از گیاهان با ارزش تیره جعفری است که میوه‌اش در طبابت به‌عنوان نیرو دهنده، هضم‌کننده غذا، مدر، قاعده‌آور، مقوی معده و تهیه تیزانهای مختلف به کار می‌رود. میوه گشنیز به علت معطر بودن به‌عنوان ادویه مصرف می‌گردد، به‌علاوه برای معطر ساختن اغذیه و شیرینی و همچنین تهیه بعضی لیکورها، مورد استفاده قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup>

میوه آن مقوی، محرک، بادشکن و معرق است و بیشتر در بیماریهای دستگاه هاضمه مصرف می‌شود و نیز در موارد هیستری استعمال آن توصیه گردیده است. مصرف مقدار کم اسانس آن دارای اثر محرک ولی به مقادیر زیاد مستی و سپس خواب عمیق می‌آورد. گشنیز باه را ضعیف می‌کند. دم‌کرده برگ آن سردرد را تخفیف می‌دهد، میوه‌اش درد دندان را تسکین می‌دهد.<sup>۲</sup>

در میوه گشنیز یک ماده الکلی به نام کریاندرول *coriandrol* وجود دارد که اکسید شده و سیترال به وجود می‌آورد. روغن میوه گشنیز دارای ترپنها، پینتها با مقدار جزئی الکل‌های ژریانتول و بورنتل است.

مواد معدنی گشنیز نباید از هفت درصد تجاوز کند و خاکستر باقیمانده نامحلول میوه گشنیز در اسید نباید از یک درصد متجاوز باشد. گشنیز همراه با داروهای مسهل باعث جلوگیری از زکام می‌شود.

۱- طب سنتی در میان کردان، ص ۱۵۰.

۲- گیاهان دارویی، ج ۳، ص ۵۹۳-۵۹۲.

## گشنیز از رازی:

این سبزی از صعود بخار معده به طرف سر جلوگیری می نماید و غذا را مدتی در معده متوقف می سازد و از این خاصیت برای مبتلایان به اسهال و لنت امعاء استفاده می شود و همچنین برای کسانی که معده آنها خالی است به خصوص اگر با سرکه و سماق بخورند. افراط در خوردن این سبزی بسیار ضرر دارد چون ممکن است سبب فساد خون گردد.

## گشنیز در کتابهای قدیمی:

کزبره را به فارسی گشنیز نامند. بری و بستانی می باشد. بری را برگ ریزه تر و مایل به زردی و تخمش کوچکتر و هر دو عدد به هم ملاصق می باشد. در جمیع افعال قوی تر از بستانی است و بری و بستانی آن مرکب القوی و نزد بقراط سرد می باشد.

به قول مایرهوف: آن مقوی معده و محرک و باد شکن است. هر وی جلجلان بر وزن بلبلان را به گشنیز خشک معنی نموده است و بعضی به کنجد (سمسم) معنا کرده اند و برخی بر هر دو. در کنزاللغه گوید: جلجلان دانه کنجد و دانه گشنیز می باشد. در برهان گوید: دانه گشنیز و دانه کنجد است. در منتهی الارب و اقرب الموارد و دهخدا گوید: جلجلان بر سمسم (کنجد) و کزبره (گشنیز) شامل است.

بعضی از مؤلفان گویند: جلجلان از لغت هندی یا حبشی گرفته شده ولی احتمال می رود لغت نازی باشد مربوط به جلجل به معنی زنگوله است، زیرا تخمدان این گیاه به شکل زنگوله است.<sup>۱</sup>

## گشنیز در روایات:

ابراهیم بن عبدالحمید از امام ابی الحسن علیه السلام نقل کرده که فرمود: «اکل التفاح و الکزبرة یورث التسیان».<sup>۲</sup> یعنی: خوردن سیب و گشنیز باعث فراموشی می شود.

۱- الاینیه بهم ۲۶۶ زل ۲۰۲، تحفه ص ۲۲، مایرهوف م ۱۸۳. ۲- کافی، ج ۶، ص ۳۶۶.

در وصیتهای پیغمبر ﷺ به حضرت علی رضی الله عنه چنین آمده است: ای علی، که چیز باعث فراموشی است: خوردن سیب ترش، خوردن گشنیز، پنیر، نیم خورده موش، خواندن روی قبرها، راه رفتن میان دو زن، انداختن شپش در حال زنده، حجامت در نقره و بول کردن ایستاده در آب.<sup>۱</sup>

### ترکیب شیمیایی:

دانه‌های گشنیز دارای ۵/۰ تا یک درصد اسانس و در حدود ۱۳ درصد رزغن ثابت، تانن و اکسالات کلسیم می‌باشد.

### مصرف و مقدار خوراک:

گشنیز را به عنوان دارویی معطر، محرک و بادشکن به کار می‌برند. مقدار مصرف آن ۵۰۰ میلی گرم است.<sup>۲</sup>

## \* گلابی

گلابی برای امراضی که قوا را تحلیل می‌برد مانند کم‌خونی و ضعیف بودن مفید است. آب گلابی برای اطفال بسیار مفید است. بزاق را زیاد می‌کند، درمان رعشه است و اعصاب را تسکین می‌دهد.<sup>۳</sup>

موقع شام اگر یک گلابی را با پوست بخورید شب ادزاری شما زیاد خواهد شد. پوست دو گلابی را مدت یک ربع دم کرده و بخورید خواص خود گلابی را دارد. صد گرم برگ تازه و جوان درخت گلابی را اگر مدت ۲۰ دقیقه در آب دم کنید، دم کرده‌اش ادرار آور بوده و در مورد ورم مثانه مخصوصاً مصرف آن تجویز شده است.<sup>۴</sup>

۱- مکارم الاخلاق، ص ۵۰۷، خصال، ص ۴۲۳، دعوات الراوندی الآداب و السنن، ج ۷۶ ص ۳۱۹، الفقیه، ج ۴، ص ۲۶۱.

۲- مفردات پزشکی جدید (فارماکولوژی)، ۱۹۷۳، ص ۲۷۰. ۳- اعجاز خوراکیها، ص ۲۲۱.

۴- میوه‌ها و سبزیهای شناختش، ص ۱۸۷.

کسانی که مبتلا به روماتیسم یا نقرس می‌باشند گلابی برای آنها فوق‌العاده مفید است.<sup>۱</sup>

تانن و املاح پتاسیم که در گلابی هست اسیداوریک را به هر اندازه که باشد حل می‌کند به همین جهت برای افراد مبتلا به درد مفاصل فوق‌العاده مفید است.<sup>۲</sup>

دم‌کرده برگهای تازه درخت گلابی به قدر ده گرم در یک لیتر آب که به آن پوست خشک سیب درختی را که گرد شده باشد اضافه کنید عمل مفید و مؤثری در دردهای قولنج و تصلب شرابین دارد.<sup>۳</sup>

افراد مبتلا به فشارخون اگر مرتب گلابی بخورند و بدن آنها مواد غذایی این میوه را جذب کند خون آنها تصفیه شده و نتیجه خوبی دارد.<sup>۴</sup>

گلابی رسیده خوب جویده شود درمان سوء هاضمه است و مدر و ملین می‌باشد.<sup>۵</sup> آب گلابی مهسل قوی است، دارای ویتامین‌های B و C و مقداری هم ویتامین A می‌باشد. گلابی را باید با پوست خورد چون مقداری منگنز دارد.<sup>۶</sup>

گلابی دارای ویتامین‌های C, B, A و PP و عناصر آهن، کلسیم، فسفر، منیزیم، پتاسیم و منگنز... است و برای کسانی که به روماتیسم و نقرس و درد مفاصل مبتلا باشند سودمند می‌باشد.

خوراک گلابی باعث ایمنی از فشار خون می‌شود. جوشانده گلابی را قبل از خواب بخورند دفع بیوست می‌کند و صد گرم برگ درخت مذکور را با پوست سیب درختی بطور مساوی اگر خشک کرده، دم نمایند برای سنگهای کلیه و مثانه مفید است. صد گرم برگ تازه و جوان گلابی را اگر بیست دقیقه در آب جوش دم کنند ادرار را زیاد کرده و ورم مثانه را شفا می‌بخشد.

گلابی را از قدیم می‌شناخته‌اند و دو قرن قبل از میلاد کانتون لانسین از شش نوع آن

۱- همان. ۲- همان.

۳- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۴۰.

۴- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۱۸۷.

۵- اسرار خوراکیها، ص ۱۱۶ و ۲۳۱.

۶- اعجاز خوراکیها، ص ۱۳۹.



تعریف کرده است و یک قرن بعد پلین ۴۲ نوع آن را نام برده. جالینوس برای رفع عطش و دانشمندان دیگر در میگردن تجویز می کرده‌اند.

گلابی به نام میوه بی آزار مشهور شده و همیشه پزشکان گلابی و سیب را حتی در بیشتر بیماریهایی که از خوردن میوه ممنوع بودند، تجویز کرده‌اند.

گلابی علاوه بر داشتن ویتامینها و عناصر معدنی مختلف، دارای مواد قندی، اسیدهای آزاد، انورتین، آسپازین و انواع پانتوزان است.

گلابی دارای قند و پکتین و تانن و مقدار زیادی املاح می باشد از جمله پتاس که به کمک تانن موجود در آن، اسید اوریک جمع شده درد مفاصل را حل و دفع می کند. نیز دارای فسفر است که تعادل عصبی برقرار می سازد و سدیم که جذب مواد غذایی را آسان می سازد و منیزیم که قسمت‌های فیروزی اعصاب را ترمیم می کند و کلسیم که استخوان بندی را تقویت می کند و گوگرد که ضد عفونی کننده است و کلر که برای استخوانها و مفاصل مفید است، آهن و مس و ارسنیک که در تشکیل مواد خونی به کار می رود، ید که برای غده تیروئید خوب است و مقداری اکسید فریک و اسید فسفوریک و اسید سولفوریک و اسید سیلیسیک و ویتامینهای B, A و C می باشد.

برگهای گلابی دارای گلوکزید و هیدروکیتون و فلوریدزین می باشد و آرام بخش و مدر بوده برای اسهال، فشار خون، بی خوابی، ناراحتی اعصاب، میگرن و اختلالات کلیه و مثانه مصرف می شود.

خوردن کمیوت گلابی به عنوان صبحانه بر طرف کننده بیوست است و گلابی تازه برای بیماران مرض قندی بدون اشکال می باشد.

گلابی با عطر و اسانس مخصوصی که دارد، محرک روحی است. اگر گلابی تازه و خوب رسیده را خوب بجوید و روزانه یک عدد آن را بخورید برای کسانی که معده ضعیف دارند مؤثر می باشد. همینطور دم کرده برگ آن و اگر کسی روزانه فقط یک گلابی صبح و ظهر و شب بخورد و چیز دیگری نخورد فشار خودش پس از ۳-۴ روز پایین خواهد آمد.

گلابی مدر بوده اعضاء را تر و تازه نگه می‌دارد و با املاح قلیایی و سلولز و طعم و عطر و اسانسهایی که دارد برای جسم و جان (روح) خوب است. گلابی برای ترشحات دستگاہ گوارشی مناسب می‌باشد. گلابی و سیب بهترین میوه‌ها برای بیماران می‌باشند. گلابی اعصاب اشخاص عصبانی را آرام و اعمال غدد داخلی را تقویت و خون را تصفیه و کلیه‌ها را به راه انداخته و روده‌های تنبل را تحریک و بیماریهای گلو و ضعف عمومی و کم‌خونی و سل را سودمند می‌باشد. گلابی در آفتاب خشک شده که مقدار زیادی گلو سید دارد منبع انرژی بوده و سرد شده جوشانده ۴۰-۵۰ گرم آن در یک لیتر آب ملین و مبرد خوبی است. گلابی را هم می‌توانید قبل یا بعد از غذا بخورید و هم با غذا میل نمایید ولی کسانی که لنت مزاج دارند بعد از غذا بخورند بهتر است.

جوشانده چند دقیقه‌ای ۴۰-۵۰ گرم برگ درخت گلابی در یک لیتر آب برای ضد عفونی کردن مثانه و ورم آن و ورم پروستات و سنگ کلیه روزانه چهار پنج لیوان خوردن نافع است و اگر پوست آن را ۵۰ گرم در یک لیتر آب بجوشانند برای شستن زخمهای سمج و مزمن مفید است، هر چند بهتر است سیب رگلابی را با پوست خورد ولی اخیراً با سمپاشیهایی که می‌شود بهتر از همه آن است که اول به خوبی آنها را بشویند که هنگام پوست کندن مقداری از سموم با کارد وارد آن نشود ولی باید دانست که پوست گلابی نیز مانند سیب ویتامینهای بیشتری مخصوصاً A و دیاستازها دارد. و نیز آب گلابی مسهل است.

صد گرم گلابی ۶۳ کالری حرارت ایجاد می‌نماید. برخی به وجود آرسنیک در گلابی قایل بوده و بدین جهت آن را ضد ریشه دانسته‌اند و منگنز آن را مقوی دیاستازها محسوب داشته‌اند.

گلابی میوه نشاط‌آور و تقویت‌کننده قوای فکری است و در تعادل انفعالات شیمیایی بدن و در تحریک عضله قلب و انعقاد خون بسیار مؤثر است، زیرا کنسیم فراوان در آن موجود است. چون دارای پتاسیم است لذا برای دفع سموم و حفظ تعادل یونهای خون و فعالیت کلیه‌ها ضروری است و به خاطر وجود آهن در آن برای یکی از ارکانهای زندگی

ما در به وجود آمدن خون و گلبولهای قرمز بسیار لازم است. و برای وجود متیزیم و فسفر در حفظ تعادل و نشاط و فعالیت فکری ما ضرورت حیاتی دارد.

گلابی با داشتن انواع ویتامینها به نشاط و تندرستی ما کمک می کند و با وجود مقدار زیادی پتاسیم در آن موجب بهتر سوختن مواد چربی شده و نمی گذارد مواد اسیدی و چربی خون بالا رود و چون خاصیت لینت و ادرار آوری دارد عمل شستشو را انجام می دهد و باعث دفع سموم می شود. و مواد هیدرات دوکربن یا قند گلابی از لوولز و گلرکز تشکیل یافته به خوبی در بدن جذب می شود ولی مبتلایان به ورم روده بهتر است آن را به صورت پخته و کمپوت میل نمایند.

### گلابی در روایات:

امام صادق علیه السلام فرمود: گلابی معده را دباغی می کند و آن هم مانند «به» معده را قوی می گرداند.<sup>۱</sup>

امام علیه السلام فرمود: «الکُمثری یجلو القلب و یسکن اوجاع الجوف».<sup>۲</sup> «گلابی قلب را نورانی می کند و دردهای درون را آرام می نماید».

جابر جعفی گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: گلابی بخورید که دل را روشنایی می بخشد.<sup>۳</sup>  
حلبی گوید: امام صادق علیه السلام بر کسی که به آن حضرت از درد دل شکایت می کرد، فرمود گلابی بخورد.<sup>۴</sup>

دم کرده برگهای تازه درخت گلابی به مقدار ده گرم در یک لیتر آب که به آن پوست خشک سیب درختی را که ساییده شده باشد اضافه کنند، عمل مفید و مؤثری در ورم مثانه، امراض کیسه مثانه و دردهای قولنجی دارد و ادرار را به حالت اعتدال می آورد.

۱- مکارم الاخلاق ص ۱۹۶.

۲- محاسن ج ۲، ص ۵۵۳، مکارم الاخلاق، ص ۱۹۹.

۳- بخاری ج ۶۶، ص ۱۷۵.

۴ طب الاثمه، ص ۱۳۵.

## \* گل انگستانه

گیاهی است ۲ یا ۳ ساله، پوشیده از تار و به ارتفاع ۵/۰ تا ۶۰/۱ متر که به حالت خودرو در جنگلها و اراضی سیلیسی غالب نقاط اروپا می‌روید.

دانه‌های آن پس از آزاد شدن از میوه، در پاییز شروع به نمو می‌کند و در اوایل بهار از آن برگهایی ظاهر می‌گردد که عموماً واقع در سطح زمین ولی دارای حالت نسبتاً قائم‌اند. از وسط این برگها که در سال دوم خیلی بزرگ می‌گردند و به طول ۲۰ تا ۳۰ سانتی‌متر می‌رسند، ساقه‌ای گلدار خارج می‌شود. گل‌های آن در فاصله ماههای خرداد و مرداد به صورت سنبله‌ای دراز در قسمت انتهایی ساقه ظاهر می‌گردد. این گیاه در زمینهای آهکی هم رشد می‌کند.

قسمت مورد استفاده، برگهای آن است که در هنگام گل دادن چیده می‌شود. زمین زراعتی انگستانه باید سیلیسی اسید، سبک و دارای خاکبرگ کافی باشد. به علاوه باید وضع زمین طوری باشد که نور کافی به گیاه برسد.

کودهای طبیعی بهترین کود برای پرورش گیاه است. از کودهای شیمیایی مفید باید اسید فسفریک، نترات دوسود، سولفات آمونیاک و سولفات منگنز را نام برد.

در پرورش این گیاه باید بذری را انتخاب نمود که در تابستان سال قبل از گیاه به دست آمده باشد. برای این کار دانه را پس از مخلوط کردن با ماسهٔ تره، می‌کارند و سپس گیاه جوان حاصل را به زمین اصلی انتقال می‌دهند.

### برداشت محصول:

برگ را باید به دقت از ساقه گیاه جدا کرده (از جمع آوری برگهای فاسد و پژمرده یا طفیلی زده خودداری به عمل آید). خشک کردن برگها باید سریعاً انجام گیرد تا حالت طبیعی خود را حفظ کند برای این کار ابتدا برگها را تحت اثر گرمای خورشید قرار می‌دهند و سپس در اتو که گرمای حداکثر ۵۰ درجه داشته باشد، خشک می‌کنند. (خشک کردن آن در خلأ و در گرمای مناسب بهتر است).

برگ انگشتانه باید در جای خشک و در ظروف سربسته، دور از هوا و نور نگهداری شود و همه ساله نیز عوض گردد.

می‌گویند: این گیاه به حالت وحشی در ایران دیده نشده است ولی گاهی پرورش می‌یابد. همچنین گیاه گل انگشتانه دارای مواد دیژیتالین می‌باشد.

قسمت مورد استفاده دیژیتال، برگهای آن است. و باید برگها را به دقت از ساقه گیاه جدا کرد و سریعاً نسبت به خشک کردن آن (ابتدا تحت اثر گرمای خورشید و بعد در اتو که گرمای آن حداکثر ۵۰ درجه باشد) اقدام نمود و در ظروف تاریک و دربسته محفوظ نگاهداشت.

دیژیتال خشک شده، معطر و مطبوع، شبیه بوی برگ چای ولی طعمش تلخ است.

#### ترکیبات شیمیایی:

گیاه گل انگشتانه دارای مواد: دیژیتالین، دیژیتالوز، دیژیتالید و اسید دیژیتالیک می‌باشد.

#### مسمومیت:

دیژیتال اگر به مقادیر کم ولی بطور مداوم مورد استفاده قرار گیرد، عدم تحمل خاصی به وجود می‌آورد که به صورت سه نوع اختلال: قلبی، معدی، روده‌ای و عصبی ظاهر می‌شود.

مقادیر سمی دیژیتال به تناسب محل رویش گیاه، شرایط زمین و برخی عوامل ناشناخته تفاوت می‌نماید، مانند آنکه دم‌کرده ۱۵ گرم برگ دیژیتال ناحیه‌ای به نام ECOSSE، هیچ گونه خطری به وجود نمی‌آورد، در صورتی که دم‌کرده ۴ گرم برگ دیژیتالندن، می‌تواند عوارض شدید ایجاد کند.

مسمومیت از دیژیتال غالباً بر اثر مصرف بی‌رویه و زیاده از حد درمانی گیاه یا مصرف مقادیر درمانی ولی مداوم آن، پیش می‌آید. در صورت مسمومیت مریض و قبل

از رسیدن پزشک متخصص باید حالت استفراغ را اگر هنوز وقت برای خروج محتویات مجرای گوارش در بین باشد، در بیمار به وجود آورد، تانن و قهوه قوی به مسموم خورانید، بدن بیمار را به خوبی ماساژ داد، مسموم کوچکترین حرکتی نباید انجام دهد.

### خواص درمانی:

دیژیتال از جمله داروهای مهم مقوی قلب است و عمل ملایم کننده، تقویت و تنظیم کننده انقباضات قلب دارد، به علاوه چون تنگ کننده مجاری عروقی سطحی می باشد، باعث بالا رفتن فشار شریانی می گردد. دیژیتال اثر مدر نیز دارد ولی این عمل، با آن که در اشخاص سالم به نحو ضعیف بروز می کند، در مبتلایان به استسقاء، خیز اندامها و جمع شدن آب در بافتها، به نحو مؤثر ظاهر می شود. اثر مدر دیژیتال معمولاً ۲۴ تا ۳۶ ساعت پس از مصرف آن ظاهر می گردد و ۳ تا ۷ روز ادامه پیدا می نماید.

دیژیتال در بیماریهای مختلف قلب، نظیر بی نظمی و نارسائی ضربان آن، ورم ماهیچه دل، ضعف قلب و غیره مورد استفاده قرار می گیرد. مصرف دیژیتال و فرآورده های آن در بیماریهای مختلفی که احتیاج به تقویت قلب باشد معمول است مانند آنکه آن را در ذات الریه، ذات الجنب، رماتیسم های حاد، سل و غیره به کار می برند با مصرف دیژیتال، چون ضمن دفع ادرار، کلوررها نیز دفع می گردد، حالت عمومی بیمار، وضع رضایت بخش پیدا می کند.

باید توجه داشت که دیژیتال و فرآورده های آن باید حتماً با نظر پزشک معالج مورد مصرف قرار گیرد و در برخی از بیماریهای قلبی، همچنین زیاد بودن فشار شریانی، اختلالات معده، روده، منشأ عصبی یا مسمومیت، ورم آئورت، خونریزیهای مغزی، اورمی، ناراحتیهای قلبی زمان حاملگی، گواتر اکزوفتالمیک و غیره نباید مورد استفاده قرار گیرد.

چون مواد مؤثره برگ دیژیتال در بدن جمع می گردد از این جهت نباید مصرف مقادیر درمانی این دارو ادامه پیدا نماید، یعنی پس از مصرف دیژیتال یا مواد مؤثره آن به مدت

۳ تا ۵ روز، باید ۱۵ تا ۲۰ روز از به کار بردن آن خودداری کرده، از داروهای دیگری که عمل مشابه دارند، استفاده به عمل آورد.

### صور دارویی:

گرد برگ به مقدار ۰/۱ تا ۰/۸ گرم به شکل کاشه یا حب، دم کرده، مخصوصاً خیسانده مقدار مذکور (خیسانده برگ بر همه ترجیح دارد) در ۱۲۰ تا ۱۶۰ گرم آب، برای مصرف در ۲۴ ساعت برای اشخاص بالغ و ۱٪ تا ۲٪ گرم بر حسب هر یک از سنین عمر در اطفال بزرگتر از ۲ سال.

### ناسازگاری:

دیژیتال و فرآورده‌های آن با موادی نظیر تانن، تئوپورید، (گیاهی از تیره گل سرخ)، مواد قابض، تریاک و فرآورده‌های آن، املاح آهن، نقره و سرب، یلادون، ژوسکیام و غیره ناسازگاری دارد.

دیژیتالین داروی با ارزشی در درمان بیماریهای قلبی است که آن را از برگ دیژیتال (گل انگشتانه) استخراج می‌نمایند. اثرات درمانی این دارو در اواخر سالهای ۱۷۰۰ به عنوان داروی قطعی برای رفع ورم کشف گردید. بعدها اثرات دیگر دیژیتالین که عبارت از تاثیر آن روی قلب بود، مورد توجه قرار گرفت.<sup>۱</sup>

### استفاده از گیاه برای دفاع:

گل انگشتانه که به علت شباهت گل‌های آن به انگشتان آویزان شده دست انسان، به این نام خوانده شده، حاوی ماده‌ای است که یکی از پر مصرف‌ترین داروها برای بیماریهای قلبی می‌باشد. عصاره گل انگشتانه مقوی قلب است.

نوعی پروانه، عصاره این گیاه را در بدن خود انباشته می‌کند، بدون این که به خود

پروانه صدمه‌ای برسد. پروانه، از این عمل به منظور حفاظت خود در مقابل پرندگانی که قصد تهاجم به او را دارند استفاده می‌کند. پرندگان به تجربه دریافته‌اند که نباید از این پروانه‌ها برای تغذیه استفاده کنند، زیرا موجبات ناراحتی آنها را فراهم خواهد ساخت.<sup>۱</sup>

## \* گلپر

گلپر گیاهی است از تیره چتریان که دو سانه می‌باشد. این گیاه در همه‌ی اماکن کوهستانی معتدل نیمکره شمالی می‌روید و در ایران نیز فراوان است. دارای برگهایی پهن می‌باشد، گل‌هایش زرد رنگ و میوه رسیده‌اش به شکل فلس‌های نازکی می‌باشد که دانه کم ضخامتی را در بر دارند. به گلپر، کوله پر، گیاه حلتیت طیب، انجدان طیب، انجدان سفید، اسفندیون نیز معروف است.<sup>۲</sup>

می‌گویند: کوله پر تخم انجدان سفید است.<sup>۳</sup>

تخم کاشم که انجدان رومی می‌باشد را به فارسی گلپر نامند.<sup>۴</sup>

نوعی از انجدان که خوشبو و سفید و خوراکی و مستعمل است را به مازندرانی کولاپر گویند.<sup>۵</sup>

گلپر ساقه‌های ضخیم و برگ‌های بزرگ دارد و بیشتر در نقاط مرتفع می‌روید و از برگ‌ها و جوانه‌ها و غنچه‌های ناشکفته و دانه‌های آن استفاده می‌شود.

سابقاً که آنتی‌بیوتیک‌ها کشف نشده بودند، بویژه گلپر را برای معالجه سوزاک به کار می‌بردند. میوه گلپر ضد تشنج و ریشه و برگش هضم‌کننده غذا هستند.

مقدار مصرف آن از میوه یا برگ یک قاشق دسرخوری در یک فنجان آب جوش است که باید ده دقیقه دم بکشد و هر روز سه فنجان از آن را بین اغذیه مصرف کنند.

شلیمر معروف در کتاب خود نوشته است که گلپر در کوه‌های توچال زیاد می‌روید و

۱- مجله بوگ سوز، ص ۴۷، خرداد و تیر ۱۳۷۱.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۳۳۶۴.

۳- قرابادین کبیر، ص ۳۴۶.

۴- محیط اعظم، ج ۴، ص ۱۶۱.

۵- محیط اعظم، ج ۱، ص ۲۱۱.



داروسازان ایرانی عقیده دارند که حلتیت الطیب میوه گیاهی شبیه به گلپر است و حال این که طبق مطالعاتی که در این باره کرده‌اند این عقیده اشتباه است و حلتیت الطیب کمترین شباهتی از حیث مواد شیمیایی با گلپر ندارد. باید گفت که تخم انجدان با تخم گلپر فرق زیادی دارد.<sup>۱</sup>

گل‌های گلپر مایل به سبز است. وقتی ساقه‌های این گیاه را می‌شکنید و در مقابل آفتاب قرار می‌دهید، قطرات کوچکی از مواد قندی از آن مترشح می‌شود. گلپر از گیاهان خانواده هویج است. سوئدی‌ها ریشه آن را به عنوان ماده ضد هیستری و صرع استعمال می‌کنند و روسی‌ها نوعی ماده دارویی برای معالجه اختلالات هاضمه (کم کاری معده، اسهال، اسهال خونی) و دفع کرم‌های روده از آن تهیه می‌کنند.

در استعمال خارجی از فشرده برگها و ریشه گلپر در درمان کورک، سیاه زخم، زخمهای معمولی، آبسه و محل گزیدگی حشرات به کار می‌رود. علاوه بر آن داروی مناسبی برای قوه باه است و برای اعاده سلامت نیروی جنسی در حالاتی که هیچ نوع مرض روحی و جسمی وجود ندارد مؤثر می‌باشد.

عصاره تمام قسمت‌های گیاه برای رفع سردی و ناتوانی جنسی استعمال می‌شود و روزانه یک قاشق مرباخوری از آن مصرف می‌کنند.<sup>۲</sup>

گلپر به گیاه و در عین حال به گرد حاصل از دانه ساییده آن نیز گفته می‌شود. گیاهی است علفی چند ساله و کلیه اعضای آن معطر می‌باشد. میوه آن تخم مرغی کمی ضخیم و معطر به رنگ سبز تیره به طول ۱-۱/۵ سانتی‌متر است. این گیاه در دامنه‌های البرز، شمیرانات و بیلاقات اطراف تهران و گچسار و در مناطق غرب ایران بطور خودرو می‌روید.

### ترکیبات شیمیایی:

در دانه‌های گیاه اسانس روغنی فراز وجود دارد که از گرد آن برای معطر ساختن

۲- صد گیاه و هزار درمان، ص ۳۰۰

۱- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۸۵.

بعضی غذاها استفاده می شود. از نظر خواص درمانی، گلپر ضد نفخ است و به هاضمه و رفع سوء هاضمه کمک می کند.<sup>۱</sup>

### خواص:

گلپر ضد عفونی کننده و میکروب کش قوی است. خوردن مقدار کم آن موجب نشاط و در هضم غذا موثر می باشد. اشتها و ترشحات معده را زیاد و سموم بدن را دفع می کند.<sup>۲</sup>

### \* گلپوره

سی تا چهل برگ خشک گلپوره را در یک لیتر آب ده دقیقه بجوشانند این جوشانده را اگر غرغره کنند انواع گلودرد و آنزین را درمان خواهد کرد.<sup>۳</sup>

### \* گل حنا

گیاهی زیبا، علفی، یکساله، به رنگ سبز روشن و به ارتفاع ۲۰/۰ تا یک متر است. ساقه ترد، گوشتدار و متورم در بندها دارد. گلهای درشت و زیبای آن به رنگ زرد و دارای کاسه‌ای منتهی به دنباله دراز و خمیده است. در جنگلهای، نواحی کوهستانی کم ارتفاع و مناطق مرطوب و سایه دار می روید.

میوه‌اش پوشینه، دراز و محتوی دانه‌هایی است که پس از رسیدن گل می دهد. در نواحی مختلف اروپا، آسیا، ایران پراکنده است.

جوشانده ۲۰ در هزار آن در گذشته به عنوان مدر مصرف داشته، جهت دفع سنگ کلیه و درمان آب آوردن انساج بدن به کار می رفته است.

مصرف مقادیر زیاد آن قوی آور، دارای اثر مسهلی و سمی است که ایجاد بیماری قند

۲- اعجاز خوراکیها، ص ۱۳۰.

۱- معارف گیاهی، ج ۲، ص ۴۰۳.

۳ گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۲۲۰.

می‌کند. در استعمال خارج، از له شده یا جوشانده آن جهت درمان زخم و جراحات و بواسیر استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

گل حنا در نواحی شمالی ایران، هشتپر، اسالم، خلخال در ارتفاعات ۱۰۰-۲۰۰ متری می‌روید. نوع زینتی آن به علت زیبایی که دارد مانند سایر گونه‌های زینتی پرورش می‌یابد.<sup>۲</sup>

حنا گیاهی است چند ساله به بلندی ۱ متر، برگ آن درشت، باریک، دراز، بیضی و نیزه‌ای نوک تیز به رنگ سبز روشن است. ساقه آن خیلی ترد، شکننده و گوشتی است. گل‌های آن درشت به رنگ زرد و میوه آن به شکل کپسول کمی دراز که دانه‌ها در آن قرار دارند.

### ترکیبات شیمیایی:

برگ‌های آن دارای تانن، مواد قندی و یک ماده قوی آور است. عصاره الکلی گیاه خاصیت آنتی‌بیوتیک چشمگیری بر ضد تعدادی از قارچ‌های بیماری‌زا و باکتری‌های بیماری‌زا دارد.

### خواص - کاربرد:

برگ‌های گیاه مدر است و در موارد استسقا و دفع سنگ، کلیه اثر مفید دارد. برگ‌های درشت آن را مانند اسفناج می‌خورند. اسراف در مصرف آن ایجاد تهوع و نوعی مسمومیت خفیف می‌کند و چون در برگ‌های آن مواد قندی وجود دارد، مصرف آن برای بیماری قند مضر است.<sup>۳</sup>

## \* گل جعفری

گیاهی است یکساله، نیمه علفی و خشبی و ظاهراً شبیه همیشه بهار، ساقه آن افراشته به بلندی ۲۰-۶۰ سانتی متر است. برگهای آن متقابل با بریدگی عمیق، گلهای آن نسبتاً بزرگ و طبق آن به قطر حدود ۱۰ سانتی متر، گلهای لوله‌ای به رنگ زرد یا قهوه‌ای نارنجی و معطر است.

### ترکیبات شیمیایی:

دارای اسانس و ماده رنگی است. گلبرگ‌ها دارای کوئرستازتین و کوئرستازمیتین است.

### خواص - کاربرد:

در هند از گلهای گیاه گل جعفری برای معالجه ناراحتی‌های چشم و برای التیام زخمهای بدن استفاده می‌شود و برای تصفیه خون مفید است و از عصاره گیاه برای قطع خون بواسیر و تسکین درد ماهیچه‌ها استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

## \* گلرنگ

گلرنگ گیاهی است یکساله و معمولاً خاردار اما انواع بی خار آن نیز وجود دارد. گلرنگهای ایران دارای گلهای قرمزی می‌باشند اما انواع خارجی آن به رنگهای زرد یا نارنجی هستند. این گیاه را به فارسی گلرنگ و تخم آن را کافشه یا خشک دانه و درگیلان کاجره می‌گویند. در کتب طب سنتی نام‌های عربی آن، قرطم و عصفرو تخم آن با نام های حب العصفرو بیدرالاحریض آورده شده است.

گلرنگ ریشه در مشرق زمین دارد، از نواحی عربستان برخاسته و پس از آن به سایر مناطق دنیا رفته است و امروزه، در اغلب کشورهای جهان به عمل می‌آید. روغن و ماده

رنگی گل‌های آن مورد توجه است.

در مشرق زمین از گل‌های آن به‌عنوان یک داروی محرک، مسکن و مسهل و معرق در جوشانده بیست و پنج گرم گل در یک هزار گرم آب یا بطور خیساندن در آب ولرم استفاده می‌شود و به‌علاوه برای آن خاصیت قاعده‌آور و ضد ورم و تحلیل برنده «تومور» قائل هستند.

در چین معمول است از اواخر فروردین تا خردادماه که گل‌رنگ در دوران گل‌ریزی است، با تغییر رنگ گلبرگ‌های آن از نارنجی به قرمز، گل‌ها را با احتیاط و دقت فراوان می‌چینند تا به «تخمندان گل» که به میوه تبدیل می‌شود، آسیبی وارد نیاید.

#### ترکیبات شیمیایی:

از گل‌های لوله‌ای کاپیتول‌های این گیاه، ماده‌ای به رنگ زرد زیبا محلول در آب و ماده دیگری به رنگ قرمز و محلول در آب قلیایی شده به‌دست آورده‌اند. ماده رنگی اخیر کارتامین یا اسیدکارتامیک نامیده شده است.

میوه این گیاه که به غلط دانه خوانده می‌شود، دارای ۳۰ تا ۳۷ درصد از پروتئین‌ها و ۴۵ تا ۵۶ درصد از نوعی مواد چرب قابل استخراج است که پس از تصفیه می‌تواند به مصارف تغذیه برسد.

هر کیلوگرم دانه، معادل ۳۳ کیلوگرم محصول می‌دهد. روغن دانه این گیاه اگر هیدروژنه شود، نوعی مارگارین بسیار مرغوب، فاقد بو و طعم از آن نتیجه می‌گردد.

#### خواص درمانی:

خوردن گلبرگ‌های گل‌رنگ که طبعی گرم دارد، برای تسریع جریان گردش خون مفید است و معمولاً برای زنانی که عادت ماهانه آنها بدون دلیل قطع شده یا برای ترشحات غیر عادی زنانه بعد از زایمان، توصیه می‌شود.

در هند و چین از گل‌های آن به‌عنوان تونیک و برای مداوای فلج و عادت ماهانه

دردناک استفاده می‌شود. از گل‌های خشک آن نیز برای معالجه یرقان و از خیس کرده آن برای شستشوی چشم استفاده می‌شود.

تخم گلرنگ خاصیت مسهلی دارد، اگر شیره آن را گرفته و با آبی که در آن انجیر خیسانده باشند، مخلوط و همراه با عسل خورده شود، سینه را پاک و صدا را صاف می‌کند. گلرنگ مقوی نیروی جوانی و درخشان‌کننده رنگ رخسار است. این گیاه اعتدال دهنده اخلاط است و اخلاط متجمد را گرم می‌کند.<sup>۱</sup>

گل و مخصوصاً دانه این گیاه دارای اثر مسهل است. جوشانده ۱۲ تا ۲۴ در هزار آنها در آب یا امولسیون مقدار ۸ گرم دانه له شده آن در ۱۲۵ گرم آب مصرف می‌شود. معمولاً قبل از مصرف جوشانده مذکور مقداری رازیانه یا انیسون یا آنزلیک، برای مخفی ساختن طعم تلخ و ناپسند جوشانده، بدان می‌افزایند.

سابقاً از این گیاه به عنوان محلل، نیرو دهنده سلسله اعصاب، خلط‌آور در بیماریهای سینه (در ذات الریه) و قاعده‌آور استفاده می‌شده است.

روغن حاصل از دانه این گیاه دارای اثر مسهلی است و در استعمال خارج نیز به صورت مالیدن بر روی عضو، روماتیسم و فلج مورد استفاده قرار می‌گیرد.

#### محل رویش:

در خراسان، تبریز، تفرش، آذربایجان، اصفهان، حسین‌آباد در ۲۵ کیلومتری شمال غربی داراب و قزوین در ۱۲۰۰ متری و غیره می‌روید.<sup>۱</sup>

#### مقدار مصرف:

خوراک مغز قرطم چند روز متواتر هر روز یک و نیم درم (۳/۵ گرم) با نیم اوقیه شکر نافع یرقان است چون مغز آن با عسل و مغز بادام و انیسون مساوی بگیرند و باریک ساییده و مخلوط کنند قبل از غذا بخورند اسهال شکم نماید.

۱- مجله برگ سبزه، ص ۵۷ فروردین ۱۳۷۱.

۲- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۲، ص ۱۰۳.

آشامیدن شیرۀ آن با آب انجیر خیسانیده یا عسل، سینه و صدا را صاف می‌کند و نزلات راپخته و دفع می‌کند و نافع اکثر امراض سرد سر و سینه و مقوی باه و زیادکننده منی و نیکوکننده صورت و دفع باد می‌باشد و آشامیدن ده درم (۲۴ گرم) شیرۀ آن با شکر سرخ یا عسل جهت استسقای مشکى و گوشتى نافع و با اندک نمک هندی اذکار آن قویتر و نافع‌تر می‌باشد.

مضر معده و مصلح آن انیسون و شیرینیا است. مقدار شربت آن از پنج تا ده درم (۱۲ تا ۲۴ گرم) و از این بیشتر مضر است. روغن قرطم گرم در اول و تر در دوم است و نافع نفس تنگی و چون دو درم (۵ گرم) از آن را در حمام بعد از عرق کردن بنوشند نفس تنگی را بسیار منفعت بخشد.<sup>۱</sup>

کاجیره و کافشه اسم فارس احریض است.<sup>۲</sup> احریض به فارسی گل کافشه و به رنگ زعفران و به لغت دیلمی کاجیره می‌نامند و قوتش تا سه سال باقی می‌ماند. محرک باه و محلل و مقوی جگر و گدازنده خون منجمد (به تنهایی) و ضماد آن با عسل نافع جوشهای پوستی و با ماست بر مثانه نافع احتباس بول و مالیدن آن با عسل نافع بهق و برص و جوش دهان بچه‌ها و با سرکه برای خارش بدن و ورمهای گرم و باد سرخ و ورم جگر نافع است. مضر برای طحال و مفسد معده است و مصلحش عسل می‌باشد مقدار شربتش یک مثقال است.<sup>۳</sup>

شیخ گوید: قرطم، کاجیره، گلش زرد است. بیخ کاجیره ارزش دارویی ندارد، اما ساییده برگ و برش مفیدند. روغنش تقریباً حکم روغن گزنه دارد و از آن ناتوان‌تر است و از گیاهانی است که شیر را پنیر می‌کند. به عقیده مسیح، کاجیره شیر بند آمده را آب کند و شیر مایع را می‌بنداند و بسیار کم غذا است.

دیسقوریدوس گوید: نیش زده اگر کاجیره به دست گیرد احساس درد نمی‌کند. خوراک برگ یا ثمر کاجیره بیابانی یا هر دو را با هم خورند پادزهر نیش کژدم است.<sup>۴</sup>

۱- محیط اعظم، ج ۳، ص ۱۲۹۲ قرابادین کبیر، ص ۳۲۷.

۲- نحه حکیم، ص ۲۱۴.

۳- ممان، ص ۱۵.

۴- قانون در طب، ج ۲، ص ۲۹۱.

## \* گل سرخ

در کتب طب سنتی «ورد احمر بستانی» نام برده شده است. به فارسی انواع آن را گل سرخ و نوع خیلی معطر آن را گل محمدی گویند.

### مشخصات:

گل سرخ درختچه‌ای است کوچک با شاخه‌های گل دهنده، خمیده، تیغدار، درشت و ریز. تیغ‌های آن مسطح خمیده و به شکل داس است و با تیغ‌های ریز آن غده‌ای همراه است. میوه آن گرد یا تخم مرغی به طول ۱/۵ سانتی متر می باشد که در داخل برجستگی کوزه‌ای شکل زیر گلبرگها قرار دارد. گل سرخ عبارت از گلبرگهای خشک شده روز آگالیکا از تیره روزاسه می باشد که قبل از باز شدن گلها، آنها را جمع آوری می کنند.

### ترکیبات شیمیایی:

در گلبرگ‌ها و غنچه‌های گل سرخ که در طب سنتی مستعمل است مقداری تانن و یک ماده رنگی و کمی اسانس و مواد چرب و گالیک اسید یافت می شود.<sup>۱</sup>  
گل سرخ دارای تانن، اسیدگالیک و یک رامنوزید متبلور زرد رنگ (کورسیتین) است که در اثر هیدرولیز تولید کورستین و رامنوز می کند. اسانس آن جسمی است فرار و آن را از گل‌های تازه به روش تقطیر به دست می آورند. گل سرخ را به عنوان داروی قابض ملایم به کار می برند. میوه‌های روزاکانینا و سایر گونه های دیگر گل سرخ را به عنوان منابع بسیار غنی ویتامین C به کار می برند.<sup>۲</sup>

### خواص - کاربرد:

از نظر طبیعت مرکب القوی است ولی عده‌ای آن را سرد و خشک می دانند. مقوی و

۱- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۳۸۹.

۲ مفردات پزشکی جلید (فاراکوگموری) ۱۹۷۳، ص ۲۱۲.



فرح آور است. گلبرگ‌ها و غنچه تازه آن مسهل است و مسکن صفرا و بلغم رقیق ولی خشک شده آن قابض است.<sup>۱</sup>

گل سرخ قابض، ملایم، مقوی، نیروبخش، دافع اختلال قاعدگی و نافع معده و اسهال مزمن است و همچنین دم‌کرده آن برای آنژین، ورم حنجره، دهان و گلو مفید است.

شربت عسل را می‌توان بدین طریق درست کرد که در یک چهارم لیتر آب جوش ۱۰۰ گرم گلبرگ گل سرخ را ریخته ۲۴ ساعت دم بکشد بعد آن را صاف کرده ۱۵۰ گرم عسل به آن اضافه کنید و در آتش ملایمی بگذارید و بهم بزنید تا سفت شود و این شربت برای آنژین خوب است.

از ترکیب گل سرخ، شکر و گلاب گل‌قند درست می‌کنند. گلاب را از گل درست می‌کنند و برای نرمی پوست و شستشوی چشم مؤثر است و اگر برگهای گل سرخ را شب بر چشم بسته، بخوابند بر قوت چشم می‌افزاید.

در کتاب تقطیر می‌گویند: گلاب فعالیت‌های مغزی را زیاد و تحریک می‌نماید و اعصاب را تسکین می‌دهد و پای سرد را گرم و سرماخوردگی را دفع می‌کند.

پانزده گرم گلبرگ گل سرخ در یک لیتر آب جوش دم کنند و روزی سه فنجان از آن را قبل از غذا به آنهایی که مزاجاً ضعیف هستند تجویز کنند که از ترشحات زائد جلوگیری می‌کند.<sup>۲</sup>

گل سرخ (محمد) خاصیت مسهلی دارد و اگر آن را در آب زرد پنیر دم کنند مسهل کاملی خواهد بود.<sup>۳</sup>

کسانی که اسهال مزمن دارند اگر مرکب پانزده تا سی گرم گلبرگ گل سرخ (محمدی) را در یک لیتر آب جوش دم کرده مصرف نمایند شفا خواهند یافت.<sup>۴</sup>

از گل سرخ گلاب می‌گیرند. گلاب برای شستشوی پوست و نرم و لطیف کردن آن و همچنین شستشوی چشم بسیار مفید است.<sup>۵</sup>

۱- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۳۸۹.

۲- گیاهان و گیاهان شناختی، ص ۱۸۶.

۳- همان، ص ۱۸۷.

۴- همان، ص ۲۸۸.

۵- همان، ص ۱۸۸.

کسانی که مبتلا به آنژین، ورم حنجره، دهان و گلو شده‌اند باید سی گرم گلبرگ گل محمدی را در یک لیتر آب پنج دقیقه بجوشانند و پنج دقیقه دم کنند و با آن غرغره نمایند.<sup>۱</sup>

در قدیم مدت زمان درازی کسانی را که مبتلا به سل ریوی شده و از ریه آنها خونریزی می‌شده معجونی می‌دادند که از گل سرخ خشک، شکر و گلاب ترکیب شده و به نام گل‌قند معروف بود، اعتقاد داشتند که این معجون سل ریوی را معالجه می‌کند.<sup>۲</sup>

گلبرگ تازه گل سرخ را اگر روی چشمان خود بگذارید به چشمان شما قوت می‌دهد. کسانی که به قوت چشم خود علاقه دارند گلبرگهای تازه گل سرخ را روی چشمان خود گذاشته و با دستمال ببندند و بخوابند و صبح باز کنند اثر بسیار مفید خواهد داشت.<sup>۳</sup>

### آب مقطر گل سرخ:

آب مقطر این گیاه در ایران از تقطیر و در سایر کشورها، از طریق حل کردن اسانس در آب مقطر، به دست می‌آید. اسانس آن از تقطیر گلهای تازه روزاداماسنا از تیره گل سرخ به دست می‌آید. ماده اصلی این اسانس، ژرانیول و سیترونلول می‌باشد. نیز دارای ژرانیل استات که استر آن است، می‌باشد.

اسانس آن به نسبت وسیعی در تهیه عطریات و قرص‌ها و پمادها به عنوان خوشبو کننده مصرف می‌شود و به صورت گلاب به عنوان تقویت کننده قلب و تهیه شربت مصرف می‌شود.<sup>۴</sup>

## \* گل سرخ معطر

به فارسی گل سرخ معطر گفته می‌شود و نیز گل محمدی نیز نامیده می‌شود. در ایران برای تهیه اسانس گل سرخ و گلاب به کار می‌رود.

۳- گلها و گیاهان شناختن، ص ۱۸۸.

۲- همان، ص ۱۸۷.

۱- همان، ص ۱۸۶.

۴- سفرات پزشکی، دکتر آینه چی، ص ۱۱۰۲.

مشخصات:

درختچه کوچکی است با شاخه‌های زیاد و تیغ‌های ریز، پهن و قلبی شکل و گاهی سرخ رنگ و برگهای آن دارای ۵-۷ برگچه دنداندار می‌باشد. روی آنها سبز براق و پشت آن خزی است. گل‌های آن صورتی کم‌رنگ و بسیار معطر و در بهار ظاهر می‌شود.

خواص - کاربرد:

از گلبرگهای گل محمدی نیز گل‌قند درست می‌کنند و در استعمال خارجی نیز ضماد آن به عنوان قابض و تونیک به کار می‌رود.<sup>۱</sup>

\* گل‌سنگ

آن را حزاز الجبل و زهرالخجر نیز گویند و در مصر حناء القریش و به فارسی گل‌سنگ و به دیلمی سنگ حنا نامند و این را حزاز از آن جهت گویند که مرض حزاز را، که سبوسه سر است، زائل می‌گرداند و آن چیزی است که به روی سنگها در مواضع نمناک شبیه به طحلب متولد می‌شود و رنگ آن سبز مائل به سفیدی بود و چون به دست بمالند به رنگ حنا مشاهده گردد.

سرد و خشک در دوم و در آن جلا و تسکین حرارت و لهیب اعضا است و ضماد آن محلل اورام حاره که تنها با عسل استعمال می‌شود.<sup>۲</sup>

ضماد آن جهت اقسام قویا و قطع نزف‌الدم و تسکین حرارت اعضا و اورام حاره و ورم زبان و با عسل جهت یرقان نافع است.<sup>۳</sup>

گل‌سنگ‌ها ریشه‌دارانی هستند که از اتحاد یک قارچ و یک جلبک به وجود آمده دارای زندگی همزیستی می‌باشند. معمولاً قارچی که در ترکیب گل‌سنگ‌ها مداخله می‌کند، از آسکومیست‌ها یا بازیدیومیست‌ها و جلبک آن از جلبک‌های سبز یا جلبک‌های

۲- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۴۲.

۱- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۳۹۴.

۳- تحفه حکیم، ص ۸۱.

که بود است.

گلسنگ‌ها به تفاوت بر حسب گونه‌ای که دارند بر روی تخته‌سنگها، درختان مختلف و حتی در نقاط مساعد بر روی سطح زمین به سر می‌برند. از روی برخی از آنها نیز که بطور ثابت بر روی درختان مختلف زندگی می‌کنند، می‌توان پوست بعضی درختان دارویی مانند *Cascarille, Quinguina* و غیره را که در بازار تجارت عرضه می‌شود، تشخیص داد.

گلسنگ‌ها انواع مختلف دارویی، خوراکی و صنعتی دارند. از بعضی از آنها اسانس گیری می‌شود یا آنکه مواد رنگی استخراج می‌گردد.<sup>۱</sup>

### خواص درمانی:

با خیساندن «لیکن دیسلاند» به مدت ۲۴ ساعت در آب، ماده غذایی مفید و سازنده‌ای به دست می‌آید که ارزش گرد (آرد) آن به نصف ارزش آرد گندم می‌رسد. ژله آن نیز ارزش غذایی بسیار دارد.

«لیکن دیسلاند» با دارا بودن مواد تلخ و مؤثر، دارای اثر ضد استفراغ و قی است و از آن برای رفع این حالت در زنان باردار، به عنوان مقوی، نیرو دهنده، رفع سرفه، ضد نزله و ضد تشنج استفاده می‌شود.

در بعضی نواحی مانند آلمان، مردم از لیکن دیسلاند عاری از مواد تلخ (لیکن دیسلاند خیسانده در آب)، به عنوان نیرو دهنده و در موارد ضعف عمومی و تقویت بیمار در دوره نقاهت، رفع سرفه‌های مداوم، نزله ششی، مخصوصاً سرفه‌های قبل از بروز سیاه سرفه، ناراحتیهای ناشی از یبوست، آسم مرطوب، گرفتگی صدا، اخلاط خونی، تقویت مسلولین در طی دوران مداوا، اسکوربوت، لاغری، اسهالهای مزمن، قولنج‌ها، بی‌اشتهایی، خنازیر، زردی دختران جوان، تب‌های نوبه و غیره استعمال به عمل می‌آورند. غالباً مصرف خیسانده ۵۰ در هزار آن معمول است.

## \* گل شیپوری

میوه آن قرمز و دانه‌ای شکل است، در ماههای فروردین و خرداد گل داده و مزه برگ و ساقه آن گس است.

قسمت مورد استفاده برگ خشک شده آن و گاهی هم تازه و پیاز خشک شده آن است.

### ترکیبات و اثر:

اثرهای گیاه خشک شده و تازه با یکدیگر متفاوت است. گیاه تازه در تمام قسمتها ماده بسیار فعال ولی ناپایداری دارد که برای پوست و مخاطها محرک بوده و ممکن است تاؤل ایجاد کند.

زبان به این گیاه بسیار حساس است و متورم می شود. گیاه خشک یا پیاز آن کمتر محرک است و به عنوان خلط آور برای از بین بردن ترشحات مخاط دستگاه تنفس مصرف می شود. خود گیاه سمی است، بخصوص در کودکان که حبه های آن توجه آنها را جلب می کند.

### ترکیبات شیمیایی:

سمیت گیاهان مذکور به علت دارا بودن موادی به نامهای آروئین، آروئیدین و آروئین است که هنوز ترکیب شیمیایی آنها به خوبی مشخص نگردیده است. علاوه بر این، در اعضای گیاهان مذکور نوعی ساپونین و یک گلوکزید مولد اسید سیانیدریک نیز وجود دارد. در میوه آنها ماده رنگی لیکوپین و در اسپادیس آنها یک دیاستاز اکسیدان یافت می شود.

### خواص درمانی:

در زمانهای قدیم از غده زیرزمینی گیاهان مذکور با همه تلخی که دارا می باشد به عنوان تغذیه استفاده به عمل می آمد.

## مقدار خوراک:

گاهی گیاه جوان له شده را برای قسمتهای دردناک در بیماری روماتیسم به کار می‌برند یا ممکن است عصاره الکلی گیاه تازه را بر روی این قسمتها مالید. از دم‌کرده گیاه خشک (۱-۲ قاشق غذاخوری آن در نیم لیتر آب می‌جوشانند) برای از بین بردن التهاب مخاط برونشها و خیر عمومی مصرف می‌شود ولی اثر آن مورد تردید است.<sup>۱</sup>

## \* گل صد تومانی

گل صد تومانی گیاهی چند ساله، زیبا، دارای ساقه زیرزمینی و ریشه‌های نسبتاً ضخیم و متورم است. در نواحی کوهستانی یا در جنگلهای قاره اروپا، آسیای غربی و مرکزی می‌روید. برگهای قاعده ساقه آن مرکب از سه برگچه جدا از هم و بیضوی نوک تیز است ولی برگهای طول ساقه، دو بار تقسیم سه قسمتی یا بیشتر حاصل می‌کند به طوری که برگ گیاه شامل تعداد زیادتری از برگچه‌ها می‌گردد. سطح فوقانی پهنک برگچه‌ها عموماً به رنگ سبز مات ولی سطح تحتانی آنها به رنگ سبز روشن با ظاهر کاملاً مشخص است.

گل‌های آن، رنگ صورتی یا صورتی قرمز و قطری معادل ۵-۸ سانتی متر دارد. میوه‌اش فولیکول، پوشیده از کرکهای پنبه‌ای، واقع در یک سطح افقی و محتوی دانه‌های قرمز مرجانی است. به علت داشتن گل‌های درشت و زیبا اغلب پرورش می‌یابد. دارای اثر سمی بوده مصرف آن امروزه بطور کلی متروک شده است. این گیاه در نواحی شمال ایران (منجیل) می‌روید.<sup>۲</sup>

۱- گیاهان دارویی، پروفیسور هانس فلوک، ص ۳۳.

۲- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۶۰-۶۱.

## \* گل طاووسی

درختچه‌ای است مقوی، ساقه‌های آن سبز تیره توخالی به بلندی ۲-۳ متر و برگهای آن خیلی کوچک و کم است بطوری که ساقه تقریباً لخت به نظر می‌رسد. گلها شبیه گل نخود و به رنگ زرد و معطر به صورت خوشه‌شکل و باز است.

دارای شاخه‌های متعدد، به رنگ سبز مایل به آبی است. از خصوصیات آن این است که از نظر کلی به علت دارا بودن برگهای بسیار کم، عاری از آن به نظر می‌رسد. گلهای درشت و به رنگ زرد طلایی و معطر آن به صورت خوشه‌های بسیار زیبا جلوه می‌کنند. ساقه‌های متعدد و سبز رنگ آن عمل کربن‌گیری را به علت فقدان برگ کافی در گیاه به عهده دارند. میوه‌اش نیام، به طول ۶ تا ۸ سانتی‌متر و به پهنای ۵ تا ۶ میلیمتر است. این گیاه در جنوب فرانسه و نواحی دیگر مدیترانه می‌روید به علاوه بر اثر پرورش مداوم، در نواحی مختلف آسیا و آمریکا نیز توسعه یافته است.

ترکیبات شیمیایی:

در تمام اندام مختلف این گیاه بخصوص در گل و تخم آن آلکالوئید خیلی سمی سیتی زین وجود دارد. گیاهی است سمی و در موارد لازم باید به مقدار کم، زیر نظر پزشک، با احتیاط مصرف شود.

خواص درمانی:

گل طاووسی مقوی قلب و اعصاب بوده و اشتها را باز می‌کند و در معالجه روماتیسم تجویز می‌شود مقدار مصرف آن یک قاشق قهوه‌خوری در یک لیوان آب جوش که ۱۰ دقیقه دم‌کرده روز اول یک فنجان کوچک و رفته رفته زیاده‌تر نموده تا روزی سه فنجان بیشتر مصرف نگردد.<sup>۱</sup>

گل طاووسی در معالجه ورم کلیه تجویز می‌گردد، دارای خواص ادرارآور و تصفیه کننده خون می‌باشد.<sup>۲</sup>

گلهای درشت آن دارای نوش فراوان است و زنبور عسل علاقه زیادی به آن دارد ولی

دیگران در مورد آن، خلاف این عقیده را دارند. مقادیر کم گل آن اثر مدر و مسهلی دارد. دانه آن همین اثرات درمانی را داراست ولی مصرف آن خطرناکتر است. دم کرده<sup>۱</sup> ۸ در هزار گل آن اگر به مقدار یک قاشق در هر دفعه و به دفعات در روز مصرف گردد، اثر مدر ظاهر می‌کند.

مصرف این دم کرده در صبح ناشتا، اثر مسهلی نیز به وجود می‌آورد. با توجه به اثر سمی اعضای مختلف این گیاه، استفاده از آن با آنکه در زمانهای قدیم کم و بیش معمول بوده امروز متروک گردیده است. این گیاه در نواحی مختلف ایران به عنوان زینت پرورش می‌یابد.<sup>۱</sup>

گل طاووسی برای انواع خونریزیها تجویز می‌گردد. گل طاووسی دارای خواص تصفیه کننده خون، مدر، اشتها آور، مقوی قلب و اعصاب نیز می‌باشد و مقدار مصرف آن یک قاشق قهوه خوری در یک فنجان آب جوش می‌باشد. مدت ده دقیقه دم کرده روز اول یک فنجان کوچک، رفته رفته مقدار آن را زیاد می‌کنند تا حداکثر به روزی سه فنجان برسد.<sup>۲</sup>

گل این گیاه خاصیت مسهل دارد و دم کرده<sup>۳</sup> مقداری معین از آن به عنوان مسهل مصرف می‌شود. این دم کرده معمولاً مدر است و اگر صبح ناشتا خورده شود، مسهل است. ساقه‌های آن نرم و قابل انعطاف است.<sup>۳</sup>

## \* گل عباسی

### مشخصات:

گلی است که به فارسی لاله عباسی و به هندی آن را گلعباس می‌گویند. گیاهی است علفی و پایا که معمولاً برای زیبایی گل آن در باغچه‌ها کاشته می‌شود. بلندی آن تا حدود

۲- گلپا و گیاهان شفابخش، ص ۱۹۳.

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۶۱۷-۶۱۹.

۳- معارف گیاهی، ج ۲، ص ۱۳۰.



یک متر است.

ریشه آن غده‌ای و ضخیم و برگهای آن متقابل، کامل، سبز، بیضی شکل و نوک تیز است.

### ترکیبات شیمیایی:

در این گیاه آلکالوئید تریگونلین وجود دارد. در گلهای گیاه، ماده قرمز رنگی وجود دارد که سابقاً در چین به جای نوعی روژ بانوان برای آرایش مصرف می‌کردند. ریشه و دانه‌ها سمی است.

### خواص - کاربرد:

ریشه گیاه به عنوان ملین مزاج و افزایش‌دهنده نیروی جنسی مصرف می‌شود. از برگهای له شده آن برای التیام زخم و رسانیدن دمن و تحلیل ورم، جوش، کورک و همچنین برای رفع آماس بافت بند زیر جلد و رفع عفونت چرکی به نام داخس که دور انگشت دست ایجاد می‌شود، استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

## \* گل قارکون

به فارسی «گیاه حساس» و نام محلی آن در گیلان «گل قارکون» است. به عربی «مستحیه» گفته می‌شود.

### مشخصات:

گیاهی است چند ساله با ساقه‌های چوبی تیغدار که بلندی آن ۵۰-۶۰ سانتی متر است. برگهای آن مرکب و هر گروه ۳-۴ برگ مرکب از یک نقطه خارج شده و از آن با دم‌برگ بلندی به ساقه اصلی وصل می‌شود. چون به محض تماس دست، برگها به سمت

پایین خم شده و با دمبرگ به طرف ساقه جمع می‌شوند آن را گیاه حساس نامند. این گیاه بومی برزیل است و در ایران از نظر زیبایی در گلخانه‌ها کاشته می‌شود.

### ترکیبات شیمیایی:

در عصاره برگهای آن ماده‌ای شبیه آدرنالین یافت می‌شود، به علاوه در گیاه آلكالوئید میموزین مشخص شده است.

### خواص - کاربرد:

جوشانده ریشه این گیاه در رفع ناراحتیهای وجود سنگ در بدن اثر مفید دارد. از برگها و ریشه آن در موارد بواسیر و فیستولا استفاده می‌شود. از ریشه گیاه به عنوان مدر و برای معالجه اسهال خونی و در موارد عادت ماهیانه دردناک می‌خورند.<sup>۱</sup>

## \* گل قاصد

گیاهی است علفی و پایا از تیره مرکبان که دارای ریشه راست و قهوه‌ای رنگ است. این گیاه بطور خودرو در غالب مزارع و دشتهای می‌روید. شجره اسنان الاسد، کاسنی زرد، طلخشقون، طرخشقون، کسناج کوهی و قاصدک نامیده می‌شود.<sup>۲</sup>

کاسنی صحرائی را به فارسی گل قاصد و خبرکش و خبرآور می‌گویند و در کتب قدیم به نام طرخشقون نوشته شده است. از کاسنی سردتر می‌باشد، اسهال را بند آورد، معده را تقویت کند، نافع خونریزی ریه و بازکننده کیسه صفرا و کبد و طحال و نافع یرقان و استسقا است و مضر برای سپرز نوشته‌اند.

برگ تازه و گل و تخم و ریشه گل قاصد به‌تمامی برای تبهای عفونی نافع است، خوردن برگ و ریشه پادزهر سموم شیمیایی می‌باشد. مقدار خوراک آب برگ تا دوپست گرم است.<sup>۳</sup>

۱- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۱۵.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۳۳۴۷.

۳- زبان خوراکیها، ص ۲۱۷.

## \* گل گندم

به فارسی گل گندم نامیده می شود. یکی دیگر از قنطریون‌ها است. گیاهی است یکساله یا دو ساله، بلندی آن ۴۰-۷۰ سانتیمتر، ساقه و برگهای آن پوشیده از تارهای پنبه به رنگ مایل به سفید، برگهای آن ریشه‌ای نیزه‌ای و گلنهای آن آبی و گاهی سفید است.

### ترکیبات شیمیایی:

دارای ماده شیشوریزتین و در برگها کمی تانن و ماده رنگی به نام سیانیدین دارد.

### خواص - کاربرد:

از گل‌های گیاه به صورت دم کرده به عنوان مدر در موارد استسقا استفاده می شود. به علاوه در سرما خوردگی و خشونت سینه اثر نرم کننده دارد و تسکین سرفه می کند. دم کرده ساقه و برگ و گل گیاه اثر تب بر دارد و در رفع بیماریهای کبدی و یرقان نیز به کار می رود.<sup>۱</sup>

گل گندم دارای خواص تقویت کننده، قابض، تصفیه کننده خون، ادرار آور و تب بر است. جوشانده آن به مقدار ۲۰ تا ۲۵ گرم در یک لیتر آب جوش برای روماتیسم مفید است.<sup>۲</sup>

دو گرم کوبیده تخم گل گندم با کمی عسل خاصیت مسهلی دارد و شکم را به کار می اندازد.<sup>۳</sup>

اشخاصی که گاهی زیر چشمشان پف می کند، شبها قبل از خواب این قسمت را با مطبوخ گل گندم مدت ده دقیقه کمپرس و بعد خشک نمایند و یا نوک انگشتان چند بار محکم مالش دهید، صبحها که از خواب برمی خیزید چشمها را با دست بمالید ولی همانطور مثل شب کمپرس نمایید هر دو یا سه روز یک بار در بینی خود از روغن اوکالیپتوس ۵ درصد بریزید اگر این دستور کافی نباشد باید اقدامات پزشکی شود.<sup>۴</sup>

۲- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۹۷.

۱- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۸۶.

۴- نامه ماهیانه نندرست، ص ۳۷.

۳- همان، ص ۱۹۸.

### مقدار مصرف:

معمولاً تیزان، یک قاشق مرباخوری یا غذاخوری آن را در نیم لیتر آب سرد بریزید، بجوشانید و بگذارید سرد شود یا گرد این گیاه، ۲/۵ گرم دو مرتبه در روز، پیش از نهار و شام برای موارد بی اشتها، تبلی هضم یا اختلالات معدی مصرف می شود. مصرف آن به عنوان یک داروی مقوی در دوران نقاهت مربوط به خواص ذکر شده در بالا است.<sup>۱</sup>

## \* گل لادن

گیاهی است علفی، یکساله، بالا رونده و خزانده و برگهای آن گرد با یک مرکز انشعاب مرکزی برای رگیها. گلهای آن ساده، درشت، غیر منظم به رنگ بسیار زیبای زرد نارنجی یا قرمز، تکثیر آن از طریق بذر و کاشت انجام می گیرد.

ترکیبات شیمیایی:

گیاه دارای گلوکوزیدی به نام گلوکوتریپنولوزید و یک اسانس شبیه اسانس خردل است.

### خواص - کاربرد:

برگ و گل لادن به عنوان ضد اسکوربوت در موارد کمی ویتامین C بدن و برای تصفیه خون خورده می شود و بسیار مفید است. و جویدن آن در دهان برای زخمهای دهان بسیار نافع است.<sup>۲</sup>

## \* گل ماهور

خواص اصلی گل ماهور یا خرگوشک این است که سینه را نرم می کند، مسکن، ملین، دم کرده این گیاه به مقدار ده تا چهل گرم در یک لیتر آب در بیماری برونشیت و سینه پهلو و اشخاصی که مبتلا به تنگی نفس و آسم هستند با مصرف دم کرده آن آرامش و راحتی خاصی در خود احساس می کنند.<sup>۳</sup>

۲ - معارف گیاهی، ج ۶، ص ۹۴.

۱- گیاهان دارویی، بروفسور مانس فلوک، ص ۱۱۹.

۳ - گنها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۹۹.

## گل مریم

### مشخصات:

در کتب طب سنتی مک رومی و به فارسی گل مریم گفته می شود. گیاهی است پیازدار که یکی از معطرترین گل‌های دنیا می باشد. گل‌های آن خوشه‌ای سفید و کمی مومی است، برگ‌های آن خطی باریک دراز و نوک تیز می باشد.

### ترکیبات شیمیایی:

این گیاه دارای اسانس بسیار معطری می باشد. از هیدرولیز غده گیاه چند ساپوژنین به دست می آید.

### خواص - کاربرد:

گل‌های گیاه مدر و قی آور است. پیازهای آن را که خشک کرده به صورت گرد در می آورند، برای معالجه سوزاک به کار می برند. از پیاز این گیاه به عنوان ضد اسپاسم استفاده می شود. این پیازها برای معالجه مالاریا نیز استفاده می شود.<sup>۱</sup>

۱۰۰ گرم آن را در یک لیتر آب مدت ۱۰ دقیقه می جوشانند و این جوشانده را اگر در آب وان حمام بریزند و اشخاص مبتلا به روماتیسم در آب آن استحمام کنند بهبودی در خود احساس خواهند کرد.<sup>۲</sup>

## \* گل میخک

گیاهی است که به فارسی «میخک» گفته می شود. و همچنین گیاهی است دو ساله و چند ساله، شاخه‌ها در محل اتصال برگ‌ها کمی متورم و گره دار است. برگ‌ها سبز، دراز، باریک، تا حدودی خطی و متقابل هستند.

گل‌های زیبای آن به رنگ‌های قرمز آتشی، سفید، بلوطی و بنفش تیره در انتهای شاخه گل دهنده ظاهر می شود. تکثیر میخک از طریق کاشت بذر یا خوابانیدن ساقه انجام می گیرد.

### ترکیبات شیمیایی:

گیاه و گل آن دارای اسانس است که شامل اوژنول می باشد.

### خواص - کاربرد:

در کره از تمام اندام هوایی گیاه برای رفع آگزما و سرطان پوست استفاده می شود. له شده برگهای درشت آن را برای روشن کردن بینایی چشم به کار می برند. در اسپانیا و در آمریکای شمالی از گل‌های گیاه به عنوان تونیک قلبی، معرق، آرامبخش اعصاب و ضد عفونی کننده مصرف می شود.<sup>۱</sup>

## \* گل نسترن

پنجاه گرم میوه خشک گل نسترن را در یک لیتر آب مدت پنج دقیقه بجوشانید و مدت دو هفته آن را مصرف نمایید این جوشانده اگر خونتان غلیظ باشد، صاف خواهد کرد و نایباً ادرارآور قوی است در مورد قولنج کلیوی و سنگ کیسه صفرا هم داروی مؤثری است.<sup>۲</sup>

نسترن به ندرت مصرف می شود گلبرگهای نسترن را دم کرده مقدار آن یک تا سه گرم در یک لیتر آب است.<sup>۳</sup>

کرکی که در داخل میوه نسترن هست کرم کش است و وقتی خورده شود آنها را آزار داده و زخمی می کند باید کرکها را به مقدار پانزده یا سی صدم گرم در کمی عسل مخلوط کرده و خورد.<sup>۴</sup>

بسیست تا سی گرم میوه گل نسترن را اگر در یک لیتر آب مدت پنج دقیقه بجوشانند و به بچه هایی که مبتلا به اسهال شده اند بدهند، اسهال آنها برطرف خواهد شد.<sup>۵</sup>

میوه گل نسترن تصفیه کننده خون است.<sup>۶</sup>

۲- گلها و گیاهان شناختی، ص ۲۲۹.

۱- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۲۰۶.

۴- همان، ص ۲۱۹.

۳- همان، ص ۲۲۸.

۶- گلها و گیاهان شناختی، ص ۲۲۸.

۵- بیوها و سبزیهای شناختی، ص ۱۲.

## \* گل نگونسار

گیاهی است از تیره پامچال‌ها که از گل‌های زینتی مرغوب است. گل‌هایش به رنگ‌های ارغوانی و قرمز تیره و سفید و صورتی می‌باشند و به بخور مریم، شجره مریم، بولف، عربیثا، خبز المشایخ، ولف، رقف، رکف، اذن الارنب، هوم الیهود، سیکلمه، سیکلامن، قعلامنیس، آذریون و ذهبیه نامیده می‌شود.<sup>۱</sup>

بخور مریم؛ به لغت آفریقا بخور المشایخ و به شامی کف مریم و به یونانی فعیلاسوس و ققلامینوس و به سریانی طرمادواس و به عربی شجره المریم و دخن مریم و به فارسی پنجه مریم و به هندی هاتهاجوری گویند.

نباتی است که برگ آن شبیه به لبلاب کبیر است و اکثراً در زیر سایه درختها و جاهای نمناک می‌روید و مستعمل بیخ آن می‌باشد. بخور مریم نوعی عربیثا است و غیر از آن می‌باشد.

مزاج آن گرم در سوم و خشک در دوم است و در آن جلا، تقطیر، تفتیح، جذب، تحلیل قوی و تلطیف است. تخم آن جالی و ضمادش نافع داء الثعلب و خنازیر و ورم سخت و کک و مک می‌باشد. و بیخ آن، پرست را پاک و نیکو گرداند و ضمادش با روغن زیتون نافع شقاق از سرما است نیز مالیدنش با سرکه جهت داء الثعلب و قورس و کک و مک نافع و عصاره آن با ادویه محلل نافع خنازیر می‌باشد و چون با عسل در چشم کشند، منع نزول آب در چشم و تقویت دید کند لیکن بایستی ابتدا گرمی آن را به وسیله نشاسته کم نمود بعد در چشم استعمال کرد.

بعضی گویند که نوشیدن بیخ آن با سکنجبین نافع یرقان و پاک کننده جگر و بازکننده بسته‌ها (سدد) و مخرج صفرا به وسیله عرق است و نباید بیشتر از سه مثقال در این موضوع استعمال شود. چکاندن، خوردن و برداشتنش مدر حیض و مفسد جنین زنده و مخرج جنین مرده است و سخت زایی را علاج است.

خوراکش با ادویه گرم، گرم را کشته و دفع می‌کند و از خواصش این است که اگر بر

شکم مالیده شود اسهال آورد و تکرار مالیدنش بر رحم جنین را از بین می برد. ضمادش پادزهرگزیدگی حشرات است.

بخور مریم مضر مقعد و گرم مزاجان است و مصلحش کتیرا و آب انار است. مقدار خوراک عصاره آن از ربع تا نیم درم و از بیخ تا سه مثقال و بدلش در بعضی موارد مامیثا و مر است. مضر مثانه است و مصلحش عناب و بدلش سماق می باشد.

شیخ می گوید: شجره مریم همان بخور مریم است که سه نوع است: نوعی بدون ثمر و دو نوع ثمر دارند. در علاج زکام سرد مفید است و از آب در چشم آمدن خوب است.<sup>۱</sup> گل سیکلامن از قدیم در شنزارها و شکاف سنگهای کوهستانی شمال ایران، مخصوصاً در اطراف بندرگز به حالت خودرو رویده شده است.

غده زیرزمینی سیکلامن که به شکل شلغم بوده و از آن پهن تر است، به بخور مریم شهرت دارد. محلل بوده و باز کننده ادرار و حیض است، عرق را زیاد می کند و باعث سقط جنین می شود. برای درمان یرقان و باز شدن گرفتگی کیسه صفرا و زهکشی کبد از فضولات تجویز می شود.

بوته سیکلامن شجر مریم نام دارد، جوشانده شاخه های آن زایمان را آسان می کند و در اخراج جنین مرده بی عدیل است. ولی بدون اجازه طبیب نباید آن را به کار برد. مائیدن آن جهت بواسیر و لکه های سیاه جلدی و برص مفید است.<sup>۲</sup>

### \* گل‌های نیلوفر آبی

گل‌های نیلوفر آبی و ریشه آن برای معالجه اسهال خونی به مقدار یک قاشق قهوه خوری از گل‌های خشک آن در یک فنجان آب جوش مدت ده دقیقه دم کرده و هر روز دو تا سه فنجان مصرف نماید.

جهت تورم کلیه و مثانه گل خشک نیلوفر آبی را به مقدار یک قاشق قهوه خوری در

<sup>۱</sup> - محیط اعظم، ج ۱، ص ۲۷۷؛ تحفه حکیم، ص ۲۴؛ قرآنادین کبیرا، ص ۱۰۸.

<sup>۲</sup> - قانون در طب، ج ۲، ص ۳۱۳. - زمان خوراکیها، ص ۱۴۷.



آب جوش دم کرده روزی سه فنجان میل نمایید.

گل‌های نیلوفر و ریشه آن برای معالجه نزله‌های ریوی و سوزش ادرار مصرف می‌گردد.<sup>۱</sup>

پراکندگی نیلوفر آبی در کره زمین به نحوی است که در تمام اروپا، آسیا و تواحی دیگر یافت می‌شود. به علاوه به علت زیبایی گل‌های خود، غالباً در استخرها پرورش می‌یابد، تمام قسمت‌های نیلوفر آبی دارای تانن، اسیدگالیک و املاح مختلف است. از آزمایش‌های مختلفی که از تأثیر مصرف ریزوم این گیاه در حیوانات به عمل آمده، اثر ضد تشنج و آرام کننده آن به ثبوت رسیده چون ریزوم و تمام اعضای گیاه دارای تانن زیاد، اسید تانیک و یک ماده رزینی است از این جهت مصرف مقدار معینی از آن، اثر قابض و نیرو دهنده ظاهر می‌کند.

با قرار دادن ریشه آن بر روی پوست بدن، ایجاد التهاب و قرمزی می‌شود. گل‌های آن بطور ضعیف اثر مخدر، نرم کننده و رفع تحریکات جلدی دارد. دارای اثر تسکین دهنده قوای جنسی است، مقدار ۰/۲ گرم عصاره آبی توأم با مقدار کمی عصاره روان آن، در ناراحتی‌های عصبی که همراه با تحریکات قوای جنسی و بی‌خوابی باشد، اثر مفید نشان می‌دهد.

مصرف فرآورده‌های ریزوم و گل، در کاهش و رفع اشت‌های جنسی زنانی که این احساس در آنها شدت دارد و همچنین درمان نعوظ‌های طولانی که غالباً با درد همراه است، بدون آن که اشت‌های جنسی حس گردد یا دفع صورت گیرد، مؤثر واقع می‌شود. نیلوفر آبی به حالت خودرو در استخرهای طبیعی و آب‌های راكد نواحی مختلف شمال ایران، مخصوصاً در گیلان، راه بین رشت و لاهیجان، کردستان، دژ شاهپور و استخرهای طبیعی زیربار می‌روید. همچنین در آمریکای شمالی می‌روید و ریشه‌اش اثر قابض دارد.<sup>۲</sup>

۱- گل‌ها و گیاهان شفا بخش، ص ۲۰۳.

۲- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۶۳-۶۵.

## \* گل یخ

## مشخصات:

گیاهی است چند ساله به صورت بوته یا درختچه بوته‌ای کوچک با ساقه‌های چوبی به بلندی ۲-۳ متر. برگهای آن تخم مرغی نوک‌تیز در تماس با انگشتان زیر و خشن و فوق‌العاده معطر است. میوه کوزه‌ای شکل درشت خاکستری مایل به قهوه‌ای و تکثیر گل یخ از طریق کاشت بذر و خوابانیدن آن صورت می‌گیرد.

## خواص - کاربرد:

گل‌های گیاه به‌عنوان بزاق آور نیز جویده و خورده می‌شود. گل‌های گیاه را در روغن می‌خوابانند و پس از آن، مانند مرهم برای معالجه سوختگی به کار می‌برند. در چین جوشانده گل‌های گیاه را برای معالجه زخمها و جراحی داخل گلو می‌خورند.<sup>۱</sup>

## \* گندم

مشرقی از ابی‌الحسن علیه السلام نقل می‌کند، می‌گوید: پرسیدم از آن حضرت از خوردن مری و کامخ و گفتم آن از گندم و جو درست می‌شود و می‌خوریم، فرمود: حلال است و ما نیز آن را می‌خوریم.<sup>۲</sup>

در شبی که می‌خواهید تولیدمثل نمایید باید غذای شما کامل باشد اگر قبلاً جوانه گندم میل فرمایید بسیار بجا و به موقع است.<sup>۳</sup>

بانوان آبستن بهتر است جوانه گندم را خام میل فرمایند چون بسیار مؤثر است. جوانه گندم را باید کم میل کرد زیرا آن خیلی مقوی است.

در میان کردها برای رفع اگزما، زخم‌های کهنه و مزمن مقداری گندم را در ساجی داغ

۲- تهذیب، ج ۹، ص ۱۱۶.

۱- معارف گیاهی، ج ۲، ص ۶۰.

۳- اعجاز خوراکیها، ص ۱۵۰.

می‌ریزند سپس روغن یا شیره‌ای را که از آن بیرون می‌آید با انگشت روی محل زخم می‌مالند و شفا می‌یابند، آرد آن را نیز با آمیختن کمی شکر و آب خمیر کرده و برای نرم کردن و سر باز کردن کورک استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

در طب عوام مقداری گندم، یک مشت از آن را بر روی صفحه فلزی داغ می‌گسترانند، سپس مایعی را که ندریجاً از آنها خارج می‌شود با انگشت جهت رفع بیماریهای جلدی اطفال مانند سودا روی پوست بدن می‌مالند و از این کار نتیجه درمانی قاطع به دست می‌آورند. جوشانده گندم، مخلوط با غلاتی نظیر جو و جو دوسر، اثر سازندگی داشته، در تقویت اطفال اثر بسیار ظاهر می‌کند.

آرد گندم، اگر بر روی پوست بدن مالش داده شود تحریکات جلدی را کاهش می‌دهد. در بیماری باد سرخ از گندم به منظور کاهش دادن التهاب و ورم و بطور کلی ناراحتیهای مربوط به آن استفاده می‌شده است.

با وارد کردن آرد گندم در آب یا شیر، ضمادی تهیه می‌گردد که آن را بر روی خراشهای پوست و ناحیه ملتهب در باد سرخ، آبسه‌ها و سوختگی‌ها جهت رفع ناراحتی اثر می‌دهند.<sup>۲</sup>

اگر ۳۰ تا ۴۰ گرم گل برگهای گندم را در یک لیتر آب دم کنند محلول شستشوی عالی برای شستن چشم خواهید داشت که هر نوع درد چشم و تورم را معالجه خواهید کرد به شرط این که هر روز دو بار با این محلول چشمان خود را بشوید.<sup>۳</sup>

تا چندی پیش عقیده داشتند سلولز قابل جذب نیست و امروزه می‌گویند در محیط رزده‌ها باکتریهایی هستند که سلولز را هم حل می‌نمایند و لذا مقداری از سلولز قابل جذب می‌باشد و آن مقدار که جذب نمی‌شود دو فایده می‌رساند؛ یکی آن که مدفوع را از حالت مایعی درآورده و با حجم سلولزی خود روده‌ها را پاک می‌کند. دیگر آنکه تا حدودی سموم روده‌ها را جذب و با خود به خارج دفع می‌نماید.

۱- طب سنتی در میان کردان، ص ۱۵۱

۲- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۲، ص ۲۵۴-۲۵۸.

۳- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۹۸.

جدا کردن سیوس از آرد یعنی، ارزنده‌ترین قسمت گندم را جدا کردن، کاری است اشتباه، زیرا جنین جوانه‌گندم نیز با سیوس جدا می‌شود. دکتر پاژ چند دسته مرغ و کبوتر و موش انتخاب نمود، و با آزمایشهای متعددی آنها را دو دسته می‌نمود و به دسته اولی فقط نان سفید می‌داد و به دسته دوم نان سیوس‌دار، نشان داد که دسته‌های اول پس از سه هفته سردند و دومی‌ها به زندگی خود ادامه دادند.

اگر سؤال شود کدام قسمت هر گیاه بهترین عضو گیاه است، خواهیم گفت آنجا که بیشتر در معرض تابش اشعه خورشید و هوا و باران قرار داشته و بیشتر از نیروی حیات بهره‌مند گردیده و آن در حقیقت سیوس غلات و پوست میوه‌جات است.

برای تعیین ارزش قسمت‌های مختلف گندم اگر مقداری آرد را الک کنیم عناصر زیر از آن جدا می‌شود:

الف - سیوس که در آن تمام خواص مغناطیسی مربوط به اشعه آفتاب موجود است.

ب - جوانه‌گندم که خواص مغناطیسی مربوط به زمین را دارد.

ج - اگر با آسیابهای فلزی آرد تهیه شود مواد چربی و فسفری گندم که ضد پوسیدگی

هستند به سیوس می‌چسبند و با سیوس خارج می‌شود به علاوه گلوتن که تنها قسمت ازت‌دار گندم است خارج می‌گردد لذا آرد با الک شدن، مواد زیر را از دست می‌دهد:

۱- مزاد چربی ۲- تقریباً کلیه مواد بیاض البیضی ۳- سیلیس که کمک مؤثری در

تشکیل دندانها می‌نماید و به استخوانها نر می‌دهد و چون با اکسیژن توأم گردد کلیه‌ها

و قلب را تقریباً می‌کند و کمبود آن یکی از علل مستعد کننده بیماری قند می‌باشد ۴-

فلوئور که در ساختمان عاج دندانها و استخوانها به کار می‌رود ۵- فسفر که برای سفت

شدن استخوانها لازم است ۶- منیزیم که نبودن آن موجب پیدایش گواتر و

احتمالاً سرطان می‌شود ۷- آهن که کمبودش سبب کم‌خونی گردیده و با فسفر و منیزیم

تشکیل دهنده سلولهای عصبی هستند و با آهن، قسمت‌های اصلی متشکله خون

می‌باشند.

### \* گنه گنه

گیاهی است از تیره روناسیان که به صورت درختهای کوچک و دارای گونه‌های متعدد است و در آمریکای جنوبی خصوصاً پرو و اکواتر و ونزوئلا به فراوانی می‌روید. پوست گنه گنه دارای اثر مقوی و تب‌بر و قابض است و مهمترین آکالوئیدش کینین است که به جای پوست گنه گنه در معالجه مالاریا مصرف می‌شود.<sup>۱</sup>

گنه گنه اسم فارسی عصاره برگ است.<sup>۲</sup>

برگ به لغت انگلیسی به معنی پوست درخت است و آن پوست درختی است شبیه به قرفه و از آن تیره‌تر و از مملکت پرو در آمریکای جنوبی به اروپا آورده‌اند و آن را جروتیس برگ نامند. بو ندارد و دارای طعمی تلخ و با کمی قبوضیت است. درخت گنه گنه اصولاً بومی مناطق آند و کولومبی از مناطق گرم آمریکای جنوبی است.

این گیاه به صورت درخت یا درختچه‌ای است همیشه سبز با برگهای متقابل. تکثیر درخت گنه گنه از طریق قلمه، خوابانیدن، پیوند و حتی کاشت بذر آن صورت می‌گیرد. گرم و خشک در دوم است و در تبهای کهنه و تب و لرز و تب ربع به کار برده می‌شود و در هنگام تب مقداری کم از آن را در آب سرد حل کرده و سه روز پی در پی میل می‌کنند و گاهی در تمامی روز توبت تب به فاصله دو ساعت، به مریض می‌دهند.

### ترکیبات شیمیایی:

در پوست درخت در حدود ۹/۱ درصد انواع آکالوئیدها وجود دارد. در گونه‌ای از گیاه، نوعی کینین مخصوص معالجه مالاریا تولید می‌شود. کینین آکالوئید تلخ، بی‌رنگ متبلور و دارای کریستالهای سوزنی شکل است که در آب سرد کم محلول ولی در اتر و الکل بیشتر حل می‌شود.<sup>۳</sup>

۲- محیط اعظم، ج ۴، ص ۱۴۳.

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۳۴۲۱.

۳- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۱۶۵.

## \* گواوا

در ایران کاشته می شود و در شمال ایران با نام خارجی آن «گواوا» می شناسند و در جنوب آن را اشتبهاً «زیتون» می خوانند.

## مشخصات:

درختچه ای است همیشه سبز، برگهای آن بدون گُرک یا پوشیده از گُرک و گلهای آن خیلی معطر است. رنگ میوه قرمز یا زرد می باشد، شیرین و خوردنی است و آن را بطور خام یا پخته به شکل مربا و ژله می خورند. این درختچه بومی آمریکای حاره و نیمه حاره است.

## ترکیبات شیمیایی:

در گیاه تری ترینوئید، اسانس روغنی فرار، تانن، روغن ثابت و اوژنول وجود دارد. میوه آن دارای گواوا پکتین است که شامل دی-گالاکتورونیک اسید و ال-آرابینوز و دی-گالاکتوز است.

## خواص - کاربرد:

از برگهای پخته گیاه برای استعمال خارجی ضماد درست می کنند. از برگهای گیاه به عنوان آنتی بیوتیک خفیف استفاده می شود. از جوشانده برگ و پوست آن به عنوان قاعده آور استفاده می شود و بعد از تولد بچه نیز به زانو داده می شود.<sup>۱</sup>

## \* گوجه فرنگی

گیاهی است یکساله از تیره بادنجانیان که غلفی است. میوه این گیاه خوراکی است و مصرف غذایی دارد و قرمز رنگ و به اشکال مختلف است؛ بادمجان فرنگی، تمات، طماطم، بادنجان قوطه، قوطه. کشت گوجه فرنگی در عهد ناصرالدین شاه در ایران

متداول گردید.<sup>۱</sup>

گوجه فرنگی دارای املاح معدنی فسفر، آهن و ویتامینهای B.A و C می باشد. اشتها آور و خنک بوده، برای مبتلایان به سرطان منع گردیده ولی تومرهای حاصله از خوردن گوجه فرنگی، سرطانی نبوده و این نظریه رد شده است. برای مبتلایان به درد مفاصل، سنگ کلیه، مثانه، ورم امعاء و راشیتیسیم فوق العاده مفید و خوب است.

گوجه فرنگی برای اشخاصی که مبتلا به یبوست، سنگ کلیه و مثانه و کبد و ورم امعاء هستند، تجویز شده است و نیز برای اشخاصی که مزاج صفراوی و دموی دارند توصیه شده است.<sup>۲</sup>

گوجه فرنگی مقدار زیادی فسفر، آهن، سیلیس و غیره دارد و اکنون یکی از بهترین داروهای مفید برای معالجه رماتیسم، ورم مفاصل و پاک کننده خون است.<sup>۳</sup>

مصرف گوجه فرنگی برای اشخاص مبتلا به درد مفصل تجویز شده است. پوست و دانه های آن به هضم غذا کمک می کند و مثل یک جارو مدفوعات را وادار به تخلیه می کند.<sup>۴</sup>

گوجه فرنگی خنک، اشتها آور، در مقابل امراض عفونی و کمبود اسکوربورت، ویتامین C را حفظ می کند.

مصرف گوجه فرنگی برای مبتلایان به درد کبد و ورم امعاء تجویز می شود.<sup>۵</sup>

برای معالجه آکنه باید یک گوجه فرنگی را به دو نصف بریده و آهسته روی آن بمالید

فردای آن روز همین کار را با ترشک کوبیده بکنید و با آب سرد صورت را بشوید.<sup>۶</sup>

گوجه فرنگی بهترین پاک کننده خون و بهترین دارو برای از بین بردن ترشی معده

است.<sup>۷</sup> بوی برگهای گوجه فرنگی زنبورهای خرمایی را ناراحت می کند.<sup>۸</sup>

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۲۴۳۱.

۲- اسرار خوراکیها، ص ۲۰۹ - میوه ها و سبزیهای شناختی، ص ۱۰۴

۳- اسرار خوراکیها، ص ۲۰۹.

۴- میوه ها و سبزیهای شناختی، ص ۱۰۴.

۵- همان

۶- همان ۷ اسرار خوراکیها، ص ۲۰۹؛ میوه ها و سبزیهای شناختی، ص ۱۰۳.

۸- همان.

## \* گوجه سبز

گوجه سبز با مزه ترش خرد، میوه‌ای است که خیلی‌ها آن را دوست دارند. نوعی از این میوه، ریز و وحشی است و «آلوجه» نام دارد و نوع درشت و مرغوب آن به گوجه «برقانی» معروف است. البته نوع شیرین گوجه سبز نیز به گوجه «گیلانی» شهرت دارد. گوجه سبز سرشار از ویتامین B<sub>1</sub> و C است و در آن آهن، کلسیم، فسفر، پتاسیم، سدیم و منگنز نیز به فراوانی یافت می‌شوند.

گوجه سبز بمانند سایر میوه‌ها، بسیار پرفایده است. در زمان قدیم، آن را برای کاهش دردهای روماتیسم و نقرس تجویز می‌کردند و مفید برای کم‌خونی می‌دانستند. این میوه همچنین مجاری ادرار و کلیه‌ها را تمیز کرده و سبب کنترل فعالیت‌های آن می‌شود. مصرف گوجه سبز در روزهای گرم تابستان بسیار اهمیت دارد، چون طبع آن سرد است و برای افراد گرم مزاج مفید است. افرادی که طبع سرد دارند بهتر است در مصرف آن افراط نکنند. گوجه سبز نه تنها به شکل تازه قابل مصرف است، بلکه می‌توان هسته آن را جدا و خشک کرد.<sup>۹</sup>

## \* گوشت

در حدیث صحیح از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که بهترین نان خورشت‌ها در دنیا و آخرت گوشت است.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گوشت خوردن در بدن گوشت می‌رویاند و کسی که چهل روز گوشت نخورد کج خلق می‌شود و هر که کج خلق شود در گوشش اذان بگوید و فرمود که هر که چهل روز بگذرد و گوشت نخورد توکل بر خدا کند و قرض کند و بخورد که قرضش ادا می‌شود.

شخصی به خدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد که اهل بیت ما گوشت گوسفند نمی‌خورند و می‌گویند که سودا را به حرکت می‌آورد و از آن درد سر و دردهای دیگر به



هم می‌رسد حضرت فرمود که اگر خدای - عز و جل - گوشتی بهتر از گوشت گوسفند می‌دانست، فدای اسماعیل را گوسفند قرار نمی‌داد.<sup>۱</sup>

در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول ﷺ گوشت دست و کتف گوسفند را دوست می‌داشت و از گوشت ران گوسفند کراهت داشتند برای آنکه به محل بول نزدیک است.<sup>۲</sup>

هرگاه ضعف مستولی شد گوشت را در شیر پخته میل کنید بسیار نافع است. گوشت کباب میل ضعف را زایل و رنگ را سرخ، بدن را قوت داده و تب بر است.<sup>۳</sup>

خوردن گوشت خشک شخص را لاغر می‌کند.<sup>۴</sup>

اگر پیه و گوشت را با هم کوبیده و روی چشم بگذارند درد تسکین می‌یابد.<sup>۵</sup>

خوردن گوشت حافظه را زیاد می‌کند.<sup>۶</sup>

گوشت کبک ساق را قوی می‌کند.<sup>۷</sup>

برای درمان ضعف اعصاب دستگاه تناسلی در بین خوراکیها کباب بره اثر خوبی در تقویت اعصاب دارد و شخص بیمار باید اقلأ هفته‌ای سه نوبت در روز که مواد غذا جذب بدن می‌شود استفاده نمایند.<sup>۸</sup>

## ❖ گیاه حشره خوار

این گیاه به عربی و در کتب طب سنتی با نام ورد الشمس آمده است. گیاهی است پیا، دو ساله، علفی، از نظر طعم تلخ و سوزاننده و معمولاً دام‌ها آن را نمی‌خورند. ساقه گلدار آنها باریک، دراز و لخت که گل‌های سفید آن در رأس آن قرار دارند و برگ‌های آن به شکل ذرت گسترده‌اند.

ماده شیمیایی:

- 
- |                           |                              |                |
|---------------------------|------------------------------|----------------|
| ۱- حلیة المتقین، ص ۴۸.    | ۲- همان، ص ۵۰.               | ۳- همان، ص ۲۹. |
| ۴- همان.                  | ۵- رشته مروارید، ج ۴، ص ۱۹۷. |                |
| ۶- اعجاز خوراکیها، ص ۱۳۲. | ۷- حلیة المتقین، ص ۴۷.       |                |
| ۸- ثانویهای جنسی، ص ۱۲.   |                              |                |

در گیاه تازه ماده نفتاکسیون و در گیاه خشک به مقدار جزئی گلوکوزید وجود دارد و به علاوه در گیاه وجود چند اسید و ماده رنگی و امولسین تأیید شده است.

### خواص - کاربرد:

این گیاه دارای طعمی تلخ و سوزاننده است. نوعی از آن برای رفع اسهال خونی، خنازیر و مالاریا استفاده می شود. ضد اسپاسم و برای معالجه سیاه سرفه مصرف می شود.<sup>۱</sup>

## \* گیاه پیرو

گیاه پیرو دارای آلومین و مواد سفیده ای، در طب میوه های آن را می خورند، ادرار آور، تقویت کننده و خواب آور است. در مورد ترشح زیاده از حد مایعات سفید همچنین قاعدگیهای سخت خانمها و رفع گاز روده ها استعمال می کنند. مقدار مصرف آن یک قاشق قهوه خوری برای یک لیوان آب جوش ده دقیقه دم کرده روزی سه فنجان در سه نوبت میل کنند.

گیاه پیروز در مورد بیماریهای سوزاک و ورم مثانه و سنگ و شن و کلیه استعمال می شود. پیرو را همین طوز می خوردند یا در کلم شور می ریزند یا دم کرده، میل می کنند. گیاه پیرو دارای مواد آلومین، قند و یک ماده رزینی روغن ماده فراز و یک ماده تلخ است از این میوه نوشابه الکلی می سازند. در موارد بیماریهای درد روماتیسم استعمال می شود. پزشکان در مورد نصلب شرایین هم تجویز می کنند.<sup>۲</sup>

## \* گه

گیاهی است که نام محلی آن در مکران بلوچستان «گه» می باشد. «گه» گیاهی است چند ساله، کوچک به بلندی ۵۰ تا ۱۰۰ سانتی متر، دارای شاخه های بسیار متشعب و پوشیده از تار سفید است. برگ های آن دارای ۳ برگچه است. گل های آن سفید یا صورتی و میوه آن غلاف دراز بندبند و پوشیده از تار های قلاب دار است و در تماس با اشیا به آنها می چسبد.

### خواص - کاربرد:

از جوشانده این گیاه برای معالجه اسهال خونی خورده می شود. دم کرده این گیاه را برای قطع اسهال می خورند. تمام این گیاه به عنوان ضد روماتیسم و تب بر و برای معالجه زردی می خورند. برای رفع ناراحتی های پوست ضمد له شده آن را روی موضع می اندازند. عصاره آن را روی زخم و آبه و جراحت می مالند و مفید است.<sup>۱</sup>

## \* گیلاس

درختی است از تیره گل سرخیان و از دسته بادامیها که دارای گونه های مختلف است. معمولاً برای تهیه گونه های مرغوب این گیاه را پیوند می زنند.<sup>۲</sup>  
نام علمی درخت گیلاس <PRUNUS AVIUM L.> است. این گیاه به تیره گل سرخیان تعلق دارد.

از نظر غذایی و درمانی گیلاس ها به دو گروه تقسیم می شوند، اولی گیلاسی است که به وسیله گلها و میوه های خوشه ای دراز خود مشخص می شود و آن را غار گیلاس می نامند و دیگری با گلها و میوه های که به شکل بادزنی مجتمع می شوند، مشخص می گردد و گیلاس جنگلی و آبالو جزو این گروه هستند.

گروه اول گرچه ارزش درمانی دارد، اما برخی از آنها سمی است. تمام انواع گیلاس ها

۱- معارف گیاهی، ج ۷، ص ۱۱۵.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳۵۱۲.

بر اثر پرورش گیلاس جنگلی به وجود آمده‌اند. از نظر طبی، گیلاس بخصوص دم میوه آن به عنوان دافع مواد از طریق ادرار اهمیت دارد (در مورد کلیه و سنگ مثانه).

### صور دارویی:

برای تهیه دم کرده، دم گیلاس را مدت یک روز در آب قرار می دهند تا نرم شود و در صورت لزوم تکه تکه می کنند. یک مشت کوچک از این خیسانده را در یک لیتر آب دم کرده، روزانه سه تا چهار فنجان از آن می نوشند.<sup>۱</sup>

گیلاس میوه خنک کننده است و رفع عطش می نماید و بر خلاف سایر میوه ها معده را پر و ناراحت نمی کند چون رفع گرسنگی می نماید، بهترین وسیله برای لاغری است دم گیلاس به شکل پخته بهترین مدر است.<sup>۲</sup>

گیلاس سینه را نرم و معده را ضد عفونی می نماید تخمیر معده را از بین می برد از این جهت یبوست را معالجه می کند و اسهال مخصوصاً اسهال خونی را شفا می بخشد.

کسانی که می خواهند لاغر شوند گیلاس را باید قبل از غذا میل کنند. خوراک گیلاس برای مبتلایان به مرض قند ضروری ندارد. گیلاس را نباید بعد از غذا خورد چون معده را سنگین می نماید.<sup>۳</sup>

گیلاس دارای ویتامین های A, B, C و قند و دارای آهن، کلسیم، منیزیم و مقدار زیادی پتاسیم، سدیم و روی می باشد برای اشخاص مبتلا به درد صفراوی یا دموی مفید است.<sup>۴</sup>

مصرف دم کرده دم گیلاس حجم ادرار را در حالی که مواد اسیدی آن را کم می کند، زیاد می نماید. اغلب سی گرم دم گیلاس را در یک لیتر آب به مدت ده دقیقه می جوشانند و آن را برای معالجه حبس البول، انسداد و تورم مجاری و طحال مصرف می نمایند.<sup>۵</sup>

تمام قسمت های گیلاس یعنی هسته و دم و برگ و غیره آن در طب استعمال خارجی

۱- صد گیاه و هزار درمان. ص ۳۲۱.

۲- درمان با سبزیها و میوه ها، ص ۳۳.

۳- زبان خوراکیها، ص ۱۳۴.

۴- میوه ها و سبزی های شفا بخش، ص ۱۲۵.

۵- همان، ص ۱۲۶.

دارد. سنگها را به وسیله ترشی خود نابود می سازد.<sup>۱</sup>

گیلاس برای اشخاص مبتلا به درد نقرس، روماتیسم و درد مفاصل مفید است. گیلاس برای اشخاص مبتلا به درد تصلب شرایین مفید است، دارای خاصیت ضد عفونی علیه تخمیر روده هاست و در بیوست های شدید مفید واقع می شود، در اسهال ساده و اسهال خونی نیز مفید است.<sup>۲</sup>

جوشانده برگ گیلاس در شیر مسهل ملایمی است که دل درد نمی آورد.<sup>۳</sup>

گیلاس برای خون تصفیه کننده توانایی است و نیز خون را قلیایی می کند.<sup>۴</sup>

مصرف گیلاس برای معالجه زیبایی صورت و گردن تجویز شده است. سی گرم دم گیلاس را در یک لیتر آب به مدت دو دقیقه می جوشانند و آن را برای معالجه گریپ مصرف می نمایند. همچنین دم کرده شکوفه آن برای سینه داروی مفید و خوبی است.<sup>۵</sup> شیره گیلاس تأمین کننده عناصر معدنی بدن، تصفیه کننده خون و ضد روماتیسم است به علاوه انرژی زا است. برای مبتلایان به تصلب شرایین، پر خونی و نقرس نوشابه درمان کننده می باشد.<sup>۶</sup>

### \* گیلاس باربادوس

گیاهی است بومی مناطق جزایر هند غربی و جزایر آنتیل که در مناطق جنوبی آمریکای شمالی نیز انتشار دارد. در ایران نمی روید ولی به علت اینکه دارای گونه های زینتی است، در برخی گلخانه های ایران کاشته می شود و در عین حال میوه آن از نظر مقدار ویتامین C بالاترین رقم را دارا می باشد.

### مشخصات:

۱- اسرار خوراکیها، ص ۲۱۱.

۲- میوه ها و سبزه های شفا بخش، ص ۱۲۵.

۳- همان، ص ۱۲۶.

۴- همان، ص ۱۲۵.

۵- همان، ص ۱۲۶.

۶- گیاهان دارویی، دکتر عنی زرگری، ج ۱، ص ۶۷۶.

گیاهی است چند ساله به شکل بوته بزرگ با ساقه‌های چوبی که بلندی آن تا حدود ۳ متر نیز می‌رسد. میوه آن شبیه گیلاس آبدار خوردنی و ترش در ابعاد یک گیلاس کوچک به رنگ قرمز مخملی است.

#### ترکیبات شیمیایی:

در هر یکصد گرم قسمت خوردنی خام گیلاس باربادوس، شامل گوشت و پوست میوه گیاه مواد زیر یافت می‌شود: آب ۹۲ گرم، مواد قندی ۶ گرم، زایبوفلاوین ۰.۶ میلی‌گرم و ویتامین C، ۱/۳۰۰ میلی‌گرم.

#### خواص - کاربرد:

از میوه پخته آن نیز مربا درست می‌کنند. در آمریکا مردم عصاره آن را به نام «آسرولاجوس» بطور خام می‌خورند. برای رفع کاهش ویتامین C بسیار مفید است.<sup>۱</sup>



حرف

س





## \* لاجورد

به فارسی نیل، نیل طاووسی، لاجورد و در کتب طب سنتی با نام نیل آمده است.

### مشخصات:

گیاهی است دو ساله یا چند ساله، ساقه پرشاخه آن به بلندی حدود ۱/۵ متر می‌رسد. برگهای آن مرکب و فرد است. گلهای آن به شکل سنبل یا خوشه به رنگ صورتی یا ارغوانی می‌باشد. میوه آن نیام و غلاف آن خمیده و دراز، استوانه‌ای یا مقطع مثلث است.

### ترکیبات شیمیایی:

در تمام اندام گیاه نیل گلوکوزید اندیکان یافت می‌شود. ماده عامل، نیل اندیگوتین نام دارد.

### خواص - کاربرد:

شیره برگهای گیاه نیل برای پیشگیری بیماریهای هاری یا ترس از آب، مورد استفاده

است. عصاره این گیاه را برای کنترل بیماری صرع و اختلالات عصبی و همچنین در موارد برونشیت می‌خورند. ریشه این گیاه مدر و برای رفع ترشحات مخاطی به کار می‌رود.<sup>۱</sup>

## \* لادن

لادن گیاهی علفی و دارای برگهایی با پهنک مدور و گلهایی درشت و زیبا به رنگ زرد نارنجی است، از این نظر اکثراً پرورش می‌یابد. گلبرگها و گونه‌های دیگر آن به صورت خام در سالاد مصرف می‌شود. برگ و گل آن در گذشته به عنوان ضد اسکوربوت و تصفیه کننده خون مصرف می‌شده‌اند.

شیره گیاه تازه، در رفع بیماریهای نرله‌ای دستگاه تنفسی، برونشیت‌های مزمن و اختلاط خونی اثرات مفید داده است. از این جهت سابقاً آن را در رفع بیماریهای سینه و سل مؤثر دانسته‌اند چون با مصرف آن، سرفه بیمار کاهش یافته و اختلاط حالت روان پیدا کرده، به سهولت دفع می‌شود و به علاوه عرق شبانه بیماران مبتلا به سل، قطع می‌گردد. در لنفاتیسم و درمان قاعدگی‌های غیر کافی، مؤثر است. طبق بررسی و نقل از مقاله‌ای، چون مصرف لادن، باز شدن مجرای شرایین قلب را باعث می‌گردد. در درمان آنژین دویوآترین مؤثر واقع می‌شود، به علاوه بطور خفیف دامنه انقباض‌های قلبی را زیاد می‌کند از این جهت در ردیف داروهای مقوی قلب جای داده شده است.

در استعمال خارج، له شده گیاه تازه اثر مفید بر روی پوست سر و تقویت پیاز مو داشته از ریزش مو جلوگیری می‌کند. لوسیون حاصل از جوشاندن برگ، گل و میوه آن در یک لیتر آب (به مدت ۱۵ دقیقه) در تقویت پوست سر و رفع ریزش مو مؤثر است. در مصارف داخلی، دم کرده ۵ گرم برگ برای هر فنجان (مدت دم کردن ۱۰ دقیقه) و به مقدار ۲-۳ فنجان در روز، الکلاتور به مقدار ۲-۳ قاشق قهوه خوری در روز به صورت پوسیون، گرد دانه به عنوان ملین و به مقدار ۵/۰ تا یک گرم در روز به کار می‌رود.

میوه سبز و جوانه‌های گیاه را در ظروف محتوی خیار و سرکه (تهیه ترشی خیار) وارد می‌کنند تا طعم مطبوع به خیار ببخشند. پرورش لادن در ایران معمول است.<sup>۱</sup>

گیاه لادن از نظر خاصیت درمانی ضد اسکوربوت بوده، در رفع بیماریهای ریوی و مجاری تنفسی، کم کاری کلیه‌ها و عفونت‌های مثانه مؤثر است. این گیاه محتوی ماده گوگردی است، به این جهت به‌عنوان ماده نیروبخش به اشخاص سالمند و کسانی که دوره نقاهت را می‌گذرانند توصیه شده است. سرانجام این گیاه ملین و سبک بوده، کار دستگاه هاضمه را تسهل می‌نماید.

این گیاه در ماههای تابستان گل می‌دهد. باید اولین شکوفه‌ها و اولین گلها و برگهای آن را جهت پختن در آتش یا گرفتن آبشان بچینند.

دم‌کرده لادن به‌عنوان آرام‌کننده سرفه، ماده مدر و محرک مصرف می‌شود. برای تهیه آن یک مشت کوچک از شکوفه‌ها، گلها و دانه‌های آن را در یک لیتر آب دم‌کرده، روزانه دو تا سه فنجان از آن می‌نوشند.<sup>۲</sup>

به قول دیسکوریدوس به یونانی قیسون، قیس و قیسوسا شایا گویند و درخت آن را به فرنگی لدان نامند و آن رطوبت غلیظ جسیبده است که از ساق و برگ درخت کوهی حاصل می‌گردد که به اندازه درخت انار و شبیه به درخت دبق است و آن را انواعی می‌باشد و بهترینش قبرسی خوب، نرم، خوشبو، چرب، سیاه مایل به سرخی و سنگین و خالص می‌باشد.

چون با دست بمالند نرم گردد و به قول شیخ مایل به زردی می‌باشد. مزاج لادن گرم در آخر اول و خشک در دوم است و گویند که آن مقوی ارواح و نرم‌کننده سختیها و مسکن درد و مقوی مو می‌باشد. و شیخ می‌فرماید که آن مو را برویاند و در کتاب قاطاجانس است که لادن گوشت فاسد را پاک گرداند و با زیت نافع برص و مالیدنش با روغن گل نافع سوختگی از آتش و مالیدنش بر سر نافع سردرد می‌باشد. بخورش نافع زکام و مالیدنش بر معده، مقوی معده و مانع استفراغ و ریزش آب از دهان و دافع سختی

۱- گیاهان دارویی - دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۲۴۱-۲۴۳.  
 ۲- عهد گیاه و هزار درمان، ص ۳۲۴.

رحم و معده و جگر و مقوی آنها می باشد و از خواصش این است که اگر زن پس از ادرار، بخور آن نماید و باز ادرار آید نشانه آن است که زن می تواند حامله شود.

خوراکش موجب غم و اندوه است و مصلحتش سنبل رومی می باشد. مقدار خوراک آن از نیم تا یک درم است و در کتاب منهج استعمال آن را در روغنها و مرهمها ذکر کرده است. مضر برای گرم مزاجان و مصلحتش صندل و گلاب می باشد. بدلش میعه سائله است.<sup>۱</sup> شبنمی که بر این گیاه نشیند از ماده ای که در این گیاه است تأثیر می پذیرد و از ماده تراوشی و شبنم چیزی پدید می آید که بوی خوش دارد. بزها وقتی در چراگاه به این گیاه می رسند و از آن می چرند و گردن به گیاه می ساینند این ماده به موی و پشم آنها می چسبد و مردم آن را از موی و پشم جدا می کنند و این جدا شده را لادن نامند. دهانه رگها را باز می کند، با روغن مورد سبب رویش، فزونی، تراکم و نگهداری مو می شود. تناولش داروی سرفه است.<sup>۲</sup>

#### ترکیبات شیمیایی:

مواد رزینی، صمغ، یک ماده تلخ، اسانسی با بوی کافور، لادن، لادانیول و غیره است. از تقطیر شاخه و برگ گیاه اسانسی به مقدار بسیار کم معادل ۰/۶ در هزار تهیه می گردد که بوی عنبر مانند و قیمت بسیار گران دارد.

#### خواص درمانی:

لادن سابقاً به عنوان نیرو دهنده، قابض، بند آورنده خون و غیره استفاده به عمل می آمده است. همچنین در مشمع های درمان بریدگیها وارد می شده است.

در زمان فعلی نیز مانند سابق می توان از آن در رفع ضعف عمل دستگاه هضم، دیسانتری، بیماریهای نزله ای، آسم و آغاز سل استفاده به عمل آورد.

هیچ کدام از گیاهان مذکور، در ایران نمی رویند.<sup>۳</sup>

۱- محیط اعظم، ج ۴، ص ۲؛ تحفه حکیم، ص ۲۲۷؛ ثرابادین کبیر، ص ۳۷۲.

۲- قانون در طب، ج ۴، ص ۱۹۹.

۳- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۲۶۲.

## \* لاله

گیاهی است پایا از تیره سوسنیا که دارای پیاز می‌باشد و برگهایش طویل است و ساقه گل دهنده از وسط برگها خارج می‌شود. در حدود ۵۰ گونه از این گیاه شناخته شده است.

توضیح: طبق تحقیق کازیمیرسکی نزد ایرانیان بطور کلی هر گلی که کاسبرگهای آن به رنگ خون و وسط آن سیاه باشد به نام لاله TULIPE و شقایق نامیده می‌شود ولی غالباً TULIPE را اختصاصاً شقایق النعان نامیده‌اند.<sup>۱</sup>

لاله نعمانی اسم فارسی است. برگ آن شبیه به برگ زنبق و از سه چهار تا نه عدد می‌شود. گل آن مانند شقایق و بزرگتر و بیخ آن مانند پیاز و به اندازه فندق کشیده است. مزاج آن گرم و تر با رطوبت زیاد و حرارت کم، مفرح و مسکر، خواب آور، اشتها آور، هاضم، محرک باه و سرخ کننده صورت است مقدار خوراکش از یک تا دو درم است.<sup>۲</sup>

## \* لاله سرنگون

لاله سرنگون اسم فارسی نباتی است که در باغها قلمه می‌زنند و پیاز دارد که اگر پیاز آن را با چکتی دنبه مساوی کوفته با آب بجوشانند تا آب سوخته، روغن بماند، طلای آن نافع سیاتیک است.<sup>۳</sup>

در شیراز گلی هست که می‌گیرند و اشک می‌ریزد و به فارسی گل سرنگون، لاله واژگون، اشک خونین و لاله احمر می‌نامند و عربی نوعی از آن اکلیل الملک است. لاله سرنگون در کوههای بختیاری، قصر شیرین، صحنه، کردستان، شمال غربی و جنوب غربی می‌روید و تاکنون شصت نوع از آن شناخته شده است.

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۲۵۲۷.

۲- تحفه حکیم، ص ۲۲۷؛ محیط اعظم، ج ۴، ص ۴؛ ثرابادین کیر، ص ۳۷۳.

۳- محیط اعظم، ج ۴، ص ۴.

پیاز لانه سرنگون دارای مقدار زیادی نشاسته و چندین عامل دارویی است و چون تازه باشد، سمی است و قابل خوردن نیست، ولی در چین سمیت آن را می گیرند. ضماد پیاز آن برای از بین بردن تاوژ و ورمهای سخت مفاصل بسیار نافع است.

### \* لالکی سه خار

درختی است که آن را در ایران به نام لیلکی آمریکایی و لیلکی سه خار و لالکی سه خار می شناسند.

#### مشخصات:

درختی است به ارتفاع ۱۵-۱۶ متر، شاخه ها و ساقه های آن تیغ های سخت سه شاخه و چند شاخه و برگهای آن دارای بریدگی بسیار است. میوه آن دارای غلاف شبیه باقلا ولی نازک است که در داخل غلاف دانه های آن قرار گرفته است.

#### ترکیبات شیمیایی:

در درون چوب این درخت مقداری تانن است. در اندام گیاه تریاکنیتین، هاپپوکسی سین و مواد صمغی تأیید شده است. غلاف های رسیده میوه که در جریان هوا خشک شده باشد، دارای دو ماده رنگی است.

#### خواص - کاربرد:

ضد درد و مسکن و مخدر است. مردمک چشم را باز می کند، برای سرفه، نفخ، درمان اسهال خونی مزمن و بیرون آمدن مقعد مفید است. مسهل، قی آور، تصفیه کننده خون و همچنین ضد سم است.<sup>۱۹۱</sup>

### \* لاک پشت

لاک پشت جانوری از رده خزندگان که سر دسته خاصی به نام خود وی در این رده می باشند. صنف مشخص این خزنده وجود نمو بسیار غلاف یا لاک است که برای حفاظت اعضا به کار می رود.

لاک پستان بر حسب محیط زیستی به چهار دسته تقسیم می شوند: ۱- لاک پستان رودخانه ای ۲- بی لاکان که لاک در آنها از چند صد قطعه استخوان کوچک به وجود آمده و بطور ناقص رشد کرده اند. این دسته از لاک پستان بسیار عظیم الجثه می باشند و ممکن است تا ۲ متر طول پیدا کنند و حدود ۵۰۰ کیلوگرم نیز وزنشان برسد ۳- لاک پستان دریایی که ۶۰۰ تا ۷۰۰ کیلوگرم ممکن است وزن پیدا کنند ۴- لاک پستان خاکی.

لاک پشت راسته ای از خزندگانند که برای حفاظت اعضا دارای لاک می باشند و به علاوه یک منقار شاخی شبیه پرندگان آرواره های آنها را می پوشانند و فاقد دندانند.\*

### \* لاله عباسی

گیاهی است پایا و زمینی از رده دولپه ایهای پیوسته گلبرگ که سر دسته تیره ای به نام خودش می باشد. برگهای این گیاه متقابل و گلهای آن در اوایل شب پس از غروب خورشید شکفته می شوند. ارتفاع این لاله حدود یک متر نیز می رسد.

ریشه اش مدر و دارای اثر مسهلی است و به گل عباسی، گل لاله عباسی، لاله جولافاسی، لاله مقراضی، ورد اللیل و نواز اللیل نامیده می شود. لاله عباسی گیاهی علفی، چند ساله، زبستی و دارای ساقه منشعب است که ارتفاع آن به ۴۰ تا ۱۰۰ سانتی متر می رسد. قسمت مورد استفاده این گیاه از نظر درمانی، ریشه آن است که رنگ قهوه ای تیره دارد.

خواص درمانی:

ریشه این گیاه دارای اثر مسهلی است ولی به عنوان دافع کرم نیز به کار رفته است. گرد



ریشه آن اگر به مقدار ۱/۵ تا ۴ گرم مصرف شود، اثر مسهلی ظاهر می‌کند. برای این کار باید گرد ریشه را در آب یا در یک تیزان یا در چای وارد و سپس مصرف کرد یا آنکه آن را با مقداری قند ساییده و بعداً به کار برد. دم‌کرده نیم‌کوب ۴ تا ۸ گرم ریشه گیاه در ۱۵۰ گرم آب جوجه یا در جوشانده گوشت نیز یکی از صور استفاده از گیاه است. در چین از خیسانده برگ آن در آب، نوعی ماده رنگی قرمز به دست می‌آورند که از آن، جهت رنگ کردن برخی انواع شیرینی استفاده به عمل می‌آورند ضمناً گرد دانه آن نیز در ژاپن به مصارف تغذیه می‌رسد. لاله عباسی از گل‌های زینتی است که در ایران پرورش می‌یابد.<sup>۱</sup>

## \*لبلاب

گیاهی است علفی پایا و دارای ساقه خوابیده، پوشیده از کرک، به طول ۲۰ تا ۵۰ سانتی‌متر و حتی بیشتر که در مزارع و نواحی غیر مزروع غالب نواحی اروپا و برخی نواحی آسیا و ایران می‌روید.<sup>۲</sup>

لبلاب گیاهی است که از دیوار یا درخت بالا می‌رود، در همه جا پراکنده است و دارای برگ‌های متناوب و گل‌هایی به رنگ زرد و مایل به سبز است. در نقاط گرم و مرطوب، لبلاب به شکل درختچه‌ای درمی‌آید که ساقه‌های آن نازک ولی خیلی محکم است. بزرگی میوه لبلاب پس از رسیدن که به رنگ سیاه درمی‌آید به اندازه یک نخود است.

میوه این گیاه اثر مسهلی دارد ولی نباید به بچه‌ها داد، زیرا در مزاج آنها تولید مسمومیت می‌کند مقدار مصرف آن برای اشخاص بزرگسال هشت تا دوازده گرم است. در نقاط گرم مدیترانه در ساقه‌های مسن لبلاب شکافهایی می‌زنند که از آن شکافها سقزی خارج می‌شود به اسم سقز رزینی لبلاب، که به جای داروی قاعده‌آور خانمها مصرف می‌گردید.

جوشانده تا بیست گرم گل لبلاب در یک لیتر آب برای عفونتهای دستگاه تنفس مفید است و در معالجه سرفه، آسم، سل، ضعف معده، ورم کبد و طحال مؤثر می باشد. لبلاب در همه جای ایران می روید و بطور خودرو در جنگلهای نواحی شمالی، بندرگز، گرگان و رامیان زیاد است.

لبلاب را در آستارا و گرگان داردوست، در گیلان و مازندران ولگ و لگوم و در نقاطی از گیلان ته بچ و در تهران پایتال می گویند.<sup>۱</sup>

لبلاب گیاهی است شبیه به نیلوفر که به درخت می پیچد، برگهایش شیوری و دارای گلهایی به رنگ زرد و مایل به سبز می باشد، در نقاط گرم و مرطوب می روید که ساقه آن نازک و محکم است. در میان کردها جوشانده و دم کرده آن را برای رفع روماتیسم و تسکین درد به مصرف می رسانند.<sup>۲</sup>

میوه لبلاب پس از این که رسید؛ رنگش سیاه است. برگهای آن دارای طعم تلخ و مزه قی آور است و در طب خیلی کم مصرف می گردد و گاهی آن را دم می کنند و به عنوان دوائ قاعده آور مصرف می نمایند، این دم کرده در خانمهایی که «فیبروم» دارند و رنج می کشند اثر مسکن دارد و درد آنها را تخفیف داده و آرام می کند. جوشانده گل لبلاب برای عفونتهای دستگاه تنفس مفید است و در معالجه سرفه، آسم، سل، ضعف معده، ورم کبد و طحال نیز مؤثر است. کسانی که مبتلا به روماتیسم و درد اعصاب هستند باید با جوشانده لبلاب کمپرس کنند.<sup>۳</sup>

### \* لبنیات

لبنیات مانند: ماست، پنیر و مخمرهای مخصوص برای جلوگیری از ویار مفید می باشند. خوردن یک لیوان شیر همه روزه به عنوان صبحانه برای زن حامله تقریباً

۱- گلها و گیاهان شناختش، ص ۲۱۰.

۲- طب سنتی در میان کردها، ص ۱۵۴.

۳- گلها و گیاهان شناختش، ص ۲۰۹.

ضروری است و بهتر آن است که چند قطره آب آهک به آن بیفزایند.<sup>۱</sup>  
جهت بهبودی کچلی سر اطفال ماست، روناس و حنا را برابر همدیگر بعد از تراشیدن سر مکرر طلایه کنند کچلی زایل می گردد.<sup>۲</sup>  
خوردن پنیر خشک شخص را لاغر می کند.<sup>۳</sup> ماست بهترین غذا برای رژیم های لاغری است ولی باید ماست بی چربی را مصرف کنید.<sup>۴</sup>

### \* لحاء الغول

گونه ای از گیاه پرسیاوشان است که در کتب طب سنتی با این نام عربی آمده است. گیاهی است چند ساله کوچک، بلندی آن کمتر از یک وجب، برگهای آن مرکب جفت برگچه است. برگچه ها دنداندار، بیضی نزدیک به دایره کوچک و بدون واسطه به رگبرگ اصلی متصل هستند. دمبرگ های این گیاه به رنگ قرمز تیره یا خرمایی تیره است. ملین است و برای نرم کردن سینه مفید می باشد. در چین از عصاره برگهای خیس شده گیاه در شربت برای تسکین ضربه های وارده به اعضاء استفاده می شود.<sup>۵</sup>

### \* لسان الحية

گیاهی است که در زبان فارسی مارزبان و در کتب طب سنتی با نام عربی آن لسان الحیه نام برده می شود.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله و کوچک که بلندی آن کمتر از ۱۵ سانتی متر است. دارای ساقه زیر زمینی کوچک یا دو برگ عقیم بدون هاگدان است. برگ بدون هاگدان بیضی، بدون دندان به طول ۲۰-۲۵ سانتی متر است.

۲- خزائن منظری، ص ۵۰

۱- همان، ص ۲۳۱

۴- چه باید خورد و چگونه باید پخت، ص ۱۱

۳- حلیة المتقین، ص ۴۹

۵- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۱۵۶

### خواص - کاربرد:

له شده این گیاه و پختن آن را به عنوان ضد عفونی کننده و التیام دهنده روی زخم‌ها می‌گذارند. در چین این گیاه را برای بند آوردن خونریزی، معالجه قانقرایا و ناراحتیهای دندان مصرف می‌کنند.<sup>۱</sup>

## \* لعوق

به فارسی بطور کلی سنجد ولی در مناطق مختلف ایران دارای نامهای محلی است، در کردستان آن را «سریں چک» در آذربایجان «اید، ایگده»، در اطراف تهران «پستانک» و در اصفهان «غبیده بادام» گفته می‌شود. در کتب طب سنتی با نامهای غبیرا، چوب دانه، نقد و بل نام برده شده است.

### مشخصات:

درخت سنجد که به صورت درختچه بزرگ یا درخت کوچکی دیده می‌شود دارای برگهای بیضی شکل نیزه‌ای است روی برگها نقره‌ای کبود و پشت آن نقره‌ای و به همین دلیل است که آن را غبیرا می‌نامند چون اغبر است. گل‌های آن کوچک زرد رنگ، معطر یا عطر قوی که بوی آن تا فاصله زیادی منتشر می‌شود و اغلب ایجاد حساسیت می‌نماید.

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی، در پوست آن آلکالوئید اله آگنین و یک آلکالوئید چسبناک روغنی دیگر وجود دارد و از اعضای گیاه و گل آن کمی اسانس روغنی جدا گردیده است.<sup>۲</sup>

۲- معارف گیاهی، ج دوم، ص ۱۶۲.

۱- همان، ج ۷، ص ۳۴۶؛ صیدنه، ص ۱۲۵.

## \* لوبیا

لوبیا دارای فسفر زیاد و کمی آهن و پتاسیم تولید کننده شیر است و قاعده را باز می‌کند بخصوص وقتی آن را بپزند و آب آن را بخورند.<sup>۱</sup>

خواص لوبیا از دیداد شیر مادر است.<sup>۲</sup>

لوبیا را بپزند و آب آن را بخورند شیر را زیاد می‌کند. لوبیا از کم خونی جلوگیری می‌کند.<sup>۳</sup>

لوبیای سبز و تازه سرشار از ویتامین است. مدر و قوی است، آب پوست لوبیای سبز به مقدار یک فنجان ناشتا اگر خورده شود ادرار آور است که در سنگ کلیه و مثانه و حبس البول مصرف آن تجویز شده است.<sup>۴</sup>

لوبیا برای مغز، رفع پوره و ترش کردن معده بسیار مفید است. زیاد خوردن آن تولید نفخ می‌کند و سبب دیدن خوابهای پریشان می‌شود.<sup>۵</sup>

اگر لوبیای خشک را بعد از پختن نرم کنند ضماد خوبی برای خراشهای روی پوست، سودا و سوختگی می‌باشد.<sup>۶</sup>

برگ لوبیا را در زیر رختخواب پهن کنید تا ساس را به خود جلب کرده و آنها را می‌کشند.<sup>۷</sup> لوبیا برای بیماری سیلان منی مؤثر است.<sup>۸</sup>

## \* لوبیا چشم بلبلی

به فارسی لوبیا چشم بلبلی و نوعی از آن را لوبیا گل گویند. در کتب طب سنتی با نام لوبیای بلدی و به هندی لوبیا گفته می‌شود.

۱- اسرار خوراکیها، ص ۲۳۹.

۲- راه نجات از مرگ مصنوعی: ج ۴، ص ۲۴.

۳- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۵۷.

۴- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۵۹ تا ۷۵.

۵- همان، ص ۵۸؛ گلپا و گیاهان شفا بخش، ص ۶۱.

۳- اسرار خوراکیها، ص ۲۳۹.

۵- اسرار خوراکیها، ص ۲۳۹.

۸- ناتوانیهای جنسی، ص ۱۵.

### مشخصات:

لوبیای چشم بلبلی از نظر خانواده گیاهی نزدیک به لوییا است. گیاهی است یکساله مختص مناطق گرمسیر، ساقه آن قائم و افراشته، برگهای آن مرکب به طول حدود ۱۵ سانتی متر، برگچه‌های آن نازک، بیضی، نوک تیز و دارای بریدگی است. این گیاه در مناطق گرم آسیا، آمریکا و جنوب ایران و بلوچستان و در هندوستان می‌روید، و در سایر مناطق گرم ایران پرورش داده می‌شود. در برابر خشکی بسیار مقاوم است.

**ترکیبات شیمیایی:**

از نظر ترکیبات شیمیایی در لوبیای چشم بلبلی وجود استیگماسترون تولید شده است و می‌تواند به جای سوژا استعمال شود و به علاوه دارای مقدار زیاد روتین (انواع امینو اسیدها) و نشاسته می‌باشد.

### \* لیچی

به فارسی لیچی گفته می‌شود. از گیاهان دارویی است. درختی است مخصوص مناطق حاره، برگهای آن پهن بیضی، از دو طرف باریک و نوک تیز و موجی است. گل‌های آن کوچک، میوه آن قرمز در ابعاد یک سیب که از آن نوشیدنی معطر و لذیذی درست می‌کنند. میوه آن ماکول است تازه و خشک آن خورده می‌شود. میوه آن دارای پوست نازک شکننده است که درون آن را گوشت شیرین شبیه ژله فرا گرفته و یک دانه در درون آن قرار دارد. این درخت بومی چین است و در هندوستان نیز کاشته می‌شود و میوه آن در سطح وسیعی به اروپا، آمریکا و آسیا صادر می‌شود.

**ترکیبات شیمیایی:**

از نظر ترکیبات شیمیایی از دانه داخل میوه لیچی ماده آلفا متیل انسیکلو پروبیل گلیسین جدا شده است که در صورت خوردن یا تزریق آن خاصیت کاهش قند خون نشان می‌دهد و به علاوه در آن لوکوسیانیدین مشخص شده است.<sup>۱</sup>

## \* لیمو

لیمو به جهت مقدار فراوانی که ویتامین دارد و این ویتامین برای معالجه بیماری اسکوربوت خیلی مفید است مصرف آن برای کسانی که به سلامت خود معتقدند، لازم است.

لیمو مثل پرتقال برای بهداشت و تندرستی جامعه انسانی لازم است. باید در هر غذای مادر یا زن آبستن لیمو یا پرتقال داخل شود.<sup>۱</sup>

لیمو خون را رقیق و تصفیه نموده و مجاری دستگاه هاضمه و ادرار را ضد عفونی می کند و بهترین ضد عفونی کننده بیماریهای مجاری ادرار مثل کلیه و مثانه و پرستات می باشد.<sup>۲</sup>

لیمو برای درمان تمام امراض قلبی مفید است.<sup>۳</sup>

بچه هایی که مبتلا به کرم روده هستند باید هر روز صبح ناشتا دانه های لیمو را که نرم شده و کمی قند به آن اضافه شده مصرف کنند. یک لیمو را با پوست و هسته له کنید و آن را یک تا دو ساعت در کمی آب سرد با یک قاشق سوپخوری عسل بخیسایید آن را در صافی ریخته و صاف کرده شب، قبل از خواب بخورید.<sup>۴</sup>

پوست لیمو صد کرم است، دم کرده یا خام آن مفید ضد گاز معده است و نفخ شکم را رفع می نماید.<sup>۵</sup>

لیمو برای کسانی که به امراض کبدی مبتلا هستند مفید می باشد.<sup>۶</sup>

برای از بین بردن زگیل باید پوست دو عدد لیموی تازه را ۸ روز در سرکه قوی بخیسایند بعد با محلول آن هر روز دو بار روی زگیل ها را دوغاب زده تا بکلی رفع گردد.<sup>۷</sup>

محلول آب لیموی تازه را با قطعه ای پنبه به صورت و بدن خود بمالند چربی پوست آنها کم شده و دارای پوست نرم و لطیف گردیده اند.<sup>۸</sup>

۲- همان، ص ۱۳۰.

۱- میوه ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۱۴۴.

۳- اسرار خوراکیها، ص ۱۴۰.

۵- همان، ص ۱۴۲.

۴- میوه ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۱۳۴.

۸- همان، ص ۱۳۵.

۷- همان، ص ۱۳۶.

۶- همان، ص ۱۳۱.

آب لیمو را برای از بین بردن پید و شپش سر و بدن به کار برده‌اند.<sup>۱</sup>  
برای اینکه از شر مورچه‌ها خلاص شوید در محل رفت و آمد آنها لیموی گندیده بگذارید.<sup>۲</sup>

برای مبارزه با چاقی هر روز صبح ناشتا آب سه لیمو را گرفته و با چهار قاشق کوچک قهوه‌خوری شکر مخلوط کرده و صرف نمایند که باید چهار یا شش هفته این کار را مرتب انجام دهند.<sup>۳</sup>

برای معالجه درد گلو و آتژین باید آب یک لیموی تازه را گرفت و در آب نیمگرم مخلوط کرد و هر روز یک یا دو بار آن را غرغره کرد. کمپرس آب لیمو که کمی هم به آن نمک زده باشند بر روی گلو آتژین را درمان می‌کند. همچنین اگر کمپرس آب با برش‌های نازک لیمو انجام دهید، فوراً سردردهای شدید (میگرن) و انواع سردردهای عصبی را آرام می‌کند.<sup>۴</sup>

اخیراً استادان آمریکایی موفق به کشف ویتامین جدیدی در لیمو شده‌اند که سلسله اعصاب و تشکیلات غدد را غذا می‌دهد و در نتیجه رشد را تقویت می‌کند.<sup>۵</sup>

## \* لیمو شیرین

مشخصات:

لیمو شیرین دارای پوست نازک، صاف و زرد کم رنگ روشن و باصطلاح لیمویی و طعم آن شیرین است. این درخت در جنوب ایران کاشته می‌شود.  
ترکیبات شیمیایی:

در پوست آن اسانسی شامل پی‌نن، لیمونن، لینالول، لینالیل استات و ... و به‌علاوه یک ماده تلخ است. در برگهای تازه آن نیز در حدود ۱۸٪ درصد اسانس روغنی وجود

۱- همان، ص ۱۳۶ و ۱۲۴. ۲- همان، ص ۱۳۶

۳- اسرار خوراکیها، ص ۱۴۰؛ میوه‌ها و سبزیهای شفابخش، ص ۱۳۴.

۴- میوه‌ها و سبزیهای شفابخش، ص ۱۳۵. ۵- اسرار خوراکیها، ص ۱۲۹.



دارد که عمدتاً از ۲۶/۵ درصد دی - لیمون و دی - ال - لیمون، ۱۶/۴ درصد لینالول، ۹/۲۴ درصد ژرانیول و سرانجام ۱۹/۳۸ درصد لینالیل استات تشکیل شده است. خواص - کاربرد:

میوه لیمو شیرین در مورد تب‌های عفونی و یرقان مفید است و خنک کننده می‌باشد و به علت اینکه شیرین است مضراتی که لیمو ترش برای اعصاب دارد، ندارد. پوست لیمو شیرین و همچنین لیمو ترش به صورت مالیدن به پوست برای معالجه آگزما و جوش مفید است و جوشانده پوست آنها نیز برای تسکین سرفه و رفع سوء هاضمه نافع می‌باشد.<sup>۱</sup>

### \* لیمو ترش

درخت لیمو ترش، درختی است کوچک به ارتفاع ۴ تا ۵ متر که ریشه قوی، منشعب و به رنگ سفید مایل به زرد دارد. ساقه آن راست، دارای شاخه‌های خاردار (مخصوصاً در انواع نیمه وحشی) و برگ‌هایش متناوب، شفاف، به رنگ سبز مایل به زرد، دندانه‌دار و یا کامل است. از مشخصات برگ آن این است که دمبرگی با بالهای باریکتر از برگ نارنج و پرتقال دارد.

میوه‌اش به رنگ زرد روشن (پس از رسیدن)، دارای پولپ ترش مزه و مطبوع و محتوی دانه‌هایی با طعم بسیار تلخ می‌باشد. آب لیمو، از فشردن لیموی ترش بدون پوست، در پارچه یا در دستگاههای فشار تهیه می‌گردد. در هنگام تهیه آن نیز باید دقت کافی به کار برده شود که اولاً پوست خارجی میوه کاملاً از بقیه جدا گردد ثانیاً هسته آن، مخصوصاً در مواقعی که از دستگاههای فشار استفاده می‌گردد قبلاً از میوه جدا شده باشد تا له شدن آنها باعث تلخ شدن طعم آب لیمو نگردد.

آب لیموی تازه دارای اثر مدر و ضد اسکوربوت است. از آب لیمو جهت ترش کردن طعم اغذیه، تهیه شربت‌های مفرح، لیموناد و غیره استفاده می‌کنند. از لیمو ترش در

اسپانیا و بعضی کشورها برای درمان بیماریهای بی شماری استفاده می کنند. لیموترش دارای اثر زیاد کننده فعالیت گلبول های سفید خونی در دفاع از بدن است. مقوی قلب، سیستم عصبی و سمپاتیک می باشد. اثر مدر، ضد روماتیسم و نقرس، آرام کننده، ضد اسکوربوت، کم کننده چسبندگی خون، تصفیه کننده خون، ضد سم، بند آورنده خون و غیره دارد.

پوست لیموترش مقوی، بادشکن، و دانه های آن ضد کرم و تب بر است. در بیماریهای عفونی مختلف، مالاریا، بی اشتها، آب آوردن شکم، روماتیسم و نقرس، رفع رسوبات ادراری و صفراوی، سوء هضم، بلع هوا، واریس، چاقی، یرقان و استفراغ، نارسائی اعمال کبد و لوزالمعده، بالا بودن فشار خون، هموفیلی، خونریزیها، وجود خون در ادرار، دیسانتری، تیفوئید، اسهال و غیره اثرات مفید ظاهر می کند.

در استعمال خارج، در رفع گریپ، سینوزیت، آنژین، التهاب مجرای گوش، خونریزی از بینی، التهاب مخاط دهان و زبان، ورم پلک و کنارۀ آزاد آن، ضایعه ناشی از سرماخوردگی، زخم های عفونی، شکنده شدن ناخن ها، رفع چربی صورت و تأمین لطافت دست، مؤثر است.<sup>۱</sup>

### لیموترش و جلوگیری از سرطان:

روزنامه «نوکیوشی مون» با درج گزارشی اعلام کرد: ویتامین C موجود در لیموترش عامل تشدید سرطان یا عوامل عمل کننده آن را از بین می برد.

این روزنامه در گزارش خود می افزاید: تحقیقاتی که در این مورد با استفاده از وسایل الکترونیکی انجام گرفته، نشان داده است که مصرف موادی که دارای میزان بالای از واکنش های شیمیایی هستند باعث سرطان و دیگر بیماریهای خطرناک می شوند.

ویتامین C دارای میزان زیادی از واکنش های آزاد است که اثرات سرطان زایی بعضی از مواد را کاهش می دهد.<sup>۲</sup>

۱ گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۴۸۸، ۴۸۹ و ۴۹۱.

۲- محله برگ سبز، ص ۴۱، مرداد و شهریور ۱۳۷۱.

## ✽ لیمو ترش عمانی

یک نوع دیگر لیمو، لیمو عمانی معروف است، و آن درختچه کوچکی است با خارهای کوتاه و تیز، برگهایش بیضی دراز به طول ۵-۷ سانتی متر با دمبرگ‌های کوتاه، گل‌های آن سفید و روی محور بطور گروهی دیده می‌شود. میوه آن کروی، از ۳-۶ سانتی متر است.

### ترکیبات شیمیایی:

در آب لیمو عمانی سیتریک اسید وجود دارد. اسانس روغنی آن شامل سیترال، لیمونن، لینالول، لینالیل استنات، پرپینه‌ئول و سیمن است.

### خواص - کاربرد:

میوه لیمو عمانی خیلی ترش است و خنک کننده، اشتها آور، ضد عفونی کننده، مقوی معده، مؤثر باه، رفع عوارض کمی ویتامین C و قطع قی‌های صفراوی است. عصاره برگ‌های درخت لیمو عمانی مخلوط با عصاره برگ‌های فوفل را برای معالجه دل درد و شکم درد می‌خورند. در اندونزی آب لیموی عمانی در مصرف داخلی و خارجی برای معالجه سرفه و سرماخوردگی به کار می‌رود.<sup>۱</sup>

● این بود قسمتی از گیاهان که با حرف «گ و ل» آمده است و امید است بقیه گیاهانی که با این حرف آمده است را مورد بررسی قرار دهید و نیز از نظر خواص و فوایدی که در آنها هست در معرض تحقیق بگذارید تا این که در زمینه دارو به خودکفایی و استقلال برسیم. ان شاء الله.

حرف

م



## \* مامیران

مامیران گیاهی علفی، پایا، به ارتفاع ۳۰ تا ۸۰ سانتی متر و دارای برگهای منقسم به ۵ تا ۷ قطعه پهن و دندانه‌دار است. بر روی دیوارها، نقاط متروک، اماکن سایه‌دار، حاشیه جاده‌ها و نواحی مجاور آبادیها می‌روید. در تابستان گل می‌دهد. کلیه قسمت‌های این گیاه و شیرابه آن مصارف درمانی دارد. ریشه آن موثرتر از سایر قسمت‌ها به نظر می‌رسد.

این گیاه اثر مدر، مسهلی، آرام‌کننده، مخدر، ضد تشنج، پایین‌آورنده فشارخون، صفرابر، تصفیه‌کننده خون و دفع کرم در مصارف داخلی دارد. در استعمال خارج، قرمز کننده پوست بدن، تاول‌آور و بهبود دهنده زخم‌های سطحی بدن است. مقدار زیاد مامیران در مصارف داخلی، سمی می‌باشد و ممکن است حتی موجبات مرگ را فراهم سازد.

در استعمال خارج بیشتر شیره تازه گیاه به کار می‌رود که ما، در این جا به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- عصاره مامیران و گلیسیرین به نسبت مساوی اگر مخلوط شود در رفع میخچه انگشتان پا و زگیل، به صورت مالیدن بر روی عضو، مؤثر واقع می‌شود.

۲- شیرۀ تازه مامیران که رنگ زرد نارنجی دارد نیز برای از بین بردن میخچه انگشتان پا، زگیل و همچنین درمان سوداء و نظایر آن، بر روی عضو اثر داده می شود.

۳- کولیر مامیران که از ۴ گرم شیرۀ تازه و ۱۰۰ گرم آب مقطر گل سرخ تهیه می شود، به صورت چکاندن ۱-۲ قطره در چشم، جهت درمان خراش و زخم پلک ها می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

۴- جوشانده گیاه به صورت شستشوی چشم (حمام چشم)، جهت رفع ورم ملتحمه و بطور کلی رفع التهاب قسمت داخلی پلک ها.

از مامیران، سابقاً برای مصارف عدیده نظیر آب آوردن، نقرس، سنگ کلیه، ضعف مفرط، تب های نوبه، زردی، التهاب کبد همراه با زیاد شدن حجم آن، انسداد کلیه، صفرا و غدد لنفاوی استفاده می شده است.

مطالعات مختلف نشان داده است که مامیران در رفع تحریکات مغزی، مبتلایان به هیستری و اشخاص مبتلا به ضعف قوای دماغی که از بی خوابی، اضطراب و غیره رنج می برند و نیز در تصلب شرایین مغزی، داروی خوبی به شمار می آید. در استعمال خارج، جوشانده برگ یا شیرۀ تازه آن که به صورت بسیار رقیق در آب مقطر تهیه شده باشد، در رفع ورم مزمن کره چشم، اثرات مفید داده است. از قدیم الایام مصرف آن برای رفع ورم پلک و بیماری دیگر چشم بین مردم معمول بوده است.

مامیران در گیلان، رودبار، عمارلو، گرگان، بندرگز، مازندران و نواحی دیگر می روید.<sup>۱</sup>

به آن میرمیران - مرمیران و مامیران نیز می گویند. در کتابهای قدیمی عروق الصفر، بقلة الخطایف، شجرة الخطایف، کلیدونیون، خالدونیون، کالیدونیون، عروق الساقین، حشیشة الصفر، عروق الزعفران ذکر کرده اند.

محل رویش آن در خراسان و هند می باشد. نوع خراسانی آن تیره رنگ می باشد. گل و کاسه گل آن زرد رنگ است اگر خراشی به پوست شاخه های آن وارد شود شیرابه ای

نارنجی رنگ با طعم سوزاننده و تلخ خارج می شود که مسهلی بسیار قوی است. انساج گیاه آن دارای ترکیباتی متعدد دارویی است. عصاره آن جهت از بین بردن زگیل به کار می رود و برای تومورهای سرطانی مفید است اگر آن را در اطراف غدد سرطانی تزیق کنند بسیار عالی است شیرابه آن ضد خنازیر، مقوی کبد، قی آور و مسهل قوی است. ریشه آن خیلی مقوی می باشد و دارای چندین عامل دارویی است و در صنعت داروسازی، داروهای اختصاصی چشم را از ترکیبات آن می گیرند.

سرمه آن جهت معالجه ناخنه (ناخنک) چشم مفید است. ضد عفونی کننده جلدی و تاول آور می باشد. مالیدن آن با عسل یا سرکه جهت پاک کردن سفیدک ناخنک، سفیدی ناخن، کک و مک، برص و پاک کردن لکه های جلدی به کار می رود مقدار خوراک آن ۲/۵ گرم است.<sup>۱</sup>

مامیران چوبکی است گره مانند مایل به سیاهی کمی نرمش پذیر و این یکی از رنگهایی است که رنگریزان به کار می برند. گرم و خشک است.

زداینده و پالاینده است، سفیدی ناخنها را از بین می برد، بیخسش دوی درد دندان است، اگر به چشم کشند دیده را قوت دهد، مسکن درد و پیچ روده است.<sup>۲</sup>

مامیران چوبی است گره دار کوچک و در آن کجی اندک و زرد مایل به سیاهی و آن حادثتر از زرد چوب است و دیسکوریدوس گفته که مامیران را کلجیدونیون صغیر گویند یعنی آن قسم کوچک زردچوبه است و نبات آن بی ساق و شاخهای آن از زمین بلند و برگ آن شبیه به برگ لبلاب کبیر و مایل به استدار است و سفید مایل به زردی و باریک تر و بالزوجت و بیخ آن شعبه از یک جا رویده و کوچک تر از زردچوبه و باریک تر از آن و گره دار و غیر مستقیم و در گره های آن ریشه هایی بسیار باریک شبیه به موی، مثبت آن قرب آنها و از هند و چین و خراسان می آید و هندی آن زرد مایل به سیاهی و قوی تر و چینی آن زرد و خراسانی آن تیره رنگ مایل به سبزی و گویند اندلسی آن قوی تر از چینی و تخم آن شبیه به کنجد و بهترین آن زرد باریک سخت گره دار تازه چینی آنست و قوت

۲- طب بوعلی، ص ۲۲۶.

۱- زبان خوراکیها، دکتر غیاث الدین جرایی، ص ۱۷۸.



آن تا بیست سال باقی می ماند. مضمضه آن نافع درد دندان، نافع یرقان و برای رفع آثار جلدی نافع است.<sup>۱</sup>

مامیران گیاهی است علفی پایا که بر روی دیوارهای نقاط متروک، در اماکن سایه دار می روید. گل‌های آن به رنگ زرد، در تمام گیاه شیرابه‌ای به رنگ زرد نارنجی جریان دارد. کلیه قسمت‌های گیاه و شیرابه آن مضارف درمانی دارد.<sup>۲</sup>

### ✽ هاماملیس

هاماملیس، گیاه دارویی ارزنده‌ای است که فرآورده‌های برگ و پوست آن بر اثر دارا بودن مواد مؤثر، در بسیاری از ناراحتی‌های مربوط به گردش خون، خونریزیها، واریس، بواسیر و غیره به کار می‌رود. هاماملیس به فراوانی در جنگلهای مرطوب اتازونی، پنسیلوانیا و کانادا می‌روید ولی در ایران، یافت نمی‌گردد.

هاماملیس: درختچه کوچک و زیبایی است. ساقه‌ای به ارتفاع ۳ تا ۴ متر و برگهایی ساده دارد. تکثیر آن به وسیله دانه صورت می‌گیرد. برای این کار، دانه‌ها را در زمین خاکبرگ‌دار و سیلیسی می‌کارند و پس از آنکه رویش مقدماتی آنها انجام گرفت و گیاه جوان حاصل، دارای ۳ یا ۴ برگ گردید، آنها را به زمین آماده‌ای منتقل می‌سازند. این انتقال زمانی صورت می‌گیرد که ارتفاع گیاه ۱۵ تا ۲۰ سانتی متر باشد.<sup>۳</sup>

### آب هاماملیس:

از تقطیر سرشاخه‌های تازه قطع شده و نیمه خشک هاماملیس ویرجینیانا به دست می‌آورند. محصول حاصله یک محلول آبی و الکلی اسانسهای فرار موجود در گیاه می‌باشد.

۱- محیط اعظم، ج ۴، ص ۳۵؛ تحفه حکیم، ص ۲۳۹؛ صیدنه، ج ۲، ص ۹۹۸.

۲- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۱۰۱.

۳- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۵۹۱.

تجزیه اسانس هاماملیس وجود موادی مانند دو هگزیمه، یک آل (۹/۷ درصد)، آلدیید استیک (۳/۲ درصد)، آلفایونون (۳/۵ درصد)، بتایونون (یک درصد) و سافرول (۰/۲ درصد) را نشان داده است.

آب هاماملیس دارای خاصیت قابض است و از این رو آن را در استعمال خارجی با مالیدن روی پوست به عنوان ضد احتقان و رفع گرفتگی عضلات به کار می‌برند.<sup>۱</sup>

هاماملیس درخت کوچکی است شبیه درخت فندق که در حاشیه جنگل می‌روید. گل‌های آن زرد و دارای گنبرگ‌های دراز و باریک است که همراه با میوه در پاییز، پس از ریختن برگ‌های بیضوی و دنداندار، ظاهر می‌شود.

هاماملیس دارای تانن بسیار غنی است و به همین جهت قابض و تنگ‌کننده عروق می‌باشد.

در مورد واریس، بواسیر، التهاب وریدی، تورم، سنگینی اعضای تحتانی و پاها به کار می‌رود. همچنین برای ناراحتی‌های پوستی، جوش صورت و پرخونی چشم مصرف می‌شود.

به صورت تئور مادر یا عصارهٔ مایع در ترکیبات دارویی وجود دارد. جوشاندهٔ آن بسیار تلخ است.

### \* ماء الشعیر

جو بطور کلی در طب سنتی به سه صورت مختلف استعمال می‌شود:

- ۱- جو سالم که دانه با سبوس روی آن باشد و فقط دنباله آن را کنده باشند.
- ۲- جو مقشر یا پوست گرفته که عملاً قسمتی از پوست آن گرفته شده است.
- ۳- جو سفید درآمده باشد که در اصطلاح به آن جو مرزاییدی می‌گویند. جو درست معمولاً برای تهیه غرغره‌ها به کار می‌رود و در سایر موارد از جو مقشر یا جو کاملاً سفید شده استفاده می‌شود.

۱- مفردات پزشکی دکتر آئینه چی، ص ۳۱۴.

جو از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی سرد و خشک است و مواد مغذی آن از گندم کمتر است ولی خشک کننده است.

### \* مار، حیه

مار جانوری است از راسته خزندگان که دارای اندام خارجی (دست و پا) نیست و کمربندهای اندام نیز از بین رفته، دارای بدنی کشیده و طویل است. مار دارای اقسام مختلف است که برخی از آنها سمی و برخی بدون سم هستند.

مارطوقی، مار بی زهر، بوآ، مار درختی، افعی، مار عینکی و کبرا، مار زنگی، مار مرجانی و مار دریایی.

مار اسم فارسی است. به عربی حیه و فاعوس و به یونانی این و به ترکی شیوبران و به هندی سانپ و سرپ نیز گویند و اقسام آن بسیار و بدترین آنها سیاه که مسکن آن دور از آب باشد و کفچه دار است یعنی وقت غضب سر آن بلند و پهن مانند کفچه گردد و این در مملکت هند بسیار می شود و به هندی کالاناگ نامند.

مزاج مار گرم و خشک و با قوت نجفیف اکتحال پیه آن مانع نزول آب در چشم و چون مار سیاه خانگی را زنده در کوزه نو کرده سر آن را بسته به گل حکمت گرفته در تنور بسیار گرم یا در تون حمام گذارند تا بسوزد پس برآورده با غسل سرشته در چشم کشند بغایت تقویت بصر نماید و طلای آن با روغن زیتون محلل خنازیر و با سرکه مزبل داء الثعلب و داء الحیه است و چون سر و دنباله زهره آن را در روغن بجوشانند تا مهرا شود و آن روغن بمالند جهت ازاله جذام است و تعلیق شاخ مار شاخدار جهت تب غب مؤثر است و چون تخم مار را با سرکه و بورق بسایند و بر برص طلا نمایند جهت ازاله آن مجرب نوشته شده است.<sup>۱</sup>

مار، انواع مختلف دارد و بسیارند. برای استفاده درمانی مار را با آب و نمک و شبت می پزند و گاهی روغن زیتون که همان قوت گوشت مار دارد بر آن اضافه کنند و گاهی

پوست آن را می‌کنند و مورد استفاده درمانی قرار می‌دهند. بهترین گوشت مار گوشت مارمادینه و بهترین پوست مار پوست نرینه است.

گوشت مار خاصیتی دارد که اگر کسی از آلودگی مواد زائد و بیرون ریختنی پاک نباشد و بخورد زائده‌ها به سوی پوست نفوذ کنند خوردن گوشت مار عمر را دراز و توانا تواناتر کند و حسها و جوانی را نگهدار است و بهترین داروی جذام است و در علاج داء الثعلب نیز بسیار سودمند است. گوشت مار بسیار خشکاننده و گرمی بخشی‌اش بسیار نیست.

خوردن آن شپش به‌بار آرد و زائده‌ها را به سوی پوست می‌راند. اگر سر و دم مار را بیندازند و بقیه گوشت یا آبگوشت آن را بخورند از زیادتر شدن خنازیر جلوگیری کند. شکم مار را پاره کن و بر مار گزیده بگذار درد را تسکین دهد.<sup>۱</sup>

### \* مازیون

درختچه‌ای است زیبا که در نواحی مختلف ایران به حالت وحشی می‌روید. ارتفاع ساقه اصلی آن معادل نیم تا یک متر است. برگهایی با ظاهر بیضوی نوک‌تیز و عاری از دمبرگ که پس از ظاهر شدن گل در گیاه به‌وجود می‌آید.

گلپایش قرمز و به‌ندرت سفید است. نمونه‌های پرورشی تا ۲ متر ارتفاع دارد. محل رویش آن شمال غربی ایران، جنگلهای طالش، دینوچال، کلاردشت، گلندرود، ویسر، نواحی شرقی دره چالوس در ارتفاعات ۱۵۰۰ متری و دشت لاله در جنوب شرقی زیراب در ۱۴۰۰ متری می‌باشد.

### خواص درمانی:

از قدیم الایام پوست و برگ و میوه آن به مصارفی چون سگنان از قبیل قرار دادن بر روی پوست بود. ایجاد تحریک، قرمزی، درد و تناول در آن ناحیه می‌شد با خوردن آن

احساس سوزش در معده شده استفراغ ایجاد می‌گردد. مصرف مقادیر زیاد آن تورم و التهاب در روده به وجود می‌آورد. دارای اثر زیاد کننده ترشحات عرق و ادرار نیز می‌باشد ولی چون خطرناک بوده، از آن با رعایت نهایت احتیاط، استفاده به عمل می‌آمده است.

مصرف آن بیشتر به عنوان مدر، مسهل، معرق و التیام دهنده زخمها بوده است. استفاده از آن به علت خطراتی که پیوسته همراه داشته، تدریجاً متروک گردیده است. در استعمال خارج منحصراً از پوست آن، آن هم با رعایت احتیاط به عنوان قرمز کننده پوست و تاول آور در موارد ضروری استفاده می‌گردد. از میوه‌اش نوعی ماده رنگی قرمز جهت استفاده در نقاشی به دست می‌آورند.

### \* مارچوبه

گیاهی است از تیره سوسنیاها و از دسته مارچوبه‌ها که گیاهی علفی و بالا رونده و پایا و زیبا است. ارتفاعش بین ۷۰ تا ۹۰ سانتی متر که به حالت وحشی در غالب آب و هواها انتشار دارد.

به نامهای هلیون، کشک، کشک الماز، اسفرک، اسفرج، سپارک، تاکرون، خشب الحیه، برموع، هلیوم، جنجل، ضغبوس، یرامیع، صوف الحیر، صمد و مارگیاه می‌باشد. مارچوبه را به هندی ناگدون و به اندلسی اسفراج و به یونانی اسفارغین و به رومی هلیون و به سریانی فیسوهوما و به عربی خشب الحیه نامند که در اوایل بهار و اواخر زمستان در مناطق معتدل یافت می‌شود.

این مؤلف گفته است که مارچوبه اکثراً از بیخ درخت انار روید و بر درخت انار پیچیده شود. در علم کشاورزی چنین آمده است که اگر شاخ گوسفند را بکارند و مرتب به آن آب بدهند، مارچوبه رویده شود.

جالینوس آن را معتدل نوشته است و گیلانی گرم و تر در اول دوم بیان کرده است.

مارچوبه باز کننده جگر و کلیه و خوراکش جهت درد کمر و عروق النساء و جویدن

بیخ و دانه آن نافع درد دندان و خوراکش مقوی دید می باشد و سینه و ریه را منفعت دهد و نافع یرقان، قولنج بادی و بلغمی، مدر بول، زیاد کننده منی و دافع سنگ مثانه است. خوراک مارچوبه بوی عرق و بول را تغییر دهد و نافع تقطیر البول پیران است. و پخته اش با گوشت، منی را زیاد می کند و مقوی باه باشد.

مقدار خوراکش تا دو مثقال و گویند تا دو درم است و مضر سر است و مصلحش عسل می باشد. بدلش حنظل است.<sup>۱</sup>

شیخ گوید: مارچوبه عموماً و بویژه نوع سنگلاخی برای باز شدن بند آمدنهای درونی و بویژه انسدادهای کبد و کلیه مفید است و خاصیت زداینده دارد. بیخ آب پز مارچوبه ادرار بول کند، در دشواری بارداری کمک نماید، شیاف تخم آن مدر حیض است و بستگی کلیه را باز نماید. شنیده ام که پخته مارچوبه سگ را می کشد.<sup>۲</sup>

مارچوبه گیاهی چند ساله، زیبا، به ارتفاع ۰/۴ تا ۱/۲ متر و دارای شاخه های نسبتاً چوبی و صاف است.

قسمت دارویی و مورد استفاده این گیاه، قاعده، ساقه هوایی و ریزوم همراه با ریشه آن است.

مارچوبه را هلیون نیز می نامند. مفتح سده جگر، مدر بول، مبهی، هضم کننده، از بین برنده بوی بول و عرق، مفتت حصاة و جهت درد سینه و تاریکی چشم و درد ریه خوب است.<sup>۳</sup>

### ترکیبات شیمیایی:

در کلیه قسمت های گیاه که در تاریکی یا در سایه رشد پیدا کرده باشند آسپاراژین وجود دارد به علاوه مواد رزینی، کونی فرین، اینوزیت، تانن و اسید گالیک نیز در آن یافت می گردد.

۱- محیط اعظم، ج ۴، ص ۲۱۱: تحفه حکیم، ص ۲۶۲؛ قرابادین کبیر، ص ۴۳۵؛ الابینه، ص ۳۴۰.

۲- قانون در طب، ج ۲، ص ۱۲۸. ۳- تحفه، ص ۲۶۲.

ریزوم آن دارای ساکارز، اسپاراگوز (در زمستان تا اواسط فروردین)، کولین، آرایینوز، پنتوزان، گالاکتان، نوعی هتروزید و غیره است. جوانه‌های آن دارای تیروزین، کوتی فرین، اسید سوکسینیک و دانه‌اش دارای ۱۵ درصد ماده روغنی قابل استخراج است.

### خواص درمانی:

استفاده از مارچوبه به زمانهای خیلی دور نسبت داده می‌شود. در بدنه اهرام مصر، تصویر این گیاه حک گردیده است. ریزوم مارچوبه اثر مدر دارد ولی نباید مورد استفاده قرار گیرد. مجموعه ریزوم و ریشه گیاه به علت مدر بودن، اثرات مفید در رفع استسقاها، ناراحتی‌های قلبی منشأ آب آوردن، ضعف عمل مثانه، زردی، بیماریهای سینه و غیره ظاهر می‌کند. برای مبتلایان به روماتیسم حاد و سنگ کلیه، مصرف آن منع گردیده است. مارچوبه به علت داشتن مواد منگنز، زهکش خوبی برای کبد است. مارچوبه دارای شوره است و خون را پاک می‌کند.<sup>۱</sup>

### محل رویش:

در آذربایجان، خوی، تبریز، نواحی مختلف البرز، قصر قجر، جلفای اصفهان، اراک، کرمانشاه، جنوب ایران و بهارلو در شیراز می‌روید.<sup>۲</sup>

### \* مارقشیشا

در عربی حجرالنور و به فارسی سنگ روشتایی و در اردو سونامکھی و در انگلیسی BISMUTH می‌گویند. از معدن طلا به دست می‌آید رنگ آن طلایی و درخشنده و ذائقه‌اش بدمزه می‌باشد. مزاج آن گرم در درجه دوم و خشک در درجه اول و مایل به

۱- اسرار خوراکیها، ص ۱۳۵ و ۲۳۵.

۲- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۲۲۹.

اعتدال می باشد. مقدار خوراک، یک جو می باشد.

مقوی چشم و محلل اورام، مدر بول و حیض؛ مقوی باه و معده و کبد است. مصلح آن سکنجبین و عسل خالص و مواد سرد و تر و روغن می باشد. مضر اکثر اعضا است برای گرم مزاجان و امراض طحال مضر است. بدلیش تج و زعفران به قدر مناسب و چرک نقره ای می باشد.

جالی و قابض و مقوی بصر است. آن را تنها یا با ادویه مناسب ساییده برای رفع ضعف در چشم سرمه می کنند و در مرهمها مخلوط کرده بر زخم می مانند. گوشت اضافی را می برد، در امراض چشم بسیار مفید است، مقوی دل و دماغ می باشد، کشته آن برای بواسیر مفید است و مصرف زیاد آن سم قاتل است. آن را در سرکه ساییده و بر برص طلا می کنند، اگر در گلوی کودک بکنند از ترس محفوظ می ماند. طلای آن محلل اورام است. برای برص و بهق، عسل کردن از آن بهتر است.<sup>۱</sup>

مارقشیشا سنگی براق است که از معادن طلا، نقره و مس خارج می شود. اگر از معدن طلا حاصل شود آن را مرقشیشای ذهبی و اگر از معدن نقره باشد مرقشیشای فضی می گویند.

بر طبق تحقیق دوپامکھی که مرقشیشای فضی است، خیلی مشابه با BISMUTH است.

سنگی است معدنی که از معدن نقره حاصل می شود. رنگ آن سفید مایل به سیاهی، مزاج آن سرد و خشک در درجه دوم، استعمال خارجی آن جلاکننده، قابض و مجفف رطوبات است با ادویه مناسب از آن سرمه ای درست کرده که در ضعف چشم و آبریزش در چشم استعمال می کنند.

برای زخمها به صورت مرهم از آن استفاده می شود. گوشت فاسد زخم را می برد و رطوبات متعفن را دور می کند. به صورت داخلی مصرف نمی شود.<sup>۲</sup> پس از تحقیقات

۱- کتاب المفردات، ص ۳۰۷، بوستان المفردات، ص ۱۱۷۶ مخزن المفردات، ص ۲۴۲

۲- کتاب المفردات، ص ۲۶۲-۲۶۴.



ثابت شده BISMUTH سونامکهی است که به صورت داخلی هم مصرف می شود.<sup>۱</sup>  
 مارقشیشا سولفور طبیعی سفید رنگ آهن است و بدین جهت آن را پیریت سفید نیز  
 گویند. فرمول آن را می توان به همان صورت پیریت معمولی یعنی  $S_2Fe$  نوشت بر  
 خلاف پیریت معمولی که زرد رنگ است و در سیستم کوییک متبلور می شود.<sup>۲</sup>  
 مارقشیشا اسم یونانی سنگی است که انواع طلائی و نقره ای و مسی و آهنی دارد و  
 هر کدام در رنگ شیشه به یکی از معادن می باشد و براق نیستند به خلاف مغنسیا که براق  
 است و گویند هر یک در معدنی به هم می رسد و به قدری مخلوط به جور آن معدن  
 می باشد و آن جوهر را از آن استخراج می کنند. قوی ترین مسی است در آخر دوم گرم و  
 خشک و محلل و جالی و قابض و منضج و نوشیدن آن جایز نمی باشد و هنگامی که کاملاً  
 آن را بسایند مالیدن آن فایده ای ندارد و سوخته آن که با عسل آمیخته باشند و در آتش  
 سرخ کرده باشند لطیف تر است و شسته آن خنک کننده است و مالیدن آن با سرکه جهت  
 لک و پیس و برص و نمش و کلف و بهبود زخمها و حرارت عضو و سرمه کشیدن آن  
 جهت تقویت چشم و همراه کردن کودکان جهت گریه و زاری مفید است.<sup>۳</sup>

### \* ماست

ماست خوراکی از انواع لبنیات است که از شیر تهیه می کنند. طریقه تهیه آن چنین  
 است: شیر را گرم کنند سپس به آن اندکی ماست مایه زنند و روی آن را گرم پیوشانند و  
 در جایی بگذارند تا ماست تهیه شود.

ماست به فتح میم و الف و سکون سین مهمله و تالی فوقانی اسم فارسی است و  
 جغرات و معرب آن صغرات و به ترکی قنق و به عربی صغرات و لبن الحامض و قانتق و به  
 یونانی ایرن و به هندی دهی گویند و آن شیر منجمد است ز بهترین آن ماست شیر گاو  
 تازه خوب انجماد یافته اندک ترش است.

۲ - فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۴۰۲۶.

۱- دکتر فاضل موسوی.

۳- تحفة حکیم، ص ۲۴۴.

سرد و تر در دوم و هر چند ترش تر و رقیق تر باشد سردی و تری آن زیاد و به قول شیخ ماست مطبوخ حابس اسهال صفراوی و دموی است و جغرات بسانت که رفع حمیات دق نماید چون دسومت آن خوب کشیده باشند و جندان باشد که هضم گردد و غذائیت آن نسبت به دوع که مخیض نامند به سبب زیادتی دمنیت بیشتر و در سایر افعال قریب بدان مضر سرد مزاجان و معدة بارد و بلغمی و ضعیف الحرارة و کثیف و دیر هضم و مسدد و مولد خلط خام مصلح آن گلکند و معاجین حاره و مریای زنجبیل است و جالینوس در کتاب الاغذیه نوشته که ماست مضر دندان نیست و آن را مضرت از آن به هم نرسد چون در مزاج طبیعی و مزاج عرفی خود سر زیاد باشد و هرگاه چنین باشد آن را مضرت از آن لاحق شود و چنانچه آن را از سایر اشیای بارده لاحق می گردد و می گویند که بالای جغرات را بر سر مالیدن مرطب دماغ و منوم و قائم مقام روغن مغز تخم کدوست.

## \* ماش

### مشخصات:

گیاهی است علفی، یکساله، دو ساله و چند ساله به بلندی نیم تا یک متر. ساقه آن زاویه دار و خزنده و کم و بیش پوشیده از گُرک، برگهای آن مرکب زوج، دارای ۳-۵ جفت برگچه که منتهی به بیچک می شوند.

ماش را عربها مج و یمنی ها اقطن و عجمها ماش و سیستانیها منک و هندیها مانه می نامند. صاحب برهان گوید: ماش هندی غله ای است عودی رنگ به اندازه گندم و آن را به عربی حب القلب خوانند به کسر قاف.

برگ تازه ماش را که نزدیک به درو کردن است، کوبیده، آب آن به عنوان دارو و مالیدنی جهت درمان استفاده می شود.

برگ و دانه آن را می توان به عنوان درمان بسیاری از بیماریها معرفی کرد.

با توجه به خاصیت درمانی ماش بر نکه‌های پیسی و این که درمان بیماری مذکور باید متکی بر اثر گوارشی انکار ناپذیری باشد؛ اعجاب انگیز است. بهتر است ماش را با آب جوش آورد و آبش را ریخت و دانه‌اش را به صورت گرد درآورد که با این کار سموم موجود در ماش از بین خواهد رفت (و حتی مردم عامی نیز برای پخت ماش در ایران آن را جوشانده، آبش را دور می‌ریزند).

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در ماش وجود گلوکوزید، ویسیانین و اسید سیانیدریک HCN گزارش شده است.

### خواص و کاربرد:

ماش از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی کمی سرد و خشک است و پوست کنده آن معتدل است. ماش، مقوی اعصاب و نیروی دید چشم است و برای سردردهای گرم و تبهای گرم و حاد و امراض کلیه نافع است.<sup>۱</sup>

ماش گیاهی است از تیره پروانه‌دازان، گونه‌های بسیار از این گیاه وجود دارد و گونه معمولی آن ارتفاعش تا یک متر می‌رسد و گل‌هایش قرمز رنگ است و غالباً همراه یکی از غلات کاشته می‌شود.

دانه‌هایش کوچک و مدور اندکی کنسیده با پوست تیره و مغزش سفید است. سالاد ماش یا چغندر برای کسانی که گرفتار اختلالات روده‌ای از نظر ترشحات و حرکات دودی می‌باشند تجویز می‌گردد اگر آش یا شوربای (پتاژ) آن را که با سیب زمینی تهیه نمایند تجویز کنند، بهتر است.

### ماش از رازی:

ماش خاصیت غذایی زیادی ندارد تبرید کننده است کسانی که مزاجشان حار است یا احتیاج به اندک تبریدی دارند و آن را «صرف می‌کنند احتیاجی به داروی مصلح ندارند

چه در آن ضروری که مستلزم علاج باشد وجود ندارد، برعکس کسانی که مزاجشان سرد است یا بر اثر خوردن آن نفخ زیاد در معده‌شان تولید می‌گردد باید در علاج آن اقدام نمایند و با داروهایی مانند معجون زیره دار و خوردن رفع نمایند.

### ماش در کتاب قدیمی:

از حبوبات معروف است در آخر اول سرد و مایل به خشکی و قوتش تا سه سال باقی است. لطیف‌تر از عدس و از سایر حبوبات کم نفخ‌تر و مولد خلط صالح و مسکن حرارت و التهاب صفرا و قابض و موافق گرده و مقوی عصب و بهترین اغذیه صاحبان تبهای حاره است و جهت سرفه و وزم لهاة و برای سردرد مفید می‌باشد. برگ تازه ماش را که نزدیک به درو کردن است کوبیده آب آن را به‌عنوان دارو و مالیدنی جهت درمان معین می‌نماید.

برگ و دانه را به‌عنوان درمان یک نوع بیماری معرفی کردن توجه به عناصر متشابهی است که علم جدید وجود هر دو را بطور کیفیتی در دانه و برگ به اثبات رسانده است. با توجه به خاصیت درمانی آنها فقط بر لکه‌های پیسی و این که درمان مذکور باید متکی بر اثر گوارشی انکار ناپذیری باشد اعجاب‌انگیز است.

و مهمتر، کلمه ائحساره است که معنی حریره یا شوربا کردن و کم کم خوردن را می‌دهد که برای نهیه حریره می‌دانید باید با آب آن را جوش آورد و آبش را ریخت و دانه‌اش را به‌صورت گرد درآورد و لاجرم سموم موجود در ماش از بین خواهد رفت (و حتی مردم عامی نیز برای پخت ماش در ایران آن را جوشانده آبش را دور می‌ریزند) و این است معنی عبارات عربی فوق: مردی به حضرت رضا از پیسی شکایت کرد حضرت فرمود: ماش را بپزد و حریره کند و خوراک خود قرار دهد.

### ماش در اسلام:

نه رازی از اثر گوارشی ماش بحث کرده، نه در قرآبادین معتبر قدیمی ذکر شده، بلکه بطوری که ملاحظه فرمودید علم جدید به این که بر ترشحات و حرکات دودی روده‌ها

مؤثر است بحثی دارد و ما می‌دانیم یک رکن اساسی برای درمان لکه‌های سفید پیدا شده در بدن تجویز عناصر مؤثر بر دستگاه گوارش است و رکن دیگر تجویز روغنهای مخصوص مانیدنی است ولی برای هر دو در اسلام دستور و تجویزی داده شده است.  
توضیح:

ماش تازه را که هنوز درو نکرده‌اند با برگش کوبیده و آب آن را فشرده و ناشتا خورده شود و روی لکه پیسی بماند.

یکی از یاران امام رضا علیه السلام گوید: از آن حضرت در باره بهق (سفیدی در بدن) پرسیدم، امر فرمود: ماش را بیز و جرعه جرعه آن را خورده و غذای خود قرار ده، چنین کردم و عافیت یافتم.<sup>۱</sup>

باز آن حضرت فرمود: ماش تر را در وقتش بگیر و با برگش بکوب و آب فشرده آن را ناشتا بخور و نیز بر روی سفید شده بدن بمال، راوی می‌گوید: چنین کردم و خوب شدم.<sup>۲</sup>

یکی از یاران امام ابی‌الحسن علیه السلام به آن حضرت از بهق (سفیدی در بدن) شکوه کرده، آن حضرت به وی فرمود: ماش را بیز و خرد کن و در غذای خود قرار بده.<sup>۳</sup>  
سالاد ماش با چغندر برای کسانی که گرفتار اختلالات روده‌ای از نظر ترشحات و حرکات دودی می‌باشند تجویز می‌گردد. اگر آش یا شوربای (پتاژ) آن را که با سیب زمینی تهیه می‌نمایند تجویز کنند، بهتر است.

### \* مرغ

عبدالاعلی گوید: یا امام صادق علیه السلام بودیم مرغی آوردند در داخل شکم خبیص پر بود (خبیص از خرما و کشمش و روغن و شیره تهیه می‌شود) و خوردیم.<sup>۴</sup>  
گوشت مرغ خانگی معتدل و متوسط بوده هر چه بیشتر لاغر باشد رطوبت بدن را

۳- همان.

۲- همان.

۱- بحار، ج ۶۲، ص...

۴- معادن، ص ۱۶۹؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۹.

بیشتر می‌افزاید و آدمی را چاق می‌سازد و برای کسانی که کار معتدل دارند مناسب بوده رنگ را نیکو، منی را زیاد می‌کند و مغزشان برای سبک مزاجان ایجاد قولنج می‌کند و با نان خورده شود یبوست می‌آورد. گوشت جوجه گرم و پرالتهاپ بوده برای مزاج حار مناسب نیست.

اگر با آب و نخود و شبت و نمک پخته شود برای سرد مزاجان نافع بوده لینت مزاج داده و درد سخت و کهنه پشت را نافع و کلیه‌ها را چاق و چربی‌دار و نیروی جنسی را تقویت ولی برای چشم و مغز زیان بخش است بویژه اگر کباب کنند و اگر با گوشت جوجه جوزاب یا گوراب (برنج و شکر و گوشت) درست کنند که چربی کافی داشته باشد برای کلیه مفید و قوه باه را زیاد می‌کند.<sup>۱</sup>

گوشت مرغ جوان عقل را زیاد می‌کند، مغز مرغ خون دماغی را که از پرده مغز آمده، باز می‌دارد. سوپ خروس داروی برنشیت است، آبگوشت خروس درد معده را که از باد باشد برطرف می‌کند.

گوشت مرغ جوان آب پشت را فزونی دهد، آبگوشت مرغ جوان همراه بسپانیک (بسفایج) باشد سودا را بیرون می‌ریزد و اگر با کاجیره باشد بلغم را بیرون آرد با شیر باشد داروی قرحه مثانه است. آبگوشت خروس علاج نبهای مزمن است.<sup>۲</sup>

بطور عام نام هر جانور بالدار پرندۀ تخم‌گذار که بدنش از پر پوشیده باشد. مرغ خانگی پرندۀ ای است از راستۀ ماکیانها که دارای جثه‌ای متوسط است مرغ خانگی دارای نژادهای مختلف است که به دو دسته عمده تخمی و گوشتی تقسیم می‌شوند. در گوشت مرغ ۲۳٪ نیتروژن، ۱٪ نسکیات، ۳٪ چربی و باقی آب می‌باشد. رنگ آن سفید، ذائقه بی‌مزه، مزاج گرم و تر است، غذائیت زیادی دارد و مولد خون و مزید عقل و مقوی دماغ و مقوی باه و نافع قولنج است رنگ صورت را صاف می‌کند، شوربای گوشت جوجه مرغ مسکن سوزش معده است.

شکم مرغ جوان را شکافته و گرم گرم بر سر مریض سرسام بیندند نافع است.<sup>۱</sup>  
 ماکیان اسم فارسی است به عربی دجاج و در یونانی به قول دیسکوریدوس  
 فطوریدس گویند و به هندی مرغی و ککرطی نامند و آن حیوانی خانگی است و طبع آن  
 گرم در آخر اول و معتدل در مرطوبت است.  
 مهرا پخته جوان آن زیاد غذائیت دارد و لطیف تر از اکثر طیور و مولد خون صالح و  
 زیاد کننده عقل و منی و غیر مهرا پخته آن بر خلاف آن است.  
 کباب آن جهت دفع خواهش گل خوردن و امثال آن و موافق معدة رطب است پیه  
 ماکیان معنوف به قرطم اقل دوازده روز مالیدن جهت جذام مفید است. خوراک یک  
 مثقال سرگین آن با سرکه جهت رفع قولنج و سمیت قارچ نافع است و طلای آن جهت  
 بهی و برص مفید، اکتحال زهره ماکیان از آله آثار قرحه چشم عارض بعد اندمال آن کند و  
 سلاق کهنه را نفع دهد.<sup>۲</sup>

### \* ماگنولیا

گیاهی است از رده دولپه ایهای جدا گلبرگ که سرسته تیره خاصی به نام ماگنولیاسه  
 می باشد. درختی است بسیار زیبا که در آسیا و اروپا و آمریکا و نقاط دیگر زمین  
 می روید. بعضی از انواع ماگنولیاها به صورت درختهای عظیم درمی آیند و تا ۳۰ متر هم  
 ارتفاع پیدا می کنند. گلهای آن ارغوانی، سفید، زرد و قرمز می باشد.<sup>۳</sup>  
 برگهای آن بزرگ، چرمی به رنگ سبز تیره، گلهایی بسیار معطر، درشت به قطر ۱۵ تا  
 ۲۰ سانتی متر و به رنگ سفید است.  
 پیدایش گلهای آن تدریجاً از خرداد تا اواخر تابستان صورت می گیرد. درخت  
 ماگنولیا، در مناطقی که آب و هوای ملایم و زمین مساعد دارد، خوب رشد می کند، منشأ  
 آن در مکزیک بوده است. در اعضای مختلف گیاه ماده ای به نام ماگنوفلورین وجود دارد.

۲- محیط اعظم، ج ۴، ص ۴۱.

۱- کتاب المفردات، ص ۴۲۹.

۳- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۳۷۰۸.

### خواص درمانی:

اسانس گلهای آن اثر تب‌بر دارد. دانه‌اش دارای ماده‌ی روغنی معطری است که برای آن اثر ضد فلج قائل‌اند.

از ماگنولیا، در تهیه‌ی بعضی لیکورها استفاده به‌عمل می‌آید. در نواحی مختلف ایران پرورش می‌یابد.<sup>۱</sup>

### \* مامیثا

گیاه ارغامونی گیاهی از تیره‌ی کوکناریان است. این گیاه دارای گونه‌های متعدد است که بر حسب رنگ گلها آنها را مامیثای زرد یا قرمز یا سفید خوانند؛ خشخاش تیغی، مامیثای روغنی، نعمان انبری، ممیثا.

مامیثا اسم نبطی است و همیثا نیز نامند و به یونانی حلاوئیون و غلوفن و به فارسی پرو نامند و آن نباتی است شبیه به خشخاش مقرن که در شام و فارس می‌روید. گویند دو نوع است یکی که رنگ گل آن سرخ است معروف به ارغامونی و غیره مستعمل است و دیگری به رنگ زرد که مستعمل می‌باشد. مزاج مامیثا سرد و خشک در دوم است و عصاره‌ی آن سرد و قابض و بعضی گویند گرم و خشک در اول می‌باشد.

در فرانسه گیاه مامیثا را افسار شیطان هم می‌نامند که در فرانسه در بیشه‌ها و در زمینهای مرطوب رُسی پیدا می‌شود. گلهای آن از تیرماه تا شهریور باز می‌شود.

ریسته، گل و برگهای مامیثا را برای مصارف طبی به‌کار می‌برند که دارای خواص خلط آور و مرهم‌سینه است.

دم‌کرده‌ی بیست گرم مامیثا در یک لیتر آب برای معالجه‌ی برونشیت و احتقان ریوی تجویز می‌گردد.

جوشانده‌ی ۴۰ تا ۵۰ گرم گیاه مامیثا به مدت ۱۰ دقیقه در یک لیتر آب نافع زخمهای

۱- گیاهان دارویی. دکتر عنی زرگری، ج ۱، ص ۱۱۸.



پومستی از قبیل جرب و کچلی به وسیله شستشو است.<sup>۱</sup>  
گیاهی علفی، یکساله با گل‌هایی به رنگ زرد. میوه‌اش پوشیده از خار است. در  
مکزیک، آنتیل و برخی نواحی آمریکای شمالی می‌روید به علاوه به علت زیبایی گل‌های  
خود، پرورش می‌یابد. قسمت مورد استفاده این گیاه، برگ، میوه و دانه است.

### ترکیبات شیمیایی:

اعضای مختلف گیاه دارای بربرین و الکالوئیدهای مختلف است. دانه‌های آن دارای  
۳۶ درصد ماده روغنی است.  
ساقه گلدار دارای موادی نظیر گلوکوسین، کله‌ریترین، پروتوپین، سانگینارین، مواد  
رزینی، پکتیکی و نوعی ماده تلخ به نام گلرکویکیرین است.

### خواص درمانی:

میوه و برگ آن، اثر خواب‌آور و دانه‌اش اثر مسهلی دارد. از کلیه قسمتهای هوایی گیاه  
نیز به عنوان معرق استفاده به عمل می‌آید. مصرف روغن دانه آن به عنوان مسهل به مقدار  
۱۵ تا ۳۰ قطره معمولی است.

نامیثا گیاهی است علفی و یکساله با گل‌هایی به رنگ زرد نارنجی و گاهی با لکه‌های  
ارغوانی در قاعده گلبرگها و میوه‌اش دراز و خورجین مانند است. ساقه گلدار این گیاه  
دارای اثر درمانی است.

قسم هوایی این گیاه در طب عوام به عنوان مخدر و خواب‌آور در اطفال به صورت  
دم‌کرده یا جوشانده مصرف می‌شود. سابقاً از آن برای رفع بیماری قند استفاده به عمل  
می‌آمده است.

### محل رویش:

این گیاه در منطقه وسیعی از نواحی شمال ایران، کوهستانهای البرز، کرج، آذربایجان،

ارومیه، چاهریک، دیلمان، نقرش، خراسان، بین رباط سفید و تربت حیدریه، شیراز و غیره می‌روید.

این گیاه در گیلان، رودبار، کرمانشاه، همدان، کردستان و لرستان، شیراز، قزوین، نواحی آذربایجان و اراک می‌روید. دانه‌اش اثر ملین دارد و به‌علاوه از برگهای له شده آن برای رفع التهابهای جنسی استفاده به عمل می‌آید.<sup>۱</sup>

### \* ماهی

ماهی جانوری است ذی‌فقار و آبزی، از رده ماهیان که دارای اقسام متعدد است: اردک ماهی، ماهی خاردار، تاس ماهی، چلچله ماهی، سفره ماهی، شاه ماهی، شک ماهی، شمشیر ماهی، شیر ماهی، ماهی آزاد، ماهی اسبله، ماهی برقی، ماهی پرند، ماهی حلوا، ماهی حوض، ماهی خار، ماهی خاویار، ماهی ریش‌دار، ماهی سفید، ماهی سیم، ماهی سوف، ماهی ریزقنات، ماهی قزل‌آلا، ماهی مرکوب و...

گونه‌ای ماهی غضروفی جزو راسته گانویدها و جزو دسته کوندروگانویدها می‌باشد. این ماهی را به مناسبت خاویاری که از آن به‌دست می‌آورند به نام ماهی خاویار نیز می‌نامند.

ماهی مذکور در دریای خزر فراوان است، جثه‌اش بزرگ و به طول ۵ تا ۶ متر می‌رسد و وزنش بالغ بر ۵۰۰ کیلوگرم می‌شود. از تخمکهای تمک سود آن خاویار تهیه می‌شود.<sup>۲</sup> ماهی اسم فارسی است به عربی سمک و حوت و به یونانی سماس و به رومی ایضارون و به ترکی بالغ و به هندی مجهلی و در انگلیسی اسپریسطلی گویند.

آن حیوان آبی است که حیات آن بدون آب از بین می‌رود و انواع آن بسیار است و سیر نمی‌شود از کثرت خوردن به سبب سردی مزاج معده آن و قرب او از دهان آن و آن را گردن نیست و نه آواز و نه ریه است.

۱- گیاهان دارویی. دکتر عنی زرگری، ج ۱، ص ۱۵۳.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۳۷۳۳.

گویند که کباب به آتش بریان کرده تازه آن بهتر و سبک تر بر معده است از آنچه در روغن بریان کرده باشند و زود هضم و صالح الکیموس و مرطوب و مسمن و مولد منی و شیر و پیه گرده و در گرم مزاجان مبهی و منعظ و مصلح اخلاط حار و جهت تصفیه و نرمی قصبه ریه و قرحه آن و سل و دق و سرفه خشک و ضعف جگر و یرقان و کباب آن با آبغوره و سماق جهت اسهال صفرآوی و دموی مجرب است.

اگر ماهی تازه را شقه کنند و در همان وقت که حرکت داشته باشد گرم ماگرم بر عضو بندند جذب مواد و پیکان و خار و غیره به ظاهر جلد نماید و طلای استخوان سوخته ماهی جهت برص نافع است.

شیخ الرئیس نوشته: که ماهی مسمی اوطاروس البته اگر شوربای آن بنوشند و بر موضع گزیدگی متصل بریزند جمیع سموم را نفع کند خصوصاً جهت گزیدن افعی و مار شاخ دار و سگ دیوانه و در کتاب دیسکوریدوس هست که اوطاروس آن اوماطرغس است و آن لحم ماهی بحری نمک سود است که آن را اهل شام البته نامند.

اکنون بدانند که ادامت به خوردن ماهی موزث برص بسبب رطوبت و لزوجت و مولد امراض سودآوی است. ارجانی گوید: ماهی تازه بریان، باه را تقویت کند.<sup>۱</sup>

به سند معتبر از امام موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که بر شما باد خوردن ماهی که اگر بی نان بخورید کافی است و اگر با نان بخورید گوارا است.

از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت چنین آمده است: مداومت نمایید بر خوردن ماهی که بدن را می کاهاند و در روایت دیگر منقول است که ماهی تازه پیه جسم را می گدازد.<sup>۲</sup>

### \* مخلصه

مخلصه؛ گل کتانی که به اسامی محاجم و دهان شیر و قلیحه و گیاه نوروزی نیز موسوم است.<sup>۳</sup>

۱- صیدنه، ج ۲، ص ۸۱۹. ۲- حلیة المتین، ص ۵۱.

۳- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۳۳۴۸.

گل کتانی گیاهی است از تیره میمونیان که اکثر گونه‌هایش به صورت درختچه می‌باشند در حدود ۱۲۰ نوع از این گیاه شناخته شده. این گیاه به عنوان گل زینتی در باغچه‌ها نیز کشت می‌شود.

مخلصه آن است که از خوردنش خلاص و امان می‌یابند از سم افعی و نکایت آن و موت و مکرر تجربه کرده‌اند در سموم هوام دیگر نیز و آن نباتی است مختلف الانواع و تا هفت قسم دیده‌اند. و همه با تلخی و گل همه منحنی منکوس و شبیه به محجمه و آن را به لغت اندلس محاجم گویند که در این جا مشخصات بهترین قسم آن را بیان می‌کنیم:

بی ساق و شاخهای آن سبز املس از زمین رسته و برگ آن شبیه به برگ کرفس و از آن نرم‌تر و هر برگ آن بسیار از اول تا آخر شکافته و هر چند شاخه‌های آن بلندتر گردد برگ آن ریزه‌تر شود تا به حد برگ کتان رسد که در اواسط بهار می‌روید و در اواسط گرما گل می‌کند. قوت آن تا ۲۰ سال باقی می‌ماند.

مزاج آن گرم و خشک در اول سوم است آشامیدن آن جهت رفع قولنج صعب و تحلیل اخلاط لزجه و تقویت معده و جگر و طحال و اعصاب دفع اوجاع مفاصل و پشت و سرین و امثال اینها نافع و آشامیدن یک تا دو درم آن جهت دفع سموم مشروبه و منهوشه مانند افعی و مار شاخ‌دار و عقرب و رتیلا و غیر اینها خواه قبل از آن یا بعد از آن مانع تأثیر و دفع ضرر آنهاست.

مقدار شربت آن یک مثقال با روغن زیتون و گویند که چون شارب آن افعی یا عقرب به دست بگیرد و آن را بگذرد سم آنها ضرر نکند تا یک سال و در آن اسرار عجیبه و خواص عظیمه است.

چون در اول نزول آفتاب به برج حمل تا سه روز هر روز یک مثقال تخم آن را بنوشد در آن سال هیچ سم به خورنده آن ضرر نرساند و عرق مخلصه ملطف و محلل و مقوی اعضای رئیسه و موافق سرد مزاجان و رافع قولنج است.<sup>۱</sup>

تاکنون بیش از صد و بیست گونه از مخلصه شناخته شده و به انواع گونه‌های مختلف:

گل کتانی، دهان شیر، قلیحه، گیاه نوروزی، محاجم، ایواح، حباحب، گشنیز کوهی، بلبل شامی و تریاق کوهی می باشد.

بذر نوعی از مخلصه از اقلام مهم تریاق کبیر است که بهترین آن در ماسه های اطراف شبانکاره که از توابع بوشهر می باشد به حمل می آید نوعی از آن که در بلوچستان روئیده و حباب و جوز ارماتیوس نامیده می شود. برای رفع بیماریهای پوستی تجویز می شود و از تحریکات جلدی می کاهد و ضماد آن برای بواسیر مفید است.

نوعی که در شمال ایران، اطراف تهران، کرج، خراسان و اصفهان می روید به عربی لبلاب احراش و الاطینی گویند. دارای اثر مسهلی و ضد زقت خون است و جراحات را، ضماد آن التیام دهد.

خوردن بذر مخلصه رافع قولنج، مقوی معده، کبد و اعصاب است و در رفع درد مفاصل و درد پشت تجویز می شود. مقدار خوراک آن یک مثقال است.<sup>۱</sup>

### \* مخمر

قارچی است از آسکوسیست ها و مخمر آبجو به صورت سلولهای مدور، کم و بیش بیضوی، به طول ۸ تا ۱۲ مو و به عرض ۸ تا ۱۰ مو می باشد.

#### ترکیبات شیمیایی:

مخمر آبجو دارای موادی به شرح زیر است:

- ۱- مواد معدنی ۲- گلو سیدها ۳- لیپیدها ۴- نوکلئوآبومین ها ۵- پروتیدها ۶- گلو تانیون
- ۷- ویتامین ها ۸- دیاستازها.

#### خواص درمانی:

مخمر آبجو در مصارف داخلی جهت رفع برخی عوارض جلدی مانند کوزک،

مخصوصاً در مبتلایان به بیماری قند، رفع جوشهای صورت، گل مژه و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی نتایج حاصل از آن غیر ثابت است.

مصرف مخمر آبجو موجب جلوگیری از تخسیرات عفونی دستگاه هضم می‌شود، از این جهت می‌توان از آن برای رفع مسمومیت‌های خود بخود ناشی از عمل میکروبها در روده، سوء هضم‌ها و ورم روده اطفال و غیره استفاده به عمل آورد.

در مورد خاصیت اخیر مخمر آبجو چنین اظهار نظر می‌شود که این مخمر بر اثر انرژی زیادی که دارد، میکروبهای روده را به روش فاگوسیتوز از بین می‌برد یا ترشح مواد، موجبات مرگ آنها را فراهم می‌سازد یا مواد مترشحه آن، اثر سموم میکروبی را زایل می‌نماید که مجموعاً موجب به وجود آمدن اثر مفید مخمر در دستگاه هضم می‌شود.

مخمر آبجو در موارد گریپ، حصبه، ذات‌الریه، بیماری قند (همراه با لولز و منگنز)، سل، سرطان، آبله، کم خونی، عوارض ناشی از فقدان ویتامینهای B و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به صورت تنقیه در گاستروآنتریت حاد اطفال و همچنین در ورم روده همراه با ترشحات مخاطی به کار می‌رود.

از مخمر آبجو به عنوان پیشگیری از بروز نرمی استخوان (لوورهایی که تحت اثر اشعه ماوراء بنفش قرار گرفته) می‌توان استفاده به عمل آورد مخمر آبجو با دارا بودن ویتامین‌های مختلف، دیاستازها، مواد پروتیدی، املاح معدنی و غیره در ردیف یک غذای کامل و بسیار مفید قرار دارد.

لوور ایرادیه که تحت اثر اشعه ماوراء بنفش قرار گرفته باشد، غالباً به جای لوور خشک و به مقدار ۰/۷۵ گرم در روز به صورت مخلوط و به حالت تعلیق در یک مایع غذایی به کار می‌رود.

صور دارویی:

لوورهای تازه و خشک به صور زیر مورد استفاده قرار می‌گیرند:

لوور تازه: در مصارف داخلی به مقدار ۲ تا ۳ قاشق قهوه خوری بعد از غذا، مخلوط در کمی شربت ساده یا به مقدار ۲ تا ۳ قاشق سوپخوری در روز، در موارد کم خونی‌های سخت مصرف می‌شود. به صورت تنقیه و به منظور رفع عفونت‌های روده به مقدار ۲ تا ۳ قاشق سوپخوری برای اشخاص بالغ، مخلوط در ۱۵۰ سانتی متر مکعب آب جوشیده سرد و همچنین در گاستروآتریت اطفال، تنقیه ۲ تا ۳ قاشق قهوه خوری لوور، مخلوط در ۶۰ گرم آب جوشیده سرد به کار می‌رود.

لوور خشک: به مقدار ۵ تا ۱۰ گرم به صورت کاشه، قرص یا گرانول مصرف می‌گردد. در استعمال خارج، محلول یک تا دو قاشق سوپخوری لوور تازه در یک لیتر آب، به صورت شستشو، به داخل عضو تناسلی زنان، جهت رفع ورم آن تزریق می‌گردد. مقدار مصرف لوورین که عصاره خشک و محتوی مواد محلول مخمر آبجو می‌باشد، یک تا ۲ گرم در روز که به صورت قرصهای ۰/۲ گرمی یا تنقیه، مورد استفاده قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

نوع دیگر مخمرها، مخمر سرکف یا مخمر بالا نامیده می‌شود. این نوع مخمر در درجات حرارت بین ۱۲-۲۰ درجه سانتی‌گراد واکنش نشان می‌دهند و سلولهای آنها در اثر تولید مقدار زیادی گاز کربنیک بالا می‌آیند و مانند کف دریا در سطح شیره در حال تخمیر جمع می‌شوند. مخمرهای سرکف یا سلولهای تولید شده در حال تکثیر در کنار سلول مادر باقیمانده و به شکل رشته‌های تسیح ۱۵-۲۰ عدد سلول می‌مانند.<sup>۲</sup>

نوعی از مخمر به مخمر رسوبی یا مخمر پایین معروف است. این نوع مخمرها در درجات بین ۴-۸ درجه سانتی‌گراد عکس‌العمل نشان داده و تکثیر می‌یابند و در این درجات حرارت به حالت تعلیق درآمده و در ته تشتک تخمیر قرار می‌گیرند.<sup>۳</sup>

۲- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۲۴۲.

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۴۲۷.

۳- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۲۴۳.

## \* مَرَّ

یک صمغ لعابی است بوی آن خوش و طعم آن تلخ و تند در آب درست حل نمی‌شود مقدار خوراک از ۵ تا ۱۵ گرم طنطور مَرَّ می‌باشد.  
این مخلوط شیمیایی از مَرَّ به دست می‌آید مقدار خوراک آن از ۲ تا ۴ سانتی‌متر مکعب می‌باشد.

قرص مَرَّ: مخلوط با ایلوا (صبر) مقدار خوراک آن از ۴ تا ۸ گرم استعمال خارجی آن دافع تعفن و محرک باه است برای ورم لثه، زخم زبان و قلاع تنطور مَرَّ یک اونس مخلوط یا یک اونس عس و خیسانده گل ۱۸ اونس برای امراض مذکور این نسخه بطور غرغره استعمال می‌شود، نیز مخلوط با بوراکس و آبودین بر لثه‌های متورم، دانه‌های دهان و زخم دهان مالمیدن توصیه می‌شود. و استعمال داخلی آن بطور مقوی معده بادشکن، مدر حیض و مسهل داده می‌شود و ماده مَرَّ جزء مهم تنطور ربارب (ریواس) مرکب می‌باشد. مَرَّ بلغم را خارج می‌کند و با فولاد آن را مرکب برای کمی خون می‌دهند.<sup>۱</sup>

## \* قَطْلَب یا مَرخ

قَطْلَب لغت شامی است به عربی قاتل ابیه و به فارسی اندلس مطرویه و عامه آن عصی الدب و به یونانی قوماریس و قوماروس نیز و ثمر آن را جنی الاحمر نامند و بعضی گویند که به لغت قدسی نقیب و به یونانی باقولا گویند و آن درختی شبیه به درخت «به» است.

سرد و خشک در دوم و گویند در اول و آن قابض است ثمر آن تریاق سموم قتاله و ضماد آن بر چشم جهت قمع آب نازل و جمع آن در آن و مهیا ساختن برای خروج مؤثر است. به دستور، ضماد برگ مطبخ آن و نطول آن جهت درد مقعد و رحم و در برگ آن جهت خشک کردن قروح رطبه و تألیل و رفع سوختگی آتش و به دستور ضماد آن مؤثر و ثمر آن مصدع و مضر معده است. به قول جالینوس آن نافع خفقان و ربو است و چون



زن در آب مطبوخ بتشینند قطع سیلان خون رحم کند. گویند که صمغ آن کم یافت می شود اگر به هم رسد خوردن آن جهت منع اسقاط حمل و حمل آن جهت بواسیر و بخور آن برای رفع سحر و افسون مؤثر است.<sup>۱</sup>

مرخ؛ درخت بادام تلخ را گویند که یکی از گونه های بادام و مغز هسته هایش تلخ است. در قدیم جهت ایجاد آتش از این گیاه زنداسفل می ساختند. (زند اسفل چوبی بود که در پایین چوب دیگری به نام زنداعلی قرار می دادند و به وسیله اصطکاک و مالش شدید با چوب بالایی آتش ایجاد می کردند) زند بالایی از چوب عفار تهیه می شده است.

### \* بداشقان

معرب از بدسکان فارسی است و باشقان و بدکشان و قاتل ایبه و کف الکلب نیز گویند و به یونانی قاماریون و قوماروس نامند و آن گیاهی است شبیه به بردی که به فارسی پیزر نامند. زرد رنگ ذهبی و باریک تر از بردی و مثبت آن نیزارها و آبهای ایستاده و اهل زنج از آن دست برنج می سازند و گویند در آذربایجان زیاد است.

گرم و خشک در اول ملطف و محلل و مدر بول و جهت امراض بارد بلغمی و رطوبی نافع و بدل آن گشت برگشت است شربت آن از یک درم تا سه درم، بدل آن به قون رازی یک و نیم وزن درونج و به وزن آن زیره سیاه است.<sup>۲</sup>

### \* مرزنگوش

مرزنگوش گیاهی است در نواحی مختلف می روید و خاصیت طبی آن مقوی، باد شکن، ضد تشنج، مدر و ضد رطوبت است و بیخوابی و میگرن (درد نیمه سر) و زکام مغزی را درمان می کند و امراض مربوط به مجاری تنفس و ضعف معده و سوء هضم را از بین می برد و مانند چای باید آن را دم کرد.

اگر ۱۰۰ گرم آن را در یک لیتر روغن زیتون در آب جوش ریخته روی آتش به هم زنند

و پس از صاف کردن داخل شیشه بریزند و موقع درد روماتیسم یا سیاتیک با آن مالش دهند بسیار مؤثر خواهد شد. و اگر موقع زکام چند قطره از دم کرده آن را در بینی بچکانند معالجه می شود.

مرزنگوش مجاری تنفس را کاملاً ضد عفونی می کند و مقدار مصرف از گیاه خشک مرزنگوش یک قاشق دسر خوری در یک لیوان آبجوش ده دقیقه دم کرده روزی دیا سه فنجان بنوشند هنگام ابتداء به زکام مسکن است چند قطره از دم کرده مرزنگوش را در بینی بچکانند بطوری که داخل بینی را شستشو دهید اگر چند دفعه در روز این کار را بکنید معالجه می شود.

بخور مرزنگوش هوا را از میکروبها پاک کرده و یشه و حشرات را هم فراری می دهد.<sup>۱</sup>

اگر کسی زیاد عطسه کند تا پنج روز روزی یک قطره روغن مرزنگوش را به بینی خود بچکاند. عطسه کردن بسیار از پنج درد ایمن گرداند: ۱- خوره ۲- لقوه ۳- نزول آب از چشم ۴- صلابت و خشونت پره های بینی ۵- بیرون آمدن مو در چشم.<sup>۲</sup>

مرزنگوش گیاهی است خوشبو، دارای شاخه های بلند، برگهای آن باریک و شبیه گوش موش، گلهایش سفید مایل به سرخی و تخم آن شبیه تخم ریحان است.

این گیاه در نواحی مختلف می روید. در میان کردها دم کرده و جوشانده آن را برای تسکین درد و سردرد و رفع بیخوابی، زکام و سرماخوردگی به مصرف می رسانند.<sup>۳</sup>

برگ و سرشاخه گندار آن، مصارف دارویی دارد و از آنها اسانس گیری به عمل می آید. برگ مرزنگوش را غالباً پس از خشک کردن، به صورت گرد در آورده از آن، جهت معطر ساختن اغذیه استفاده می کنند. این گیاه دارای اثر آرام کننده، نیرو دهنده، مدر، معرق و مقوی معده است و در خارج اثر التیام زخمها را دارد.<sup>۴</sup>

۲ حلیة المتقین، ص ۲۵۷.

۱- گلپا و گیاهان تفابضی، ص ۲۱۷

۳- طب سنتی در میان کردها، ص ۱۵۵.

۴- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۲، ص ۶۰۶

مرزنگوش که از خانواده «نعنایان» می باشد، بسیار مورد علاقه زنبور عسل هست و چنانچه در کنار زنبورها کشت شود، زنبورها را از بیماریهایی که با آن مواجهند، مصون نگه می دارد.

مرزنگوش گیاهی است که در مناطق غربی ایران می روید ولی بحز استفاده داخلی از آن به صورت تجارتي، برای صدور استفاده نمی شود. در حالی که این گیاه و بسیاری از گیاهان را که ذکر شد، کارخانه داروسازی بایر در آلمان برای تهیه دارو، زیر کشت دارد. عمده ترین کاربردهای دارویی انفرادی این گیاه در بیماریهای ریوی، اعصاب، گوارشی و پوست است.

#### مرزنگوش در روایت:

قال عليه السلام: «عليكم بالمرزنگوش شموه فانه جيد للخشام و الخشام داء» پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله فرمود: بر شما باد مرزنگوش چون بر خشام خوب است و خشام مرض است. خشام رگی است که در داخل بینی به وجود می آید و گاهی اذیت می کند و بزرگی بینی را نیز خشام گویند. بخور مرزنگوش هوا را از میکروبیها پاک کرده، پشه و حشرات را فراری می دهد. مرزنگوش مستی را که از شراب به هم رسیده، از بین می برد.

### \* مرزه

گیاهی است یکساله از تیره نعنایان که دارای ساقه های متعدد و به رنگ مایل به قرمز که به حالت وحشی در اروپای جنوبی و آسیا (از جمله ایران) به فراوانی می روید. در کتابهای قدیم مانند: تحفة حکیم، محیط اعظم و... مرزه را صعتر بستانی نوشته است که خواص آن در آویشن مذکور شد.

صعتر بیابانی را آویشن و بستانی را مرزه گویند. پزشکان قدیم خوردن مرزه را همراه با خوردن غذاهای سنگین مثل حلیم و کله پاچه مفید می دانستند و امروزه ثابت شده

است که مرزه مانند سایر گیاهان خانواده نعناع، کلسترول خون را پایین می آورد. بذر مرزه در همه حالات قوی تر از برگ است و ضد برفان و میهج شهوت بوده و جویدن آن مسکن درد دندان و زیاد کننده اشتها است.<sup>۱</sup>

دو نوع مرزه وجود دارد: یکی تابستانی و دیگری زمستانی که هر دوی آنها با گیاهانی مانند آویشن، اسطوخدوس و مریم گلی به یک زده گیاهی تعلق دارند.

مرزه برای درمان نقرس، فلج، اسهان، ضعف دستگاه هاضمه، توقف عادت ماهانه زنان و ضعف قوای جنسی به کار رفته است.

این گیاه نیز تصفیه کننده، ضد کرم و مدر بوده و در نقرس، روماتیسم، سنگ کلیه و مسمومیت های ناشی از انگلیها (کرم کدو و آسکارید) مؤثر است. نیز در درمان ورمهای معده، تسکین آسم، ناراحتی های دهان و گلو، خالی کردن خلط سینه و تقویت کودکان ضعیف مفید است.

برای تهیه دم کرده مرزه یک مشت از گیاه تریا خشک را در یک لیتر آب دم کرده، روزانه دو تا چهار فنجان می نوشند. یک فنجان آن را قبل از خواب مصرف می کنند.<sup>۲</sup>

مرزه شبیه به آویشن شیرازی است و طعمی تند دارد. دم کرده مرزه را در شکم روشهای ساده توصیه کرده اند. مرزه دارای اثر انگیزنده می باشد.<sup>۳</sup>

مرزه گیاهی است علفی، یکساله و دارای ساقه منشعب به طول ۱۰ تا ۳۰ سانتی متر که به سهولت بر اثر دارا بودن ظاهری به رنگ سبز خاک آلود یا مایل به خاکستری، از گونه های مجاور تشخیص داده می شود. برگهای آن باریک، دراز، نوک تیز، نرم و پوشیده از تارهای کوتاه است.

قسمت مورد استفاده مرزه، برگ یا کلیه اعضای هوایی آن یعنی شاخه های برگدار و گلدار آن است.

۲. صدگه و هزار فرمان، ص ۳۴۳.

۱. زبان خوراکیها، ص ۱۷۵.

۳. درمان با میوه ها و سبزیها، ص ۴۰۶.

### ترکیبات شیمیایی:

مرزه دارای تانن، سواد چرب، قندهای مختلف و اسانس به مقدار یک در هزار است. اسانس آن اگر از گیاه پرورش یافته تهیه شده باشد دارای ۳۰ درصد کارواکرول و ۲۰ تا ۲۵ درصد سیمن است در حالی که در نوع وحشی گیاه، مقدار نسبی کارواکرول به ۴۰ درصد نیز می‌رسد، به علاوه دارای ترین و نوعی فنل با ترکیبی که هنوز به خوبی شناخته نشده می‌باشد.

### خواص درمانی:

در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی مردم آن را دارویی مقوی، سقط کننده جنین و رفع فلج می‌دانستند.

سر شاخه‌های گلدار و بطور کلی قسمت‌های هوایی گیاه که معمولاً در هنگام گل، چیده می‌شود و در سایه خشک می‌گردد، بوی معطر و اثر نیرو دهنده تسهیل کننده عمل هضم، مقوی معده، مدر، بادشکن و بطور خفیف اثر قابض، ضد نزله، رفع اسهال و ضد گرم دارد.

از مرزه می‌توان مانند انواع دارویی آویشن، در رفع ضعف و حالت چنگ زدگی معده استفاده کرد به علاوه آن را در سوء هضم‌ها، زردی، حالت بحرانی آسم، تخمیرات روده و نفخ به کار برد. به علاوه لوسیون آن را در استعمال خارج بر روی اولسرها، دیر علاج اثر می‌دهند و حمام جوشانده آن را در موقوع دردهای روماتیسمی، دردهای عصبی و همچنین تقویت جسمانی کودکان کم بنیه و مبتلا به نرمی استخوان به کار می‌رود.

### صور دارویی:

دم‌کرده ۱ تا ۳ گرم گیاه در ۱۰۰ گرم آب جوش برای مصرف در ۳ مرتبه در روز، لوسیون برای استعمال خارج (این لوسیون باید از دم‌کردن مقدار بیشتری از گیاه در آب تهیه گردد) اسانس مرزه دارای اثر ضد عفونی کننده می‌باشد.

## محل رویش:

نواحی شمال غربی ایران، تبریز، خوی، نعمت آباد، ارسباران و نواحی مختلف خراسان می‌روید.<sup>۱</sup>

مرزه ترشح سیب آدم را زیاد می‌کند.<sup>۲</sup>

مرزه دردهای رحم را ساکت و قاعده آور است.<sup>۳</sup>

مرزه اشتها آور است، اگر آب آن را با کرفس مخلوط کنند ادرار را باز می‌کند.<sup>۴</sup>

خوردن مرزه درمان روماتیسم می‌باشد.<sup>۵</sup>

مرزه از تخامه شدن و ترش کردن غذا جلوگیری می‌کند.<sup>۶</sup>

مرزه کرمهای معده و کرم کرده را ساقط می‌سازد.<sup>۷</sup>

پخته شده مرزه سودا را از بین می‌برد.<sup>۸</sup>

مرزه برای دفع ضرر نیشر حشرات مفید است.<sup>۹</sup>

در میان کردها دم‌کرده آن را برای رفع اسهال، سرماخوردگی و زکام به مصرف می‌رسانند. مرزه اثر قاطع در دفع اسهالهای حاد و مزمن دارد. محلولات آن به صورت غرغره جهت رفع افتادگی زبان کوچک، احتقان و پرخونی لوزه‌ها مصرف دارد به علاوه حمام جوشانده آن را در دفع دردهای روماتیسمی، دردهای عصبی و همچنین تقویت جسمانی کودکان کم بنیه یا مبتلا به نرمی استخوان به کار می‌برند.

گل‌های کوچک و سفید یا گلی رنگ مرزه که در تابستان پدید می‌آید، وضع مجتمع، در طول انشعابات ساقه دارد. قسمت مورد استفاده آن شاخه‌های برگدار و گلدار آن است. قسمت‌های هوایی این گیاه که معمولاً در هنگام گل، چیده می‌شود و در سایه خشک می‌گردد، بوی معطر و اثر نیرو دهنده، تسهیل کننده عمل هضم، مقوی معده، بادشکن و ضد تزله دارد.<sup>۱۰</sup>

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۲، ص ۵۹۴.

۲- اسرار خوراکیها، ص ۲۳۹.

۳- همان، ص ۲۳۹.

۴- همان، ص ۲۱۸.

۵- همان، ص ۲۳۸.

۶- همان، ص ۲۳۸.

۷- همان، ص ۲۳۹.

۸- همان، ص ۲۳۸.

۹- گیاهان دارویی، ج ۲، ص ۶۰۰.

۱۰- همان، ص ۲۳۹.

## \* مروارید

مروارید را به عربی لؤلؤ و جمان و به ترکی اینچی و انجو و به هندی موتی و مکتا نامند.

مروارید دارای انواع مختلف می باشد و بهترین آن سفید، آبدار، صاف، براق مدور، غلطان بزرگ بحرینی و هرمزی و عمانی آن است. سوراخ کرده آن در طب استعمال نمی کنند.

اسحق بن عمران گفته که آن معتدل در گرمی و سردی و خشکی و تری است و خاصیت آن نفع جهت خفقان قلب هر نوع که باشد و مزیل خوف و فزع و جزع (بی تابی از ناتوانی) حادث از مره سودا است بهر آن که مصفی خون قلب و ملطف و محقق رطوبت چشم است چون دو دانگ سوده آن با هموزن آن نیات سفوف ساخته ناشتا بخورند و بالایش عرق بید یا عرق گاوزبان به قدر کفایت بنوشند جهت ضعف قلب حار نفع بخشد.

گویند: خوردن ساییده آن حابس نفت اندم و نزف الدم و رافع بدبویی دهان و ربو و جنون و مزیل غم و غصه و ضعف قلب و امراض آن و ضعف معده حار و جگر و کلیه و مفتح سدد احشاء و مفتت سنگ کلیه و مثانه و دافع یرقان سدی و حابس اسهال مراری و دموی و خون بواسیر و رافع حرقة البول و حیض است و فرزجه آن را در رفع حمل مجرب دانسته اند. گویند مضر مثانه و مصلح آن بسد، مقدار شربت آن تا نیم مثقال بدل آن صدف سفید شفاف است. از معلم اول ارسطاطالیس حکایت کرده اند که اگر مروارید کوچک یا بزرگ را محلول سازند حتی که مثل آب گردد، بر سفیدی عارض در بدن از برص و غیره که معالجین در مانده باشند طلا نمایند، در سه طلا آن را زائل کند.

و چون بدان آب سعوط نمایند جهت رطوبت چشم حادث از انتشار نفع کند و غیر محلول آن نافع جذام است. بعضی طریق خوردن آن چنین نوشته اند که بگیرند مروارید چهارده توله و در صلایه سنگ سماق با گلاب و عرق بید مشک تا دوازده روز بسازند تا اگر بر زبان نهند جرم آن محسوس نگردد پس بردارند و هر روز یک مثقال گرفته نصف

آن صبح ناشتا بخورند و بعد یک نیم ساعت طعام تناول نمایند و نصف آن قبل از غذا یک ساعت در شب بخورند و همچنین تا چهل روز به عمل آرند که قوت بدن و سائر اعضا و هاضمه و باه بسیار پیدا کند. و نیز در مورد تصفیه آن گفته‌اند: خوراندن درست آن به کبوتر یا مرغ و بعد از اندک زمانی آن را ذبح کرده از شکم آن برآوردن نیز باعث تصفیه است.<sup>۱</sup>

### \* مریم گلی

مریم گلی بوته‌ای است به ارتفاع ۲۰-۶۰ سانتی متر که قسمت پایینی آن چوبی است و قسمت بالایی ساقه‌های چهارگوش پوشیده از کرکهای قابل لمس دارد. گیاه بومی کشورهای مدیترانه است و در زمینهای سنگی می‌روید. به مقدار زیاد در باغچه‌ها کاشته می‌شود.

در طب مریم گلی را نیروبخش، مقوی، اشتهاآور، قاعده و ادرار آور و ضد تشنج و درد تشخیص داده‌اند.

پزشکی نامه می‌نویسد: مردم کرمان وقتی دچار درد دل و قولنجهای نفخ دار می‌شوند یک مقدار از شاخه‌های گلدار مریم گلی را با دست مالش می‌دهند و بعد آن را می‌خورند.

مریم گلی در موارد بیماریه‌های نورالژی، اختلالات عصبی معده، نازایی و ضعف اعصاب مصرف می‌شود و همچنین آن را در مورد اعمال کلیه‌ها و اختلالات دوران حاملگی به کار می‌برند. مریم گلی را می‌توان مانند جای دم‌کرد و می‌توان مانند سیگار از دودش استفاده نمود.

خانمهایی که دچار قاعدگی‌های سخت می‌شوند اگر دم‌کرده مریم گلی را مصرف نمایند به زودی احساس می‌کنند که این عارضه در آنها برطرف شده است خانمها باید ۱۵ تا ۳۰ گرم برگ خشک مریم گلی را در یک لیتر آب جوش ده دقیقه دم کنند و هر روز



دو یا سه فنجان از آن را بنوشند.

قسمتهای مورد استفاده این گیاه، برگهای آن است که دارای خاصیت خواب آور، مقوی، تصفیه کننده خون، قاعده آور و ادرار آور است. مقدار مصرف آن ۵۰ گرم گنهای تازه همیشه بهار در یک لیتر آب است که بنیاید ده دقیقه دم کرده روزی سه فنجان آن را قبل از هر غذای اصلی مصرف کرد.<sup>۱</sup>

صد گرم مریم گلی را در یک لیتر آب مدت ده دقیقه می جوشانند و اگر ما یا جوش پوست را با آن شستشو می دهند.<sup>۲</sup>

مریم گلی گیاهی دارویی است که در تبریز رشد می کند و در سطح خوبی نیز می توان از آن برداشت نمود. مهمترین اثر این گیاه در بیماریهای گوارشی، ورم زوده و آسم است. مریم گلی گیاهی از تیره نعناع است. از آن اسانسی به رنگ سبز و با بوی مخصوص تهیه می شود که در عطر سازی و مداوای بیماریهای مختلف مورد استفاده قرار می گیرد. این گیاه علاوه بر آن که اثر نیرو دهنده و مدر دارد، مصرف آن موجب تسهیل عمل هضم و ازدیاد دفع ادرار می گردد. مدتهاست که آن را جهت رفع ضعف مفرط، ضعف اعصاب و خستگی عمومی به کار می برند. این گیاه به حالت وحشی در نواحی مختلف آسیا و شمال آفریقا می روید ولی در کشور ما پرورش می باید.

از اسانس آن در تهیه محلولات حشره کش استفاده می شود. تکثیر این گیاه به وسیله دانه آن یا قلمه زدن، خوابانیدن یا تقسیمات سوش پایه های مسن صورت می گیرد.

پرورش این گیاه باید در زمین های اصلاح شده، قابل نفوذ، حاصلخیز، نسبتاً مرطوب و آماده صورت گیرد. هنگام برداشت محصول، برگ گیاه را در فاصله خرداد و تیر از ساقه جدا می کنند.

برگهای مریم گلی به سبب دارا بودن اسانس دارای اثر نیرو دهنده و به مناسبت واجد بودن تانن مقوی است و در موارد سوء هضم و همچنین رفع عرق شبانه مسلولین مصرف می شود.

اسانس این گیاه مایعی است زرد مایل به سبز و دارای بوی مخصوص و نیز دارای یک ستون به نام سائویل است.<sup>۱</sup>

### ترکیبات شیمیایی:

مریم گلی حاوی اسانس فرّار است. این گیاه دارای اثر ضد التهاب، بخصوص بر روی مخاطها است.

یک پیشاب آور ملایم است و همچنین ترشح عرق بدن را کنترل می کند. مقدار زیاد آن سمی است. گردش خون را در اندامهای شکمی افزایش می دهد به خاطر وجود تانن این گیاه خاصیت ضد التهابی و قابض دارد.

### \* مریم نخودی

مریم نخودی را به لائینی TEUCRIUM CHAMAEDRYS، به عربی کمادریوس و طوقریون و به هندی موندی می گویند. طعم آن بسیار تلخ و گل آن بنفس و ریز است. محل رویش آن در سنگلاخها است. مزاج مریم نخودی در درجه دوم گرم و خشک است و مدر بول، حیض و نافع امراض طحال، سرفه کهنه، سختی بول، یرقان، استسقاء، یرقان سودایی، سوء هاضمه، گزیدگی حشرات، تب، بیخوابی و ضعف عمومی بدن است. مریم نخودی را به مقدار ۲۰ تا ۵۰ گرم در یک لیتر آب دم کرده مصرف می کنند.<sup>۲</sup>

مریم نخودی مقوی، تب بر و خواب آور است. اگر ۴۰ گرم آن را در یک لیتر آب دم کنند برای سوء هاضمه، گریپ و سرخک خوب است. دم کرده آن برای معالجه روماتیسم، برونشیت مزمن، اسهال و امراض عفونی نیز مؤثر است.

این گیاه حاوی اسانس فرّار و تانن است. فعالیت معده را تحریک می کند و در روده خاصیت ضد اسهالی دارد. به التیام زخم کمک می کند.

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۲۰۵۲.

۲- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۲، ص ۶۵۴؛ قانون، ج ۲، ص ۱۱۸۴؛ گلها و گیاهان شناختی، ص ۲۰۵.

معمولاً دم کرده آن را (نیم لیتر آب جوش را بر روی دو قاشق غذاخوری پر از گیاه خرد شده بریزید و بگذارید سرد شود) برای ناراحتیهای معده، بی اشتهايي و به ندرت اسهال مصرف می شود و برای مرض قند مفید است.<sup>۱</sup> مریم نخودی کوهی، جعده می باشد<sup>۲</sup> و از جعده از جابربن حیان روایت موجود است.

مریم نخودی گیاهی است از تیره نعناعیان که علفی و پایا است و ارتفاعش بین ۱۵ تا ۳۰ سانتی متر است.

این گیاه در جنگلهای نواحی مرکزی و جنوبی اروپا و شمال آفریقا و ایران می روید. و به نامهای طوقربون، کمادریوس، بلوط الارض، کمدریس، مقیفرون، مانداروی تلخ، رانداروی تلخ، برتنقه، یریلامودی، فولیون، خامادریوس، گل فتو، اریه و میریلیدی معروف است.<sup>۳</sup>

کمداریوس را به هندی موندی گویند و در حقیقت غیر از موندی است. طعم آن بسیار تلخ و گل آن بنفش و ریز و تخمش کوچکتر از انیسون است محل رویش آن در سنگلاخها است بعد از رسیدن باید همه آن را یکجا بکنند و نگهدارند.<sup>۴</sup>

کمداریوس معرب از خامادریوس است که به معنی بلوط الارض می باشد نباتی است که طولش به اندازه یک شبر است قوتش تا هفت سال باقی می ماند. در دوم گرم و خشک است. مدر بول و حیض و رافع امراض سپرز (طحال) و سرفه کهنه و قاطع اخلاط غلیظ است. و نیز نافع سخت آمدن بول، یرقان و شکاف عضله ها می باشد و مخرج جنین و استسقا است. ضمادش با عسل جهت زخمهای کهنه مفید است. خوراکش تا سه درهم است و در غذاها تا ۷ درهم، مضر معده و مصلحش کثیرا است. بدلیش غافث و سلیخه می باشد.<sup>۵</sup>

جالینوس می فرماید: کمداریوس (مریم نخودی) در سوم گرم و خشک است.

۱- گیاهان دارویی، دکتر عنی درگری، ص ۱۲۳.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۱، ص ۴۰۵۵.

۳- قوابلین کبیر، ص ۳۶۵. ۴- تحفه حکیم، ص ۲۲۴.

بازکننده، تکه کننده، لطافت بخش و گرمی رسان است. در روغن زیتون بجوشانند یا بسایند و گردش را در چشم کشند آب ریزی همیشگی چشم را علاج می نماید. سرفه مزمن را درمان است. کلفتی طحال را لاغر کند. داروی یرقان سودایی است، شربتش برای رفع سوء هاضمه بهترین دارو است؛ استسقا را در اولین مرحله علاج می نماید و هر چقدر کهنه باشد اثرش بیشتر است. ضمادش پادزهر حشرات ساقه است.<sup>۱</sup>

کمداریوس را شاخه ها باشد با شکوفه درهم شکسته، هر چه کهنه باشد بهتر است، کمداریوس و کماقیطوس مشابه هستند. بدلش غافث و اسقولوقندریون است.<sup>۲</sup>

مریم نخودی کشف یکی از پادشاهان یونان است. مریم نخودی را بلوط الارض و کمازریون و تریاک انگلیسی هم می نامند. گلهای آن از مرداد ماه باز می شوند و در این زمان باید ساقه گلدار آن را چید و در سایه خشک کرد. مریم نخودی مقوی، نیروبخش، تب بر و خواب آور است. مریم نخودی را به مقدار بیست تا پنجاه گرم در یک لیتر آب دم می کنند و برای انواع سوء هاضمه مصرف می کنند. دم کرده آن برای معالجه روماتیسم، برونشیت مزمن، اسهال، تبلی دستگاه هاضمه و همچنین در امراض عفونی مصرف می گردد و در این موارد یک قاشق دسرخوری مریم نخودی خشک را در یک لیوان آب جوش مدت ده دقیقه دم کرده و هر روز سه تا چهار فنجان میل شود.<sup>۳</sup>

از مشخصات این گیاه آن است که قاعده ساقه آن حالت چوبی شده دارد و به علاوه همیشه عاری از برگ به نظر می رسد. زنبور عسل از قاعده جام گل آن نوش بسیار شیرین و فراوان با طعم مطبوع به دست می آورد. قسمت مورد استفاده این گیاه، سرشاخه های گلدار آن است که بوی معطر ولی ضعیف و طعم تلخ و قابض دارد.

**ترکیبات شیمیایی:**

قسمتهای هوایی این گیاه دارای اسانس، یک ماده رزینی به رنگ زرد مایل به قهوه ای به نام توکریورزین، یک ماده تلخ، تانن، یک ماده رنگی و اسکوتالارین است.

۲- صیدنه، ج ۲: ص ۶۰۴

۱- قانون در طب، ج ۲: ص ۱۸۴

۳- گلها و گیاهان شناختی، ص ۲۰۵

### خواص درمانی:

سرشاخه گندار این گیاه بطور ملایم اثر نیرودهنده، مقوی، مقوی معده، مدر، ضد خنازیر، تب‌بر، ضد کرم و ضد عفونی کننده دارد. مصرف آن در مواردی نظیر تب‌های مخاطی و حصبه بعد از مرحله تحریکات، بیماریهای نفرسی که با ضعف قوای هاضمه همراه باشد، گریپ و بطور کلی بیماریهای عفونی که در آن داروهای مقوی با اثر قوی نتوان به کار برد، اثرات مفید و قاطع ظاهر می‌کند.

فرآورده‌های این گیاه چون دارای تانن به مقدار کافی می‌باشد، در رفع برونشیت‌های مزمن، نزله‌های مخاطی، اسهالهای ساده و به علت دارا بودن اسانس و مواد مؤثر دیگر، در ضعف عمل دستگاه هضم و کبد مفید است و می‌توان از آن در کم‌خونی دختران جوان و تأخیر وقوع قاعدگی ناشی از ضعف عمومی بدن استفاده به عمل آورد. در استعمال خارج، چون اثر ضد عفونی کننده دارد آن را بر روی زخمها و اولسرها اثر می‌دهند و محلول آن را در موارد جریان دایم ترشحات از بینی بالا می‌کشند یا به حالت تازه و له شده و همچنین به صورت گرد از آن استفاده به عمل می‌آید.

### صور دارویی:

دم‌کرده ۳۰ تا ۶۰ گرم گیاه در یک لیتر آب جوش به مقدار ۳ فنجان در روز، الکلاتور حاصل از اعضای گیاه در زمان گل دادن به مقدار ۳۰ تا ۵۰ گرم قبل از هر غذا.

### محل رویش:

در نواحی مختلف البرز، کرج، نواحی شمالی ایران، گرگان، جنوب رباط قره‌بیل، بین بجنورد و آزادشهر در ۱۲۰۰ متری، سیاه بیشه، پل زنگوله، کندوان، گیلان، ایسیلی بیلاق، رودبار، آذربایجان و یسظام یزد می‌روید.<sup>۱</sup>

## \* مس

مس، فلزی است قرمز رنگ که در ۱۰۸۳ درجه ذوب می‌شود و وزن مخصوصش ۸/۹ می‌باشد و پس از نقره بهتر از دیگر فلزات هادی گرما و الکتریسیته است. کاملاً چکش‌خور و قابل تورق و مفتول شدن است. قابلیت تورق این فلز به حدی است که از آن می‌توان ورقه‌های بسیار نازکی تهیه کرد که نور سبز به‌خوبی از آن عبور کند.<sup>۱</sup>

مس را به عربی نحاس و به یونانی طالیقون گویند. طلای آن جهت جرب و حکه و سستی بدن و رفع ماندگی و تحلیل اورام نافع است، اگر آن را در سرکه چند روز بگذارند، ضماد آن در رفع نزلات و سرفه و منع ریختن مو مفید است.

مس سوخته تند و تیز است و گیرنده و اگر شسته شود برای خاتمه دادن زخمهای تن مزمن بهترین علاج است و ناشسته‌اش برای تن سخت همین کنش را دارد. قسمت نازک و روشن و درخشانده‌اش به منظور دارویی مفیدتر است.

گرم و خشک است، موی را سیاه گرداند، گوشت زائد را می‌خورد، دید را قوت دهد، پلک سفت شده را نرم کند، اگر با (اندروماتی) تناول شود آب زرد بیرون ریزد و اگر به کام اندازند قی را تحریک کند. نباید خوراکیهای شور و تلخ و چرب و ترش و شیرین و از قبیل روغن و گوشت را در آوند مسین نگهدارند که مس حتماً زنگار دارد و زنگار قاتل سم است.<sup>۲</sup>

## \* مصطکی

مصطکی صمغ درختی است در بلاد روم و شام. جالینوس گوید: به رنگ سفید است و علك رومی گویند و رنگ سفید از آن را علك قبطی می‌نامند. یعنی مصری و روغن مصطکی را از علك سفید می‌سازند.

محمد زکریای رازی گوید: مصطکا نوعی است از صمغ و از اجزاء او و مقدار باقلا

۲- قانون در طب، ج ۲، ص ۲۳۵.

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۴۰۷۰.

بود و به رنگ آن باشد.

در اغراض صفحه ۶۲۵ گویند: معرب از مسطحی و به عربی علك الروم گویند. صمغ درختی است ریزتر از کندر. در تحفه گویند: به عربی علك رومی و به سریانی کیا گویند. مایرهوف م ۲۳۲ گویند: مصطکی معرب آن مصطکا گونه‌ای سقر که به صورت شیرابه‌ای بر اثر ایجاد شکاف از ساقه و شاخه‌های درختچه مصطکی خارج می‌شود و به صورت قطرات کوچکی در محل شکاف منعقد می‌گردد، قطرات سخت شده مصطکی به درشتی نخودی کوچک و رنگش زرد پریده و کمی شکاف‌دار است و بوی طعم آن ملایم و مطبوع می‌باشد و بر اثر جویدن به سهولت در زیر دندان نرم می‌گردد و به آن کندر رومی گویند.

مصطکی درختچه کوچکی است که ارتفاع آن در بیشه‌ها معادل یک تا ۳ متر است ولی در صورت پرورش یافتن در باغها و پارکها به ارتفاع حداکثر ۱۴ متر می‌رسد. میوه‌اش کوچک، مدور و به رنگ قرمز (پس از رسیدن کامل سیاه رنگ) است. این درختچه در نواحی مختلف مدیترانه و مجمع الجزایر یونان پرورش می‌یابد. در نواحی گرم، شیرابه‌ای به صورت قطرات کوچک از ساقه و شاخه‌های آن به خارج ترشح می‌شود که پس از خشک شدن، سفت گردیده تحت نام ماستیک یا مصطکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. رنگ آن زرد پریده و کمی شفاف (در صورتی که از غبار عاری گردد) و بو و طعم آن ملایم و مطبوع است.

### خواص درمانی:

نوع مرغوب مصطکی که به صورت دانه‌های کوچک است به مصرف جویدن می‌رسد. جویدن آن در تقویت لثه‌ها و خوش‌بو گردانیدن بخار تنفسی مؤثر است. از اساس آن جهت معطر ساختن بوی توتون، استفاده به عمل می‌آید.

ماستیک اگر با اثر مخلوط گردد به سهولت به حالت نرم درمی‌آید. از این جهت از آن برای پر کردن داخل دندانهای کرم خورده می‌توان استفاده به عمل آورد، زیرا با تبخیر اثر،

ماستیک به حالت انجماد یافته درون حفره دندان باقی می ماند.

در دندانپزشکی از ماستیک مخلوط با مواد دیگر در قالب گیری نیز استفاده به عمل می آورند. این گیاه در ایران نمی روید.<sup>۱</sup>

معلی بن قیس گوید، امام صادق علیه السلام فرمود: شانه زدن بر صورتها دندانها را محکم می کند و شانه بر ریش و بانه را می برد و شانه بر گوشه های صورت هم و غم سینه را می برد و شانه بر مژگانها امان است از جذام و شانه بر سر بلغم را می برد.

سپس آن حضرت داروی بلغم را چنین توصیف کرد و فرمود: یک قسمت مصطکی و قسمتی از گندز و قسمتی از سعتر و قسمتی از نانخواه و قسمتی از شونیز، از همه بطور مساوی کوبیده و صاف کرده و به هم مخلوط نموده و با عسل آن را جمع کرده شود، سپس هر روز و شب به اندازه سنگ فلاخن بخورد که به یاری خداوند تعالی فائده بخشد.<sup>۲</sup>

### \* مشمش

میوه آن سیاه یا ارغوانی تیره کروی به قطر یک سانتی متر و دارای چند وارینه و تحت گونه است و در جنگلهای شمال ایران از گرگان و رامیان تا آستارا انتشار دارد.

درختی است به بلندی ۵-۶ متر، میوه آن تخم مرغی به رنگ سرخ به طول ۱-۱/۵ سانتی متر. این درخت در ارتفاعات بختیاری دیده می شود. برای تکثیر زالزالک تخم آن را قبل از زمستان در لای ماسه می خوابانند و پس از کاشت آنها در خزانه نهالهای سال دوم و سوم را به محل باغ منتقل می نمایند برای به دست آوردن ارقام زینتی باید روی پایه زالزالک وحشی پیوند زد.<sup>۳</sup>

۲ - بحار، ج ۶۲، ص ۲۰۴.

۱ - گیاهان دارویی، دکتر علی زردگری، ج ۱، ص ۵۶۱.

۳ - معارف گیاهی، ج ۲، ص ۱۳۲.



## \* مُقْل

به ضمّ میم و سکون قاف و لام: به سریانی مُقلا و به رومی بذالبون و به عربی قفر و کور و به فارسی بوی جهودان برای آنکه جهودان آن را بسیار بخور می نمایند.

افعال و خواص آن: جانی و محلّل و ملین و با قوّت تریاقیت... جهت کزاز و درد گلو و سرفه رطوبی کهنه و تنقیه سینه از اخلاط نزرجه و ربو و ضعف جگر و تحلیل ریح آن و ریح بواسیر و خون منجمد در احشا و بواسیر و عسر ولادت و احتیاس حیض...<sup>۱</sup>

در کتاب طبی ادویه همدرد، مُقْل را در اردو گوگل و در انگلیسی بالسمودن درون موگل نوشته اند این را در داروهای مرض بواسیر، سوء هضم، ملین، علاج مرض لقوه، فلج اعصاب، سکنه، بواسیر خونی، درد شکم، مقوی جگر، علاج عرق النساء، روماتیسم، درد مفاصل و بزرگ شدن طحال استعمال کرده اند و بطور استعمال خارجی به طریقه ضماد برای تحلیل ورم درد بدن مرض خنازیر صاف کننده زخم با ادویه مناسب که نیز در این امراض فایده می دهد مخلوط نموده استعمال می شود.

نسخه معروف شرکه همدرد به نام معجون گوگل برای علاج مرض فلج لقوه، روماتیسم، درد مفاصل معروف است و نسخه معروف همدرد به نام مروح الارواح که بیشتر از دویست ماده دارو درست شده و برای قوت قلب و دماغ و باه و جگر و معده خیلی مفید است.

مُقْل جزء این نسخه معروف است و اضافه معجون مقْل برای بواسیر خونی و درد شکم مفید ذکر شده است.<sup>۲</sup>

مُقْل نیز به نام بوسویلا سیرادا نامیده شده است در غرب کوه هیمالیا و وسط هند حاصل می شود در آن منطقه این به نام سالائی و گوگل هم معروف است.

در جنوب هند آن را به نام کندر می نامند. اصل اسم گوگل در سانسکریت سالاکھی است. انواع مختلف از آن نوشته شده است لکن حکمای اسلامی بوسویلا سیرادا را به نام مقْل مخصوص گفته اند.

۱- مخزن الادویه، ص ۲۰۹.

۲- همدرد: ص ۱۰۲.

مشابه کندر است و بعضی اطبا و علماء انگلیسی با نام دادن مقل به کندر اشتباه کرده‌اند خواص آن ملین، علاج درد اعصاب روماتیسم، امراض بول، امراض جلدی که در آن امراض مختلف مشمول می‌شود مثل صاف کننده زخم علاج مرض خنازیر ذکر شده است نیز بطور داخلی مقل صاف کننده خون است.<sup>۱</sup>

مقل را در عربی به نامهای مختلف مثل مقل الیهود، مقل ازرق، مقل عربی، ققر و کور نیز می‌گویند. در سریانی مقلا در رومانی هزالیون، یونانی مادیقون، افلاطین، قدلیون، ترکی قاراء و فارسی بوی جهودان می‌نامند و در سانسکریت به نام گلوکال، نریاس، مهی، شاکش، کوشک، شوکمپ و غیر این اسما متعدد نامیده شده است.

در انگلیسی به نام گان‌گوگل، بیدلیم گام و ایندیان بیدلیم معروف است. در لاتینی آن را بالسمودندرون، موکل و امیرس آگولاچا می‌گویند. مقل صمغ درختی است که برگ آن مشابه درخت نیم (نیب) می‌باشد، گل آن کوچک، ۵ برگ، میوه آن به اندازه عناب است و این میوه را به هندی گوگلیا می‌نامند.<sup>۲</sup>

دوایی به نام بیدلیوم که از درخت بالسامودندرون موکل می‌باشد در هند حاصل می‌شود که از درخت مقل به دست می‌آید و این درخت دارای روغن فراری و رزین نیز می‌باشد.<sup>۳</sup>

## \* داروی مقدس

درختچه‌ای است به ارتفاع ۲ تا ۸ متر که بیشتر در اراضی سیلیسی نواحی مختلف اروپا و آسیا مانند فرانسه، ایتالیا، یونان، نواحی غربی اروپا، آسیای صغیر، قفقاز و چین به حالت وحشی می‌روید. به علاوه به علت دارا بودن برگهای سبز دائمی در بعضی نواحی پرورش می‌یابد.

از مشخصات این درختچه آن است که برگهایی صاف و شفاف به رنگ سبز تیره، با

۲. لاتانی لغات الادویه. ص ۲۳۱.

۱. فارماکوگوفیا، ج ۱، ص ۳۰۳.

۳. دستور بریتانی، ص ۱۱۱.

پهنک منقسم به تقسیمات ناهموار و خاردار دارد. گل‌های آن به رنگ سفید یا صورتی و مجتمع در کنار برگ‌هاست. میوه‌اش به رنگ قرمز مرجانی، به ندرت زردرنگ، به بزرگی معمولاً یک نخود و محتوی ۴ یا ۵ دانه است.

برگ این گیاه به علت دارا بودن تانن و ایلوسین، اثر مدر، ملین، مقوی و مخصوصاً تب‌بر، ضد تشنج و ضد روماتیسم دارد ولی مصرف آن بیشتر بر اثر خاصیت تب‌بر آن می‌باشد.

در رفع تب‌های توبه نیز نتایج مفید از آن به دست آمده است. میوه‌اش قوی آور، مسهل و پوست آن دارای اثر درمانی در بیماری صرع است. اگر میوه آن توسط کودکان بلعیده شود ایجاد ناراحتیهای شدید دستگاه هضم می‌نماید که ممکن است منجر به مرگ شود. اسم فارسی آن معلوم نیست ولی اسم انگلیسی این درختچه مقدس یا کوه مقدس نام دارد.<sup>۱</sup>

معربین خلاد گویند: امام ابوالحسن (الرضا علیه السلام) بیشتر اوقات مرا به این داروی امر می‌فرمود: در آن فوائد زیادی است و من آن را در مورد بادها و بواسیر تجربه نمودم به خدا مخالفت نکرد.

هلیله سیاه، بلیله و امله بطور مساوی همه اینها را کوبیده و در پارچه ابریشمی صاف سپس به همان اندازه بادام زرد را که نزد عراقیها مقل ازرق است، می‌گیری و وارد آب تره می‌نمایی که سی شب در آن گذاخته شود بعد این داروها را بر توی آن می‌اندازی و آن را سخت به هم مخلوط می‌نمایی تا با یکدیگر مثل خمیر گردد، بعد آن را مانند عدس قرص قرار می‌دهند و دستها را با روغن بنفشه یا روغن شب‌بو یا روغن کنجد روغن مالی می‌کنند تا نجسید بعد آن را در سایه خشک می‌نمایند، اگر تابستان باشد یک مثقال از آن را می‌خورند و اگر زمستان باشد دو مثقال و از ماهی و سرکه و سبزیها پرهیز کن که مجرب است.<sup>۲</sup>

### \* مغیلان

درختچه‌ای است با خارهای بی شمار از تیره یروانه‌واران و از دسته گل ابریشم‌ها که از آن نیز صمغ عربی به دست می‌آورند؛ به درخت صمغ عربی، درخت ام‌غیلان، طلح، افاقای نیلوتیک معروف است.

مغیلان اسم فارسی است و به عربی ام‌غیلان و عوام عرب آن را طلح و اهل بادیه سمرگویند. به سریانی قنیا، به هندی بیول و کیکر نیز نامند. به سبب بودن صمغ آن سرخ رنگ خون، جالینوس آن را شجره حائضه نامیده است.

آن درختی خاردار است و کشت آن اکثراً صحراها و دامنه‌های کوه است که دو قسم می‌باشد یکی بزرگ و دیگری کوچک.

قسم اول درخت آن کوچکتر از درخت سیب و میوه آن مانند خرنوب و ثمر این را با غلاف قرظ و سنط و غرب و عفف و عنصاة گویند و عصاره این را افاقیا و صمغ این را صمغ عربی نامند که جداگانه ذکر شده است.

قسم دوم درخت آن کم خار و بعضی بی خار است که به عربی آن را سلیم نامند. و ثمر این را نیز قرظ گویند.

تمام اجزای درخت سرد و خشک در دوم و بعضی گرم در دوم دانسته‌اند. قابض، مجفف، نافع ثوران خون و مانع خون و اقسام سیلان مواد مزمنه بدن از هر جا که باشد. سفوف برگ و پوست و گل خشک و صمغ آن هر چهار سال مساوی صبح ناشتا با آب سرد چند روز متواتر هر روز تا یک درم جهت رفع رقت منی و سرعت انزال و کثرت احتلام و جریان منی و سیلان رحم نافع است. فرزجه ثمر آن که آن را در آب جوش داده پارچه کرباس را بدان مکرر تر کرده خشک نموده قدری از آن را زن بردارد در نشف رطوبات و تنگی فرج به حدی است که به مرتبه بکارت می‌رساند.

جالینوس گوید: نوشیدن طیبخ آن با الخاصیت جهت درد معده و رحم و ریاح غلیظه و سیلان رطوبت از رحم نافع است. مصلح آن بنفشه است.<sup>۱</sup>

## \* مگس

مگس حشره‌ای است از راسته دویالان که در جنودهن دارای دو شاخک کوتاه است و دارای خرطومی است که رأس آن برجسته و اسفنجی است. از اقسام مگس‌ها مگس سبز و مگس گزنده و مگس سه‌تسه را می‌توان نام برد.<sup>۱</sup>

در حدیث پیغمبر ﷺ از عامه است که مگس اگر در طعام افتد جانب دیگر آن را نیز غوطه دهند، زیرا که در یک بازوی آن مرض است و در دیگری دوا و لهذا نفس خود را در آن می‌اندازد.

مزاج آن گرم و تر در اول و خاکستر آن سرد و خشک و آن قوی‌تر در تحلیل و تلین است و جاذب و منهوع و مقی و چون خاکستر آن را با غسل بر داء النعلب طلا نمایند موی برویاند و همچنین اگر مگس را محکم در آن موضع بمانند و چند روز ادمان آن نمایند و چون مگس را بر موضع برص ضماد کنند و در آفتاب نشینند و تکرار این عمل نمایند جلد را مقشر سازد و در آن فعل اطریلال قازیاعی کند.

اگر بر پارچه کتان مالیده ضماد کنند دردهای چشم و ریختن موی پلک را نافع و همچنین اکتحال سوخته آن و کذا ضماد ساییده آن محلل اورام چشم است و محمد بن احمد گفته که خوردن پخته و خام آن را هندیها جهت تقویت چشم و منع جمیع آفات چشم مجرب می‌دانند و فضله مگس را چون با آب و غسل مصرف کنند جهت خنای و ازاله مغص و قولنج مجرب یافته‌اند.

گذاشتن سر مگس سبز در احلیل باعث نعوظ قوی است و چون سر آن دور کرده بر گزیدگی زنبور و عقرب بمانند درد آن ساکن کند و جذب سم نماید. بوی پیاز عنصل کشنده انواع مگس است و گویند چون از برگ کدو بخور سازند مگس از آن موضع بگریزد و چون مگس بسپرد و بر آن خبث الحديد پاشند زنده گردد.<sup>۲</sup>

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۴، ص ۲۳۲۵

۲- محیط اعظم، ج ۴، ص ۱۱۰، تحفه حکیم، ص ۱۲۱.

### \* ملاس

ملاس ماده‌ای است که در جریان استخراج از چغندر قند و نیشکر پس از این که شیره قند غلیظ شده و از توربینها عبور کرد باقی می ماند.

ملاس یک شربت غلیظی است که بر حسب این که از چغندر قند یا نیشکر گرفته شده باشد بطور متوسط دارای ۴۵-۶۵ درصد قند است و در حدود ۱۰ درصد مواد معدنی و مقداری آمید و مقدار خیلی کمی مواد آلومینوئید دارد.

ملاس نیشکر از نظر مقدار قند خیلی از ملاس چغندر قند غنی تر است. بطور کلی که ملاحظه می شود ملاس سیاه از نظر مقدار آهن و پتاسیم تا حدودی کلسیم در ردیف پر ارزش ترین و غنی ترین منابع است.

ملاس خیلی ملین است به همین جهت در خوردن آن اسراف نباید شود در رژیمهای غذایی بیماری آرترایتیس (درد و التهاب مفاصل) مخلوط با گرد مخمر آب جو و شیر و خامه خورده می شود. ملاس را اگر مخلوط با علفه به گاو شیری بدهند ایجاد اشتهای فراوان کرده و در پروار کردن خیلی نتیجه بخش است البته در مقدار آن اسراف نباید شود، زیرا اسهال شدید می گیرند.<sup>۱</sup>

### \* ملاس سیاه

دکتر هاووزر عقیده دارد که ملاس سیاه دارای عده زیادی از ویتامینهای دسته B و مقداری سرشار آهن، کلسیم و املاح معدنی دیگر است. ملاس سیاه ملین است و برای کسانی که بخواهند تقویت کنند یا کم خونی خود را بر طرف سازند مصرف آن تجویز می شود.<sup>۲</sup> ملاس سیاه، قوت قلب می دهد.<sup>۳</sup>

۲ - گلپا و گیاهان شفا بخش، ص ۲۳۲.

۱ - معارف گیاهی، ج ۲، ص ۴۳۱.

۳ - گذرنامه برای یک زندگی نوین، ص ۱۵۰.

## \* من

من در عربی به معنای عطای خدا یا شخص می باشد و در انگلیسی و آلمانی مانا و در زبان فرانسه Mante گویند و به خوراکی اطلاق می گردد شیرین مزه که خدای برای قوم بنی اسرائیل در مدت ۴ سال راه پیمایی آنان می فرستاد و در داستانهای مذهبی ادیان مختلف آمده و از جمله در قرآن از من (شکرکی که به عقیده نویسندگان ترنجبین یا شیر خشت بوده است) یاد شده بدین مضمون که من و سلوی (مرغ بریان) را بر شما فرو فرستادم. «و انزلنا علیکم المن والسلوی»<sup>۱</sup>.

من چکیده شیرین مزه ای است با طعم ملایم و رنگ سفید یا زرد که بر روی ساقه یا برگ یا در ساقه برخی از نباتات در اثر گزش حشرات یا تیغ زدن (ایجاد شکاف در پوست درخت) یا در اثر تغییرات جوی یا خودبه خود ظاهر می شود و در فارسی به آنها شکرک گویند و در ترکیب شیمیایی این مواد، قندهای مختلف و الکلهای پلی مرف دیده می شود.

کلمه هندی سرکارا Sarkara می باشد که در زبانهای فارسی (شکر) در عربی (سکر)، انگلیسی (شوکر)، فرانسه (سوکر)، یونانی (سکخرون)، لاتین (سکخروم) و ... وارد شده است.

برای تهیه من (شکرک) احتیاج نیست مانند تهیه شکر و قند ار چغندر یا نیشکر به تغییرات و تبدیلات شیمیایی متوسل گردید، بلکه تهیه آنها بطور مستقیم از گیاه می باشد. شکرکها زیادند: بیدخشت، تباشیر، ترنجبین، سکرالعسر، شکر تیغان، شکر سرخ، شکرک زبان گنجشک، شیرزاد، گزانگبین، گزعلقی، شکرک زیتون، شکرک ارز (شجرة القطران) و ... که فقط اشاره مختصری به خواص آنها کرده به شرح بیشتر نوعی که مورد بحث است، می پردازیم:

بیدخشت یا بیدانگبین که در تابستان گرم از ساقه بعضی از درختان بید به دست می آید و در عربی به نامهای خلاف و صفصاف ثبت شده و نام فارسی از این جهت

بیدخشت گذاشته‌اند که بعضی گویند خشت فارسی صمغ است و صمغ بید یا بیدخشت در کشور ایران نواحی شمال و جنوب به دست می‌آید به اسامی: فک، فوکا، فیکا، فیک، وی، ویدار، سوگوت، بی، شویت و...

بیدخشت ۱۷/۴۴ درصد قند احیاء کننده (دکستروز) ۵۰/۰۸ ساکاروز، ۱۳/۲۶ مواد محلول در آب و ۱۹/۲۰ درصد انبساط‌دهندگی (تخفیف حساسیت و انقباض و التهاب و درد بطور موضعی دارد) و درد سینه و سرفه و خشونت صدا و مجاری تنفسی و انیام اورام دهان و... می‌باشد.

تباشیر از نوعی نی به نام خیزران یا نی هندی که تا ۲۵ متر می‌رسد با سوزاندن آنها به دست می‌آید مسکن التهاب و عطش و استفراغهای صفراوی به عقیده‌ای از خواص آن است و برخی در وبار زنان مؤثر می‌دانند.

سکرال‌عشر برای درمان سرفه و استسقا و تنگی نفس است که روزانه ده مثقال مصرف می‌شود و در ایران به دست نمی‌آید و از یمن و حجاز آورده می‌شود و در ترکیب مواد شیمیایی آن مواد قندی و تانن (مازو) است و رنگ آن سفید یا خاکستری و گاهی سیاه می‌باشد.

شکر تیغال که در اثر سکونت سوسک مخصوصی بر خار ویژه‌ای به دست می‌آید و نامهای شکر تیغال، تیهان، سعال، خارخرو، کک، آرگا، قیبری، یکین، جرداب، جردامه، چردام، خشیر، اخشیر، شکره و اخینوس به آن داده‌اند و در نقاط مختلف ایران به قراوانی با گل‌های گلوله‌ای مجتمع در انتهای شاخه با رنگ آبی و خوشبو می‌روید.

شکر تیغال ترکیب شده از ۲۴ درصد تره‌انوز (قند تیغال که یک دی‌ساکارید غیر احیاء کننده متشکل از دو مولکول گلوکز می‌باشد) ۲۵ درصد سلولز، ۷/۵ نشاسته، ۱۸/۵ موسیلاژ (نعاب نباتی)، ۱۳/۵ مواد سفیده‌ای، ۲/۸ خاکستر و اندکی کلروفیل و چربی و تانن با خواص: رافع سوزش مری و خشونت سینه و درد سینه و سرفه و برای صاف کردن صدا و خستگی گلو و معده و اینت مزاج و امروزه نیز آن را داروی خوبی برای سینه می‌دانند.



شکر سرخ که برخی آن را جزء شکرکها نمی دانند به نامهای، شکر نیشکر، شکر مازندران که ساکارز قسمت اعظم آن را تشکیل داده و محتوی ویتامینهای گروه B و خواص آن می باشد.

شکر زبانگنجشک: که به صورت قطعاتی به فروش می رسد نوعی طعم و بوی شبیه عسل دارد که در آخر شیرینی اندکی تلخ مزه به نظر می رسد و نوعی که ریزتر و تندتر است و نوعی آخر که تخمیر نیافته و کمتر مصرف دارویی انسانی دارد و در ترکیب شیمیایی نوع اول که خالص تر است ۱۰ درصد آب، ۲/۲ گلوکز، ۲/۵ فروکتوز، ۵۵ مانیت، ۱۲ مانثوتروز، ۶ مانثوتریوز، ۵/۵ رزین و ۱/۵ درصد املاح مختلف و مقدار کمی فراکتینوزید با خواص مسهل ی (۳۰-۶۰ گرم در بزرگان، ۵-۲۰ گرم در کودکان) گزانگبین یا گز خوانسار یا گزانجبین یا خشک انجبین که از گز مخصوصی که در شوره زارها می روید به دست می آید و حشره ای به نام کوکوس مانی پروس در ایجاد آن به وسیله نیش زدن دخالت می نماید.

برای به دست آوردنش پارچه هایی زیر بوته گسترده چوب به گیاه می زنند و آنچه در ده روز اول می ریزد زیاد و ناخالص است و بعد کم و خالص تر و همین گزانگبین است که در ساختن گزهای واقعی و اعلاهی اصفهان مصرف می شود.

در گزانگبین مقداری قند و موسیلاژ یافت شده برای نرم کردن سینه و لینت مزاج و شیرین کردن جوشانده های گیاهی و تنقیه به کار می رود.

گز علفی از نواحی درخت های بلوط به دست می آید که در لرستان مازو و کردستان پرویان گویند و روزهای گرم به صورت رطوبت روی برگ ها ظاهر و به زمین یا در ظرفی که گذاشته اند می چکد بصورت تکه های سبز رنگ شکننده که ۵۳/۲ درصد ساکارز و ۱۹ درصد قند تبدیل یافته و ۱۰/۳ موسیلاژ و ۱۷/۵ ناخالصی و بقایای گیاهی دارد و برای رفع درد سینه و تنقیه به کار می رود.

در کتاب صیدنه ابوریحان بیرونی آمده است که مجاهد و شعبی گویند: من نوعی از صمغ زجاج و اهل تفسیر گویند: من چیزی است که از درخت پیفتد از هوا و طعم او

شیرین است.

و نیز چنین گویند که مَنْ «ترنگین» است. در لغت عرب آقای فرّا گوید: هر چیزی که بر درخت «ثمام» و غیر آن بیفتد به شبه نم و طعم آن شیرین است و چون بیشتر شود منعقد شود به شبه «شکر» عرب او را مَنْ گویند.

و ابن ماسویه گوید: مَنْ «ترنگین» است و او چیزی به شبه «نم» بر درخت گز بیفتد و بعضی ترنقین گفته‌اند به شبه قیظا و نون و سبز می‌باشد و معدن او در زمین مصطارون و ملازگرد بر درخت «مورد» فرود آید.

ابن ماسویه گوید: چون آفتاب گرم شود، به واسطه حرارت از درخت و نبات و انواع میوه‌ها بخاری متولد می‌شود و متصاعد گردد لطیف به قوت تاری که از آفتاب متولد شده است و او را از زمین به هوا رسانیده است. او را در هوا بدارد و در مجاورت حرارت آفتاب عفونت و فساد او رفع شود و طبع او به شیرینی مبدل شود و غلظتی از او پدید آید و هرگاه که آفتاب غروب کند و به واسطه سردی جوهر آتشی قصد مرکز خود کند و تعلق او از اجزاء آبی منقطع شود خاک و آب روی به انحطاط و هبوط آرند، زیرا که طبیعت هر یک از عناصر آن که چون اجزاء جزوی دیگر که با او مرکب شده است غالب شود آن غالب قصد مرکز طبیعی خود کند.

پس به این معنی از ضی و مائی قصد مرکز خود کنند و بر هر موضع که بیفتد از خاک و نبات و غیر آن، پس از انواع نبات هر چه را قوت (محافظت بود) محافظت کند و به تدریج کثافت در روی زیادت شود. و چون حلاوت و کثافت در روی تمام شود او را عرب «عسل الطل» و مَنْ گویند. و پارسیان او را ترنگین گویند.

و هرچه از او بر درخت «بطم» و «بادام» افتد هم نیکو نبود و هر چه بر درختی افتد که به طبع و خاصیت نیک نباشد هم نیک نبود. به حسب اختلاف لغات در نام او اختلاف است. «الکماة بقیه المن» و این لفظ موافق است (مرآن) که از پیامبر اسلام ﷺ در ذکر «کماة» آورده‌ایم.

ارجانی گوید: ترنگین گرم است در درجه اول و در خشکی حلق و سر و سینه و شش و سرفه را دافع است و نفخ شکم و باد را تحلیل می‌کند. این خاصیت در وقتی متقارب بود به حسب تفاوتی که در درختی باشد که ترنگین افتاده است.<sup>۱</sup>

### \* مو

برگ مو برونشیت‌های مزمن را معالجه می‌کند و در مورد گریپ یا عفونت‌های روده، ضد عفونی کننده گرانها و پُر قیمتی است. مقدار مصرفی آن طبق متد دکتر گیلوردهاوزر متخصص نامی غذاشناسی چهار گرم برگ خشک آن در یک لیوان آب جوش دم کرده دو تا سه قتان در روز تجویز نموده است.<sup>۲</sup>

مر درختچه‌ای است که بوته‌اش دارای برگهای پهن و ساقه‌های نازک بلند که به مجاور خود می‌پیچد و بالا می‌رود، میوه‌اش که انگور است لطیف و شیرین، دانه‌های آن در خوشه قرار دارد، نارس آن ترش مزه و سبزرنگ است و آن را غوره می‌گویند. در میان گردان دم‌کرده برگهای آن را برای رفع اسهال، زردی، نازائی زنان و آب غوره را برای تصفیه خون و آب انگور را برای دفع یبوست و درد مفاصل به مصرف می‌رسانند.<sup>۳</sup>

قسمت مورد استفاده مو، برگ، شیره گیاهی و میوه آن است. برگ آن در طب عوام به عنوان تقویت دهنده، و در موارد اسهال مزمن، رعاف و غیره مصرف می‌شود. طعم آن قابض و کمی اسیدی است و آن نیز به علت وجود تانن و بی تارتات پتاسیم موجود در آن است.

ساقه این گیاه اگر قطع شود، شیره بی رنگ و زلالی از آن خارج می‌شود که سابقاً در بیماریهای جلدی مصرف می‌گردید.<sup>۴</sup>

۱- نحفه حکیم، ص ۶۷۱ ۲ گلپا و گیاهان شناختی، ص ۶۵

۳- طب سنتی در میان گردان، ص ۱۵۹

۴- گیاهان دارویی، دکتر عبی زرگری، ج ۱.

دم‌کردهٔ برگ خشک درخت انگور (مو) به مقدار بیست و پنج گرم در یک لیتر آب در مورد اسهال، حبس البول و یرقان تعیین گردیده به شکل محلول ورم چشم را معالجه و درمان می‌کند.<sup>۱</sup>

قسمت‌های مختلف درخت انگور مصرف طبی دارد. برگ آن مقوی، قابض و مدر است. دم‌کردهٔ آن را در اسهال و شکم روشها، خونریزیها، اشکال در دفع ادرار، نقرس، یرقان، ناراحتی‌های بلوغ و یائسگی زنان و برافروختگی صورت مصرف کرده‌اند. قطرات مترشح از شاخهٔ مو را که پس از قطع، به دست می‌آید «گریهٔ مو» خوانده و در بیماریهای پوستی، تبخال و بیماریهای چشم موضعاً و در دفع سنگهای کلیوی به شکل خوراکی تجویز می‌کرده‌اند. انگور را در بیوست‌ها، التهاب معده و روده‌ها، سیاه سرفه، سل، خنازیر، نقرس و کم‌خونیها مفید دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

گرد برگهای جوان و خشک شده مو، اثر زیاد در رفع خونرویهها مانند خونریزیهای رحمی و خون آمدن از بینی دارد. شیرهٔ جوانه‌های تازهٔ مو را پس از تبخیر، به کمک انکل به صورت عصاره درآورده مجدداً تبخیر می‌کنند.

مصرف شیرهٔ پیچکهای جوان و سبز مو، در رفع خونرویههای داخلی، مخصوصاً اخلاط خونی، اسهال یا دساتریهای خونی، در طب عوام معمول است. گریهٔ مو در رفع بیماریهای جلدی و نیز مصارف داخلی جهت دفع سنگ کلیه مصرف دارد.<sup>۳</sup>

### \* موجه

موجه گیاهی علفی: دارای ریشه ضخیم، دراز منشعب و ساقه‌ای به طول ۵۰ تا ۱۰۰ سانتی متر یا بیشتر می‌باشد.

۱- سبزهها و میوه‌های شفابخش، ص ۱۹۷.

۲- لغت نامه دارویی فائونجه، ص ۱۶۸.

۳- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۵۴۰.

در دشت‌های مرطوب، کنار مجاری آب و نواحی سایه‌دار تا ارتفاعات کم می‌روید. از مشخصات آن گیاه این است که برگهای بزرگ، بی‌گرک، بیضوی، نوک تیز و به رنگ سبز مایل به خاکستری دارد.

گل‌های آن کوچک و متعدد و میوه‌اش خورجینک، با ظاهری بیضوی مدور به طول ۲ میلی‌متر می‌باشد.

از تاریخچه مصارف درمانی این گیاه و نمونه‌های دیگری که بدانها اشاره شد چنین استنباط می‌شود که از این گیاه و گونه‌های دیگر آن در قرون قبل جهت درمان‌های استفاده می‌شده است ولی مطالعات مختلف، این ادعا را وارد نمی‌دانست چون این گیاه دارای اثر ضد اسکوربوت، نیرو دهنده، مقوی، مدر و تصفیه‌کننده خون است.

در استعمال خارج اگر له شده آن بر روی زخم و جراحات قرار گیرد، اثر التیام دهنده ظاهر می‌نماید به علاوه چون قرمز کننده پوست بدن است، به منظور ایجاد قرمزی در پوست و توجه خون به نواحی سطحی بدن، در موارد سیاتیک، روماتیسم و دردهای عصبی از آن استفاده می‌کنند.

در مصارف داخلی، در رفع عوارض اسکوربوت، خنازیر، آب آوردن، اختلالات هضمی، حالات عصبی و هیستری توصیه گردیده است. جوشانده آن در استعمال خارج، سابقاً در بیماریهای پوستی مصرف داشته است. ضمناً در طب عوام بطوری که شهرت دارد از اعضای این گیاه جهت رفع ناراحتیهای قلبی، ورم لثه، دندان منشأ کمبود یا فقدان ویتامین C و همچنین موارد مختلف دیگر استفاده درمانی به عمل می‌آید.

دم‌کرده ۳۰ تا ۶۰ گرم برگ در یک لیتر آب یا ۱۵ تا ۳۰ گرم ریشه آن در یک لیتر آب به مقدار نصف فنجان و سه مرتبه در روز به کار می‌رود. به منظور تهیه لوسیونها و کمپرس، با تأثیر دادن آن به حالت گرم بر روی ناحیه دردناک بدن در سیاتیک، استفاده می‌شده است. این گیاه در غالب نواحی ایران پراکندگی دارد. در منطقه البرز، اطراف کرج، کرمان، لرستان، کوه‌های ازاک، همدان، آذربایجان و اطراف مشهد و غیره می‌روید.<sup>۱</sup>

## \* مورچه

مورچه حشره‌ای است از راسته نازک بالان که تیره خاصی را به نام تیره مورچگان در این راسته به وجود می‌آورد. مورچه‌های یک لانه به سه دسته تقسیم می‌شوند. عده‌ای مورچه کارگر (خنثی) و تعداد کمی از افراد یک لانه مورچه‌های نر و ماده هستند که دارای چهار بال نازک می‌باشند. بالغ بر ۲۰۰۰ گونه مورچه تاکنون در روی زمین شناخته شده است.<sup>۱</sup> مورچه به عربی نمل و به ترکی قاریجه و به هندی چیونطی و بزرگ آن را چیونطا نامند.

بهترین آن بزرگ سیاه پردار است و همه اقسام آن گرم و خشک در سوم و با قوت سمیه است به قول نیاذوق مورچه بزرگ سیاه قبرها را چون با سرکه ساییده بر برص لطوخ سازند بعد از تنقیه ازالۀ آن نماید و خنازیر را نیز دفع کند.

به قول مهریارس چون مورچه را در روغن زیتون جوش دهند و آن روغن صاف کرده در گوش بچکانند رافع کری و ریاح و طنین آن است و چون بزرگ سیاه آن را صد عدد بگیرند و در نیم اوقیه روغن یاسمین انداخته سه هفته در آفتاب بگذارند بعد از آن بر قضیب و حوالی آن طلا نمایند نعوذ به سرعت آورد و عصب قضیب را سخت گرداند. خوردن یک درم آن مورث انبه است.

گفته‌اند چون کسی که خواهد چیزی در جایی گذارد و مورچه در آن نرود باید که در وقت گذاشتن جیبس نفس نماید و نفس نکشد مورچه در آن نخواهد رفت مادام که دست دیگری بدان نرسد و از اسرار مکتومه است که خوردن آن مورث سحج و گاه قبض شکم نماید شربتیی از آن ده عدد است و مصلح آن روغن آس و گویند خوردن آن موجب مغص و کرب و نفخ و ریاح و قراقر است و مصلح آن عسل و زیره است.<sup>۲</sup>

طلای مسحوق او مانع برآمدن موی چون بار اول قلع کرده باشند یک بار مالیدن رفع بروز او می‌کند.<sup>۳</sup>

۲- محیط اعظم، ج ۴، ص ۱۱۱.

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ص ۲۴۲۷.

۳- نغمه حکیم، ص ۲۵۷.

## \* موز

موسی صنعانی گوید: حضور امام ابی الحسن ثانی علیه السلام در منی رفتیم ابو جعفر را در روی پای خود نشانده و موز را پوست می کند و به ایشان می خوراند.<sup>۱</sup>  
 ابی سامه گوید: وارد منزل امام صادق علیه السلام شدیم ظرف موز را به نزدیک ما آورد و خوردیم.<sup>۲</sup>

دانشمندان می گویند که موز تقویت کننده نیروی تولید است؛ زیرا این میوه از وجود املاح کلسیم، فسفر، پتاسیم، آهن و منیزیم غنی است که در تأمین مواد معدنی مورد نیاز بدن نقشی عمده دارد. به علاوه ویتامینهایی که در سایر میوهها موجود است از قبیل ویتامین A، B<sub>1</sub>، B<sub>2</sub>، B<sub>6</sub> و C در آن نیز موجود است.

موز برای سوء هاضمه و یبوست و تقویت کودکان تجویز می شود و ارزش غذایی موز از لحاظ پیریدوکسین برابر یک جگر گوساله است و ارزش غذایی ویتامینهای گروه B آن را ملاحظه فرمودید که بالا است.

مواد بیاض البیضی موز انرژی ایجاد می کند و چون کلسیول و سدیم آن کم است برای کسانی که ناراحتی قلبی و کلیوی دارند مفید است. آهن موز دو برابر آهن در یک سیب و به آسانی مبدل به هموگلوبین می شود و آدمی را از کم خونی نجات می دهد.  
 موز به واسطه اینکه ویتامینهای غلیظ و متراکم نیست امتیاز دارد. وقتی پوست موز خال سیاه پیدا کرد، علامت آن است که مقداری از قند خود را از دست داده است.

به کودکان مبتلا به سوء هاضمه می توان موز داد. ارزش غذایی موز از لحاظ فسفر و آهن و کلسیم برابر ۴۰ گرم آرد سفید گندم می باشد، در صورتی که ید و کلر موز سه برابر ید و کلر آرد مذکور است و مس آن چهار برابر و منیزیم آن پنج برابر است. موز قلیائیت خون را بالا می برد.

موز خشک شده ویتامین C خود را از دست داده و فقط موز سبز و سیاه شده را نباید خورد.

۱- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۲۲۲

۲- معائن، ج ۲، ص ۵۵۵

بطور کلی موز بر دو قسمت است: نرم و سفت، نرم نوعی است که هم اکنون در ایران به فروش می‌رسد و نوع سفت که خرد و آرد کرده در آمریکای جنوبی از آن نان تهیه می‌نمایند.

برگ درخت موز پهن و دراز و به برگ اختر سی ماند و از رویدنیهای گرمسیری است. اندک غذا دهد و ملین است. زیاد خوردنش بندآور است و در بعضی مزاجها صفرا و بلغم زیاد کند. دارزی سوزش سینه و گلو است. بر معده گران است، ادرار بول کند، با گرده سازگار است و آب پشت را بیفزاید.<sup>۱</sup>

موز سرشار از ویتامین‌های A, B, C و قند به مقدار ۸۰ درصد تانن می‌باشد و نیز دارای آهن، فسفر، منیزیم، سدیم، پتاسیم و روی می‌باشد. برای اشخاصی که درد مفاصل دارند تجویز گردیده است.

اگر موز خوب جویده نشود در معده تخمیر شده، تولید گاز می‌کند باید خوب جویده شود برای کسانی که درد کلیه دارند باید مصرف کنند.<sup>۲</sup>

### \* موز بهشت

میوه آن به شکل خوشه فشرده متشکل از دهها موز درمی‌آید. ترتیب باردهی آن به این نحو است که پس از باردهی برگها و ساقه از بین می‌روند و از قسمت زیر زمینی گیاه یک ساقه دیگری متشکل از برگها خارج می‌شود که آن هم پس از میوه دادن به نوبه خود از بین رفته جای خود را به ساقه دیگری می‌دهد.

تکثر موز از طریق پاجوشهایی است که از ریشه آن می‌زنند و همین که این پاجوشها به ارتفاع ۸۰ سانتی متر رسیدند آن را جدا کرده و فاصله ۲-۳ متر دورتر از بوته مادر می‌کارند. موز بومی مناطق حاره خاور دور است و در جنوب ایران نیز ارقامی از آن کاشته می‌شود. میوه موز میوه‌ای است استوانه‌ای، دراز، قوسی، بسته به نوع موز به قطر ۳-۱۲ سانتی متر و به طول ۵-۳۰ سانتی متر.



در میوه موز معمولاً دانه رشد ننموده و وجود ندارد، از نظر نسبت پوست و گوشت میوه معمولاً در حدود ۴۰ درصد از موز را پوست و ۶۰ درصد را گوشت تشکیل می‌دهد.

### ترکیب شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی طبق تحقیقاتی که مؤسسه ملی قلب به عمل آورده در موز دو ماده عامل شیمیایی بسیار مقتدر به نام سروتونین (که عضلات نرم روده‌ها را تحریک می‌کند) و نوراپینفرین که برای معالجه برخی انواع بیماریهای قلبی به کار می‌رود، وجود دارد.

### خواص و کاربرد:

در طب سنتی هند موز نارس قابض است. علاوه بر دو ماده عامل مهم به نامهای سروتونین و نوراپینفرین که فوقاً ذکر شد در موز ماده دوپامین و یک کاتچورامین نامشخص وجود دارد.<sup>۱</sup>

### \* موسیر

گیاهی است از تیره سوسنی‌ها شبیه سیر که ریشه‌اش فقط یک پیاز درشت است. برگهایش باریک و دراز و گل‌هایش بنفش مایل به قرمزند. گل آذینش خوشه ساده است. در حدود ۴۰ گونه از این گیاه شناخته شده که همه در نواحی معتدل و مناطق بحرالرومی می‌رویند. برخی از گونه‌های موسیر را در باغ به عنوان گل زینتی نیز می‌کارند. پیاز این گیاه خوراکی است و در ترشی‌ها و اغذیه به کار برده می‌شود و بویش از سیر کمتر است. در تداوی جهت از بین بردن انقباضات دردناک معده و روده تجویز

می شود.<sup>۱</sup>

موسیر پیازی کوچک و خوردنی که شبیه پیاز ترگس، برگ آن شبیه برگ تره و گلش مانند بنفشه می باشد.

### خواص درمانی:

بادآور است، بر روی لکه های سیاه صورت مالیده و در مقابل آفتاب نشسته، سودمند است. اثر زخم را برده و دهان و زبان را زبر می کند. آن را با زرده تخم مرغ و سکنجبین بر زگیل مالیده، جهت علاج زخمهای شیری سودمند است.

ضماد موسیر با سرکه را برای چربی وسط ماهیچه و درد مفاصل و نقرس به کار می برند. اگر موسیر را تنها ضماد کنند، برای پیچش عصب، ترکهای ناخن و گوش مفید است.

جهت علاج سوره و چرکهای سر یا زرده تخم مرغ مخلوط و بر سر مالیدن مفید می باشد.

موسیر سرخ و شیرین با معده سازگار است و ضماد آن با غسل درد معده را تسکین می دهد ولی جهت مداوای درد معده موسیر تلخ بهتر است.

موسیر غذا را هضم می کند و اگر خام آن هضم نشود درد و پیچ شکم و نفخ ایجاد می کند.<sup>۲</sup>

## \* بصل المسک؛ بصل الذئب

گل‌های آن بر دو نوع، یکی سترون و دیگری زایا می باشند. گل‌های زایا که در قسمت پایین محور گل قرار دارند، به رنگ مایل به زیتونی یا قهوه‌ای روشن ولی گل‌های سترون به رنگ آبی مایل به بنفش اند. این گیاه و گونه دیگری از آن به نام *Muscari racemosum* Mill می باشد.

این دو گیاه مذکور اثر قوی آور و مدر دارند ولی چون آنها را مخلوط با انواع مشابه و غده‌دار به مصرف می‌رسانیده‌اند، قبول اثرات درمانی مذکور، صحیح به نظر نمی‌رسد. گونه M.comosum در نواحی شمالی ایران و گونه دیگر در منطقه وسیعی از نواحی غربی ایران، همچنین در دامنه‌های البرز می‌روید.<sup>۱</sup>

### \* موگه

تصفیه‌کننده خون، مقوی قلب و قوی آور است. مقدار استعمال آن در حملات عصبی قلبی ۲۰ تا ۳۰ قطره در روز به صورت تنطوره است. گل‌های موگه را نباید در اطاق خواب یا اطاقهای در بسته گذاشت، زیرا تولید ناراحتی‌های عصبی می‌کند. و همچنین نباید به بچه‌هایی که سن‌شان کمتر از چهار سال است موگه بخورانند. گرد موگه برای بند آوردن خون دماغ مفید است.

### \* مهر گیاه

گیاهی است از تیره بادنجانیان که علفی است و غالباً آن را یکی از گونه‌های گیاه بلادن محسوب می‌دارند. این گیاه دارای ریشه ضخیم و گوشتدار و غالباً دو شاخه است و شکل ظاهری ریشه شباهت به هیکل آدمی دارد (تنه و دو پا).

گونه‌های مختلف این گیاه در سواحل رودخانه‌های مناطق بحرالرومی به فراوانی می‌رویند خصوصاً در سیسیل و کالابری. اثر دارویی و درمانی این گیاه کاملاً شبیه گیاه بلادن است ولی با اثری شدیدتر.

گیاهی است از تیره بادنجانیان که پایا است و ارتفاعش بین یک تا یک متر و نیم است و در اماکن مرطوب و سایه‌دار مناطق مختلف کره زمین بخصوص نواحی مرکزی آسیا و جنوب اروپا و کریمه و قفقاز و آسیای صغیر و ایران به حالت وحشی و خودرو می‌روید. ریشه‌اش دراز و منشعب به تقسیمات دوتایی شبیه گیاه قلبی و حنایی رنگ است.

میوه‌اش به بزرگی گیلاس است. قسمت‌های مورد استفاده این گیاه برگ، ریشه و دانه آن است. قسمت‌های مختلف آن شامل آلکالوئیدهای مهمی نظیر آتروپین، هیوسیامین، بلادونین، آتروپامین و اسپاراژین می‌باشد.

این گیاه در نواحی شمالی و شرقی ایران به فراوانی می‌روید و در تداول عامه بیشتر به مردم گیاه موسوم است.<sup>۱</sup>

گیاهی علفی، عاری از ساقه و دارای ریشه قوی و منشعب به دو شاخه است. برگ‌های پهن و بزرگ دارد که از ناحیه یقه خارج گردیده، سطح آن را کاملاً می‌پوشاند. گنهای آن که در وسط برگها ظاهر می‌گردد، به رنگ سفید مایل به سبز است. میوه‌اش گویشتدار، به رنگ زرد و به بزرگی یک سیب می‌باشد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، ریشه آن است که مجموعاً دارای ظاهر یک انسان آویخته است. به رنگ قهوه‌ای، بوی تهوع‌آور، طعم تند و زننده دارد. کلیه قسمت‌های گیاه نیز دارای اثر مخدر و خطرناک است.

### ترکیبات شیمیایی:

قسمت‌های مختلف این گیاه دارای الکلئوئیدهایی است که مقدار آنها مجموعاً به ۰/۳۷ درصد می‌رسد.

قسمت اعظم این الکلئوئیدها را نیر هیوسیامین تشکیل می‌دهد که توأم با مقدار کمی هیوسین و الکلئوئید دیگری به نام ماندراگورین است. عده‌ای الکلئوئید اخیر را محلولی از هیوسیامین و هیوسین می‌دانند.

### خواص درمانی:

قسمت مورد استفاده این گیاه به علت دارا بودن هیوسیامین و هیوسین، اثر بازکننده مردمک چشم دارد. سابقاً از آن به عنوان نیرو دهنده قوه بیهوشی استفاده به عمل می‌آمده است. قدما آن را به عنوان مخدر به کار می‌برده‌اند. این گیاه در ایران نمی‌روید (در بعضی

۱- فرهنگ فارسی. دکتر معین. ج ۴، ص ۲۶۷.

کتب به نام مهرگیاه، وارد گردیده است).<sup>۱</sup>

تراوش مهرگیاه با عسل آب خقیف تناول شود، مراره و بلغم را بیرون می دهد اما اگر از یک اوقیه بیشتر باشد سمّ است. اگر آن را با گوگردی که آتش ندیده مخلوط کنند و فرزجه شود، خونریزی زهدان قطع می شود.

کسی که از مهرگیاه مسموم می شود عوارض هفتگی زهدان در او پیدا می شود و گونه اش سرخ گردد و چشمش بالا آید و باد می کند و توگویی مست است. در این حالت، علاجش روغن و عسل است و اگر استفراغ کند مفید است.<sup>۲</sup>

### \* میخک

میخک گیاهی است دارای شاخه های بلند و برگهای باریک و دراز: گلهايش درشت به رنگهای سرخ و بنفش و سفید در سر شاخه ها می روید و اقسام مختلف دارد، یک قسم آن بوته اش کوچکتر و دارای گلهای ریز و خوشبو، قسم دیگر آن دارای گلهای ریز بی بو است. در میان کردها از آن برای تسکین درد دندان استفاده می کنند.<sup>۳</sup>

میخک درختچه ای است که همیشه سبز است و در جزایر ملوک و آنتیل می روید و آن را در همان حال غنچه بودن می چینند و در آفتاب خشک می کنند.

میخک دارای بوی معطر و طعم تند و سوزنده است. در اغذیه آن را به عنوان ادویه استعمال می کنند. و چون دارای خواص مقوی، هضم کننده و معطر است، در طب پودر و تنطور آن را استعمال می کنند. اوژنول یا اسانس میخک مایع معطر و ضد عفونی و بی حس کننده است که برای دفع دردهای دندان و نیز رفع درد وقتی که مینای دندان فاسد شده و به عصب رسیده است و نیز در مورد بیماری سل آن را استعمال می کنند.<sup>۴</sup>

صباح بن محارب گوید: نزد ابی جعفر ابن الرضا (امام محمد تقی علیه السلام) بودم، گفتند: باد خبیث شبیب بن جابر را زده صورت و چشمهایش کج شده است. امام فرمود: پنج مثقال

۲- قانون در طب، ج ۲، ص ۱۷۶.

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۲، ص ۴۶۵.

۴- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۲۲۹.

۳- طب سنی در میان کردها، ص ۱۶۱.

میخک در یک قنینه (خُم) خشک می‌گذاری و سر آن را محکم می‌بندی، سپس به روی آن گل مالیده در تابستان به اندازه یک روز و در زمستان دو روز در برابر آفتاب می‌گذاری بعد آن را بیرون آورده نرم می‌کوبی، سپس آن را با آب باران تر می‌کنید مانند مالیدن عطر بر لباس بعد آن شخص به پشت می‌خوابد و این میخک کوبیده را بر آن طرف کج می‌مانند و تا آن وقت می‌خوابد که میخک خشک شود و پس از اینکه خشک شد خدا آن باد را برمی‌دارد و بر حالت اولی برمی‌گردد. صباح بن محارب گوید: ریفقان ما رفتند و این مزده را به شیبب بن جابر دادند، او نیز با آنچه امر کرده معالجه کرد و به بهترین حال به یاری خدا، برگشت.<sup>۱</sup>

میخک را به عربی قرنفل می‌گویند. میخک دارای بوی معطر و طعم تند و سوزنده‌ای است که آن را در اغذیه و دارو به کار می‌برند. میخک مقوی، هضم‌کننده، ضد عفونی و بی‌حس‌کننده است که از این جهت برای رفع درد دندان مؤثر و برای بیماری سل نیز خوب می‌باشد. میخک را به انگلیسی CLOVES و OGINIA CARYOPHLLATA می‌نامند و مزاج آن در درجه دوم گرم و خشک است و نافع بوی بد دهان، ضعف معده، جگر و طحال، سودا، فی، ضعف لثه و دندان، بادهای درونی، سکسکه، قولنج، سل و سرماش مقوی چشم است. میخک دارای ماده اوزنول می‌باشد.<sup>۲</sup>

به فارسی و ترکی میخک می‌نامند و آن شکوفه درختی است و اصل نبات او معلوم نیست و احدی مشاهده نکرده و مخصوص جزایر چین است که از ساحل دریا جمع می‌کنند و قسم نر او به شکل دانه زیتون و قسم ماده آن به شکل یاسمین است و سیاه تند بوی و با عطر قوی و تلخ در سوم گرم و خشک، مفتح، محلل، مقوی دل، معده، جگر، اعضای باطنی، دماغ، باه، هاضمه و مفرح و رافع فی می‌باشد.<sup>۳</sup>

گیاهی است یکساله که دارای برخی گونه‌های پایا نیز می‌باشد. برگهایش کشیده و نوک تیز و گلهایش معمولاً قرمز یا صورتی می‌باشد. یکی از گلپای زینتی است.<sup>۴</sup>

۱- طب الانسه، ص ۷۰. ۲- نحفه حکیم مؤمن: ص ۲۰۲؛ الحفردات، ص ۴۵۰.

۳- نحفه حکیم، ص ۲۰۲. ۴- فرهنگ داروهای، ص ۳۰۰.

## \* میعه

میعه عصاره درختی است که مثبت او در روم است و میعه دو نوع است. نوعی از او میعه سایل است و این نوع را عسل لبنی گویند و بعضی از او سپید و بعضی سرخ باشد. و نوع دیگر را میعه یابسه گویند، یعنی میعه خشک و او پوست نباتی است که به تازی او را لنی گویند و درست آن است که لبنی نام درختی است. و میعه چیزی است که به شبه صمغ از او سیلان کند. و سیلان و میعان یکی است. در لغت عرب میعه یابی به لون سرخ است و خاک خام است و در طعم او شیرینی به هم آویخته است. ابو جریج گوید میعه صمغ درختی است و او را با پوست از درخت جدا کنند و فشار دهند و آنچه از او به مجرد فشردن بیرون آید او را میعه سایله گویند.<sup>۱</sup>

عبدالله و حسین پسران بسطام گویند: احمد بن رباح طبیب گوید: داروی ذیل را بر امام عرض کردم برای درد پست و شکم راضی شد.

فرمود: لبنی عسل خشک و ریشه انجدان از هر یکی ده مثقال و از افتیمون دو مثقال هر یکی را جداگانه کوبیده از یک پارچه ابریشم و غیره صاف می کنید جز افتیمون که آن احتیاج به صاف کردن ندارد، بلکه تنها نرم کوبیده و همه آنها با عسل کف گرفته شده خمیر می کنند و موقع خواب هر شب دو مثقال با آب گرم سرد شده می خورند.<sup>۲</sup>

## \* میمون

میمون پستانداری است از راسته پرماتها (نخستینیان) و از دسته میمون ها که به واسطه داشتن صفات تکاملی بیش از سایر پستانداران (باستثنای انسان) متمایز است. اغلب گونه های آنها بدون پوزه اند و دارای پستانهای کاملاً سینه ای مشخص هستند. میمونها معمولاً به زندگی روی درخت عادت دارند و شکل دست و پای آنها شبیه دست انسان است و چون انگشت شست یاهای آنها مانند انگشت شست دست در

۱- فرهنگهای علمی و فنی، ص ۳۸۴.

۲- طب الاثمه، ص ۷۸.

مقابل سایر انگشتان قرار گرفته می‌توانند مانند دست‌ها اشیا را بگیرند.<sup>۱</sup>  
 بعضی نسناس را نیز از قسم میمون شمرده‌اند. در کشورهای غربی، چین و غیره  
 اقسام دیگری نیز وجود دارد.

در مزاج و خلقت و اکثر حالات قابل تعلیم است و اطبا اکثر دوائی مجهول الخاصیت  
 را که می‌خواهند تجربه نمایند که سمی است یا غیر سمی اولاً او را می‌خورانند به همان  
 سبب مناسبت به مزاج انسان مزاج آن گرم و خشک است. خون آن جهت منع رویدن  
 موی مجرب نوشته و خوردن آن گرماگرم باعث گنگی زبان در ساعت و از خواص آن که  
 چون پوست بوزینه بر درخت ثمردار که آن را خوف سرمازدگی باشد ببندند مانع از آن  
 آید و چون از پوست آن غربال سازند و هر غله را که در آن بریزند از آفات ملخ محفوظ  
 می‌ماند و گفته‌اند که میمون چون طعام مسموم را ببیند فریاد می‌زند و می‌ترسد.<sup>۲</sup>

### \* مشک

ضرب المثلی است که می‌گوید:

همانظوری که هرگز راز عشق پنهان نمی‌ماند همراه بودن مشک به خاطر بوی خوش  
 آن به دنبال هر کس پنهان نمی‌ماند. پس هم مشک و هم عشق همچون ماه در آسمان از  
 نظرها پنهان نمی‌ماند، اما به دلیل آنکه در زمانهای قدیم هم مشک و هم عشق عام بود  
 ضرب المثل بالا را در این باب آورده‌اند.

اگر زحمات بی دریغ مردم چین نبود هرگز مشک در حال حاضر وجود نداشت، اما به  
 دلیل همت این مردم از این ماده گرانبها که در حیات نعمت بزرگی است از آن حفاظت  
 شده است.

مشک دارای صفاتی است، از جمله آن که یکی از بزرگترین اعجوبه‌های قدرت است  
 و دیگر بوی خوش آن می‌باشد که در افعال و استعمال طب بسیار حیران‌کننده است. به  
 همین سبب است که از زمان قدیم تا به حال قیمت این ماده افزایش یافته است، و

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۴، ص ۴۵۰۸. ۲- محیط اعظم، ج ۱، ص ۳۶۶.



همچنین به علت نایاب بودن آن قیمتش حد و حسابی ندارد، ولی برای صاحبان ذوق نگر مثقالی از این ماده را هزاران تومان قیمت بگذارند باز در مقابل مشک مبلغی بی ارزش است و برای خرید آن آماده هستند.

در تاریخ هندوستان همچنان که خوانده‌اید، آورده‌اند که:

بعد از آنکه پادشاه همایون از شیر شاه شکست خورد و به سوی ایران رهسپار گردید، خداوند به ایشان پسری عطا نمود که اسمش را اکبر نامیدند. بعد از تولد طفل به خاطر به دنیا آمدن بچه‌اش شادمان و به دلیل شکستش پریشان بود. وقتی بزرگان برای مبارکباد به حضورش آمدند وی هیچ چیز نداشت که به عنوان هدیه به آنها ببخشد تا آنکه به یاد آورد که مقداری مشک دارد. پس آن را در بین حضار تقسیم کرد و یکی از آنها رو به همایون کرد و گفت:

اسید دارم همچنان که با عطاء این مشک گرانها در بین ما و اطراف ما را بوی دل‌انگیزی فرا گرفته است. اسم کودک تو همچون مشک در سراسر دنیا پخش شود. به خاطر این دعا بود که خداوند دعای وی را مستجاب کرد و کودک همایون بعدها به اکبر اعظم لقب یافت که در سراسر دنیا اسمش پخش شد و تاریخ او را به نام اکبر اعظم می‌شناسد و اروپا از او به نام اکبر دی‌گریت یاد می‌کند.

در تبت و نپال و چین و سنسله جبال گلگت (پاکستان) یک آهوی مخصوص وجود دارد که این آهو دارای جثه‌ای کوچک و همچنین قد کوتاهی می‌باشد همچون غزال. جنس نر این قسم از آهو دارای کیسه‌ای در جایگاه ناف می‌باشد که پر از مشک است به نام مشک نافه. شکارچیان این آهور را شکار می‌کنند تا این کیسه را بگیرند و مشک آن را به قیمت خوبی بفروشند.

به دلیل خواستن بیش از حد این مشک از طرف طرفداران آن و بر اثر کثرت شکار این نوع آهو؛ در حال حاضر این قسم آهو کمیاب یا ناپیدا می‌باشد. به همین خاطر در جنگلهای دور افتاده نپال تعداد قلیلی از این آهو وجود دارد ولی در گلگت مشک خالص وجود ندارد.

فروشنندگان مشک، مشک اصل را به همراه چیز دیگر به خریداران عرضه می‌دارند یعنی مشک خالص در بازار به فروش نمی‌رسد، بلکه چیزی شبیه به مشک فروخته می‌شود.

مشک در دنیای طب و تمام طریقه‌های علاج از مقام و منزلتی خاص برخوردار است، چون طب شیلی، طب یونانی، هوموپتی، آیورودک، طب چین و غیره، مشک از اهمیت خاصی برخوردار است که به‌عنوان یکی از داروهای قیمتی و مهم تلقی می‌شود. در طب یونانی مزاج مشک را در درجهٔ دوم خشک و در درجهٔ سوم گرم می‌گویند. برای تقویت قلب و مغز چیز بی‌نظیری است برای حراس ظاهری و باطنی خیلی مفید است. علاوه بر این امراض کلیه و قلب و تسهیل ولادت این دارو خیلی مهم است. در طب یونانی در بیشتر مرکبات مشک، جزئی مهم می‌باشد برای امراض قلب و برای تقویت اعضای رئیسه یک داروی معروف وجود دارد که اسم آن دواء انسک می‌باشد که جزء اعظم این دارو را مشک تشکیل می‌دهد (در عربی مشک و مسک گویند).

مشک در رشتهٔ ادویه سازی یک اهمیت دیگری دارد، چرا که مشک برای اعضای رئیسه دوائی مقوی است، علاوه بر آن افعال دیگر ادویه را مستعد و تیز می‌کند و محافظتی است برای دیگر ادویه، اثرات داروهای دیگر را هم استوار و هم اضافه می‌کند. در طب چین (که قدیمی‌ترین طب در دنیا است) مشک برای بیهوشی هم استعمال می‌شود و هم از راه دهان خورانیده می‌شود. محرکی برای اعصاب و اعضای رئیسه است که تسلیم می‌کنند در صرع و هستریا به‌عنوان دارو استفاده می‌شود علاوه بر این برای تشنج و حبس دم (سبب امراض بلغم)، زخم هاویه به‌خصوص زخمهای استخوانی دائمی برای علاج استفاده می‌شود.

در طب شیمی و هموپوپتی به شکل محلول (تنتور) در علاج امراض متعدد استفاده می‌شود ولی استعمال بنیادی این ماده در همان طب یونانی به‌کار می‌رود.

همان‌گونه که اشاره شد عده‌ای زیاد خواستار مشک بودند به همین دلیل آهوانی را که مشک داشتند شکارچیان با بی‌رحمی شکار می‌کردند و کم‌کم نسل آهوان رو به

کاهش می‌رفت تا آن‌که معالجه‌چینی چینی به علت احتیاج مبرمشان به مشک و نایاب شدن آن بسیار رنج بردند، پس به فکر افتادند که از نسل آهوی مشک‌دار محافظت نمایند و دیگر سعی کردند که آهوئی را که دارای مشک هستند در یکجا جمع و نسل آنها را افزایش دهند و هدف دیگر آنها این بود که آهو می‌تواند بدون آنکه بمیرد مشک را به آنها بدهد بدون آنکه او را بکشند یعنی با پرورش این نسل بدون کشتن آنها مشک را از آنها بگیرند.

و فکر آنها این بود که از یک آهو چند بار مشک بگیرند. قبل از این برای گرفتن یک کیلوگرم مشک صد و چهل آهوی نر را ذبح می‌کردند در سال ۱۹۵۸ میلادی اولین جایگاه برای آهوان در سلسله جبال تاپیه توسط کارکنان سازمان خرید و فروش پزشکی هیوشان وانهویه در این مکان ساخته شد.

چین شاونچنگ به اتفاق هفت تن دیگر و با کمک شکارچیان منطقه چند آهو را در جایگاه مخصوص جمع‌آوری کردند فکر آنها این بود که به دلیل وجود جایگاه طبیعی که هم آب و هم درخت در آن فراوان است آهوان در آنجا به آزادی زندگی می‌کنند و نسل آنها پرورش یابد، ولی این خیالشان اشتباه بود، در مدت سه سال عده‌ای از آهوان خود به خود از بین رفتند، عده‌ای دیگر به سیمهای خاردار دور جایگاه برخورد کرده و مُردند، عده‌ای دیگر با همدیگر جدال کرده و زخمی شدند و مُردند بعد از این اتفاق، این گروه دور هم جمع شدند تا علت این حادثه را بیابند و بعد از مشورتها، به این نتیجه رسیدند که این سبزه و گل و گیاهی که در چراگاه بود محوطه‌ای نمی‌تواند باشد که آهوان مشک‌دار را پرورش دهد چرا که بعد از چند ماه آنها را به جایگاه منتقل کردند آهوان کم‌کم از نزدیک شدن به انسانها ترسی نداشتند و نگهبانان آزادانه در جایگاه آهوان رفت و آمد می‌کردند و غذا را با دست خود به آهوان می‌دادند و به شکل گروهی زندگی کردن را یاد گرفتند و کم‌کم به صورت آهوی اهلی درآمدند، ولی چند ماه بعد یک مسأله پیدا شد که بیشتر آهوها یا غذا خوردن را ترک کردند یا آنقدر غذا کم می‌خوردند که وزن آنها کم می‌شد بطوری که چند آهو از گرسنگی شدند.

«چن» و رفقای آنها دوباره با شکارچیان رابطه برقرار کردند و سبب این بیماری را

پرسیدند. بازحمت و دقت زیاد معلوم شد که در این جنگل بیست قسم گیاه وجود دارد که جزو غذای این آهوان هستند که آن گیاهان نه تنها صحت را شامل می‌شدند بلکه برای نشو و نمو آنها احتیاج بودند. سبب این بیماری بر کارکنان معلوم شد آنها به بیابانها رفتند و گیاهان را پیدا کرده و آوردند و گیاهان را در چراگاه کشت کردند. به زودی گیاهان کشت شدند مطابق توقع آنها آهوان خوب شده و سلامتی به آنها بازگشت.

مشکل‌ترین ز پیچیده‌ترین مسأله که برای پرورش آهوان در آن چراگاه بود حل شد. مرحله دوم، نسل‌کشی بود. با یک شکارچی چهل ساله مشورت کردند و با مشاوره او کار را شروع کردند و کیفیت کار بدین طریق بود که از ۹ آهو شروع به نسل‌کشی شد که از ۹ تا به بیش از صد تا آهو رسید یک سال از سن آهوی نر می‌گذرد تولید و پیدایش مشک در آن کیسه شروع می‌شود وقتی سن آهوسه سال می‌شود نافه در آن آهو پر شده و بالاخره قابل استفاده می‌شود توی همین سن آهو را گرفته و مشک را جمع می‌کنند.

شکارچیان خیلی بی‌رحمانه مشک را از آهو می‌گرفتند چرا که فکر آنها این بود که بعد از گرفتن مشک آهو دیگر زنده نمی‌ماند به همین خاطر آنها را زنده ذبح می‌کردند و بعد مشک را از آهو می‌گرفتند ولی کارکنان آن جایگاه یقین داشتند که این عقیده اشتباه است بعد از مشک باید آهو زنده باشد تا بتوان چند بار از یک آهو مشک گرفت. برای تصدیق این حرف آنها با شکارچیان سابقه‌دار رابطه برقرار کردند بالاخره یک شکارچی پیر این حرف را تصدیق کرد.

او گفت که یک بار من آهوی جوانی گرفته بودم و نافه آن را درآورده بودم مقدار آن مشک ۰۲ اونس بود بعداً من یک نشان به آن آهو زدم و او را آزاد کردم تقریباً دو سال گذشت یک روز من آهویی شکار کردم همان آهویی بود که نشان مرا داشت دوباره کیسه را که باز کردم در آن مشک مجدداً جمع شده بود. مشک را وزن کردم ۰۴ اونس بود پس ثابت شد که می‌تواند به این طریق عمل کند و مشک را گرفته و باز مجدداً مشک حاصل کند. پس، از هر آهو توانست به دفعات متعدد مشک بگیرد.

**نتیجه‌گیری:**

اگر در تمام مناطق دنیا که آهوان مشک‌دار باشد می‌توان از روش بالا برای بهره‌برداری بیشتر استفاده کرد بدون آنکه هیچ‌گونه ضرری به آهو برسد.



حرف

ن



### \* ناشف (بسد)

بسد را به عربی ناشف می‌نامند و آن سنگی است سرخ و سوراخ‌دار که از خلیج فارس می‌آورند و آن را ریشه مرجان گویند. طعم آن بی مزه است. مزاج آن سرد در درجه اول و خشک در درجه دوم می‌باشد.

جابر بن حیان در رساله خود از بسد نام آورده است. بسد، مرجان، حجر شجری، پایه آهکی مرجان قرمز CORALL. ROUGE که جزو احجار کریمه است و در جواهرسازی مورد استعمال دارد.<sup>۱</sup>

به عربی ناشف سنگی است سرخ و سوراخ‌دار که از خلیج فارس می‌آورند و آن را بیخ مرجان گویند. ذائقه: بی مزه. مزاج: سرد یک درجه خشک دو درجه. بدلتش: دم‌الآخرین و برای حبس خون می‌باشد مقدار خوراک: از نیم تا یک گرم است. مصلحش کثیرا و طباشیر می‌باشد.

بسد «بدل مرجان» روایت از جابر بن حیان به عربی ناشف و قرفه نامند صاحب جامع از اسطاطالین نقل کرده که بسد و مرجان حجر واحد است غیر آن که بسد بیخ



متخلخل سوراخ‌دار است و مرجان منبسط می‌شود و چنانچه شاخهای درخت منبسط می‌گردد در مثل شاخها متفرق می‌شود و صاحب مخزن ذخیره می‌نویسد: آنچه مشهور است که بسد بیخ مرجان است صحت ندارد، بلکه سنگی است سرخ و دارای سوراخهای زیاد مانند: خانه زنبور ولی سوراخهای این از آن باریکتر و سخت‌تر و در سواحل دریای عمان و یمن و فارس و غیره در زیر آب پیدا می‌شود. و ابن سمنون گفته که بسد آن نبات بحری است و در جوف دریا می‌روید و چون از دریا برآورند و هوا به آن برسد سخت می‌گردد.

بهترین نوع آن سرخ شیخ اللون مثل سنگرف متساوی الاجزا بسیار شاخه‌ایش صلب شفاف بی‌رنگ است سرد و خشک است و آن قابض و مجفف است.<sup>۱</sup>

بسد: به تخفیف سین اسم خیری احمر است و به سین مشدده بلغت هندی اسم مرجان است و به فارسی بیخ مرجان و به عربی مرجان را قرون نیز نامند و معرب از قروالیون یونانی است و بیخ مرجان را به عربی نشف نامند

### خواص:

مقوی و مفرح قلب، قابض، حابس دم، مجفف، جلا می‌دهد با روغن بلسان مخلوط نموده در گوش چکانیده مسکن درد گوش است برای قوت چشم بسد را سرمه می‌کنند، گرد بسد سوخته در صاف کردن دندان استفاده می‌شود سیلان خون را در هر کجای بدن می‌بندد عین بواسیر خونی نفث الدم، اسهال خونی را نافع است در خفقان و وسواس هم مفید است. در بعضی از مرکبات یونانی که مخصوص اعصاب است این را مشمول نموده‌اند بعضی اطبا این را بیخ مرجان قبول نمی‌کنند.<sup>۲</sup>

برای کلیه ضرر دارد، مصلحش: کثیرا و طباشیر، بدلش: دم‌الاکوین، مقدار خوراکی: چهار گرم، نفع خاص: مفرح و مقوی قلب<sup>۳</sup> نسخه‌ای به نام جواهر مهره مقوی قلب و

۱- محیط اعظم، ج ۱، ص ۳۰۵.

۲- کتاب المفردات، ص ۱۲۹.

۳- بوستان المفردات، ص ۱۷۲ مخزن المفردات، ص ۷۲.

دماغ و جگر و تسیان و مقوی کل بدن و بسد را با ادویه مقوی دیگر در این نسخه ذکر کرده است که از نسخه های معروف است. نسخه های معروف که در دواهای معروف یونانی که بسد در آن است ذکر می کنیم: خمیره ابریشم، دواء المسک بارد، دواء المسک الحار، که معروفترین نسخه های مقوی دماغ و قلب هستند و نسخه ای دیگر به نام دواي اسود که محتویاتش صعتر و چیزهای دیگر است برای علاج زخمها صاف کردن خون داده شده است و نیز نسخه ای به نام سفوف محافظ جنین برای جلوگیری از اسقاط حمل به عنوان نسخه ذکر شده است و معجون بسد که مخلوط دواهای زیادی دارد برای علاج بواسیر ذکر شده است و معجون حالینوس اولژی برای قوت باه و حرکت باه بعنوان نسخه ذکر شده است و نسخه معجون کبیر به اسم مروح الارواح که تقریباً دارای دویست ادویه است که آن را مقوی مشهور دانسته اند، و یکی از نسخه ها به نام مفرح شیخ رئیس که دارای ماده بسد است از نسخه های معروف ذکر شده است. بالجمله تمام معجونهای مقوی و مفرح قلب و دماغ در کتاب همدرده، بسد در آن به کار رفته است.<sup>۱</sup>

شیخ نبی فرماید: بسد مشهور است و به رنگهای سرخ سیاه سفید یافت می شود. مزاج: سرد و خشک است. خواص: گیرنده است و نزیف را باز دارد بسیار شکافنده است گوشت زیادی را بزدايد، چشم را جلا و تقویت کند بویژه اگر سوخته آن را شستشو دهند مؤثرتر است رطوبتهای چشم را برمی مكد و در مداوای «دمعه» نافع است محلول آن در علاج اماس طحال نافع است داروی قرحه های روده است.<sup>۲</sup>

سرخ آن در اول سرد و در دویم خشک و مفرح و قابض و مجفف و قاطع نرف اندم و محلل خونی که در دل منجمد شده خصوصاً محرق او جهت وسواس و جنون و خفقان و صرع و ضعف معده و فساد اشتها و نفث اندم و اسهال دموی و سنگ مثانه و گرده نیز مجرب است.<sup>۳</sup>

۱- همدرده انگلیسی، ص ۹۹-۱۱۹-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۲-۱۳۲-۱۶۲-۲۵۰-۲۶۲-۲۸۵-۲۹۱-۲۹۳-۲۹۵-۲۹۷-۲۹۸.

۲ قانون در طب، بیطی سینا، ج ۲، ص ۹۹.

۳. نحفه حکیم، ص ۴۸؛ فریادین کبیر، ص ۱۱۳؛ الانبیه، ص ۶۳.

بسد و مرجان نوعی است از جواهر معدنی و لون او سرخ است.<sup>۱</sup>  
 مقوی و شادیبخش قلب، ضد اسهال، حابس خون و خشک کننده می باشد. چکاندن مخلوط آن با روغن بلسان در گوش مسکن درد گوش است. برای قوت چشم، بسد را سر مه می کنند، از گرد بسد سوخته، در صاف کردن دندان استفاده می شود.  
 سیلان خون را در هر کجای بدن می بندد یعنی بواسیر خونی، خون دهان و اسهال خونی را نافع است. در طپش قلب و وسواس هم مفید می باشد. و در بعضی مرکبات یونانی که مخصوص اعصاب است این را شامل نموده اند (بعضی اطبا این را ریشه مرجان قبول نمی کنند).<sup>۲</sup>

### \* نارگیل

اسم نارگیل در انگلیسی کوکونت از لفظ کوکوی پرتغالی گرفته شده است که معنای آن نقاب، برقه، پوشیده شدن یا چهره صنعتی گذاشتن می باشد و سبب این اسم این است که زوی میوه پوستی کلفت و روی پوست موهای زیادی می باشد.  
 در هند، در مراسم فراوانی شکانندن آن نیز مرسوم می باشد و در خوراکیهای فراوانی مثل شیرینی، بیسکویت، شکلات و کیک نارگیل مستعمل می باشد. روغن نارگیل را بطور مقوی سر و مو و مغذی استعمال می کنند.  
 مو را رویانیده و رنگ سیاه مو را حفظ می کند و تقریباً در هند همه مردم مالیدن روغن نارگیل را رسم می دانند. در اروپا نیز استعمال نارگیل با شیرینیهای فوق رایج است و روغن نارگیل صاف شده و معطر نیز بطور زیبا کننده و استحکام مو استعمال می شود.  
 از برگ و درختنگ نارگیل در صنعت استفاده زیادی می شود که اهل جنوب هند معیشت اقتصادی خود را از آن می گذرانند.

آب میوه ناپخته نارگیل مفید سلامت و سرد کننده و مفید در امراض بول است، شاخه درخت نارگیل مدر است و در طب محلی هند رایج است، غنچه های گل یا اول

تولید میوه را در هند بطور سبزی می‌خورند و آن را مقوی می‌دانند.

بیخ درخت بطور مدر در امراض رحم به کار برده می‌شود. روغن نارگیل بطور زیاد کننده موها به کار برده می‌شود و در میان مردم کاربرد زیادی دارد. خاکستر برگ درخت نارگیل دارای مقدار زیاد ماده پتاسیم می‌باشد که در دارو استعمال می‌شود. نیز آب تازه درخت بطور مدر و آرام و تسکین دهنده استعمال می‌شود. از خمیر کردن آب درخت آن الکل صنعتی تهیه می‌شود.

پوست میوه نارگیل را سوزانده و محلول غلیظی درست می‌کنند که برای امراض داءالحمیه (نوعی کچلی) و پوستی مشابه به آن نافع می‌باشد. در طب محلی از آن دارویی برای مرض لاغری و سوء هضم معده درست می‌کنند به این ترتیب: مغز نارگیل کوبیده نیم کیلو در ۹۶ گرم کمره مخلوط می‌کنند بعد آن را در ۲ کیلو آب نارگیل می‌جوشانند که محلول غلیظ درست می‌شود. بعد گشنیز، فلفل دراز، زیره، هل، دارچین، سیاه‌دانه، سعد کوفی، نی و نارمشک را از هر کدام ۱۳ گرم ساییده با آن مخلوط می‌کنند.

نارگیل را جوز هندی می‌نامند و در کشورهای گرمسیر می‌روید. میوه‌اش دارای بوی معطر و تندی است و مایعی دارد که شامل ۲۵ درصد روغن یک اسید و مواد نشاسته‌ای است و به عنوان ادویه در طب‌های استعمال می‌شود.

دکتر (گلیورد هاوزر) در کتاب «چه باید خورد و چگونه باید پخت» مصرف آن را در غذاهای مخصوص توصیه کرده است، زیرا جوز هندی علاوه بر این که غذا را معطر می‌کند، هضم کننده است و بطور ملایم نیز ملین است. در طب، روغن جوز هندی برای مالش عضو بیمار بخصوص در تسکین درد روماتیسم استعمال می‌شود.<sup>۱</sup>

نارگیل برای کسانی که بلغمی مزاج می‌باشند یعنی آنهایی که ترشح سیب آدم در بدنشان کم است خوردن این میوه مقوی بسیار نافع است و کسانی که مزاج گرم دارند یعنی ترشح سیب آدم در بدنشان زیاد است، بد نیست به شرط اینکه با آن میوه‌های

ترش میل نمایند.

خوردن آن مالخولیا و سستی مغز را درمان می‌کند. شیر نارگیل جهت مالخولیا، جنون و تقویت قوه باه مفید است.<sup>۱</sup>

خوردن شیر نارگیل و تخم مرغ در بیماری سیلان منی مؤثر است ولی باید تخم مرغ خیلی تازه باشد همچنین بیماری که آن را مورد استفاده قرار می‌دهد مبتلا به بیماری کبد نباشد.<sup>۲</sup>

### ترکیبات شیمیایی:

بورردوکوکو، مرکب از اترهای گلیسرین متشکل از اسیدهای مختلف لوریک، میرستیک، پالمیتیک، استئاریک، اولئیک، کاپروئیک، کاپریلیک و کاپریک است از این جهت با توجه به اسیدهای چرب محلول در آب و اسیدهای چرب فرار و غیر محلول، باید بورردوکوکو را یک ماده چرب شبیه کره گاو دانست.

در بورردوکوکو علاوه بر اسیدهای مذکور، اسیدی به نام اسید کوکسی‌ئیک نیز یافت می‌شود.

### موارد استعمال:

بورردوکوکو در برخی مناطق به مصارف تغذیه و روشنایی می‌رسد و چون به سهولت تند و دارای بوی ناپسند می‌گردد از این جهت سابقاً متحصراً در مصارف تهیه صابون یا شمع در اروپا می‌رسیده است. ولی در سال ۱۸۹۷ با از بین بردن عناصر فاسد شونده، موفق به تهیه نوعی روغن از بورردوکوکو شدند که برای مدتی طولانی بدون فاسد شدن باقی می‌ماند.

روغن تصفیه شده آن اخیراً فاقد بو تهیه شده و دارای قیمت کمتری از روغنهای حیوانی، کره و غیره می‌باشد که می‌توان به مصارف تغذیه رسانید و به علاوه در تهیه

بیسکویت به کار برد یا برای ساختن شیاف و پماد مورد استفاده قرار داد.  
از ساقه این درخت، بر اثر ایجاد شکاف، مایعی با طعم شیرین مطبوع خارج می شود  
که اگر تخمیر گردد نوعی سرکه، قند و غیره از آن به دست می آید.  
گیاه مذکور در ایران نمی روید.<sup>۱</sup>

### \* روغن نارگیل

روغنی است ثابت که به وسیله فشردن یا استخراج از دانه های کوکوس نوسی فرا از  
تیره پالمیه به دست می آید.

#### مشخصات:

روغن نارگیل مایعی است به رنگ زرد روشن تا بی رنگ در ۲۸-۳۰ درجه و در ۲۰  
درجه حرارت نیمه جامد است و در ۵ درجه سخت و کمی شکننده می باشد و مقاطع  
شکسته شده آن مشخص است. دارای بوی ضعیف و طعم نارگیل است.

#### ترکیبات شیمیایی:

روغن نارگیل حاوی مخلوطی از گلیسریدها است که ترکیبات کاملاً اشباع شده آن در  
حدود ۸۵ درصد می باشند. روغن نارگیل ممکن است دارای بوی نامطبوعی باشد که  
مربوط به وجود مقدار کمی اسید کاپریلنیک آزاد در آن است.

#### مصرف:

روغن نارگیل به مقدار زیادی جهت مصارف خوراکی، تهیه شوکولات و شیرینی به  
کار می رود و در صنایع لوازم آرایش جهت تهیه فرآورده های مورد مصرف مانند ساخت  
صابون، شمع و پمادهای دارویی متداول است.<sup>۲</sup>

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۱۴۵.

۲- اشرفیات پزشکی جدید، ص ۲۳۲.

### \* نارباچ

یونس بن یعقوب به حضور حضرت صادق علیه السلام رسید و ظرفی را که در آن نارباچ بود آن حضرت از آن خورد، بعد فرمود: باقی آن را هم برایم نگهدارید. دو مرتبه و سه مرتبه آن را آوردند، سپس خادم خانه آبی به رویش ریخت، حضرت فرمود: وای بر تو خرابش کردی.<sup>۱</sup>

یوسف بن یعقوب گوید: محبوبترین غذا نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نارباچه بود.<sup>۲</sup> ابی بصیر گوید: امام صادق علیه السلام از رنبیبه خوشش می آید.<sup>۳</sup> و آن حضرت می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله هسل و رنبیبه را دوست داشت.<sup>۴</sup> امام صادق علیه السلام از انواع غذاها نارباچه و رنبیبه را می خواست.<sup>۵</sup>

رنبیبه شوربایی را گویند که کشمش کوبیده در آن بریزند و اگر چنین باشد این روایت دلالت دارد بر جواز داخل کردن کشمش بر غذا.

### \* ناخنک (اکلیل الملک)

گیاهی است علفی، دوساله، به طول ۲۰ تا ۸۰ سانتی متر که در غالب دشتهای کنار جادهها، اماکن سایه دار، مخصوصاً اگر از جنس زمین آهکی باشد به حالت خودرو می روید. برگهای آن مرکب از ۳ برگچه دنداندار و گلپایش کوچک، به درازای ۶ تا ۷ میلی متر، به رنگ زرد و معطر است.

میوه آن به صورت نیام، بی گره، به رنگ مایل به سبز و محتوی یک یا دو دانه می باشد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، سر شاخه های گلدار آن است. از این جهت در موقعی که گلها در گیاه ظاهر می گردد سر شاخه گلدار آن را چیده پس از خشک کردن، در معرض استفاده قرار می دهند.

۲- همان

۱- محاسن، ج ۲، ص ۲۰۱، کافی، ج ۶، ص ۳۱۶.

۵- همان

۴- همان.

گیاهی است به رنگ کاه، به شکل هلالی با وجود تخلخلی که دارد تا اندازه‌ای سخت است. در درجه اول گرم و خشک است و عموماً مزاج مرکب دارد و گرمی آن از سردیش بیشتر است.

بدیگورس گوید: این گیاه دارای خاصیتی است که مواد زائد را آب می‌کند. این گیاه خودبه‌خود در علاج دمل‌های گرم و سخت نافع است و اگر آن را در آب حل و استفاده کنند سردرد را از بین می‌برد.<sup>۱</sup>

سربانی آن کلیلا، ملکا و فارسی آن را شاه بسه یا شاه افسر و ناخنک گویند.

گل‌های اکلیل‌الملک دارای خواص تشنج، مرهم سینه، قبض‌کننده و ضد عفونی‌کننده است و بوی ادرا را از بین برده، ترشحات آن را زیاد می‌کند و مجاری ادرا را ضد عفونی می‌نماید و در اسهال خونی و ورم روده و برای روماتیسم نیز مصرف می‌شود. این گیاه چون مسکن و خواب‌آور است آن را در تحریکات عصبی، انواع نورالژی، سرفه‌های عصبی و گاز روده‌ها استعمال می‌کنند و نیز برای معالجه نزله برونشها و ورم عقب حلق مصرف می‌کنند و هم برای معالجه ورم ملتحمه چشم خوب است. سی تا چهل گرم آن را در یک لیتر آب باید جوشانند و مصرف کرد.

اکلیل کوهی نیز مقوی، محرک، مصلح معده و قاعده‌آور است و در امراض رعشه، ضعف عصبی، حزن و اندوه، خستگی جسمی و روحی، میگرن، ورم کلیه، برفان ایض، خنازیر، ضعف و طیش قلب مفید است.

دم‌کرده برگ و گل اکلیل کوهی برای آسم و نفخ معده، سیاه سرفه، ترشحات کیسه صفرا، نارسایی کبد، امراض جلدی و مخلوط آن به روغن زیتون برای گرفتگی عضلات و کمپرس آن برای درد مفاصل خوب است.

در جنوب الجزیره گرد اکلیل کوهی را جهت ضد عفونی بر ختنه اطفال می‌ریزند و این گیاه از فساد گوشت هم مانع می‌شود.<sup>۲</sup>

ناخنک نباتی است که برگش مدور و درهم و شاخه‌های آن باریک، درشت، سخت و



بعضی منبسط بر روی زمین و گلش زرد و ریزه و بعضی بنفش و ثمرش مثل غلاف تخم ترب و هلالی شکل و در غلاف تخم مدوری ریزه تر از خردل و بعضی غلاف غیر هلالی مرکب القوی و حرارت و پوست آن در غالب، محلل، منضج، قابض، مجفف، ملطف، مقوی اعضا، ملین اورام، جهت صداع، شقیقه، حبس نزلات، درد جگر و معده و ضحال نافع است.<sup>۱</sup>

اکلیل الملک اسم عربی است و آن را صنایع الملک و ملکا نیز گویند. نباتی است که برگ آن کوچک، مدور، املس، سخت، مایل به زردی و شبیه به برگ صعتر و بهترین آن نو، زرد، سخت، مایل به اندکی سفیدی، تلخ طعم، خوشبو و کوچک تخم است و ضماد آن با سرکه و روغن گل برای تسکین صداع حار و نطول آب نیمگرم مطبوخ آن، دوار، صدر، اختلاج، سکت و نفوه را مفید است. گرفتن بخار آن در حمام هر شب و روز مانس با روغن آن، برای امراض زکوره، اختلاط ذهن، مالیخولیا و نسیان نافع است.<sup>۲</sup>

#### محل رویش:

گرگان، آلمه در ارتفاع ۱۶۸۰ متری، جنگل گلستان در ارتفاع ۹۰۰ متری، مازندران، دره هراز در ارتفاع ۲۱۰۰ متری، جنوب ایران، خراسان، تهران، نزدیک دربند، اوین، پای کوه توچال در ارتفاع ۲۲۰۰ متری، پس قلعه، چیتگر، کرج، کوده دشته در ارتفاع ۱۹۵۰ متری و آذربایجان در ۴۱ کیلومتری شمال شرقی میانه، زنجان و میانه می روید.

### \* نارمشک

در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام از نارمشک با سایر ادویه به عنوان نافع عطش استفاده شده است.<sup>۳</sup>

نارمشک را به انگلیسی MESUA FERREA می گویند و آن شکوفه گیاهی است

۲- محیط اعظم، ج ۱، ص ۱۸۹، قرآبادین کبیر- ص ۸۶

۱- نفعه حکیم: ص ۳۱

۳- بحار، ج ۶۲، ص ۲۰۶

شبيه به درخت کوچک انار و مزاج آن در درجهٔ دوم گرم و خشک است.

نارمشک مقوی قلب، جگر، معده و روده و نافع بیماریهای مالیخولیا، اسهال، خونریزی دهان، وسواس، بخارات و دیوانگی است و ضمادش زخمها را خشک و عرق را بند می آورد. مضر طحال است و مصلحتش غسل و مقدار خوراک آن ۳ گرم است.<sup>۱</sup>

اسماعیل بن جابر گوید: مردی به امام صادق علیه السلام از کثرت عطش و خشکی آب دهان خود شکایت نمود، امام فرمود: سقمونیا، هل، سنبل الطیب، شقاقل (هویج دشتی)، حب البلسان، نارمشک، سلیخهٔ مقتره، علك رومی، عاقر قرحا و دارچین، از هر یکی دو مثقال می کوبند و پس از صاف کردن با یکدیگر خمیر می گردد غیر از سقمونیا که آن جداگانه کوبیده و صاف نگشته به آنها مخلوط می شود، بعد ۸۵ مثقال فانید سجستان خوب و با آتش نرم در پاتیله می گذارند و این داروها را با آن مخلوط می نمایند سپس همهٔ اینها با غسل بی کف خمیر شده بعد در شیشه و با یک ظرف سفالی جمع می شود که در صورت احتیاج دو مثقال ناشتا با هر نوشیدنی که خواستی می خوری و موقع خواب نیز مثل آن. همچنین نارمشک در روایتی دیگر در موضوع بلسان نقل شده است.

در قانون به اسم سوریا مذکور است و به خراسانی کرم صوف گویند. تأویل آن به فارسی مشک انارست و به فارسی روئین پیچیده نیز گویند و به هندی ناککیسر خوانند که آن شکوفه، قشور و اقماع شبيه به بسباسه است، بلکه کمتر در سرخی مائل به زردی و خوشبو و با اندک زمختی شبيه ناردين در قوت و آن را ناغیب گویند.<sup>۲</sup>

نارمشک اسم فارسی شکوفه نباتی است سرخ مایل به زردی و از نخود بزرگتر و در شکل شبيه به نار کوچکی که گلش تریخته باشد و آن در خراسان زیاد وجود دارد و درخت او به قدر درخت انار در اول گرم و خشک و مانع صعود بخارات به دماغ و مقوی دل و جگر و معده و امعاء و منطف اخلاط و مانع تحلیل ارواح و جهت مالیخولیا و اسهال

۱ - محیط اعظم، ج ۴، ص ۱۲۵؛ قانون، ج ۲، ص ۱۲۳؛ تحفه حکیم مؤمن، ص ۲۵۲؛ لائانی ادویه، ص ۲۶۵.

۲ - بحار، ج ۶۳، ص ۲۰۶. ۳ - محیط اعظم، ج ۴، ص ۱۲۵.

و نرف الدم مقید است.<sup>۱</sup>

شیخ گوید: لطیف و گدازنده است، با معده و کبد سرد سازگار است و در این زمینه یا سنبل برابر است.<sup>۲</sup>

در طب هند صمغ آن بطور قابض و برای درد شکم استعمال می‌کنند و در مرض بواسیر خونی با روغن کره مخلوط کرده استعمال می‌کنند و برای سوختن پا نیز مفید است. پوست درخت آن دارای محلول ریزین به مقدار زیاد می‌باشد.

بمحض این که درخت شکافته شود مقدار زیادی محلول از آن خارج می‌شود. روغنی مخصوص در آن می‌باشد که از میوه‌اش حاصل می‌شود.

گیاهی است به صورت درخت کوچک در ابعاد درخت انار و معمولاً قسمتی از این درخت در طب مستعمل است. این درخت دارای چوب بسیار سخت و در عین حال خوشبو است و چون خوب صیقل می‌شود در تزئینات نجاری به کار می‌رود.

### ترکیبات شیمیایی:

در گلهای و غنچه‌های درخت اسانس روغنی فرّار و دو ماده تلخ یافت می‌شود.

### خواص - کاربرد:

از گلهای آن به عنوان قابض و از برگهای آن برای معالجه گزش مار و از گلهای خشک آن به عنوان دارو استفاده می‌شود و معمولاً برای تقویت مادران پس از تولد نوزاد تجویز می‌شود. از روغن دانه‌های آن روی موضع‌های ناراحت پوست و تحریک شده و تاولی می‌مالند!<sup>۳</sup>

۲- قانون در طب، ج ۱۲، ص ۲۳۳.

۱- تحفه حکیم، ص ۲۵۲.

۳- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۳۶۳.

## \* نارنج

درختی است به ارتفاع حدود ۴ تا ۵ متر از تیره مرکبات که منشأ اولیه آن را نواحی شمال هندوستان ذکر کرده‌اند ولی امروزه در غالب نقاط معتدل پرورش و تکثیر می‌یابد. شکوفه‌های گلهای تازه باز شده این درخت به نام بهارنارنج موسوم است. قسمت مورد استفاده این گیاه، برگ، گل و پوست خارجی میوه است. آب مقطر بهارنارنج در بی‌خوابیهای عصبی و به‌عنوان آرام‌کننده و ضد تشنج مصرف می‌شود.<sup>۱</sup>

نارنج معرب نارنگ فارسی است و به هندی کرنا نامند. به قول گیلانی این درخت به جمیع اجزای خود گرم و خشک است. ترشی آن سرد و خشک در دوم است، پوست آن مسخن، محلل رطوبات مغزی و مفرح قلب و نافع غشی و ضماد آن با سرکه جهت درد سر از سردی و گرمی مفید و بوییدن گل آن مقوی مغز و دافع باد سرد در آن و محلل زکام می‌باشد خوراک پوست خشک آن به وزن یک و نیم درم با آب نیم گرم نافع استفراغ و مغمص و اخراج کرم شکم در ساعت نماید.

آشامیدن آب آن با شکر مسهل صفرا و مسکن گرم آن و خون و مدر صفرا و رافع سستی بدن است. ضرر نارنج به اعصاب کمتر از سایر ترشیاها است و چون زن حمل آن نماید ادرار حیض خوب کند. ضماد پخته مهرای آن با پوست و مغز و تخم نافع جرب، حکه، جوشش سر و نرم‌کننده پوست بدن است. ریشه‌های باریک بیخ آن از داروهای سموم می‌باشد. عرق نارنج نافع درد سینه، خفقان، غشی، قولنج بادی و مقوی مغز می‌باشد. گذاشتن پوست و گل خشک آن در لباس مانع کرم زدن لباسها می‌شود. مقدار خوراک آن نیم مثقال با عسل است و بدن آن ترنج می‌باشد.<sup>۲</sup>

نارنج درخت کوچکی است که در مناطق با آب و هوای مدیترانه‌ای و نسبتاً مرطوب و گرم می‌زويد.

برگهای آن سبز شفاف بیضی شکل نوک تیز زیبا و اختلاف آن از نظر شکل با برگ

۱- فرهنگ فارسی. دکتر معین، ج ۴، ص ۴۵۶۳.

۲- محیط اعظم، ج ۴، ص ۱۱۳۶ قرابادین کیر، ص ۱۴۲۰، تحفه حکیم، ص ۲۵۳.

پرتقال وجود دمبرگ بالدار در محل اتصال دمبرگ با برگ است. گلهای آن درشت‌تر و زیاده‌تر و با عطر بیشتر از گلهای پرتقال و خوردن میوه آن برای مصارف عموم معمول نیست.

گلهای درخت نارنج، بهار نارنج نامیده می‌شود. بهار نارنج در حالت تازه دارای بوی معطر و مطبوع و طعمی پسندیده است ولی پس از خشک شدن، بوی آن ضعیف می‌گردد.

### خواص و کاربرد:

پوست زرد و شکوفه بهار نارنج گرم و خشک است و عصاره ترش آن سرد و خشک است و تخم آن با پوست سرد و خشک است. در عصاره ترش آن یک ماده لزجی وجود دارد که برای رفع ترشحات سینه و سرفه‌های گرم خوب است. عرق آن گرم و خشک است. از نظر خواص مقوی و فرح آور است و گرفتگی‌ها را باز می‌کند و درد سینه را تسکین می‌دهد.<sup>۱</sup>

نارنج میوه ترش مزه درخت نارنج است. پوست خارجی نارنج دارای مصارف دارویی است متنها باید بکلی از لایه‌های سفید رنگی که در زیر آن قرار گرفته، عاری باشد.

پوست نارنج دارای اثر مقوی معده، کم‌کننده ترشحات معده، ضد خونریزی و بطور خفیف صفرابر است. از پوست نارنج، شربت پوست نارنج تهیه می‌شود، به علاوه در فرمول شربت‌ی به نام رفورکمپوزه وارد می‌باشد.

پوست نارنج را معمولاً به قطعات کوچک درآورده به مقدار یک قاشق قهوه خوری در یک فنجان آب به مدت کوتاهی می‌جوشانند و سپس به مدت ۲۰ دقیقه دم می‌کنند. مقدار مصرف محلول حاصل، یک فنجان قبل از هر غذا است.

تیزان حاصل از ریشه درخت نارنج، اثر کرم‌کشی قوی دارد و در دامپزشکی می‌تواند

مورد استفاده جهت دفع کرم سگ، اسب و حیوانات اهلی مشابه قرار گیرد. درخت نارنج در نواحی شمالی ایران پرورش می‌یابد.<sup>۱</sup>

برای رفع سوراخ‌های ریزی که در پوست صورت بعضی از خانمها است، آب یک نارنج تازه را بگیرند و معادل یک فنجان حجم آن گلاب به آن اضافه کنند و هر روز صورت خود را با آن بشویند.<sup>۲</sup>

در برش عرضی جدار میوه نارنج، حفره‌های ترش‌چی متعددی در پارانشیم زیر بشره دیده می‌شود که در آنها اسانس ذخیره می‌گردد. در سلولهای پارانشیمی اطراف حفرات مذکور نیز بلورهای اکسالات کلسیم مشاهده می‌شود.

برگ نارنج اثر آرام‌کننده، ضد تشنج و هضم‌کننده دارد و معمولاً به صورت دم‌کرده ۵ تا ۱۰ در هزار مصرف می‌گردد.

در بعضی موارد، یک برگ نارنج تمیز را در یک فنجان آب جوش داخل کرده پس از چند دقیقه که مواد مؤثره آن در آب وارد گردید مانند جای مصرف می‌نمایند.

برگهای جوان درخت نارنج که بر روی شاخه‌های جوان آن ظاهر می‌شوند اگر در اول آذر ماه تا اواسط بهمن ماه چیده شوند و در سایه خشک گردند، در درمان سوء هضم‌ها بسیار مؤثر واقع می‌شوند که برای این کار، دم‌کرده برگها را باید مصرف گردد. برگهای جوان خشک شده اگر با دو برابر وزن خود، از پوست بیرونی نارنج مخلوط گردند و مقدار مناسبی از این مخلوط به صورت دم‌کرده، مصرف شود اثر نیرو دهنده قوای عضلانی داشته، حافظه را تقویت می‌نماید.<sup>۳</sup>

برگ و گل درخت نارنج برای اختلالات عصبی چون طپش قلب مفید است و نیز هضم غذا را آسان ساخته، کرم کش و عرق آور می‌باشد. پوست نارنج برای معده‌هایی که ترشی زیاد دارند بهترین داروی مؤثر است. مصرف آن معده را تقویت و اشتها را باز می‌گرداند. مقدار مصرف بهار نارنج یک قاشق سوپخوری در یک لیوان آب جوش است

۲- گلها و گیاهان سفابخش، ص ۶۸

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۲۸۴

۳- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۴۷۸

که باید آن را ده دقیقه دم کرده و هر روز دو تا سه فنجان از آن نوشید.<sup>۱</sup> مریای خلال پوست نارنج و غذاهایی که با خلال نارنج درست می شوند ضد کرم است و گاز معده را از بین می برد.<sup>۲</sup>

در طب گل، برگ، میوه، پوست و اسانس آن را در موارد مختلف مصرف می کنند چون دارای خواص ضد تشنج و درد، مقوی، خواب آور، معرق و تب بر می باشد و اختلالات عصبی را چون طپش قلب، هیستری، حالت صرع و حمله آنژین، دوپواترین را تسکین می دهد و هضم غذا را آسان می کند.<sup>۳</sup>

آب مقطر بهار نارنج درمان بیخوابی است و نارنج دارای ویتامین B,C,D می باشد.<sup>۴</sup> نارنج درختی است خوش منظر و دارای گلهای سفید خوشبو، از گل آن عطر و عقریه بهار نارنج می گیرند، در جاهای گرم به ثمر می رسد. در میان کردها از دم کرده و جوشانده پوست آن برای رفع ترشی معده استفاده می کنند.<sup>۵</sup>

برای مصارف دارویی، بهار نارنج را به حالت غنچه ناشکفته، هنگام صبح پس از آنکه ذرات شبنم خشک گردید از درخت می چینند و سپس به سرعت در تاریکی خشک می کنند.

بهار نارنج تازه در تهیه آب مقطر بهار نارنج و اسانس نرولی به کار می رود. همچنین خشک شده آن به صورت دم کرده و به عنوان ضد تشنج در بیماریهای عصبی مانند هیستری، ضعف اعصاب و نیز رفع سکسکه به کار می رود، به علاوه دارای اثر خواب آور ملایم، اشتها آور و رفع طپش قلب است. دم کرده ۲ قاشق سوپخوری بهار خشک شده در مقادیر کمی آب (به اندازه محتوی شیشه شیرخوری اطفال) اثر تسکین دهنده قوی در اطفال دارد و حتی درد ناحیه شکم را که موجب گریه کودکان شیرخوار می شود، مرتفع می سازد.

۱- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۶۷

۲- اسرار خوراکیها، ص ۱۵۳

۳- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۶۷

۴- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۶۶

۵- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۶۹

آب مقطر بهار نارنج از تقطیر بهار نارنج به وسیله بخار آب تهیه می شود. برای این کار از یک کیلو بهار نارنج و یک لیتر آب، یک کیلو آب مقطر تهیه می کنند.<sup>۱</sup>

آب مقطر بهار نارنج، اثر آرام کننده و ضد تشنج دارد. در رفع بیخوابیهای عصبی مخصوصاً در بیماریهای اطفال از آن استفاده می شود. همچنین جهت معطر ساختن پوسیونها، شربتها، قرصها و بسیاری از فرآوردههای دارویی به کار می رود.

آب مقطر بهار نارنج را به علت فساد سریع آن، نباید بیش از یک سال نگهداری نمود. همچنین در تهیه شربت رفع سرفه و تسکین ناراحتیهای سینه مورد استفاده قرار می گیرد.<sup>۲</sup> مصرف عرق بهار نارنج برای معالجه انواع سردرد اثر نیکوئی دارد.<sup>۳</sup>

بهار نارنج برای معالجه سیلان منی مؤثر واقع می شود.<sup>۴</sup> بهار نارنج شهوت را زیاد می کند.<sup>۵</sup>

#### ترکیبات شیمیایی:

وجود ویتامین B1 و ویتامین A در این گیاه تأیید شده است. گلهای تازه آن دارای اسانس روغنی به نام اوپل اف نرولی بیگاراد و عرق بهار نارنج است.

پوست نارنج دارای موسیلاژ، اسانس و سه گلوکزید به اسامی هسپریدین یا هسپریدوزید، ایزوهسپریدین و اورانتیامارین به مقدار ۱۰ تا ۲۵ در هزار (ماده تلخ) می باشد به علاوه دارای اسید هسپریک، اسید اورانتیاماریک، رزین و غیره است.

### \* نارنگی

درختی است کوچک پُرشاخه و پُربار، برگهایش باریک و نیزه‌ای، میوه آن کوچک، پوست آن نارنجی مایل به قرمز، در واریتی بمی پوست آن از میوه جدا می شود و شیرین است.

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، صفحات ۲۸۰ و ۲۸۱.

۲- همان.

۳- گلهای گیاهان شفا بخش ص ۶۸.

۴- ناتوانیهای جنسی ص ۱۵.

۵- اعجاز خوراکیها ص ۵۹.



### ترکیبات شیمیایی:

پوست نازک و دارای مقداری اسانس است. برگها و سرشاخه‌های آن نیز دارای اسانس می‌باشد.

### خواص - کاربرد:

میوه نارنگی ملین است و باعث افزایش نیروی جنسی می‌شود. قابض، مقوی معده، رافع قی و تهوع است. شکوفه‌های آن محرک است. از جوشانده برگ‌های نارنگی مانند سایر مرکبات برای شستشوی وزمها و کاهش درد آنها استفاده می‌شود. سایر خواص پوست آن کم و بیش نظیر سایر مرکبات است.<sup>۱</sup>

## \* نانخواه (زنیان)

### مشخصات:

میوه نوعی گیاه است که به فارسی زنیان و گیاه آن در کتب طب سنتی با نامهای انیسون بری و کمون حبشی آورده شده.

از طرف گیاه‌شناسان مختلف در زمانهای متفاوت نامگذاری شده است. این گیاه را در بلوچستان با نام هندی آن اجوان و همچنین اسپرکای می‌شناسند. توجه شود در برخی مدارک طب سنتی برای گیاه بادیان رومی نیز نام زنیان را می‌برند، با زنیان که در این بخش بحث می‌شود متفاوت است.

گیاه اجوان یکساله است بلندی آن کمی از زیره سیاه بیشتر و در حدود یک متر است ولی از نظر شکل و برگ و رنگ شبیه زیره سیاه است، ساقه آن پُر شاخه است، برگهای آن بریده بریده و نخی شکل می‌باشد، گل‌های آن کوچک سفید است، میوه گیاه که زنیان نامیده می‌شود کوچک تخم مرغی شکل به رنگ زرد تیره می‌باشد و در سطح میوه ۵

خط طولی نازک به رنگ زرد روشن وجود دارد، معطر و بوی عطر تیمول از آن استشمام می‌شود، میوه و ریشه آن در طب سنتی مورد توجه می‌باشد. این گیاه بیشتر در مزارع غلات و در پرچینها در نواحی مختلف اروپای مرکزی در آسیا هندوستان، ایران و مصر می‌روید در ایران در مناطق شرقی بلوچستان در هودیان و چاه قنبر می‌روید و نام محلی آن اجوان و اسپرکای می‌باشد.

### ترکیب شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی زنیان میوه گیاه دارای ۴ تا ۶ درصد بر حسب مناطق رویش اسانس روغنی فراز است که در حدود ۴۵ تا ۵۵ درصد آن را تیمول تشکیل می‌دهد، تیمول اسانس معطر و بسیار سبز است که در آن بخشها مشخصات و فرمول شیمیایی آن به تفصیل آمده است، ماده‌ای است ضد عفونی کننده، قوی و معروف در طب سنتی؛ به علاوه در اسانس زنیان ۱۵ تا ۲۰ درصد سیمن و بقیه آن آلفایی نی دیپانتن و... است.

### خواص و کاربرد:

تخم گیاه از نظر طبیعت مانند زیره‌ها گرم و خشک است و از نظر خواص ضد اسپاسم، تونیک، محرک و بادشکن می‌باشد و معمولا در تهیه مشمعهایی که برای تسکین درد به کار می‌رود. له کرده و کوبیده آن به عنوان داروی استعمال داخلی برای رفع بیماریهای معده و کبد و ناراحتی گلو و سرفه و روماتیسم تجویز می‌شود. زنیان منبع بسیار غنی از تیمول ضد عفونی کننده معروف است. در هندوستان از زنیان به عنوان ضد عفونی کننده و برای تقویت معده و همچنین به عنوان بادشکن و تونیک و برای قطع اسهال و رفع سوء هاضمه و دردهای حاد شکم یا قولنج و معالجه سوء هضم‌هایی که ناشی از ضعف و کمی نیرو می‌باشد؛ تحلیل گاز و نفخ و در مورد وبا تجویز می‌شود. از ریشه این گیاه نیز به عنوان مدر و بادشکن به صورت دم‌کرده مصرف می‌شود.<sup>۱</sup>

### زنیان یا نانخواه:

در طبیعت گرم و خشک است، در خواص آن نوشته‌اند: خشک کننده و ملین و محلل ریح، ضد گاز و نفخ، خوراک آن دو مثقال، آشامیدن آن ضد سم نیش حشرات، ضد معتادین به تریاک، آب جوشانده آن برای رفع اذیت عقرب گزیدگی سریع‌الاثراست. زنیان با سفیده تخم مرغ برای ناف برآمده و برای درد جمیع اعضاء و تحلیل اورام سرد و برای خون منجمد در زیر پوست نافع است.

مدربول، حیض، عرق و تریاک سموم و محلل ریح باد یا گاز رفع رطوبات و لزج جهت درد سینه و صلابت کبد و سپرز و درد باطن و آنچه دوی سمی مسهل و پاک کننده چرک و لزوجات سینه و جهت رفع عادت تریاک و برای عسرالبول و سنگ کلیه و مثانه و فی و غشیان و آروغ و تخمه و فساد اشتها، ضد سم و تبهای کهنه مفید است.<sup>۱</sup>

ناشنا خوردن زنیان ۲ مثقال جهت ازدیاد شیر مادر مفید است.<sup>۲</sup> آشامیدن دو مثقال زنیان تریاق سموم و نیش هوام جانوران، آب گرم زنیان برای دفع اذیت عقرب گزیدگی سریع‌الاثراست.<sup>۳</sup>

حضرت امام ابی الحسن علیه السلام فرمود: هر کس بخورد ماست بخورد که ضرر به وی نرساند به روی آن هاضوم بریزد گفتم هضم کننده چیست؟ فرمود نانخواه.<sup>۴</sup>

### \* نان

نان کامل با آرد سبوس دار تهیه می‌شود اثر ملین دارد ولی دیر هضم است. نانی که عاری از سبوس است ولی در هر حال مقدار کمی از آن را همراه دارد، علاوه بر ملین بودن، خوش طعم و مغذی است. ضمناً حاصل از قسمت خمیری وسط نان، مخلوط با آب یا شیر یا یک جوشانده لعابدار نظیر جوشانده پنیرک، ختمی یا دانه کتان، بهترین نرم

۱- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۲۰۶

۳ همان.

۲- راه نجات از سرگ مصنوعی، ج ۳، ص ۲۴.

۴- اصول کافی، ج ۶، ص ۲۸.

کننده است و می‌توان از آن جهت درمان آبسه‌ها، حالات التهابی ناشی از وارد آمدن ضربه و همچنین رفع جراحات، استفاده به عمل آورد.

کرم نان، که از جوشاندن ۱۲۵ گرم نان خوب به مدت یک ساعت در یک لیتر آب و له کردن، صاف کردن و مجدداً تحت اثر گرما قرار دادن (بطوری که غلظت حاصل کند) و سپس افزودن ۳۰ گرم قند و ۱۰ گرم آب بهار نارنج حاصل می‌شود، از اغذیه بسیار خوب به حساب آمده و برای دوران نقاهت بیماران توصیه گردیده است.<sup>۱</sup>

در حدیث از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فضیلت نان جو بر نان گندم مانند فضیلت ما اهل بیت است بر سایر مردم و هیچ پیغمبری نیست مگر آن که دعا کرده است برای خورنده نان یا آش جو و برکت فرستاده است بر او و داخل هیچ شکمی نمی‌شود مگر آنکه هر دردی که در آن هست بیرون می‌کند و نان و طعام جو قوت پیغمبران است و طعام نیکان و فرمود که داخل شکم صاحب مرض سل نمی‌شود چیزی که نافع تر از نان برنج باشد.<sup>۲</sup>

### \* نان قندی

در دهات فرانسه نان قندی را از تخم گزنه می‌پزند که با ای معالجه بچه‌هایی که شبها در رختخواب خود ادرار می‌کنند، مفید است با این نان آنها معالجه شده و این عارضه برطرف می‌گردد برای تهیه این نان باید بانزده گرم تخم گزنه را کوبیده و در شصت گرم آرد چاودار مخلوط کرده و کمی آب و عسل را به آن افزوده و خمیری از آن درست کرد و شش نان قندی از آن تهیه نمود و در پانزده روز، شبها آن را مصرف کرد.<sup>۳</sup>

۲- حلیة المتقین، ص ۴۶.

۱ گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۲۷۰.

۳- گلها و گیاهان شامبخش، ص ۴۵.

## \* نَبَق (سدر)

به فارسی کنار و به هندی بیر نامند و ثمر آن را به عربی نَبَق گویند. ماهیت آن: بزی و بستانی می باشد. بزی آن ثمرش کوچکتر و خوشبو و چاشنی دار به شکل سنجد و بعد از رسیدن سرخ و زرد رنگ می گردد و بستانی آن ثمرش بزرگتر و لذیذتر و خوشبوتر و شیرین است.

و در بلاد گرم مسیر بهم می رسد و بهترین آن بزرگ پر گوشت رسیده، شاداب و زرد رنگ یا سرخ رنگ آن است که دانه آن کوچک باشد و از سدر مراد برگ ساییده آن است.

## طبیعت:

ثمر آن در اوّل سرد و در دویم خشک و بستانی تازه آن سرد و تر و خشک آن سرد و خشک و میخوش آن معتدل و بعضی شیرین و آن را در اول گرم دانسته اند.

## خواص:

نارسی (کال) آن قابض و لزج و نفاخ و رسیده آن قلیل غذا و دیر هضم و صالح الکیموس و نیم رطل آن مسهل صغیراً از معده و امعاء مصفی حرارت غریبه و خوردن ترش رسیده آن مانع صعود بخارات به دماغ و رافع صفرا و تشنگی و آب شیرین آن مفتح سده و کشنده گرم معده و امعاء و مضر ببردین، مصلح آن سکنجبین و خشک آن قوی القیض و ضماد آن با شراب جهت نضح ورم حاره و تحلیل آنها به تنهایی نیز جهت تحلیل اورام حاره و نضح آنها به کار می رود خاک اره چوب آن در آخر اول سرد و در آخر دوم خشک و قاطع نرف الدم و رافع قرحه و اسهالی که از ضعف معده به هم رسیده باشد و دافع استسقاء است و صمغ آن در طلا جهت خواز نافع است.<sup>۱</sup>

من سدر هستم و میوه من کنار: اسم من کنار است و میوه درخت سدر می باشم میوه مرا در فارسی کنار و به عربی نَبَق گویند و کوهی من زال نام دارد که اعراب من را ضال

می نویسند. از میوه‌های خنک هستیم و از نظر شکل و خواص شبیه زالزالک می‌باشم جمع‌کننده معده و نرم‌کننده سینه بوده، میوه رسیده من ارزش غذایی زیادی ندارد، بلکه منافع من بیش از خاصیت غذایی من است.

۲۵۰ گرم میوه من مسهل صفر است، عطر را قرز می‌نشانم و میوه ترش من صفرابر بسیار خوبی است. آب میوه من بازکننده سینه و معده است و کشنده گرم نیز می‌باشم، میوه نارس من زیاد تانن را در شکم جمع می‌کند، اگر مرا خشک کرده و بعد آسیاب نمایید آرد من جهت اسهال و زخم معده مفید است. از مغز دانه‌های میوه من شیر بکشید، تب را پایین می‌آورم و حرارت خون و صفرا را فرو می‌نشانم.

اگر دانه مرا در گلاب بخیسانید و بعد بکارید میوه معطر می‌شود و اگر در عسل بخیسانید شیرین خواهد شد البته این موضوع به هیچ وجه صحت ندارد و از اشتباهات است خوردن خاک ازه چوب من از خونریزی معده جلوگیری می‌کند اسهال و استسقا را معالجه می‌کند ضماد برگ من و شستشو با آن جهت تقویت مو و جلوگیری سر از ریزش آن و تقویت اعصاب و از بین بردن شپش و شپشک سودمند می‌باشد.<sup>۱</sup>

سدر میوه‌ای است معروف شبیه به آلوچه و در هندوستان بسیار است و بعضی درخت را گفته‌اند و خشک است و قابض گویند، صمغ درخت آن موی را سرخ گرداند و بعضی گویند: عربی است.<sup>۲</sup>

سدر در لاتین: *cedrus libani*

فرانسوی: *cedre*

درختی است از تیره مخروطیان که شباهت زیادی به کاج دارد ولی از کاج بسیار تنومندتر و بلندتر می‌شود تا بیش از سه هزار سال عمر می‌کند شاخه‌های درخت سدر کشیده و دور از یکدیگر است برگش مانند کاج سوزنی و میوه‌اش هم شبیه کاج است. چوب درخت سفید و ضخیم و محکم است در برخی گونه‌ها چوب کمی سرخ رنگ هم می‌شود در چوب درخت سدر مقادیر زیادی صمغ وجود دارد که عطر مخصوص بدان

۱-۲. برهان قاطع، ج ۱، ص ۷۰۴.

۱- زبان خوراکی‌ها، ج ۱، ص ۲۰۰-۲۰۱.

می دهد و مقدار کثیری از این صمغ از تنه درخت هر ساله استخراج می شود و تحت نام من در تداوی به کار می رود.

سدر دارای گونه های مختلف است و مشهورتر از همه سدر لبنان است که بلندیش حدود ۴۰ متر نیز می رسد.<sup>۱</sup>

سدر لبنان بسیار زیبای و شیشه کاج است و شاخه های گسترده آن بطور افقی بالای هم قرار گرفته اند. سدر لبنان اسانسی دارد که خوشبو، ضد عفونی کننده و قابض است. این درخت را نباید با کنار که برگهای آن را برای شست و شو به کار می برند اشتباه کرد.

### خواص و طرز مصرف:

در مورد بیماریهای حادّ جلدی بسیار نافذ است معمولاً تنتور مادر آن را در روش همئوپاتی یا ژموتراپی که از خیساندن در گلیسرین به دست می آید به کار می برند. این تنتور برای مداوای اگزمای خشک بسیار مؤثر است و مقدار مصرف آن ۲۰ تا ۵۰ قطره در روز برای مدت طولانی می باشد.<sup>۲</sup>

## \* نخل

طلع را به عربی ضرب النخل و به یونانی خلبان و به فارسی بهارخرما نامند و آن شکره درخت خرما است.

بهترین آن برای خوردن و در تداوی از نخل نراست که در زمین شیرین روییده باشد. دانه های آن کوچک و پوست آن سفید و قبوضیت آن کم و تلخی نداشته باشد. سرد در درجه اول و خشک در دوم، مقوی معده و قابض طبع و مسکن حرارت و حدت خون و خوردن خشک آن به قدر نیم اوقیه جهت رفع تشنگی و اسهال و تبهای گرم و نفث الدم و نزف الدم نافع و دیر هضم و اکثراً آن مولد قولنج و سختی بول است و درد سینه و مصلح آن چربیها و گوشتها و شیرینیها و جوارشات مانند جوارشی کمونی و مربای زنجبیل و

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۸۴۶.

۲- آشنایی با گیاهان دارویی، ص ۶۳.

عسل و همچنین می باید که جوش کرده بخورند. رازی گفته که طلع مقوی معده و مجفف آن است.<sup>۱</sup>

درخت خرما از قدیم الایام مورد شناسایی مردم دورانه‌های قبل بوده است بطوری که مشخصات آن در دیواره قبور مصریان قدیم شرح داده شده است مردم بابل نیز از خصوصیات آن با اطلاع بودند و از میوه‌اش نوعی سرکه تهیه می کردند از فرمان تئوفر است طریقه آمیزش گل‌های درخت خرما که هر نوع آن بر روی یک پایه جای دارد قبلاً به آن اشاره شد.

پرورش درخت خرما امروزه به علت مغذی بودن میوه آن در غالب نواحی مساعد معمول است.

در صحیحین از ابن عمر نقل شده که: نزد پیامبر خدا ﷺ بودیم ناگهان مغز ریشه درخت خرما آوردند رسول خدا ﷺ فرمود: از میان درختها درختی هست همانند مرد مسلمان که برگش ریخته نمی شود بگویید بینم آن کدام است؟ مردم بسوی درختهای بیابان رفتند به نظرم رسید که آن درخت خرماست من چیزی نگفتم پیامبر ﷺ فرمود: آن خرماست به عمر گفتم در پاسخ من گفت کمی آن برایم بهتر است از زیادی چیز دیگر روی ابوداود فی سننه عن ابی بسر السلمیین قالوا: دخل علينا رسول الله ﷺ فقد مناله زبداً و تمرأ و كان يحب الزبد و التمر.<sup>۲</sup>

درخت خرما حمل نمود عجوه و عذق (شاخه درخت خرما) بود.

امام صادق علیه السلام فرمود: آنچه حضرت نوح علیه السلام در کشتی از درخت خرما حمل نمود عجوه و عذق (شاخه درخت خرما) بود.

درخت آن نر و ماده می باشد نر آن گل و خوشه برمی آورد ولی میوه نمی دهد، به خلاف ماده آن و در خوشه های گل هر دو نوع گرد می باشد و آن غبار را کشن خرما می گویند و در ابتدای ظهور خامی گرد نر را بر ماده می زنند و میوه آن بزرگ و شیرین و شاداب و تخم آن کوچک می گردد و از ابتدای پیدایش تا انتها و کمال رسیدگی میوه آن

۲- طب النبوی، ابن القیم، ص ۲۴۵.

۱- محیط انظم، ج ۳، ص ۱۹۳، تحفه حکیم، ص ۱۷۸.



هفت مرتبه مقرر کرده‌اند و هر مرتبه به نام خاص موسوم است: اول را طلع و لیغ دوم را بلخ سوم را حلال چهارم را بسر پنجم را قسب ششم را رطب هفتم را تمر می‌گویند.

عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس در یک روز هفت عجوه خرما ناشتا بخورد شیطان به وی ضرر نمی‌رساند.

از امام صادق علیه السلام منقول است که: هرکه خواهد که درخت خرما خوب بار آورد و خرمایش نیکو شود ماهی‌های کوچک خشک را بگیرد و نیم‌کوب کند و هر شکوفه اندکی بپاشد و باقیش را در کیسه پاکیزه کند و در میان درخت خرما جا دهد.<sup>۱</sup>

### محل رویش:

درخت خرما در نواحی مختلف ایران بخصوص در شهرهای: کرمان، بم، بلوچستان، اهواز، آبادان، قصر شیرین، خرمشهر، یزد و بعضی نواحی مرکزی ایران پرورش می‌یابد.<sup>۲</sup>

عربی نخل بری: *Phoenix sylvestris roxb.* طبی

در پاکستان استان سند و مولتان و پنجاب غربی و در کشورهای عربی بخصوص در مصر، عراق و حدود عراق و ایران گسترش دارد.

### \* نخود

گیاهی است از تیره سبزی آسها (پروانه‌واران) و از دسته پیچی‌ها که یکساله است و ارتفاع بونه‌هایش در حدود ۵۰ سانتی متر است. این گیاه دارای گونه‌های مختلف است.<sup>۳</sup> نخود اسم فارسی است و به عربی حمص و به ترکی بونچاق و به یونانی واریایس و به هندی چنه و سبز آن را بونط گویند و آن بری و بستانی می‌باشد. و نوع بستانی چند قسم می‌باشد: سفید و سرخ و سیاه و کرسنی. و بعضی گویند بری را کرسنی نامند.

۱- حلیة المتقین: ص ۳۰۵. ۲- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری دکتر عنی زرگری: ج ۳، ص ۱۳۸.

۳- فرهنگ فارسی، دکتر معمر، ج ۲، ص ۴۶۹۳.

شیخ الرئیس نخود سفید را گرم و خشک در اول نوشته است. نزد بقراط سبز تازه آن  
 در اول است. قوت آن تا سه سال باقی می ماند.

نخود سیاه نافع ورمهای گرم و سخت و ضماد آب پخته آن با غسل نافع ورم خصیتین  
 است و روغن آن نافع حکه و قویا است.

خوراک و مالیدن نخود نافع اعضاء سست شده و بیماریهای ناشی از سردی می باشد.  
 نخود را جویده و در چشم بگذارند ظفره چشم را نفع دهد. نخود بهترین غذا برای ریه  
 می باشد. البته بطور حریره بهتر است. خوراک آن نافع استسقا و یرقان سدی و کبدی،  
 مولد خون و چاق کننده بدن است، موقع پختن، آن را زیاد حرکت ندهند، زیرا دو ماده از  
 آن جدا می شود. بیز آب پخته شده بهتر از جرم نخود است.

نخود را باید در وسط غذا میل کرد تا خوب هضم شود. آشامیدن آب پخته نخود  
 سیاه با روغن بادام تلخ و روغن ترب و کرفس سنگ کلیه و مثانه را بشکند و اخراج جنین  
 نماید.

نخود منی را زیاد می کند. خوراک نخود تولید باد و نفخ کند. خوراک آب پخته اقسام  
 آن ملین شکم و مفتوح سدد کلیه است خصوصاً سیاه و کرسنی. گفته اند اگر یک مشت آن  
 را در سرکه بخیسانند و ظهر آن را میل نمایند گرم شکم را از بین می برد بخصوص نخود  
 بری.

خوردن برشته نخود که سرد نشده باشد جهت بواسیر خونی مفید و مالیدن انواع آن  
 نافع سردرد و زردی صورت و بی حسی اعضا و امراض مفاصل است. نخود مضر زخم  
 مثانه است و مصلحتش خشخاش است مولد باد و نفخ است و سنگین می باشد و  
 مصلحتش زیره و شبت و گلقد است. نوشیدن آب بعد از خوراک نخود خیلی ضرر دارد.  
 روغن نخود، گرم و خشک در سوم است، تند و با قوت نافذه و مقوی مو و باه است و  
 جهت تسکین درد دندان و لثه و دردهای سرد و جذام خیلی مفید است.

خوردن و پاشیدن آب نخود در زردون کک و مک و زیبا کردن رنگ مؤثر است. علاج

درد پشت است. جوشهای تر سر را از بین می برد. آب نخود را اگر ناشتا خورند در برخیزاندن ذکر بسیار قوی است. نخود گرفتگی کلیه را باز می کند.<sup>۱</sup>

نخود سبز مجاری ادرار را پاک می کند و برای سوزاک مفید است دارای فسفر، پتاسیم، آهن، نشاسته، قند و اسید فسفریک می باشد. نیروبخش، خون و اعصاب مغز را تقویت می کند.<sup>۲</sup>

خوردن نخود برشته تازه که سرد نشده باشد برای بواسیر خونی نافع است. نخود را یک شب در سرکه بخیسانید و صبح ناشتا میل کنید ولی در آن روز چیز دیگر میل نکنید برای کشتن کرم معده بسیار مجرب است در آب نخود جوشانده بنشینید برای اصلاح امراض مقعد و تنقیه رحم و اخراج کرم و شکم و مقعد بهترین دواست.<sup>۳</sup> نخود سیاه جوشانده میل کنید تحلیل باه است.<sup>۴</sup>

نخود سبز دارای ویتامین A, B, C می باشد و در حکم جارویی است که روده را از جمع شدن فضولات مسموم در آن پاک می کند.<sup>۵</sup>

خوردن آب جوشانده نخود با قدری نمک مقطع لزوجات و مفتوح شده و مدر بول خصوصی برای درد سینه و ریه نافع است.<sup>۶</sup>

اگر نخود را برشته کرده آن را بکوبند و پودرش را به بیمار مخصوصاً کودکانی که به اسهال مبتلا شده اند بدهند مدفوع آنان طبیعی گشته و شفا می یابند و جوشانده آن را هم برای رفع سنگ مثانه استفاده می کنند.<sup>۷</sup>

### مشخصات:

نخود گیاهی است که بوته آن کوتاه و دارای شاخه های نازک، برگهای ریز و گلهای سفید می باشد. این گیاه سرشار از ویتامین ها است، گیاهش دارای طعم ترش مخصوصی

۱- قانون در طب، ج ۲، ص ۱۵۵.

۳- راهنمای نجات از مرگ مصنوعی.

۵- اعجاز خوراکیها، ص ۱۳۱.

۶- راه نجات از مرگ مصنوعی، ج ۴، ص ۱۳۵.

۲- اسرار خوراکیها، ص ۲۴۰.

۴- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۱۵.

۷- رشته مروارید، ج ۴، ص ۹.

است. دانه‌هایش زهکش جگر، سپرز و کلیه است. ضماد آن اورام را نرم می‌کند و برای فرو بردن ورم بناگوش تجویز می‌شود. روغن آن مقوی مو و شهوت می‌باشد و جهت تسکین درد دندان و دردهای سرد و جذام بسیار مفید است. جوشاندهٔ دانهٔ نخود برای سنگ کلیه و مثانه توصیه شده است. زیاد خوردن آن برای رحم و مثانه زیان دارد.<sup>۱</sup>

### \* نخود فرنگی

گیاهی است یکساله یا دوساله دارای ساقه‌های مجروف و همین‌که بلندی آن از ۳۰-۴۰ سانتی‌متر تجاوز کرد احتیاج به قیم دارد. برگهای آن متناوب و مرکب پری زوج که انتهای آن دارای پیچک است. گل‌های آن در مورد ارقامی که مصرف غذایی انسانی دارند سفید و ارقامی که مصرف علوفه دارند، بنفش است. میوهٔ آن کپسول و دارای غلافی است که دانه‌های نخود در آن قرار دارند. دانهٔ آن گرد و کروی بدون لکه می‌باشد. نخود فرنگی غالباً به شکل نارس و سبز تحت عنوان نخود سبز خورده می‌شود.

#### ترکیبات شیمیایی:

دارای آلکالوئید تری‌گونلین است و در هر ۱۰۰ گرم خاکستر دانه آن حدود ۰/۰۲۶ میلی‌گرم آرسنیک وجود دارد به‌علاوه دانهٔ رسیدهٔ آن دارای روغنی است که خاصیت ضد هورمون جنسی دارد. خوردن زیاد روغن دانهٔ آن انسان را عقیم می‌کند و خاصیت ضد هورمون جنسی مرد را نیز دارا می‌باشد.

#### خواص و کاربرد:

از نظر خواص دارویی آرد دانه‌های رسیدهٔ نخود فرنگی نرم‌کننده است و برای تحلیل و نرم کردن ورم به‌صورت ضماد انداخته می‌شود.

در چین نخود فرهنگی به عنوان خنک کننده مورد توجه است و در موارد تب شدید تجویز می شود و به علاوه برای بیماری قند از آن استفاده می شود. در چین نخود سبز برای ازدیاد شیر نیز تجویز می شود.

طبق تحقیقات علمی جدید نشان داده شده است که نخود فرنگی سبز نارس که معمولاً به نخود سبز معروف است دارای عامل ضد پارویری است و در سالهای اخیر تلاش و کوششهای زیادی شده است تا این ماده شیمیایی خاص از نخود فرنگی استخراج و به صورت داروی جلوگیری از حامله شدن به بازار عرضه شود.

ولی توجه به این خاصیت نخود فرنگی این بود که در سالهای قبل یعنی در سال ۱۹۳۵ یک استاد دانشگاه هندی در تحقیقات خود در این باره مشاهده کرده بود موشهایی آزمایشگاهی نر و ماده که در رژیم غذایی آنها نخود فرنگی وارد کرده بودند هر دو جنس عقیم شده اند.<sup>۱</sup>

### \* نرگس

نرگس از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی ایران سرد و خشک است ولی با کمال تعجب در هند آن را گرم و خشک می دانند.

از نظر خواص حکمای طب سنتی معتقدند که فرح آور است و مقوی دماغ و قلب و برای رفع تبهای عفونی و ذات الجنب و زخمهای ریه، سل و اسهال گرم مفید است. غرغره آن با لگاب برای تسکین درد دندان کرم خورده و زخمهای دهان مفید است.

اگر با آب گشنیز و شرمه ساییده و مخلوط کرده و به چشم مالیده شود باعث جلوگیری از برآمدن دانه در پلک می گردد و اگر دانه برآمده باشد فروکش می کند.<sup>۲</sup>

نرگس دارای برگهای باریک و دراز به رنگ سبز و غبارآلود می باشد. گلهای آن معطر و به رنگ سفید مایل به زرد است.

به فارسی نرگس گویند و در کتب طب سنتی معرف آن نرجس آمده است. دارای

۱- معارف گیاهی، ج ۱، ص ۲۸۲.

۲- معارف گیاهی، ج ۵، ص ۸۹.

گونه‌های مختلفی است که معروفترین آن نرگس سفید است.

نرگس سفید دارای ۶-۴ برگ خطی باریک و دراز است که معمولاً همراه با گنجاها از ریشه یا پیاز گیاه بیرون می‌آیند. گل بطور گروهی ظاهر می‌شوند و دارای دم گل نامساوی بوده و به رنگ سفید مایل به زرد و بسیار معطر هستند.

قال رسول الله ﷺ: «شموا النرجس ولو في اليوم مرة ولو في الأسبوع مرة ولو في الشهر مرة ولو في الدهر مرة ولو في السنة مرة، فان في القلب حبة من الجنون والجذام والبرص وشمه يقلعها»<sup>۱</sup>.

پیغمبر خاتم ﷺ فرمود: گل نرگس را اگر چه در هر روز یک مرتبه یا در هر هفته یک مرتبه یا در هر ماه یا در مدتی یک مرتبه و یا در سال یک مرتبه بویید، زیرا در قلب یک دانه از جنون و برص هست که بوییدن آن این امراض را از بیخ می‌کند.

نرگس را به انگلیسی NARCISSUS TAZHITA، به عربی نرجس و به یونانی نینوس می‌نامند. مزاج پیاز آن گرم و خشک و تخمش گرم و تر است. نرگس نافع کثیفی رحم، کرم شکم، زخمهای بیرونی و درونی، زکام، درد زهدان و مثانه و بوییدن گلش نافع سردرد ناشی از بلغم و سودا، نزله و انسداد سر می‌باشد.<sup>۲</sup>

### ترکیبات شیمیایی:

نرگس گیاهی است سمی، از این گیاه مواد لیکورین، تازتین و نازکوتین یافت می‌شود. در پیاز آن ماده‌ای به نام نارسی سین وجود دارد.

### خواص و کاربرد:

به عنوان داروی معالج بیماریهای زنانه استفاده می‌شود. از پیاز آن برای اخراج تکه استخوان از مری استفاده می‌گردد و به صورت ضماد برای انواع ورمها نیز استفاده می‌شود.<sup>۳</sup>

۲- تحفه. ص ۱۲۵۵؛ قانون، ص ۲۳۱؛ بوستان المفردات، ص ۱۳۳.

۱- بحار، ج ۶۲، ص ۲۹۹

۳- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۲۵۴.

### \* نسرین

نسرین یکی از گونه‌های نرگس است که دارای گل‌های زرد می‌باشد و در جنگل‌ها و نقاط مرطوب به حالت وحشی می‌روید و در مازندران نیز فراوان است و از گل‌های آن در عطرسازی استفاده می‌کنند. نسرین می‌تواند زمستان را زیر برف به سر برد؛ به نرگس زرد، گل عنبری و گل مشکی نیز معروف است.<sup>۱</sup>

نسرین را بعضی در عربی ورد عینی و به فارسی گل مشکین، گل عنبرین، در اصفهان مشکینچه و به هندی ترن دسیوتی نامند و آن گلی معروف به رنگ سفید و مایل به زردی شبیه به گل سرخ و از آن کوچکتر است و بری و بستانی می‌باشد و بیشتر در زمینهای گرم، دشتها، کوهها و زمینهای سخت می‌روید.

شیخ الرئیس نسرین را در خواص همچون یاسمین و ضعیف‌تر از آن دانسته است. مزاج آن گرم و خشک در درجه دوم است. گل آن نافع سردی عصب، خوشبوکننده نفس، شادی‌آور و لذتبخش می‌باشد و اسحاق بن عمران نوشته که آن نافع بلغم و سرد مزاجها است.

خوراک خشک نیم مثقال آن در روزهای متوالی حفظ جوانی می‌کند. ضماد آن با سرکه محلل ورم می‌باشد و بوییدن آن مقوی مغز و قلب و محلل باد در سر و سینه و مخرج آن با عطسه است. چکاندن آن با روغن زیتون در گوش کرم آن را بکشد و نافع صدا در گوش و محلل باد آن است.

مضمضه آن با آب پخته آن نافع درد دندان، ورم حلق و لوزتین است. خوراک یک تا چهار درم برگ گل نسرین مسهل قوی است و خشک آن مدر حیض و قاتل جنین و مخرج آن است. ضماد نسرین مسقط دانه بواسیر و مانع زیاد شدن داء الفیل و با حنا مقوی مو است.

مقدار خوراکش از یک تا سه درم است. بوییدنش مضر سرگرم مزاجان و مصنحش کافور و بدلیش نرگس و یاسمین است. روغن نسرین مقوی مغز و رافع ذات الجنب و

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۴، ص ۴۷۲۱.

کمردرد بلغمی و سوداوی و نافع درد رحم است. همه نوع نسرين گرفتگی بینی را باز کند، نسرين و بویژه بیابانی اش را اگر چهار درهمی بخورند استفراغ و سکسکه را آرام کند.<sup>۱</sup>

گل نسرين سفید و درختش به اندازه گل سرخ است. خواص آن عبارتند از: مدر حیض، مسهل بلغم و سودا، متقی سینه، عطسه آورنده، مفتح سده دماغی، محلل رباح، موافق جگر و جهت قولنج، غثیان، یرقان، فواق و ضماد آن جهت کلف و آثار و بدبویی عرق و رفع بوی نوره است. قطور آن با روغن زیتون جهت کرم گوشت و سنون و مضمضه آن جهت درد دندان نافع است.

عده ای نسرين را نسترن خوشبو می دانند ولی این طور نیست، نسرين از خانواده نرگس است.

نسرين در مازندران زیاد است. بوییدن گلش نافع زکام و از ابتلا به نزله جلوگیری می کند، گاهی عطسه آور است.

خوراک پنج گرم آن نافع ورم گلو و نوزتین و لثه است، معده و کبد را تقویت می کند، از سکسکه جلوگیری می نماید و درمان خوبی برای یرقان می باشد. مالیدن گل نرگس نافع کک و مک است.<sup>۲</sup>

### \* نسترن

دکتر گیلود هاووزر نویسنده معروف کتاب «گذرنامه برای یک زندگی نوین» می نویسد: در زمان جنگ ویتامین C را از گردوی سبز و برگهای سبز کاج استخراج می کردند ولی بهترین استخراج ویتامین C از نسترن است.

این گیاه در جنگل، در زمین های سرسبز، در سایه دزختان بزرگ به صورت درختچه خاربست مانند و در هم برهمی می روید.

در رئوس بعضی شاخه های آن بر اثر گزش برخی حشرات، ماده ای به نام «به دگار» که



پوشیده از کرکهای ریز است به وجود می آید. کلمه «به دگار» که اصولاً از زبان فارسی به زبانهای دیگر انتقال یافته است یک ماده مقوی، قابض، التیام دهنده زخمها و سوختگی هاست و در مورد بند آمدگی ادرار (در هنگام عارض شدن تب) و سنگ کلیه بسیار مؤثر بوده، به علاوه ماده مدر مناسبی است. تهیه دم کرده و جوشانده این ماده بسیار ساده است.

برخی از اطبای سنتی از ماده «به دگار» عرق تهیه می کنند که برای درمان چشم مناسب است.

میوه نسترن به رنگ سرخ مایل به نارنجی و به شکل بیضوی است و باید در اولین مرحله رسیدن چیده شود.

میوه نسترن بصورت جوشانده، دم کرده، گرد، شربت، مربا و کمپوت مصرف می شود و برای رفع اسهال، ورم معده، تهوع و سوء هاضمه بسیار مؤثر است. «به دگار» ماده ای مقوی، قابض، معرق و مدر است.

میوه نسترن علاوه بر آن یک داروی مجرب جهت دفع کرم کدو و ایجاد لینت و تصفیه کننده خون است.

اگر میوه خشک شده آن را در طول زمستان نگه داریم، در آغاز بهار به داروی بسیار مؤثری جهت تصفیه بدن دسترسی خواهیم داشت. نسترن به مناسبت سرشار بودن از ویتامین ها نه تنها برای چشم مفید است، بلکه یک ماده عالی جهت رفع اسکوربوت و راشیتیسم به شمار می رود (یکصد گرم میوه نسترن به اندازه یک کیلو نیمو ترش ویتامین C دارد).

یک مشت از «به دگار» را در یک لیتر آب جوش دم کرده، روزانه دو تا سه فتجان می خورند.

برای تهیه دم کرده از میوه نسترن نخست دانه های داخل آن و تمام کرکها را جدا می کنند و بعد به اندازه یک مشت از میوه را در یک لیتر آب ریخته، مدت ده دقیقه دم

می‌کنند و بعد روزانه سه تا چهار فنجان میل می‌کنند.<sup>۱</sup>

پنجاه گرم میوه خشک گل نسترن را در یک لیتر آب مدت پنج دقیقه بجوشانید و مدت دو هفته آن را مصرف نمایید این جوشانده اگر خونتان غلیظ باشد، صاف خواهد کرد و ثانیاً ادرار آور قوی است در مورد قولنج کلیوی و سنگ کیسه صفرا هم داروی مؤثری است.<sup>۲</sup>

نسترن به ندرت مصرف می‌شود. گلبرگهای نسترن را دم کرده مقدار آن یک تا سه گرم در یک لیتر آب است.<sup>۳</sup>

کرکی که در داخل میوه نسترن هست گرم کشر است و وقتی خورده شود آنها را آزار داده و زخمی می‌کند باید کرکها را به مقدار بانزده یا سی صدم گرم در کمی عسل مخلوط کرده و خورد.<sup>۴</sup>

بیست تا سی گرم میوه گل نسترن را اگر در یک لیتر آب مدت پنج دقیقه بجوشانند و به بچه‌هایی که مبتلا به اسهال شده‌اند بدهند، اسهال آنها برطرف خواهد شد.<sup>۵</sup>  
میوه گل نسترن تصفیه کننده خون است.<sup>۶</sup>

## \* نعناع

گیاهی است از رده دولیه‌ایهای پیوسته گلبرگ که سر دسته تیره نعناعیان می‌باشد و جزو سبزیهای خوراکی است.

این گیاه دارای تمام اسانسها و خواص پودنه است. و برگهایش کرک کمتری دارند ولی بریدگیهای کنار برگهای آن بیشتر از پودنه و اسانس آن نیز از پودنه ملایم‌تر است. این گیاه همه آثار نیرو دهنده و بادشکن و خلط آور پودنه را داراست.

از این گیاه اسانسی به نام مانتول استخراج می‌کنند که جهت خوشبو کردن داروها و

۱- صد گیاه و جزای دربان. ص ۳۵۰.

۲- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۲۲۹.

۳- همان، ص ۲۲۹.

۴- همان، ص ۲۱۹.

۵- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۲۲۸.

۶- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۱۲.

برخی آب نباتها و شیرینی ها به کار می رود. علاوه بر این، در معالجه التهابات مخاط بینی و گلو و دهان اسانس مزبور استعمال دارد. از اسانس نعناع نوعی کافور قابل تبلور نیز به دست می آورند که مانند کافور معمولی به کار می رود. دم کرده برگ نعناع را جهت تقویت و رفع نفخ معده و روده مصرف می کنند.

نعناع گیاهی است علفی، برگهای آن متقابل، بیضوی، نوک تیز، دنداندار، کمی پوشیده از کرک، به طول ۴ تا ۷ سانتی متر و به عرض ۲ تا ۳ سانتی متر است.

از تمام قسمت‌های هوایی این گیاه بوی معطر و مطبوع استشمام می شود ولی اگر جویده شود، علاوه بر بوی اسانس، احساس خنکی نیز در مخاط دهان می گردد.

ساقه این گیاه چهارگوش و به رنگ قرمز مایل به بنفش یا مایل به ارغوانی است و در محل هر یک از گره‌های آن، دو برگ متقابل دیده می شود. گل‌های آن در ماههای مرداد و شهریور ظاهر می شود.

برداشت محصول جهت اسانس گیری دو مرتبه در سال در ماههای تیر تا شهریور صورت می گیرد.

برگهای خشک و نرم شده نعناع جهت خوشبو کردن ماست و دوغ و سرخ شده آن در روغن که به نام نعناع داغ موسوم است جهت خوشبو کردن برخی آشها به کار می رود.

گونه‌های نعناع که در لبه رودخانه‌ها و در جریان آبهای ملایم و کم عمق می روید و چون برگ‌هایش قرمز رنگند به این نام موسوم است، نعناع آبی، فنقلی، سوسنبر و حشی<sup>۱</sup>.

نعناع اقسام زیادی دارد که بنا بر گفته یکی از گیاه شناسان به اندازه ماهی‌های گوناگون در دریای احمر وجود دارد و معروفترین آنها نعناع فنقلی، نعناع سبز، نعناع و حشی

(یونه)، نعناع آبی، نعناع مزرعه، نعناع... و جمنگی دارای بوی مطبوع و مخصوصی هستند که با چشیدن، دهان را خنک می نماید.

بقراط و ارسطو از آن تعریف کرده‌اند. نعناع سابقه خیلی قدیمی دارد.

### نعناع و اسانس آن:

دارای یک اسانس فرار است که اختلاف قابل ملاحظه‌ای با اسانس نعناع فلفلی دارد و دارای مانتول نیست ولی مانند زیره دارای کارون است. تانن هم دارد. نعناع ترشح معده را زیاد می‌کند.

### آب مقطر نعناع:

این آب مقطر از برگهای خشک گیاه منتایی پراتا از تیره نعناع به دست می‌آید. اسانس آن نباید کمتر از ۱/۲ درصد باشد.

تاکنون گزارشی درباره سمیت اسانس نعناع نشده است ولی این اسانس به علت دربر داشتن منتول، ایجاد واکنشهای حساسیت می‌کند، همچنین مصرف مقدار زیاد آن تهوع آور است. اسانس نعناع یک داروی ضد نفخ معطر است، نفخ‌های معده و روده را از بین می‌برد و همچنین در رفع کولیت‌های گازدار مؤثر است و به عنوان بادشکن برای رفع دل‌پیچه مصرف می‌شود. عرق نعناع را برای رفع رطوبت معده نیز مصرف می‌کنند.<sup>۱</sup>

### مقدار مصرف:

نیم لیتر آب سرد را بر روی یک قاشق غذاخوری گیاه بریزید، آن را به جوش آورید و بگذارید بماند، برای ناراحتیهای معده و نیز برای اسهال ناشی از سرماخوردگی و برای تحرک ترشح صفرا در یرقان و سایر بیماریهای کبدی به کار می‌رود.<sup>۲</sup>

### ترکیبات شیمیایی:

در گونه‌ای از گیاه ۰/۵-۱/۵ درصد اسانس وجود دارد که شامل ۵۶ درصد فری‌مانتول و ۴ درصد از استرها است. در گونه‌ای دیگر نیز اسانس روغن فرار، مانتول و پولگون و مانتون و مانتونون و لیمونن وجود دارد.

۱ مفردات پزشکی دکتر آینه‌چی، ص ۱۱۰۳.

۲ گیاهان دارویی، پرفسور هانس فلوک، ص ۱۳۵.

### خواص درمانی:

دکتر ادوارد برتوله در باره خاصیت نعناع سبز می‌نویسد: فیبرهای عضلاتی نیزستم معده و روده به واسطه روغن مایع معطر نعناع تحریک می‌شوند و در نتیجه گاز و نفخی که در شکم جمع شده است به حرکت در آمده و دفع می‌گردد.

نعناع برای اعصاب مقوی است و نیز برای معالجه سرفه و دل پیچه‌های تشنجی در هضم غذا کمک خوبی است و سوء هاضمه و تخمه را درمان می‌کند. همچنین برای کسانی که دچار تشنجات عصبی هستند یا غذا در امعاء آنها تخمیر می‌شود یا مبتلا به زکام و نزله و برونشیت شده‌اند بسیار مفید است که باید آن را دم کنند و در هر مرتبه یک قاشق سوپ خوری در یک لیوان آب جوش ریخته، بنوشند. تنها ده دقیقه دم کردن آن کافی است.

این گیاه داروی محرک اعضاء و دستگاه گوارش بوده و فعالیت آمیزشی را می‌افزاید. فنجان‌ی از دم‌کرده‌اش بعد از غذا عمل هضم را آسان می‌کند. نیز برای استمراغ، آشوب دل، سرگیجه، سردرد و خواب‌آلودگی سودمند است و برای کبد مفید بوده و صفرا را تحریک و رقیق می‌نماید و جهت این منظور بهتر است نعناع را قبل از غذا میل نمود. نعناع بعضی سردردها را برطرف ساخته و برای تنفس و قلب مفید است. دم‌کرده نعناع برای دل‌درد و تشنج اعصاب و اسهال خوب بوده و به‌عنوان مسکن نیز توصیه شده است. جویدن برگ آن برای رفع سسکسکه مؤثر می‌باشد و کمپرس جوشانده‌اش برای رفع خارش جلدی بدن مؤثر است.

سرشاخه گلدار و برگ تازه گیاه اثر نیرودهنده، مقوی معده، بادشکن و ضد تشنج دارد.

اسانس مانت به مقدار ۱ تا ۳ قطره، بخنوط در یک مشروب ساده، در طی چند مرتبه در شبانه روز به‌عنوان مقوی معده، بادشکن، ضد‌عنونی کننده، رفع دل پیچه‌ها، اسهالهای ساده و داروی اختصاصی رفع حالت چنگ زدگی در معده مصرف می‌گردد. از اسانس مانت در تهیه قرصها، آب نبات، الیکسیرها، نرد دندان، محلولات زیبایی،

عطرها و غیره استفاده به عمل می آید.

مانتول اثر آرام کننده دردهای موضعی داشته و از ضد عفونی کننده های خوب به حساب می آید. از مانتول به صورت مداد یا پماد، برای رفع دردهای عصبی سطحی، سردردهای یک طرفه، سیاتیک و رفع درد دندان استفاده می گردد.

ضمناً آن را به حالت گرد و به صورت استنشاق و بالا کشیدن از بینی، یا محلولهای روغنی در بیماریهای گلو و بینی، سینوزیت حاد، بیماریهای با منشأ وجود طفیلی در پوست سر و غیره به کار می برند.

مانتول در مصارف داخلی دارای اثر رفع حالت استفراغ زنان باردار، مسکن سرفه و درد معده است ولی چون مخاط معده را تحریک می کند، مصرف آن توصیه نشده است. مانتول اگر به مقادیر زیاد مصرف گردد، فشارخون و انرژی قلب را بالا می برد و موجب بروز حالت تهوع، استفراغ، درد معده، فلج شدن، حساسیتها، حرکات اردای و رفلکس ها می گردد که در نهایت مسکن است منجر به مرگ شود.

نعناع و بخصوص شربت آن داروی برقان است. نعناع کاشتنی که مرطوب و بادزا است غریزه جنسی را تقویت می کند. آوندهای منی را محکم می کند و گرمها را می کشد و اگر قبل از جماع بردارند ضد بارداری است. و اگر چند شاخه ای از آن با دانه انار خورده شود، اسهال و استفراغ شدید را قطع می کند. نعناع و مخصوصاً تخم نعناع برای سگ هار گزیده پادزهر خوبی است.<sup>۱</sup>

دم کرده نعناع در دل پیچدگی مفید و در هضم غذا کمک می کند و نفخ گاز معده را هم دفع می کند مقوی معده و اعصاب می باشد.

مقدار مصرف آن یک قاشق دسر خوری در یک لیوان آبجوش دم کرده و هر روز بعد از غذا یک فنجان مصرف نماید.<sup>۲</sup>

خارش و سرخی دست و صورت و بدن با استفاده از کوبیده نعناع برطرف می شود.<sup>۳</sup>

۲- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۲۳۱

۱- قانون در طب، ج ۲، ص ۲۳۲.

۳- اعجاز خوراکیها، ص ۱۰۶.

نعناع سوء هاضمه و تخمه را درمان می‌کند. نعناع دارای هورمون مخصوصی است که محرک دستگاه و غدد گوارشی می‌باشد این هورمون اثر مطبوعی در روی غدد آمیزشی دارد. نعناع میکروب کش قوی است.<sup>۱</sup>

نعناع برای معالجه امراض پوستی بخصوص اگزما مفید می‌باشد.<sup>۲</sup>

پونه که یکی از اقسام نعناع است داروی ضد مار می‌باشد.<sup>۳</sup>

برای زکام، نزله و برونشیت و سرفه‌های تشنجی، دم‌کردهٔ یک قاشق دسرخوری در یک لیوان آب جوش مدت ده دقیقه از نعناع سبز و هر روز یک فنجان بعد از غذا یا سه فنجان در بین غذا مصرف نمایند.<sup>۴</sup>

نعناع سرماخوردگی گریپ را درمان می‌نماید و نیز هضم غذا را کمک می‌کند.<sup>۵</sup>

نعناع سبز برای کسانی که دچار تشنج عصبی هستند بسیار مفید و در هضم غذا کمک می‌کند.<sup>۶</sup>

نعناع در درجهٔ دوم گرم و خشک است و رطوبت اضافی به همراه دارد. نیرویی دارد که گرمی بخش و گیرنده و بازدارنده است. در میان سبزیهای خوردنی گوهر نعناع از همه لطیف‌تر است. اگر عصاره آن با سرکه خورده شود خونریزی شکم را قطع می‌کند. نعناع را با قاوت ضماد کنند جهت علاج دملهای دالمی مفید است. نعناع مانند پونه نمی‌باشد.

با آرد جو آن را خمیر بکنند و بر پیشانی قرار بدهند سردرد را درمان می‌کند. اگر با نعناع زبان را ماساژ دهند زبری زبان برطرف می‌شود. عصارهٔ نعناع را با عسلاب در گوش بچکانند درد را تسکین می‌دهد. نعناع خونریزی را قطع می‌کند چنانچه خمیر آن بر پستان گذاشته شود شیر را قطع می‌کند و ورم پستان را فرو می‌نشاند. معده را تقویت و گرم می‌کند، هاضم است و سکسه را آرام می‌کند.

۱- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۲۳۱، اعجاز خوراکیها، ص ۱۱۹.

۲- همان، ص ۱۱۹.

۳- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۲۳۱.

۴- همان، ص ۱۲۹.

۵- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۲۳۱.

۶- اعجاز خوراکیها، ص ۱۱۹.

نسخه:

نسخه برای رفع درد در ناحیه دنده‌ها: مانتول ۵ گرم، کافور ۵ گرم، هیدرات کبرال به صورت مالیدن بر روی محل درد استفاده می‌شود.

نسخه برای رفع خارش: مانتول ۱ گرم، اکسید دوزنک ۲۵ گرم، آمیدون ۲۵ گرم، وازلین ۴۹ گرم، برای مالیدن در محل خارش.

نسخه برای رفع سردردهای یک طرفه: مانتول ۲ گرم، روغن زیتون ۱ گرم، لانولین ۴/۵ گرم، در محل درد می‌مانند.

### \* نعناع قلفلی

در برخی از کتب طب سنتی با نامهای نعناع و نعن نام برده شده است. وارسته سیاه آن دارای گلهایی به رنگ قهوه‌ای و وارسته سفید آن گل‌های سفید رنگ است.

نعناع قلفلی از نظر اسانس نعناع دارای الکنی است به صورت بلورهای بی‌رنگ به نام مانتول که در عطرسازی و شیرینی‌سازی و در موارد ناراحتیهای بینی در اثر سرماخوردگی به سبب خاصیت خنک‌کننده‌ای که در مخاط دارد کاربرد دارد.

خواص و کاربرد:

در اسناد منتشره در غرب، در مورد خواص نعناع آمده است که برگ و اسانس آن هر دو موارد استعمال طبی دارد.

### \* نوره (زرنیخ)

نوره مخلوطی است از آهک و زرنیخ که برای سردن موی بدن به کار می‌رود. نوره، آهک خاکستر شده اجسام سنگی و سفالی است. آهک آب ندیده و آهک تازه آب دیده هر دو سوزنده‌اند. اگر بر خاموشی آن دو یا سه روز بگذرد سوزنده نیست و فقط گرمی بخش است. آهک شستشو داده خشک مزاج است، خوربیزی را قطع می‌کند، آهک شسته خشکاننده بی سوزش است.



آهک را با روغنهای مالیدنی بجوشانند رساننده می شود. گوشت زائند را می خورد، آهک شسته زخم را به هم آرد و در علاج سوختگی بسیار مفید است. آهک را به لعنت عرب نوره گویند که اندام را روشن و سپید و پاکیزه کند. گرم و خشک است.<sup>۱</sup>

ابن سنان گوید: مردی به امام صادق علیه السلام شکایت نمود از مرض برص و بهق. امام به وی فرمود: وارد حمام شو و حنا را با نوره مخلوط کن به آنها بمال که بعداً دیگر چیزی از مرض نمی بینی، آن مرد گوید: به خدا جز یک مرتبه این عمل را انجام ندادم که خدا مرا از آن مرض نجات داد و دیگر بعداً به سراغم نیامد.<sup>۲</sup>

زرنیخ زرد را به نام YELLOW ARSENIC OXIDE نوشته که آن را با آلماس و جیوه و عرق لیمو و روغن کنجد مخلوط نموده، روغنی برای قوه بیهوشی و امراض آلت تناسلی ساخته است و اما سم الفار که زرنیخ ساده است به نام ARSENIC OXIDE نوشته شده است که آن را نیز برای امراض معده، قلب، کم اشتها، لاغری و ضعف بیهوشی و بدن استعمال می کنند. در بعضی نسخه های امراض خون و کم خونی هم استعمال شده است.<sup>۳</sup>

به قول دستور برینانی کلمه ارسنیک از کلمه یونانی آرسین به معنای مذکر، گرفته شده است.

ترکیبات مختلفی از آن بیان شده و همچنین با بسیاری از مواد شیمیایی مخلوط شده است. در زمان سابق آمپول آن را که X.A.B می گفتند، برای امراض سفلیس و سوزاک و آتشک استعمال می کردند ولی بعد از پیدایش آنتی بیوتیک از آن استفاده نمی شود.

محلون آن را FLOWER- SOLUTION می گویند و از طرق مختلف برای اشتهای آوردن امراض معده و قوه بیهوشی استعمال شده است نیز در بسیاری از سموم ضد حشرات از زرنیخ استفاده شده است. آن را سم قاتل معرفی کرده و جرعه آن را ۳ میلی گرم نوشته

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۴، ص ۴۸۲۷

۲- الطب، ص ۷۱؛ بحار، ج ۶۲، ص ۲۱۱.

۳- همدرده، صفحات ۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲، تحقیق دکتر فصل موسوی.

است. جرعه محلول آن را ۳ قطره بیان کرده است.<sup>۱</sup>

زرنیخ مانند گوگرد از بخارات درست می شود و پنج قسم می باشد: ۱- زرد ۲- سرخ ۳- سفید ۴- سبز ۵- خاکستری (سیاه).

زرنیخ رنگ زرد براق را زرنیخ ورقی، طبقی، بدخشی و در هندی هرتال طبقی می گویند.

زرنیخ سرخ را منسل گویند و بهترین آن صاف است و زود گرم می شود و می شکند و از سوختن آن پوی گوگرد می آید آن را در یونانی فلقندیتون و فلوقیون می گویند.

زرنیخ زردتنگ ساده را که براق نیست در عربی زرنیخ الثوره، داء الشعر و در سنسکریت پنداکیه و در هندی گوبریا هرتال می گویند.

زرنیخ سفید را در هندی گورتی می گویند.<sup>۲</sup>

زرنیخ را بعضی زرنیق گویند و این دو لفظ تازه نیست و به رومی زرنیخ را لاذراخوس گویند و معنی او زردرنگ بود و او را ارسانیقوس گفته اند و بعضی سندراخوس گویند و به رومی ارسانیقون زرد را گویند رنگ سرخ را سندرخا گویند.

و به لاتین اوریمنت گویند و به سریانی زرنیخا و به پارسی زرنی گویند و هر چه سرخ بود او را به هندی منسل گویند و زرد را هرتال گویند.

و خوزی گوید زرنیخ سه نوع است: یک نوع سپید است و این نوع زهر است و نوع دیگر زرد است و نوع دیگر سرخ و معدن زرد به ارمنیه است و نوع دیگر سرخ و زرد در بغداد بسیار باشد و بغدادی بهتر باشد از ارمنی.

و خوزی گوید از آن نیکوتر آن است که جرم او پهن باشد و تنک و به شکل سنگ و لون او زرد باشد و در جرم او سبک نباشد.

و یک نوع دیگر او آن است که جرم او درشت است و لون او به لون زرنیخ می باشد و در منفعت به از نوع اول است و معدن او در زمین بنطس می باشد و گوید: این نوع را از ارمنیه به بغداد می برند و بعد از او در اجزاء او به سبز مایل است.

و آنچه از انواع او سرخ است معدن او از نواحی نیشابور است و در کتاب احجار آورده اند که نوعی از انواع زرنیخ خاک فام است و یک نوع خاکستری فام است.<sup>۱</sup> از جانی گوید: جمله انواع زرنیخ گرم است در چهار درجه و آنچه از انواع او زرد است موی را بسوزد و اگر بر عضوی دیرتر بماند پوست را هم بسوزد. و زرنیخ سرخ چون با موم روغن به هم آمیخته شود گری را سود دارد و شیرینه سر را که از او زرداب ترشح کند و آنچه را که در بینی و دهان پدید آید منفعت کند و دمه و قاسه را بخور کردن به او مفید است و طلا کردن به او خون مرده را که در زیر پوست جمع شده باشد به واسطه زخم چوب و امثال آن متفرق کند و کبودی اندام را ببرد و شپش و رشک را نیز بکشد.

#### روایت از جابر بن حیان:

زرنیخ سه جنس است: سرخ، زرد و سفید. سرخ را چون به موم رون کنی تحلیل افکند و جلا آورد.<sup>۲</sup>

زرنیخ لغت فارسی است و به یونانی فرساطیس به عربی کبریت الارض است و پنج قسم می باشد. زرد و سرخ و سفید آن را زرنیخ نوره می گویند که زبوترین اقسام است و به دستوری سبز و سیاه آن نیز غیر مستعمل است و قسم زرد در سوم گرم و خشک است.<sup>۳</sup>

زرنیخ جسمی معدنی است، مرکب از گوگرد و ارسنیک. زرنیخ سرخ معمول کیمیاگران است و زرنیخ اصفر معمول نقاشان می باشد.<sup>۴</sup>

زرنیخ در معدن خود مانند تولید کبریت که از بخار دخانی که رطوبت در قعر معدن با آن مصادف گردد حاصل می شود. لیکن ماده ارضیت و رطوبت ثقیل در این بیشتر از آن است و جوهر نادری در کبریت غالب تر، لهذا زرنیخ مثل کبریت مشتعل نمی گردد. بهترین آن زرد است که به رنگ طلاست و آن را زرنیخ ورقی و بدخشی می نامند و از

۱- صیدنه، ج ۱، ص ۳۳۷-۳۳۹

۲- صیدنه، ج ۱، ص ۳۳۷-۳۳۹

۳- فرهنگ داروها، ص ۱۸۸؛ صیدنه، ج ۲، ص ۸۷۲

۴- تحفه حکیم، ص ۱۲۵

سرخی و صافی شبیه به اسرتج صاف است که زود بشکند و گرم بگردد و بوی کبریت از آن آید.

زرنیخ از ادویه کیمیاست، اگر زرد و سرخ آن را بسوزانند تا سفید شود بعد مس سرخ و صاف را گذاخته بر آن کمی تنکار اندازند بعد خاکسترش را یک مثقال بر پنج مثقال آن اندازند، آن را سفید می گردانند و گاه زرنیخ را می سوزانند و گاهی تصعید آن طبخ و سرخ می گردد. در جمیع انواع آن حرارت شدید است و لظاع و معفن و محرق، منضج، مفتح و منقی صدید و با فوت قابضه و خورنده گوشت زائد زخمها و رافع سعفه و جرب و آکله و کشنده اقسام کرم و سترنده موی است.<sup>۱</sup>

زرنیخ، زرنیق، زرنی، جسمی است معدنی و آن عبارت است از ترکیب گوگرد و ارسنیک که در اصطلاح شیمی آن را سولفور ارسنیک می گویند و بر دو نوع است:

۱- زرد: که عبارت است از ترکیب سه ظرفیتی ارسنیک با گوگرد، رنگ آن زرد است و در نقاشی برای تهیه رنگ زرد و سبز (مخلوط با آبی پروس) به کار می رود و همچنین در تهیه واجبی (نوره) از آن استفاده می کنند.

۲- قرمز که عبارت است از ترکیب دو ظرفیتی ارسنیک و گوگرد. رنگ آن قرمز است و در نقاشی مصرف دارد.<sup>۲</sup>

مالیدن زرنیخ با آهک بر شکم و کمر نافع اسهال کهنه است. از مخلوط زرنیخ و شیر و گوگرد و سندروس ماده ای به دست می آید که خوراک آن با شیر بسیار مقوی است.<sup>۳</sup> زرنیخ با آهک جهت ازالۀ مو به نام داروی حمام می باشد نیز در ترکیبات خارجی با حب القراب، اذراقی و فوسفورس دارویی مقوی و مشهی بسیار مفید تجربه شده است.<sup>۴</sup> چون از آن موشها می میرند، آن را مرگ موش می گویند.<sup>۵</sup>

زرنیخ سمی معدنی است که با آهن و گوگرد مخلوط شده، پافته می شود و به لحاظ

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۹۶.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۷۲۷.

۳- حکیم استفندیاری.

۴- دکتر فاضل موسوی.

۵- تحفه حکیم، ص ۱۶۶.

رنگ آن، چند قسم می‌باشد: بلوری، شیری. قسم بلوری آن بیشتر و زودتر در آب حل می‌شود و چون آن را بشکنند از آن بوی سیر می‌آید. رنگ سفید، زرد، سیاه و سرخ.

**خواص:**

مقوی باه و بدن، دافع امراض بلغمی و بادی مصفی خون و دافع همیات. مقوی برای کم‌خونهاست و در امراض لقوه و فنج و عرق‌النساء داده می‌شود. طلایش نافع دانه‌های بواسیر است. با روغن مخلوط کرده برای قوت باه بر ذکر طلا می‌شود. دودش قاتل است. خودش هم سم قاتل است.<sup>۱</sup>

### \* نمک

رسول خدا ﷺ فرمود: پنج چیز است که منع آنها از دیگران حلال نیست: آب، نمک، مرتع، آتش و دانش.<sup>۲</sup>

نمک را به انگلیسی SALT و به عربی ملح می‌گویند و دارای انواع: نمک اندرانی، سیاه، زجاجی، دریایی، رشیدی، طبرزد، قرنگی، تلخ و هندی می‌باشد.

مزاج نمک در درجه دوم گرم و خشک است و مالیدن آن نافع بیماریهای نفوس، دملها، گوشت زیاد پلک، نکه‌های سیاه خونی و همراه با تخم کتان پادزهر نیش عقرب و با سکنجبین پادزهر تریاک و قارچ سمی است. نمک اندرانی مسهل بلغم، مقوی هوش و دافع ترش کردن معده است.<sup>۳</sup>

### \* نوشادر

نوشادر محقق قروح، قاطع خون، حابس قی، مفتح سدد، التیام دهنده زخمهای باطنی، رافع چرک سینه و صلابت طحال است. طلای آن جهت خناق و با روغن تخم مرغ جهت برص و با غسل جهت داء‌الثعلب و حیبه و سعفه و با روغن کنجد جهت جرب

۲ - مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۵۰.

۱ - کتاب المفردات، ص ۳۰۸.

۳ - قانون، ج ۲، ص ۲۷۷؛ محیط اعظم، ج ۴، ص ۱۶۹.

و غرغره آن یا آب سداب جهت زائویی که در حلق مانده باشد، مفید است.<sup>۱</sup>  
 مردی به امام صادق علیه السلام شکوه کرد از سفیدی در چشمش و درد دنداننش و باد  
 مفضلهايش.

حضرت فرمودند: قلقل سفید و دارالفلفل را از هر یکی به اندازه دو درهم و یک  
 درهم نوشادر خوب اینها را کوبیده انک کن در هر چشم سه میل بکش تا سفیدی را ببرد  
 و گوشت چشم را پاک می کند و درد را به اذن پروردگار ساکت می نماید. سپس  
 چشمهایت را بشوی با آب سرد و پس از آن به چشم خود اثم بکش.<sup>۲</sup>

### \* نی

نی گیاهی است دارای شاخه های راست بلند و توخالی بندبند که در زمین های  
 مرطوب و باتلاقی می روید، برای پوشاندن سقف خانه و بافتن بوریا به کار می رود. در  
 میان کردها جوشانده ریشه آن را برای زیاد کردن ادرار به مصرف می رسانند.<sup>۳</sup>  
 نی گیاهی است بزرگ و به ارتفاع حدود یک تا چهار متر و مخصوص نواحی مردابی،  
 کنار استخرهای طبیعی و بعضی رودخانه ها است. برگهایی بزرگ به پهنای یک تا سه  
 سانتی متر و پهنک مسطح دارد.

ریزوم و ریشه آن، تصفیه کننده خون، مدر و بند آورنده شیر مادران شیرده است.<sup>۴</sup>

### \* نیلوفر اصفر

نیلوفر اصفر، گیاهی پایا و دارای برگهای ضخیم، موج، بیضوی، مدور با دمبزرگ دراز  
 است. گنهای آن به رنگ زرد زیبا و به پهنای ۳ تا ۷ سانتی متر است. در غالب نواحی  
 نیمکره شمالی، در استخرها و آبهای راكد می روید. عطر گنهای آن بطور محسوس

۱- طب الاثمه، ص ۸۷.

۲- تحفه حکیم مؤمن، ص ۲۵۹.

۳- طب سنتی در میان کردها، ص ۱۶۴.

۴- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۲۹۴.

قوی تر از نیلوفر آبی است.

خصوصیات درمانی این گیاه مشابه نیلوفر آبی است. این گیاه در آبهای نواحی مختلف ایران، کرمانشاه، سراب نیلوفر، ۲۵ کیلومتری غرب کرمانشاه و شیراز می‌روید.<sup>۱</sup>

## \* نارون

به فارسی نارون و در مناطق مختلف جنگلهای شمال ایران که بطور جنگلی می‌روید انواع آن با نامهای مختلف محلی نامیده می‌شود.<sup>۲</sup>

درختی است که برگ آن مانند آزاد درخت می‌باشد. گل سفید و مثل زبان گنجشک و پوست آن مانند میوه نخود فرنگی می‌شود. در ترکی آن را قره قاج می‌گویند از داخل آن رطوبت زیادی بیرون می‌آید و بعد از خشک شدن داخل آن پشه جمع می‌شود که پسر از شکستن آن، پشه‌ها خارج می‌شوند.<sup>۳</sup>

درختی است (فر.) *populus alba, p. hybrida (u.) peuplier blanc*

از تیره بیدها که در نیم کره شمالی گونه‌های مختلفش فراوان می‌روید.

درختی است دوپایه و گلپایش کاملاً برهنه و بدون جام و کاسه و پرچمها یا مادگی است. بلندی آن حدود ۲۰ متر می‌باشد، پشت پهنک برگ سپیدار سفید رنگ است و چون تنه‌اش مستقیماً رشد می‌کند، از آن برای ساختن تیر و ستون چوبی استفاده می‌کنند و حور، حور ازرق، غرب و ابودقیق نیز گویند.<sup>۴</sup>

غرب بفتح غین، معجمه و راء مهمله و سکون باء موحده به یونانی اطاطاس و ایطاماس و به عربی اسفیدار و به فارسی بده و درخت نارون و به شیرازی وزک و به اصفهانی وشک و در تنکابن و دیلم اوجاو ببربری درخت برو گویند که آن را سید درخت و سپیدار نامند و آن درختی است بسیار بزرگ از جنس خلاف بید و برگ و پوست

۲- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۴۷۲.

۱- گیاهان دارویی، دکتر عنی زرگری، ج ۱، ص ۶۶.

۳- لاتینی لغات الادویه، ص ۱۱۲.

۴- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۱، ص ۱۸۲۸.

آن سفید و برگ آن به قدر برگ قطف و از آن صمغ می‌گیرند به زدن شرط بر ساق آن هنگام ظهور شکوفه آن است و گویند بر تنه درخت آن بورق سفید جید از اجود اقسام بورقها پیدا می‌شود و آن را به جای نمکهای دیگر استعمال می‌کنند و اکثر مستعمل پوست و برگ و صمغ آن است. سرد و خشک در اول و گویند در دوم و بعضی تا سوم دانسته‌اند.

گل و برگ و عصاره آن مجفف بی لذع و قابض و با عفوصت و پوست آن نزدیک بدان و خاکستر پوست آن چون با سرکه آمیخته بر تآلیل منکوسه و غیر منکوسه و مدور مسماریه طلا نمایند، قلع آن کند. همچنین رطوبتی که از پوست درخت آن بشرط برآید طلای آن قالع آنها است و پوست بیخ آن داخلی خضاب مژ کرده می‌شود. برای سیاهی آن و خاکستر چوب آن مغسول قائم مقام توتیا است و ضماد پوست و صمغ آن جهت قروح نافع و پاشیدن برگ سوده آن بر جراحات التحام آن نماید و پاشیدن گل آن مجفف قروح مزمنه و آکله و به دستور ذرور خاکستر آن و شستن سر به آب طبیخ آن نافع شوره سر است و ضماد برگ آن مسکن صداع حار و اکتحال صمغ و گل آن جهت تاریکی چشم نیکو است و چون عصاره برگ یا بیخ ساییده آن با روغن گل در پوست انار جوشانیده در گوش بچکانند، برای تسکین درد آن و آمدن چرک از آن نافع و به دستور مطبوخ پوست تازه آن و خاییدن برگ آن مقوی لثه مسترخ حار است و غرغره با آب طبیخ پوست یا عصاره آن اخراج زالو از حلق نماید و آشامیدن آن نافع نفث الدم و نرف اندم است و آشامیدن برگ ساییده آن نافع درد جگر و چون برگ آن با فلفل سیاه سوده بنوشند، جهت رفع مغص و قولنج حادث در امعای دقاق که ایلاوس نامند و جهت سده جگر و تنها با آب مانع حمل است و آشامیدن آب افشرده آن جهت دفع سیلان و چرک اعضای باطنی و سده جگر نافع و نظون آب طبیخ آن جهت نقرس و وجع مفاصل نیکو است ولی مضر کلیه می‌باشد و مصلح آن صمغ عربی است. بدل آن نیم وزن آن افاقیا است.<sup>۱</sup>



### گزینش:

الیاف و صمغش ارزش دارویی دارد آن را نشتری می زنند و شیرۀ از آن می تراود و می بندد و ماده بوره‌ای که در آن است از هر ماده بوزه‌ای دیگر برای خوردن بهتر است.

### خاصیت:

گل و برگ و افشرۀ گل و برگش می خشکاند و نمی گزد و گس مزگی دارد الیافش قوت آن را دارد و خشک تر است افشرۀ برگش را می گیرند و نگاه می دارند که خشکنده بی آزار است.

### آرایش:

خاکستر چوبش که با سرکه باشد، زگیلهای ایستاده و واژگون را خشک کند و بر می کند الیاف ریشه‌اش در رنگ مو وارد است.

### زخم و قرحه:

ساییده پوست و برگ آن بر بریدگی و زخمهای بدخیم و تر گذارند مفید است.

### مفاصل:

آب پزش را بر نقرس مانند داروی خوبی است.

### سر:

افشرۀ پوست تر آن یا آب برگش یا روغن گل در پوست انار بجوشد و در گوش چکانند درد گوش از بین برود.

آب پزش سرشویه شود، شوره را از بین می برد.

### چشم:

صمغ و گلش دوائی تم چشم است و دیده را جلا دهد.

### سینه:

ثمر و پوستش از خون بر آوردن مفید است.

### اندامان غذا:

افشرداش زالو را بیرون آورد.

### خواص درمانی:

برگ و مخصوصاً پوست این درخت به علت دارا بودن سالیسین و پوپولین اثر تب بر دارد پوست تازه شاخه‌های آن را برای رفع ناراحتی‌های سیاتیک در محل دردناک اثر می‌دهد.

از جوانه‌های این درخت می‌توان برای مصارف درمانی مشابه گونه قبلی استفاده به عمل آورد.

### ترکیبات شیمیایی:

در پوست داخلی درخت نارون گونه *pumila* که در چین بیشتر مصرف پزشکی دارد، وجود مقداری تانن و مواد نشاسته‌ای و مواد چربی و فیتوسترول، سیتوسترول، فلوپان، هکزین آلدئید، بوتیریک اسید و لعاب وجود دارد.

پوست داخلی درخت اوجا نیز دارای تانن، لعاب و فیتومترین همراه با استیگماترین، سیتومترین و فلوپان می‌باشد.

### محل رویش:

نواحی مختلف البرز: سرخه حصار، شمال تهران، در ارتفاعات ۱۵۰۰ متری نواحی شمالی ایران مانند بندر گز، کهدوم در گیلان؛ پل زنگوله در ۲۳۰۰ متری آمل شمال شرقی ایران و کرمان می‌روید.

اسامی محلی: در تهران و یزد به کبوده و در همدان به شال موسوم است گونه‌های مفید و غیر موجود این درخت نیز به شرح زیر است:

*p.balsamiferal*. در آمریکای شمالی می‌روید، ولی در باغ کشاورزی کرج و مراکز علمی دیگر پرورش داده شده است. جوانه‌اش دارای ماده‌ی رزینی فراوان و قابل استخراج است. جوانه و شیرۀ آن اثر مدر معرق نیرودهنده و قاعده‌آور دارد، به مصارف مشابه درخت شالک نیز می‌رسد.

*p.tremulal*. در جنگلهای مرطوب غالب نواحی اروپا و نقاط معتدل آسیا می‌روید پوست شاخه‌های آن، تانن، سالیسین و پوپولین دارد و از آن‌ها به‌عنوان تب‌بر استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

## \* نی بوری\*

به فارسی و در کتابهای مختلف با نامهای نی بوری، بوری، نی حصیر و سمار نام برده می‌شود.

گیاهی است چند ساله دارای برگهای صاف و بدون کُرک. پوشش گل به رنگ خرمایی، ساقه آن برهنه بدون کُرک صاف و خیلی لیز که مغز آن یکسره پُر است. میوه آن به شکل کپسول است که دارای سه خانه بوده و محتوی تعداد زیادی دانه‌های ریز می‌باشد.

این گیاه معمولاً در نقاط مرطوب و در کنار یا داخل آب می‌روید و در حصیر بافی کاربرد دارد. مصرف آن به‌عنوان علوفه برای گاوان سمی است. در مناطق مرطوب و

باتلاقیهای مرکزی چین، سایر مناطق خاور دور و هند و در قسمتهای مختلف اروپا در کنار نهرها و جاهای مرطوب می‌روید. در ایران از لاهیجان دیده می‌شود.

گونه دیگری از این گیاه نیز در ایران می‌روید که نام محلی آن در ایران سوزی می‌باشد.

شکل گیاه شبیه گیاه نی قبلی است و تفاوت آن این است که مغز ساقه این گیاه منقطع می‌باشد و مانند گیاه نی قبلی یکسره نیست.

- این نی سمی است و برای همه حیوانات خطرناک می‌باشد و در معده آنها ایجاد تحریک و خراش و اسهال شدید می‌نماید. و به دنبال آن عصبانیت و کوری تدریجی در حیوانات ایجاد می‌گردد.

در اغلب موارد اگر در خوردن اسراف شده باشد، ممکن است حیوان در اثر خونریزی شدید مغزی و تشنج بمیرد.

### خواص و کاربرد:

در چین و هند از جوشانده مغز ساقه آن به عنوان خردکننده سنگ، نرم‌کننده سینه، خنک‌کننده، مدر، خون‌ساز، مسکن و آرامبخش استفاده می‌شود. برای رفع بی‌خوابی نیز تجویز می‌شود. و در موارد التهاب گلو و حلق و سرفه و کمی ادرار مفید است. برای معالجه استسقا و برای ازدیاد ترشح ادرار نیز نافع می‌باشد. در استعمال خارج برای بند آوردن خون مصرف می‌شود. ریشه گیاه نیز مدر است.

## \* نی جارو

گیاهی است چند ساله از نظر شکل ظاهری شبیه نی هندی، بلندی آن ۱-۳ متر و بندرت ۴-۵ متر می‌باشد. ساقه آن به قطر ۱۰-۱۵ میلی‌متر، استوانه‌ای است و به آسانی می‌شکند.

برگهای آن دراز مثلثی نوک تیز در قسمت پایین برگ به عرض ۱-۳ سانتی‌متر با پهنک

مسطح، پوسته دانه‌های آن به دسته‌ای گُرک منتهی می‌شود. خوشه گلهای آن به طول ۲۰-۳۰ سانتی‌متر و به رنگ قهوه‌ای مایل به زرد است.

ساقه زیرزمینی این گیاه در طب سنتی به عنوان دارو مستعمل است. از جوانه‌های جوان و نورسته و ساقه آن نیز در مواردی استفاده می‌شود. این گیاه تقریباً در تمام مناطق عالم معتدل و گرمسیر به استثنای مناطق قطبی منجمد می‌روید.

در تمام خاکها تا حدی که نمک زیاد نداشته باشند رشد می‌کند. خاکهای غنی را دوست دارد و وجود آبهای راکد در رشد آن اثر نمی‌گذارد و در مناطق باطلاقی و در آبهای راکد نیز می‌روید.

#### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی وجود آسپاراژین و تعدادی پروتئین و چند گلی‌کوزید در گیاه تأیید شده است. در گزارش بررسی شیمیایی دیگری آمده است که در ساقه زیرزمینی و در ساقه‌های جوان آن در حدود ۵ درصد قند وجود دارد و به علاوه در نی جازو در حدود ۲۷/۰ درصد از آلکالوئیدهای ارگوت از گروه ارگوتوکسین یافت می‌شود.

#### خواص و کاربرد:

نی جازو از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی سرد و خشک است و خاکستر آن گرم و خشک می‌باشد.

برای تسریع ظهور دانه‌های سرخک و رفع تهوع و رفع التهاب معده کاربرد دارد. از جوشانده ریشه و ساقه زیرزمینی آن به عنوان تب‌بر بخصوص در موارد تب حصبه و تبهای زکام استفاده می‌شود. به سبب وجود آلکالوئیدهایی از گروه ارگوتوکسین در این گیاه مصرف آن باید با احتیاط و در حد مجاز زیر نظر پزشک متخصص انجام گیرد.<sup>۱</sup>

### \* نی هندی

گیاهی است چند ساله که ارتفاع آن ۳-۵ متر است. ساقه آن به قطر انگشت، توخالی استوانه‌ای شکل، بندبند و خیلی سخت می‌باشد که به سختی می‌توان آن را شکست. برگهای آن ساقه آغوش و بدون دمبرگ، سبز خشن، دراز نوک تیز به طول ۵۰-۶۰ سانتی متر است.

گل‌های آن به صورت مجتمع خوشه‌ای در انتهای ساقه گل دهنده ظاهر می‌شود. ریشه آن که در حقیقت ساقه زیرزمینی است، اسفنجی متورم دارای بریدگیهای مارپیچی می‌باشد. رنگ پوست ساقه زیرزمینی آن زرد تیره و شفاف است. این گیاه معمولاً اراضی با خاک شنی و مرطوب را دوست دارد. در کنار جریانهای آب در مجاورت درختان تبریزی و بید می‌روید.<sup>۱</sup>

### ترکیبات شیمیایی:

در گیاه و در ساقه زیرزمینی آن در حدود ۰/۰۲۸ درصد ماده گرامین یا دوناکسین وجود دارد. به علاوه یک آلكالوئید جدید به نام دوناکسارین در آن مشخص شده است. ماده گرامین موجب افزایش فشارخون در سگها می‌شود ولی اگر مقدار زیاد مصرف شود فشارخون پایین می‌آید.

### خواص و کاربرد:

در چین معتقدند که ساقه زیر زمینی گیاه ترشح شیر را کاهش می‌دهد. جوشانده اعضای زیرزمینی گیاه به مقدار ۲۰ گرم در هزار گرم آب خاصیت مدر و نرم کننده دارد و ترشحات قاعدگی را افزایش می‌دهد. مصرف این گیاه باید با احتیاط در حد مجاز و با نظارت پزشک انجام گیرد.



حرف

و





## \* وانیل

گیاهی است که مانند پیچ عشقه به درختان می پیچد که برگش دراز و ضخیم است و دارای برگ سبز و براق و گل‌های آن سفید و سبز رنگ است. میوه وانیل به شکل کپسول استوانه‌ای است که ابتداء سبز و موقع رسیدن قهوه‌ای رنگ می شود.

وانیل مصنوعی را از شیرۀ میخک و چوب کاج به دست می آورند. وانیل اکنون در شیرینی‌ها و غذاها به کار برده می شود که مخلوط خود را اضافه بر فایده نباتیش معطر می سازد.

وانیل گیاهی است بالا رونده از تیره ثعلب که بومی آفریقا و نواحی شرقی مکزیک است ولی امروزه در غالب نقاط گرم دنیا کاشته می شود. جدار میوه وانیل ضخیم و گوشت‌دار و بویش بسیار قوی و مطبوع و معطر و طعمش کمی شیرین است.<sup>۱</sup>

وانیل گیاهی است که مثل عشقه به درختان می پیچد و آنها را کاملاً می پوشاند و به کمک آنها بالا می رود.

بهترین نوع وانیل امروز در مکزیک، رئونیون، ماداگاسکار، کومور، تاهی تی و

سی شل کاشته می شود و ارتفاع آن گاهی به چند صد متر می رسد و دازای ریشه های هوایی می گردد که هر کجا تکیه گاه داشته باشد، ریشه می دواند.

میوه اش به شکل کپسول استوانه ای و به طول ۱۵ تا ۲۰ سانتی متر و عرض آن ۲ سانتی متر می باشد.<sup>۱</sup>

وانیل برانگیزنده دستگاه عصبی مرکزی است. بوی عطرآگین و خوشایندی دارد. شیر و فرآورده های شیری را با وانیل مصرف می کنند.<sup>۲</sup>

گل های آن سفید مایل به سبز، معطر، نسبتاً بزرگ و مجتمع به صورت خوشه های انتهایی دارد. قسمت مورد استفاده این گیاه میوه آن است.

درخت وانیل گیاهی است پایا، خزانده یا بالارونده، دارای ساقه سبز دراز، برگ های متناوب، پهن، نرم، ضخیم، بیضی شکل نوک تیز سبز و تعداد زیادی ریشه های هوایی که از کنار هر برگی بیرون می آید که با کمک آنها به تنه درختان مجاور می چسبند و بالا می رود.

این گیاه بومی مناطق مرطوب حاره و در جنگلهای مرطوب جنوب شرقی مکزیک و آمریکای مرکزی و هند غربی و آمریکای جنوبی می روید و ساقه های پیچیده آن تا ارتفاع حتی ۱۰۰ متر نیز ممکن است برسند و تا بالاترین ارتفاع درختان بزرگ جنگلی نیز بالا می رود.<sup>۳</sup>

### ترکیبات شیمیایی:

وانیل دارای مواد چرب، مواد رزینی، مواد معدنی و مواد معطر مختلفی است که مهمترین آنها وانیلین می باشد.

از دیگر مواد، کونی فرین است. بررسی های GORIS که در سال ۱۹۲۴ بر روی مواد معطر وانیل صورت گرفت نشان داد که در میوه های سبز گیاه، ۳ گلوکزید زیر وجود دارد:

۱- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۲۳۷.

۲- درمان با سبزیها و میوه ها، ص ۴۰۶.

۳- معارف گیاهی، ج ۲، ص ۴۲۲.

- ۱- گلوکوانیلین که بر اثر هیدروولیز، تبدیل به گلوکز و وانیلین می شود.
- ۲- الکل گلوکوانیلینیک که بر اثر هیدروولیز به گلوکز و الکل وانیلینیک تبدیل می گردد.
- ۳- گلوکزیدی که از تجزیه ساده آن، نوعی اثر با بوی بسیار معطر به دست می آید.

### خواص درمانی:

وانیلین به علت بوی بسیار دلپذیری که دارد در قنادی جهت معطر ساختن شکلات و کرم‌ها و همچنین در تهیه لیکورها به کار می رود. از نظر درمانی، دارای اثر نیرودهنده و ضد عفونی کننده است. سابقاً از آن به عنوان تقویت کننده قوه باه و ضد تشنج استفاده به عمل می آمده است.

### صور دارویی:

وانیل به صورت گرد، قند وانیل دار یا تنطور الکلی به مقدار ۲۵ تا ۳۰ قطره مصرف می گردد. در فرمول الیکسیر گاروی نیز وارد می شود. هیچ یک از انواع گیاهان مذکور در ایران نمی رویند.<sup>۱</sup>

## \* وج

وج، گیاهی علفی و دارای برگهایی کم و بیش شبیه برگ زنبق است. به حالت خودرو در کنار رودخانه‌ها و جریانهای آب غالب نقاط نیمکره شمالی بخصوص در آلاسکا، شمال فرانسه، بلژیک و ایران می روید. برگهای آن غلاف دار، باریک و دراز، به طول ۵۰ تا ۶۰ سانتی متر، گلهايش زرد و سنبله است. قسمت مورد استفاده این گیاه، ریزوم آن است.

وج را به فارسی اگیر ترکی نامند و آن بیخ نباتی است که در آبها می روید و نیز به فارسی سوسن زرد می نامند. وج قاطع بلغم و تریاق، سم هوام، مقوی معده و جگر و

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۱۵۴.

هاضمه و قوه حافظه و متقی دماغ و مبہی و خشک کننده رطوبتہای مفاصل و مدر بول و حیض، محلل ریح معدہ و امعاء و جهت درد سینہ و سرفہ خوب است.<sup>۱</sup>  
قسمت مورد استفادہ این گیاه، ریزوم آن است کہ بہ صورت قطعاتی بہ قطر انگشت بہ بازارهای دارویی عرضه می شود.

سطح فوقانی این قطعات چین های عمیق طولی دارد و اثر برگہای از بین رفتہ گیاه کہ ہر یک دارای ظاہری مثلث شکل است بر روی آن دیدہ می شود.  
رنگ آنها قہوہای مایل بہ زرد یا مایل بہ قرمز، بوی آنها معطر و مطبوع و طعم آنها در آغاز گرم و دارای گزش مخصوص است ولی تدریجاً تند و تلخ می شود.

#### ترکیبات شیمیایی:

قطعات ریزوم گیاه دارای اسانس بہ مقدار ۱ تا ۳/۵ درصد و گلوکزیدی با ترکیب شیمیایی نامشخص بہ نام اکورین است بہ علاوہ مواد دیگری نظیر تانن، صمغ، رزین ها، قند و غیرہ نیز در آنها یافت می شود.

اسانس مذکور، رنگی زرد قہوہای، بویی قوی و کافوری و طعمی تلخ دارد. بہ سهولت در آب حل می شود و مرکب از موادی نظیر آزورین، الڈئید آزابیلیک، اسیدهای کاپروئیک و پالمیتیک، اوژنول و کالامثون است.

#### خواص درمانی:

نیرو دهنده، مقوی معدہ، از بین برنده نفخ و دارای اثر ضد نزلہ است. مصرف آن در کتب دارویی کشورهای مختلف مخصوصاً آلمان ذکر شدہ است.  
از آن در سوء ہضم های ناشی از نارسایی عمل دستگاه ہضم و بطورکلی تقویت این دستگاه استفادہ می شود و چون اثر مدر و معرق دارد، مصرف آن در موارد نقرس، لنفاتیس، کم خونی، زردی و غیرہ توصیه شدہ است. ضمناً بہ عنوان بندآورندہ خون در

موارد رعاف (خون آمدن از بینی) و خونریزیهای رحمی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. ریزوم تازه گیاه اگر به مقدار ۴ گرم مصرف شود، اثر قوی آور ظاهر می‌کند. در طب عوام از ریزوم گیاه برای رفع بیماریهای کبدی، درد کلیه و تقرس استفاده می‌شود. در استعمال خارج، اسانس آن به صورت مالیدن بر روی عضو، جهت رفع روماتیسم در اروپای مرکزی مصرف جاری دارد. به کار بردن جوشانده آن به صورت حمامهای موضعی برای اطفال مبتلا به نرمی استخوان و بطورکلی جهت رفع التهاب و بیماریهای استخوان توصیه شده است.

### محل رویش:

این گیاه در نواحی مختلف ایران می‌روید. در نقاط مختلف بلوچستان و نواحی غربی ایران نمونه‌های آن به دست آمده است.

### \* وجور

گیاهی است از خانواده زرنسک که در ارتفاعات البرز، نواحی البرز نواحی غربی همدان، نهاوند، کرمان و بلوچستان می‌روید. در اطراف سمنان آن را وجور گویند. اهالی محل قطران آن را گرفته برای معالجه امراض جلدی انسانی و حیوانی به کار می‌برند و فوق‌العاده مؤثر است. ممکن است عودالریح و آرغیس که در کتب سنتی به آن اشاره شده است، همین گیاه باشد.<sup>۱</sup>

### \* ورس

ورس، درختی است به ارتفاع حدود دو تا ده متر که در عربستان می‌روید. تخم آن شبیه کنجد که بعد از رسیدن شکافته می‌شود و نارهایی شبیه زعفران از آن بیرون می‌آید. در میان کردها آن را با مغز روپاه آمیخته می‌کنند و برای دفع شوره سر بر سر می‌مالند

و از جوشانده برگهای آن برای دفع کرم استفاده می‌کند.<sup>۱</sup>

ورس درختی است که در عربستان، حبشه، هند، سیلان و استرالیا می‌روید و بی‌گُرمک در سطح فوقانی پهنک و به رنگ سبز روشن است. میوه‌اش سه گوش، به قطر تقریبی یک سانتی‌متر و پوشیده از غباری قرمز رنگ است که عبارت از تارهای غده‌ای است. این تارها هر یک مرکب از یک سلول در قاعده هستند که اطراف آن سلولهای ترشحی به صورت شعاعی قرار دارند.

در سلول انتهایی که حالت برجسته پیدا می‌کند، مواد ترشحی جمع می‌شود. اثر درمانی میوه این گیاه نیز فریوط به همین ماده ذخیره‌ای است.

این گیاه بهترین دافع کرم کدو، مخصوصاً بوتری سفال است. مصرف مقادیر زیاد آن اثر مسهلی شدید ظاهر می‌کند که با تهوع و فی همراه است. پس از مصرف آن، اگر منظور دفع کرم باشد، خوردن مسهل ضروری نیست.<sup>۲</sup>

ورس گیاهی است از ردهٔ دولبه‌ایهای جداگلبرگ که دارای برگهای متقابل است. گونه‌هایش بصورت درختچه یا درخت می‌باشند. در حدود ۱۰۰ گونه از این گیاه شناخته شده که همگی در آسیا و آفریقا می‌رویند و غالباً دارای میوهٔ خوراکی هستند. از انساج این گیاه مادهٔ زرد رنگی استخراج می‌کنند که در نقاشی و رنگرزی مورد استعمال دارد.<sup>۳</sup>

ورس چیزی است سرخ خالص شبیه به زعفران سوده و آن را از یمن می‌آورند و آن از درختی حاصل می‌شود که در باغهای یمن زراعت آن می‌کنند و آن بری نمی‌باشد و نبات آن مشابه‌تر به نبات پنبه و یک سال آن را می‌کارند و تا ده سال شجر آن در زمین باقی می‌ماند و در هر سال برگ می‌روید و گل و ثمر می‌دهد و بعد از رسیدن آن ثمر آن منشق می‌گردد و از آن چیزی مثل مو زرد مایل به سرخی شبیه به زعفران برمی‌آید و آن

۱- طب سنتی در میان گُردان، ص ۱۶۵.

۲- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۳۳.

۳- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۴، ص ۵۰۲.

را ساییده از یمن می آورند. و از مطلق ورس مراد همین است و آن را منافع بسیار است و گویند که نبات آن مثل نبات کنجد می باشد.

### \* وسمه

گیاهی از تیره صلیبیان که دو سانه است و ارتفاعش در حدود یک متر می شود. گل‌هایش زرد رنگند و میوه‌اش خرچینک است. این گیاه بومی شمال آفریقا و اروپای جنوبی و مرکزی و آسیای غربی من جمله ایران است. در برگ‌های این گیاه ماده رنگ کننده‌ای وجود دارد که از آن جهت آرایش خانمها استفاده می کردند، ماده رنگی این گیاه رنگ سبز مایل به آبی تولید می کند.<sup>۱</sup>

کتم اسم عربی آن است و به فارسی وسمه و صحرائی آن را در مازندران و تنکابن شالخی نامند به معنای حنای شغال و آن برگ نباتی است که بری و بستانی می باشد و بعضی گویند غیر برگ نیل است و برگ آن شبیه به برگ مورد می باشد.

ثمر آن به اندازه فلفل و بعد از رسیدن سیاه می گردد و در میان آن تخم کوچک ریزه و بری و کوهی آن در کنار رودها و ریگزارها می روید و باید که برگ آن را صبح چیده و در آفتاب خشک گردانند و ساییده در شیشه محفوظ کنند که هوای سرد به آن نرسد.

اگر نیم خشک از شب تا صبح بماند رنگ آن از بین می رود. مزاج وسمه گرم و خشک در دوم است و خواص آن قابض، محلل، خضاب آن با آب و نمک جهت سردرد بادی و بلغمی و بخور و مانیدن آن نافع زکام و مقوی مو و آشامیدن آب پخته آن قی آور و جهت گزیدگی سنگ مفید است.

بهترین خضاب می باشد اما مغز را ضعیف می گردانند و مصلح آن میخک و لادن است. روغن آن که آب وسمه را با مثل خود آن روغن کنجد (مساوی باشند) جوشانیده به حدی که روغن باقی بماند جهت بواسیر و امراض سرد مقعد مجرب است و مانع ریختن مو است. اکتحال تخم آن بهترین دارو برای منع نزول آب از چشم می باشد.<sup>۲</sup>

۲- محیط اعظم، ج ۴، ص ۳۷.

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۵۰۲۶.



وسمه برگ نیل است و بهترین نوع آن خراسانی است در آخر اول به گرمی متمایل است و در دوم به خشکی قبض است و زداینده رنگ مو می باشد.<sup>۱</sup>

در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست در خضاب کردن به وسمه برای پیرمرد.

در حدیث موثق از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که خضاب کردن با وسمه دندانهای سراسیمه کرد و درهم شکست.

امام صادق علیه السلام فرمود که خضاب کردن با وسمه موجب انس زنان است و مهابتی از آن در دل کافران به هم می رسد.<sup>۲</sup>

### \* ورون \*

دم کرده «ورون» برای تقویت بدن خوب است از جای ارزان تر، دم کرده آن مزاج را تقویت کرده و اعصاب را آرامش می بخشد. مطبوع و خوشمزه است، مقوی معده و هضم کننده است، پانزده گرم برگ خشک ورون در یک لیتر آب باید دم کرد و بعد از غذا نوشید.<sup>۳</sup>

### \* وشا (اوشق) \*

وشا، گیاهی است که در ایران و هند می روید. این گیاه چند ساله و به شکل بوته است. ساقه آن باریک پوشیده از بوته های ریز به رنگ زرد روشن که رنگ پنبه ای به گیاه می دهد. گل های آن سرخ مایل به کبود است و گونه ای که از نظر تولید صمغ بیشتر مورد توجه است Dammoniacum می باشد. در بازار گاهی عمداً یا سهواً با صمغ سکبینه یا صمغ آنغوزه مخلوط و عرضه می شود که می توان از رنگ و بو و طعم قطعات شناخت و جدا نمود.

۲ - حلیة المتین، ص ۳۰

۱ - قانون در طب، ج ۲، ص ۱۲۹.

۳ - گلپا و گیاهان شفا بخش، ص ۲۳۴.

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در صمغ اوشق که از گیاه *D.ammoniacum* گرفته می شود گلوکورونیک اسید، گالاکتوز، آرایینوز، رامنوز و یک کتون یافت می شود. صمغ اوشق در آب کم حل می شود ولی در الکل خالص و سرکه بهتر حل می شود. بهترین حلال آن الکل ۲۲ درجه است.

### خواص و کاربرد:

در هندوستان صمغ رزینی اوشق را به عنوان نرم کننده سینه، محرک، ضد عفونی کننده و در موارد زکام، نزله، آسم، برونشیت مزمن و در اشخاصی که مبتلا به بزرگ شدن کبد و طحال هستند، تجویز می کنند.



حرف

ه



### \* هُدْ هُدْ

پرنده‌ای از راسته سبکبالان و از دسته نازک نوکان که دارای منقاری نوک تیز و طویل و خمیده و جثه‌ای به اندازه یک سار است. بر روی سر این پرنده یک دسته پر وجود دارد که حیوان به اراده خود می‌تواند مانند بادبزن آنها را از هم وا کند یا روی هم بخواباند. گوشت آن بسیار گرم و خشک و در کیفیت قوی‌تر از اکثر طیور بری است چون گوشت آن را با شبت مهرا پخته شوربای آن بنوشند و گوشت آن بخورند قولنج و انتصاب النفس را نافع و نیز جهت تفتیح سدد و رفع پیچش و تحلیل خون منجمد در کلیه و مثانه مفید و چون زهره آن بعد از کندن موی زائد پلک در چشم کشند منع رویدن آن نماید. نیز اکتحال زهره یا خون آن جهت بیاض چشم نافع و از خواصش آن است که چون چشم آن بر سر صاحب نسیان بیاویزند تقویت حافظه نماید و اموری که فراموش کرده باشد به یاد آورد و بر صاحب جذام در ابتداء، جذام را متوقف گرداند و تعلیق پر و زبان آن باعث جاه و دوستی با مردم و ظفر بر خصم و بخور گوشت آن به مجنون و مسحور و مفقود الباه صحت بخشد و در استخوان بازوی آن سر عظیم است.

تعلیق آن جهت تب ریع نافع است. چون خون آن را خشک نموده با سوسن بسایند و به روغن کنجد تازه آمیخته بر مو بمالند و ساعتی بگذارند پس بشویند سیاه و مجعد گرداند و بخور پر آن در مکان جهت گریز آیدن هوا و مورچه و کک مفید است.<sup>۱</sup>

## \* هریسه

هریسه طعامی است که از گوشت و حبوب ترتیب دهند و بهترینش آن است که از گندم و گوشت مرغ سازند.

هریسه، در دارالانوادر آمده. دانه خرد شده بوسیله مهراس پیش از آنکه پخته شود و چون پخته شود هریسه نامند.

فربه کننده بدن و گرده و مقوی عصب و باه و زیاد کننده منی و موافق امراض سینه و خشونت آن و سرفه یابس مزاج و گویند که از آن خون متین پیدا شود و جهت کسی که اراده فریبهی بدن داشته باشد نیکوست.

بهترینش آن است که از گوشت لطیف و برنج اعلی بسازند و آن معادل الحرارة و رطوبت است و طریق ساختن هریسه آنست که گندم پاک را مقشر کرده به آب شسته در آب بپزند و گوشت را نیز جدا طبخ نمایند بعد استخوان آن را جدا کرده با روغن بریان کرده در آن داخل نمایند و با هم بپزند و با کفچه بر هم می زده باشند تا یکسان گردد و دارچین و هل در آن اندازند و باید که وزن گوشت دو برابر گندم باشد.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبری از پیامبران از ضعف و کمی قدرت به خدا شکایت کرد خداوند امر فرمود هریسه بخورد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود، بر شما باد هریسه که به عبادت تا چهل روز نشاط می آورد و آن مائده‌ای است که بر رسول خدا نازل شد.

ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که خداوند به پیغمبر صلی الله علیه و آله هریسه‌ای از هریسه‌های بهشت، که در باغهای بهشت کاشته شده و حورعین آن را جمع کرده‌اند، فرو فرستاد. رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را خورد و قوتش بر قدرت چهل نفر مرد افزونی نمود.

ابراهیم بن معروض از امام باقر علیه السلام نقل می کند که عمر روزی بر حفصه وارد شد و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله در قسمت مرد چگونه می بینی؟ حفصه گفت: او نیست مگر مانند مردان دیگر، خداوند بر پیغمبرش توجه نمود یک صحفه نازل کرد که در آن هریسه‌ای از سنبلی

بهشت بود رسول خدا ﷺ آن را خورد و بر قدرت مردی چهل برابر افزوده شد.<sup>۱</sup>  
 در مکارم الاخلاق گوید: رسول خدا ﷺ فشرده‌ای از جو را با ریختن چربی به آن  
 می خورد و پیغمبر ﷺ هریسه را بیشتر در صبحانه می خورد و جبرئیل آن را از بهشت  
 برای صبحانه پیغمبر آورد.<sup>۲</sup>

### \* هزار برگ آبی

گیاه دیگری است که برگهای آن دارای تقسیمات زیادی می باشد بطوری که  
 به صورت پر طیور درآمده است و چون بیشتر در باتلاقها و آبهای راکد می روید به هزار  
 برگ آبی معروف شده است.

برگهای آن دارای بریدگی زیاد بطوری که برگ را به شکل پر طیور درآورده است،  
 گل‌های پایینی آن دنداندار و دراز است. این گیاه در چین و در اروپا بخصوص در فرانسه  
 وجود دارد. در ایران در شمال، در خوی و در قروه چال دیده شده است.

#### خواص و کاربرد:

در چین از برگهای له شده آن شیرهای به دست می آورند که در معالجه اسهال خونی  
 مزمن کاربرد دارد.<sup>۳</sup>

### \* هفت بند

گیاهی علفی ولی چند ساله است. در استخرهای طبیعی و آبهای راکد می روید. ساقه  
 آن به ارتفاع ۲۵ تا ۸۰ سانتی متر می رسد. گل‌های کوچک و گلی رنگ آن بوی نسبتاً ملایم  
 می دهد. از نظر درمانی، ریشه اش طبق تشخیص اطبای قدیم، اثر تصفیه کننده خون،  
 معرق، قابض و التیام دهنده زخم ظاهر می نماید.

۲- مکارم الاخلاق، ص ۳۰.

۱- عبون الاخبار، ج ۲، ص ۳۶.

۳- معارف گیاهی، ج ۵، ص ۱۰.



کلیهٔ قسمت‌های این گیاه اثر مدر دارد و در رفع سنگ کلیه مفید واقع می‌گردد. از مشخصات این گیاه آن است که اگر آب محل رویش تدریجاً خشک شود، شکل ظاهری گیاه نیز بطور محسوس تغییر پیدا می‌کند.

### ترکیبات شیمیایی:

در اعضای مختلف این گیاه، ترکیباتی نظیر مواد رزینی، موم، مواد قندی، موسیلاژ، اسیداکسالیک، اسانس به مقدار کم، سیلیس، گلوکوتان نوئیدهای اکسی متیل. آنتراکینون به حالت آزاد یا ترکیب یافت می‌شود.

### خواص درمانی:

علف هفت‌بند اثر قابض قوی، مدر و التیام دهنده دارد. جوشانده آن جهت رفع اسهالها و دیسنتری به کار می‌رود و حتی در اسهالهایی که با مصرف داروهای قابض دیگر، نتیجه گرفته نمی‌شود، از آن غالباً نتایج مثبت به دست می‌آید.

عده‌ای از پزشکان قدیم آن را در ورم روده بزرگ، حتی در مواردی که با خونریزی نیز همراه باشد و همچنین در رفع ترشحات زنانگی مؤثر ذکر نموده‌اند. دانشمندی به نام KNIEPPE جوشانده علف هفت‌بند را در رفع خونریزیهای رحمی مؤثر ذکر نموده است.

در آلمان، فرآورده‌های مختلفی از آن تحت نامهای متفاوت در اختیار مردم قرار داده می‌شد، مانند آن که برگ آن به عنوان داروی واقعی درمان سل، برونشیت و آسم به مردم عرضه می‌گردید.

DR.N.LECLER با بررسیهای خود به این نتیجه رسید که با مصرف آن، مقدار درصد قند در ادرار بیماران مبتلا به مرض قند کاهش کلی حاصل می‌کند. ضمناً اثر التیام دهنده گیاه نیز توسط این دانشمند تأیید گردید.

علف هفت‌بند دارای خاصیت مدر است و مقادیر کم آن اثر قطعی در رفع سنگ

کلیه، قولنج‌های نفرتی و ناراحتیهای مثانه دارد.

قابض و تصفیه‌کننده خون است برای درمان اورزم روده‌های کوچک و اسهالهای شدید نافع است. در مورد اسهال خونی مصرف جوشاندهٔ ۵۰ گرم ریشهٔ هفت‌بند در یک لیتر آب تجویز شده است.

برای تسریع التیام زخم، گیاه تازهٔ هفت‌بند را بکوبند و آن را روی زخم بمالند. دم‌کردهٔ هفت‌بند برای درمان بیماریهای حبس البول، دیابت، سیلان ایض، ورم رحم، بواسیر و سل مفید است. مقدار مصرف یک قاشق سوپخوری در یک لیوان آب جوش روزی ۲ الی ۴ فنجان است.<sup>۱</sup>

#### صور دارویی:

جوشاندهٔ ۲۰ تا ۳۰ گرم برگ یا گیاه کامل ریشه‌دار در یک لیتر آب به مقدار ۲ تا ۳ فنجان در روز.

#### محل رویش:

این گیاه در اطراف تهران، کرج، قلهک، گرگان، گیلان، تبریز، خوی، همدان، اصفهان، بختیاری، خوزستان، خراسان، قزوین، سمنان و دامغان می‌روید.<sup>۲</sup>

### \* هل

گیاهی علفی و دارای ریزوم پایا و مفصل‌داری است که همه‌ساله شاخه‌های هوایی انبوه به ارتفاع ۴ تا ۵ متر از آن خارج می‌شود.

این گیاه به حالت وحشی در نواحی مرطوب و کوهستانی در ارتفاعات ۵۰۰ تا ۶۰۰ متری می‌روید و چون با اصلاح زمین، زراعت آن تقویت می‌گردد، غالباً اقدام بدین عمل

۱- طب الصادق علیه السلام، ص ۴۱۸.

۲- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۲، ص ۷۴۵.

می شود. برداشت محصول معمولاً از پایه‌های چهار ساله آن انجام می‌گیرد.

چون میوه این گیاه در یک زمان معین نمی‌رسد از این جهت برداشت محصول که طی چند ماه صورت می‌گیرد باید با قیچی‌های مخصوص و در نهایت دقت انجام شود تا ضمن بهره‌برداری، آسیبی به گل و میوه‌های نارس گیاه وارد نیاید.

هل را به عربی قاقله می‌نامند. گیاهی است از آسیا و آفریقا می‌آورند و به‌عنوان مقوی معده یا ادویه اغذیه به‌کار می‌برند. در انگلستان تنطور هل را برای معالجه اسهال و اختلالات قلبی استعمال می‌کنند.

دکتر هانری گوید: هل ماده‌ای دارد وقتی که آن را در دهان بکند بوی بد دهان و بوی سیر را زایل می‌نماید و به همین مناسبت خمیر دندانی را دستور می‌دهند که مقداری تنطور هل در آن مخلوط شود.

هل عبارت از دانه‌های رسیده و خشک التاریا کار داموم از خانواده زنجبیراسه می‌باشد.

دانه‌های هل دارای اسانس فرّار به مقدار ۳ تا ۶ درصد و روغن ثابت در حدود ۱۰ درصد و نشاسته است.

دانه‌های هل جزو داروهای معطر می‌باشد. همچنین به‌عنوان محرک، بادشکن و ادویه به‌کار می‌رود. مهمترین مصرف اسانس هل به‌عنوان عامل معطرکننده است و در دارو سازی در ترکیب عرق هل مرکب به‌کار می‌رود.<sup>۱</sup>

هل را به‌عنوان مقوی معده یا ادویه اغذیه به‌کار می‌برند. هل محرک، مقوی معده و بادشکن است. در انگلستان تنطور هل را برای معالجه اسهال استعمال می‌کنند.<sup>۲</sup>

محمد بن عبدالسلام گویند: با گروهی از اهل خراسان وارد حضور امام رضا علیه السلام شدیم، سلام دادیم و جواب داد و هر کس احتیاج خود را گفت و آن حضرت ادا نمود، بعد به من فرمود: تو هم احتیاج خود را بپرس، گفتم: یا بن رسول الله، از سرفه شدید به تو شکوه دارم، آن حضرت فرمود: تازه است یا کهنه؟ گفتم هر دو. فرمود: فلعل سفید

یک قسمت، ابرفیون دو قسمت، خربق سفید یک قسمت، سنبل الطیب یک قسمت، هل یک قسمت، زعفران یک قسمت و بنج، از همه اینها در یک پارچه ابریشم الک کرده با عسل کف گرفته به اندازه آن خمیر می شود و برای اسهال نو زکهنه یک حبه با آب رازیانه موقع خواب می خوری البته باید با آب گرم سرد شده باشد نه سرد و نه گرم که از بیخ می کند.<sup>۱</sup>

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی اسانس روغنی فرار هل عمدتاً شامل مواد سینتول، تریپنتول و تریپنن است.

بررسیهای شیمیایی دیگری ترکیبات شیمیایی هل را چنین نشان می دهد: در تخم هل اولاً اسانس وجود دارد که شامل تریپنتول، تریپنیل استات، سینتول و احتمالاً سابی ن، ثانیاً در تخم هل مقداری روغن ثابت، پروتئین و کلسیم اکسالات و سیلیس یافت می شود.<sup>۲</sup>

## ※ هلله

سعید بن جناح از اصحاب امام صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود: موسی بن عمران از رطوبت بدنش به خدا شکایت نمود خداوند به وی فرمود: هلله، بلیله و آمله را با عسل معجون کن بخور. امام فرمود این همان است که به نام طریقل نامیده می شود.<sup>۳</sup>

هلله را به انگلیسی TERMINALIA می نامند و دارای انواع زرد، سیاه و کابلی می باشد. مزاج هلله در درجه اول سرد و در درجه دوم خشک است و نافع بیماریهای لقوه، رطوبت فاسد مغز، سودا، ضعف معده و روده، مالیخولیا، وسواس سوداوی،

۲ - معارف گیاهی - ج ۲ - ص ۴۴۰.

۱ - طب الاثمه، ص ۸۶.

۳ - روضة کافی، ص ۱۹۳.

بواسیر، جذام و خارش است.

مقدار خوراک هلیله ۵ تا ۷ گرم است. مضر ریه است و مصلحش روغن بادام و عسل است. هلیله دارای مواد اسیدتانیک، CHFBULIC ACID، روغن و رزین می باشد.<sup>۱</sup>

### هلیله در روایت:

مسیب بن واضح خادم امام حسن عسکری علیه السلام از آن حضرت از پدرانش از علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «لو علم الناس ما فی الهلیج الا صفر لاشتروها بوزنها ذهباً». <sup>۲</sup> «اگر مردم می دانستند در هلیله زرد چه هست، آن را به قیمت طلا می خریدند».

آن حضرت باز درباره هلیج زرد به یکی از یاران خود فرمود: هلیله زرد را با هفت دانه فلفل بکوب و الک کن و به چشم سرمه بکش.<sup>۳</sup>

پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الهلیج السوداء من شجر الجنة». <sup>۴</sup> «هلیله سیاه از درخت بهشت است».

قال صلی الله علیه و آله: «علیکم بالهلیج الاسود، فانه من شجر الجنة، طعمه مرّ و فیه شفاء من کل داء». <sup>۵</sup> «بر شما باد هلیله سیاه، آن از درخت بهشت است، طعمش تلخ و در آن از هر درد شفا است».

### \* اطریفل (هلیله، بلبله، آمله)

سعید بن جناح از اصحاب امام صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود: موسی بن عمران از رطوبت بدنش به خدا شکایت نمود، خداوند به وی فرمود: هلیله و بلبله و آمله را با عسل معجون کن بخور. امام فرمود: این همان است که به نام اطریفل نامیده می شود.<sup>۶</sup>

۱- محیط اعظم، ج ۴، ص ۲۰۸، الابیه، ص ۶۴، فارماکوگرافیا، ج ۲، ص ۵

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۷۹ ۳- طب الائمه، ص ۸۶ ۴- بحار، ج ۶۶، ص ۲۳۷

۵- بحار، ج ۶۲، ص ۳۰۰ ۶- روضة کافی، ص ۱۹۴

ابن عباس معجونی دیگر از رسول خدا ﷺ روایت می‌نماید که رسول خدا ﷺ فرمود: هلیله سیاه و بلیله و آمله را با روغن گاو بجوشان که اطریفل است.<sup>۱</sup>

سه گیاه نامبرده از یک خانواده و در خاصیت نیز به یکدیگر نزدیک می‌باشند. املج معرب آمله، هلیج معرب هلیله و بلیج معرب بلیله فارسی است و تعریف این داروها به موجب ترجمه صیدنه چنین است: جرم بلیج هموار و سرهای او تیز، رنگ آن خاک‌فام و در میان دسته آن مغزی باشد شبیه مغز بادام یا مغز فندق و مغز او شیرین باشد و آنچه سرهای او تیز است هلیله کابلی است، اما بلیله به گردی مایل است و رنگ آن به زردی زند... و تشنج آور چنانکه هلیله و آن در خاصیت به آمله نزدیک است.<sup>۲</sup>

در کتاب اغراض صفحه ۶۱۴ گوید: بلیله سرد است به درجه اول معده را دباغی می‌کند. و در مخزن الادویه گوید: هندی آن بهیره است؛ ثمر درختی است مایل به استداره و سر آن اندک باریک و بزرگتر از عفص و پوست آن زرد و اغبر و نازکتر از پوست هلیله و مستعمل پوست آن است و درخت آن عظیم و برگ آن پهن‌تر از برگ انبه. اهلیج ثمر درختی هندی است. درخت آن عظیم و برگ آن باریک و طولانی و ثمر آن خوشه‌دار می‌باشد و دارای سه جزء است اول زرد، دوم هلیله کابلی، سوم هلیله سیاه است.

هلیله زرد آن صنف از هلیله را گویند که نارسیده از درخت باز کنند که زرد آن سرد و خشک است و در آخر مزه آن تلخ است.

چنانچه آن را بیزند مقداری حرارت می‌آورد و صفرا را به قبض وامی‌دارد. و قسمت دوم هلیله کابلی چون قبلاً از راه کابل وارد ایران می‌گردید آن را هلیله کابلی گویند و میوه آن موقعی که تازه است گلابی شکل یا بیضی مانند می‌باشد و پس از خشک شدن ناهموار می‌گردد و دارای مواد صمغی تانن فراوان و مواد خلط آور و چند نوع قند است. و قسمت سوم هلیله سیاه هندی است و بهترین نوع آن است که بر درخت رسیده شود و

۱- عن ابی عباس عن النبی الهلیج الأسود و بلیج و املج یعنی بسن البحر و یعجن بالنعسل، یعنی الطریفل. بحار، ج ۶۶.

۲- ترجمه صیدنه، ب، ۲۹.

برای رطوبت معده و جذام به کار رفته و جهت اسهال مفید است، نگهداشتن آن همیشه در دهان باعث سیاهی مو و تقویت آن و تقویت لثه است ولی مضر جگر است.

در کتاب طب الاثمه از قول حضرت رضا علیه السلام روایت کرده‌اند که روزی جمعی از پزشکان در محضر ایشان از خواص چندین دارو توصیف می‌کردند، آن حضرت فرمود: شما از ادویه تعریف می‌کنید ولی نمی‌دانم چرا هلیله و رازیانه را فراموش کرده‌اید و انواع هلیله‌ها برای تقویت معده، حافظه، ذهن و حواس و امراض روحی سود فراوان دارند.

استعمال آنها در وقت تب از هر راهی جایز نیست، هلیله مقوی کبد و حواس پنجگانه است و پاشیدن سوخته هلیله خون بواسیر را بند می‌آورد و برای تقویت دندان و لثه مجرب است و مقدار خوراک آن دو مثقال و در جوشانده آن هفت مثقال.

### \* هوا

بدون هوا زندگی امکان ندارد، زیرا هوا شامل موادی است که برای زندگی موجودات زنده ضروری است. مهمترین این مواد اکسیژن است که برای تمام موجودات زنده لازم است. ازت ماده دیگری است که در هوا وجود دارد و برای موجودات کمال اهمیت را دارد. گاز کربنیک که از تنفس تمام موجودات نتیجه می‌شود مورد استفاده گیاهان سبز که عمل مهم‌شان تهیه مواد غذایی است، قرار می‌گیرد.

هوا در اثر وجود ذرات گرد و خاک ناخالص می‌شود و به کار تنفس نمی‌خورد. خالص بودن هوا برای سلامتی خیلی اهمیت دارد.

بعضی از گیاهان بسیار کوچک باعث بیماری می‌شوند و بعضی گازهای خطرناک نیز هوا را غیر قابل تنفس می‌کنند.

مقدار هوایی (هوای تازه) که در هر ساعت برای تنفس یک نفر لازم است در حدود ۴۵ متر مکعب است. در اطاقی که ناقص تهویه شده باشد کاملاً ناراحت می‌شویم و علت این ناراحتی آنقدرها مربوط به نقصان اکسیژن نیست، بلکه بیشتر به زیاد شدن بخار

آب هوا که در اثر تبخیر سطحی بدن ما تولید می شود، بستگی دارد. بنابراین باید اطاقها را کاملاً تهویه کنیم بطوری که هوای باقی مانده از تنفس ما از آن خارج گردد و هوای تازه کاملاً جای آن را بگیرد. در حجم های متساوی هوایی که تنفس شده است گرمتر و سبکتر از هوای تنفس نشده است.

## \* هلو

این میوه بسیار خوش طعم دارای ویتامینهای C.PP.B2.B1.A و همچنین دارای مواد معدنی چون کلسیم، فسفر، منگنز، منیزیم، پتاسیم و آهن می باشد.<sup>۱</sup> از جهت این که مواد قندی دارد به خوبی جذب می شود و وجود پتاسیم در آن باعث لینت مزاج و فعالیت کلیه ها شده و مواد مضره و سمومی چون اوره و اسیداوریک را دفع می نماید و نیز درجه قلیائیت بدن را بالا می برد و بالاخره هلو برای رشد و نمو کودکان و در حفظ تعادل و سوخت و ساز خوب و در بیماریهای تفرس و عدم کفایت کبد و روماتیسم مفید است. اما چون سلولز هلو مقدار زیادی است موجب نفخ می شود. اگر دم کرده آن را به کودک بخوراند بیوستش مرتفع می شود و شربت غلیظ گلش برای بیوست نافع می باشد. ۱۰۰ گرم گل را در یک لیتر آب ۱۲ ساعت خیسانده بعد در صافی ریخته فشار داده با هم ورزش شکر افزوده با آتش ملایم آهسته آهسته بجوشانید شربت غلیظ به دست می آید.

مالیدن هلوی تازه به صورت برای حفظ زیبایی نافع است. شصت گرم برگ هلو را در یک لیتر آب بجوشانند برای تصفیه خون خوب و اگر برگهای آن را با برگهای جعفری کوبیده و روغن زیتون بیفزایند برای سوختگی سودمند است.

برگ هلو دارای کلسیم، فسفر، منگنز، منیزیم، برم، پتاسیم و آهن و مواد سفیده ای و اندکی چربی بوده و قندش مخلوطی از لولز و گلوکز است و چون مقدار آن کم می باشد ۱۴-۱۵ درصد برای بیماران قندی بی ضرر است مخصوصاً اگر جوشانده شود که ۷/۵



گرم مواد قندی خود را از دست می‌دهد و در این صورت برای کبد مفید می‌باشد.  
برگه هلو اوره و اسید اوریک را دفع و درجه قلیائیت بدن را بالا می‌برد و به علت سلولز زیادی که دارد نفخ شکم ایجاد می‌نماید که می‌توان پخته یا کمپوت آن را خورد تا مبتلا نگردید.

برگه هلو در سوخت و ساز پیران و رشد و نمو کودکان و بیماریهای نقرس و روماتیسم و کبد و مالیدن روغن هسته هلو به دانه‌های بواسیر و سودا مفید است و اگر صبح چند قطره آن را در گوش بچکانند وزوز و صدای گوش را از بین می‌برد.  
پماد کوبیده هسته هلو در نورالژی و میگرن و زخمهای سوختگی و سودا سودمند است. دم‌کرده یک گرم شکوفه هلو عصبانیت بچه‌های خشمگین را ساکت می‌سازد و بیوست آنها را نیز بر طرف می‌کند.

هلوی خوب رسیده تازه را به صورت بمالند زیبایی صورت را محفوظ می‌دارد. پماد برگ گل و هسته هلو را روی شکم کودکان بمالند کرم آنان دفع می‌گردد. در گلببرگها و برگ و مغز هسته هلو گلوکزیدی که مؤلف اسید سیانیدریک است یافت می‌شود.

در بعضی کتابها و از جمله عجائب المخلوقات قزوینی راجع به شگفتیها از جمله نباتات مطالبی شگفت نوشته شده و در یکی از آنهاست که ساقه تازه‌ای از بید را ببرید و به شکل منحنی دو سر آن را به گل فرو کنید البته می‌دانیم قلمه بید زود می‌گیرد و سبز می‌شود قلمه بید مذکور را در جایی به گل به شکل منحنی فرو کنید که یک درخت کوچک هلوزیر آن بوده باشد وقتی هلو به اندازه‌ای شود که از منحنی بالاتر برود می‌توان قسمت محاذی منحنی را زخم نمود سپس در چوب بید نقطه وسط آن شکافی یا سوراخی بنمایید و شاخه هلو را از آن شکاف به طوری بیرون آورید که قسمت پوست کنده شده از ساقه هلو در سوراخ جا بگیرد بعد محکم محل را با نخ ببندید پس از آنکه مطمئن شدید که هلو با بید جوش خورده، هلو را از ریشه قطع نمایید از درخت باقی مانده که از شاخه هلو و ریشه و شاخه ابتدایی بید است هلوهایی بدون هسته و آبدار به دست می‌آید.

### هلو از دیدگاه رازی:

هلو سردکننده است و برای شخص مبتلا به تب در موقع بالا رفتن تب نوبه (یک روز در میان) و تب محرقة سودمند است.

این میوه در بدن مائیت و آبکی شدن خون را زیاد می‌کند یعنی خونپایی که از آنها تولید می‌شود استحاله کامل پیدا نکرده و خون طبیعی از آن درست نمی‌شود و سبب عفونت گردیده و پس از یک یا دو ماه باعث بروز تب می‌گردد مانند زردآلو، با این فرق که تبپایی که از خوردن هلو عارض می‌گردد شدیدتر و طولانی‌تر است و روی آن نباید آب سرد یا غذاهای ترش خورد، بلکه از داروهای گوارشی باید میل کنند. کسی که مزاجش خیلی گرم است روی آن سکنجبین نخورد مگر روزی که زیاد کار و تلاش کرده باشد و تشنگی زیاد دارد در این روز باید سوپ غذاهای پخته مانند اسفیدبا و زیره‌بای شیرین بخورد هلو زودتر از شفتالو از شکم دفع می‌شود گاهی ادامه خوردن هلو و کشمش و خربزه سبب اسهال می‌گردد در این حال باید آب گرم بنوشند تا اسهال کمتر شود و بعد از آن دارویی بخورند که مرض بکلی قطع شود.

### هلو از دیدگاه کتابهای قدیمی:

خوخ را به فارسی شفتالو می‌نامند. آنچه گوشت آن از دانه جدا شود هلو گویند و غیر آن را کاردی و بهترین آن هلو است در اول سرد و در دوم تر و ملین و مسکن تشنگی و غلیان خون و صفرا و بخارهای حارّه یا بسه و جهت تبهای صفراوی خالص و رفع بدبویی دهان و خشکی دماغ و ترطیب مزاج سوداوی که از احتراق اخلاط باشد و در مزاجهای حارّه معین یاه و مشهی طعام است.

نیم رطل آب آن را شب گذاشته تا صاف شده باشد با شکر و ترنجبین و امثال آن مسهل صفرا و جهت رفع اخلاط سوخته نافع و مضر مرطوبیت و اعصاب و سریع‌التعفن و باعث تبهای مزمن اگر چه بعد از یک ساه و دو ماه باشد و مصلح آن عسل و مربای زنجبیل و قسم کاردی آن غلیظتر و دیر هضم و با قوه قابضه و نفاخ و باعث قورتج و خام

وتلخ آن همین آثار را دارد و خشک کرده آن قابض و بغایت دیر هضم و بعد از هضم کثیرالغذا و مانع سیلان فضول به معده و دو اوقیه آب برگ شفتالو و شکوفه آن با شکر جهت کشتن کرم معده و حب القرع بسیار مؤثر و طلای آن بر ناف دافع کرم معده و حب القرع بسیار مؤثر و طلای آن بر ناف دافع کرم شکم و بر بدن بعد از نوره طلا نمودن تازه و خشک آن جهت رفع بدبویی نوره و ضماد شکوفه آن با آب کلم جهت قلع ثآلیل نافع است و ابن رضوان تصریح نموده که یک دانه شکوفه آن اسقاط جنین زنده می کند و روغن دانه آن جهت درد گوش و کروی و تفتیح سده آن و درد بواسیر و خاییدن مغز مؤثر است.

خوردن هلو وضع حمل را آسان می سازد.<sup>۱</sup>

هلو ملین و مدر و موقعی که در ادرار خون یا سنگ باشد تجویز می گردد.<sup>۲</sup>

اگر شصت گرم گل هلو را در یک لیتر آب دم کنند و دم کرده اش را به بچه ها دهند

اجابت معده را کمک و بیوست آنان را بکلی برطرف می سازد.<sup>۳</sup>

روغنی را که از هسته هلو استخراج می شود به شکل محلول روی برآمدگی بواسیر و

ورم آن می مالند.<sup>۴</sup>

اگر چند روز بطور مرتب پی در پی صبح ناشتا آب هلو را بگیرند و بخورند خوردن آن

در صبح ناشتا ادرار را خارج و تخلیه مدفوعات را منظم می کند.<sup>۵</sup> برای معالجه کرم معده

اطفال باید روی شکم آنها ضماد برگ گل و هسته هلو را که کاملاً خرد شده است،

استعمال کرد.<sup>۶</sup>

آب هلو گوارا و ملین است و برای کبد بسیار نافع است.<sup>۷</sup>

روغنی که از هسته هلو استخراج می شود به شکل محلول روی برآمدگی ورم سودا

می مالند.<sup>۸</sup>

۱- اسرار خوراکیها، ص ۸، ۲- همان، ص ۲۲۱

۳- میوه ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۱۸۵، ۴- همان، ص ۲۴

۵- همان، ص ۱۴۸، ۶- همان، ص ۱۸۶، ۷- اعجاز خوراکیها، ص ۱۱۹

۸- میوه ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۱۸۵

برگهای درخت هلو را اگر با برگ جعفری کوبیده و با روغن زیتون مخلوط کنند برای  
معالجه سوختگی و انواع زخم و جراحات مصرف می‌کنند.<sup>۱</sup>

جوشانده برگهای تازه هلو به مقدار شصت گرم در یک لیتر آب، نوشابه‌ای به وجود  
می‌آورد که خون را تصفیه می‌کند.<sup>۲</sup>

هلو چهره را خوش رنگ می‌نماید. ماسک هلو چهره را سرخ و سفید می‌کند.<sup>۳</sup> اگر  
مغز هلو را بسوزانند و با سرمه آمیخته کرده بر چشم بکشند، درد تسکین می‌یابد.<sup>۴</sup>  
اگر گوش ما صدا می‌کند کمی روغن هسته هلو را به داخل گوش کنید صدای گوش را  
ساکت می‌کند.<sup>۵</sup>

دم‌کرده گل شکوفه هلو به مقدار یک گرم در یک فنجان آب عصبانیت بچه‌های  
خشمگین را آرام می‌کند. هسته هلو را می‌کوبند و کوبیده آن را به شکل ضماد در  
نورانی به کار می‌برند.<sup>۶</sup>

### \* همیشه بهار

همیشه بهار، گیاهی زیبا و از تیره کاسنی است. منشأ اصلی آن در اروپای مرکزی بوده  
و از آنجا به سایر نواحی انتقال یافته است. پراکندگی آن به صورتی است که امروزه در  
مراکش فراوان یافت می‌شود.

در نواحی مختلف آسیا و ایران نیز فراوان می‌روید. کاپیتولهای همیشه بهار، خاصیت  
معرق با اثری قوی، قاعده آور، التیام دهنده و ضد تشنج دارد. برای مصارف درمانی،  
معمولاً کاپیتولها نژادهایی از آن که دارای دو ردیف گل زبانه‌ای است انتخاب می‌گردد.  
از همیشه بهار در تهیه تیزانهای مقوی و قاعده آور استفاده می‌شود و چون این تیزانها  
مصرف زیاد دارد از این جهت هر مقدار که کاپیتولهای خشک شده همیشه بهار به

۱- همان ۲- همان، ص ۱۸۶.

۳- اعجاز خوراکیها، ص ۴۲؛ میوه‌ها و سبزیهای شفابخش، ص ۱۸۶.

۴- رشته مروری، ج ۴، ص ۱۹۵.

۵- میوه‌ها و سبزیهای شفابخش، ص ۱۸۵.

۶- همان.

بازارهای دارویی عرضه شود، سرعت جذب می‌گردد.<sup>۱</sup>

گل همیشه‌بهار مدر است، مقدار مصرف آن پنجاه گرم گلهای تازه در یک لیتر آب است که ده دقیقه آن را دم‌کرده روزی سه فنجان آن را قبل از هر غذای اصلی مصرف کرد کسانی که مبتلا به امراض هستند همین دم‌کرده را کمی غلیظ‌تر باید مصرف کنند.<sup>۲</sup>

قسمتهای مورد استفاده همیشه‌بهار، گل و برگهای آن است. این دم‌کرده برای درد معده کسانی که مبتلا به اولسر معده یا روده هستند مفید است و اگر این دم‌کرده را مصرف نمایند به زودی شفا خواهند یافت.<sup>۳</sup>

جوشانده گل و برگ همیشه‌بهار به صورت کمپرس برای زخمها و دمل و ورمهای ضرب خوردگی و جوشهای پوست استعمال می‌شود.<sup>۴</sup>

شیره تازه گل همیشه‌بهار را روی میخچه یا زگیل پا می‌گذارند.<sup>۵</sup>

گل همیشه‌بهار دارای خاصیت خواب‌آور، مقوی و تصفیه‌کننده خون است.<sup>۶</sup>

همیشه‌بهار گیاهی است یکساله دارای گلهای زرد رنگ، بوته آن کوتاه و دارای برگهای دراز و ستبر و در تمام تابستان گل می‌دهد و زمستان هم سبز است. از سالی به سالی دیگر می‌ماند و سال بعد هم گل می‌دهد.

در میان کردها دم‌کرده و جوشانده آن را برای تسکین درد قاعدگی و یرقان به مصرف می‌رسانند.<sup>۷</sup>

### \* هزار چشم (هوفاریقون)

هزار چشم، گیاهی از رده دولپه‌ایهای جداگلبرگ و از تیره هیپریکاسه می‌باشد. در حدود ۱۸۰ گونه از این گیاه شناخته شده که غالباً در نواحی معتدل می‌رویند. به نامهای دادی، داذی رومی، حشیشه‌القلب، هیپریقون، ایفاریقون، بقله یوحنا، حشیشه‌الجزایر،

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی درگزی، ج ۳، ص ۲۶۷  
 ۲- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۲۴۰  
 ۳- همان  
 ۴- همان، ص ۲۴۱  
 ۵- همان  
 ۶- همان، ص ۲۴۰  
 ۷- طب سنتی در میان کردها، ص ۱۶۶

عشبة القلب، جوجادو، اوفاریقون، هوفاریقون، هیوفایقون منیسه، بیولیه، نوشه، علف چای، نارقیصر و ناکیسر معروف است.<sup>۱</sup>

هوفاریقون را به رومی اندرونیاکون و به سریانی قرعاکبیا نامند و به قول اکثر، نباتی است که پنج نوع می باشد. حکیم میر عبدالحمید در حاشیه تحفه هوفاریقون را به هندی اژادسه نوشته است و گویند بهترین آن کوهی تازه سرخ خوشبو است. صاحب تحفه آن را سه قسم نوشته است و ثمر هر سه قسم را مثل جو بیان کرده است.

به قول شیخ گرم در دوم و خشک در آخر آن است و جمیع اجزای آن ملطف، مفتح سدد و نرم کننده ورمهای سخت می باشد و جالینوس گفته که آن ادرار حیض و بول نماید. ضماد برگ آن نافع سوختگی آتش و پاشیدن ساییده آن نافع زخمها می باشد.

ضماد آن جهت نقرس، عرق النساء و درد خاصره به کار برده می شود. همچنین اگر هر روز نیم درم با ماء العسل به مدت چهل روز خورده شود نافع عرق النساء است. میوه آن مسهل زهره سودا است و خوراک تخمش با نصف وزن آن، تخم سداب تب ریع را منفعت بخشد. بدلش به وزن خودش اذخر و نصف وزن آن بیخ کهر است و گویند بدل آن تخم شوید و انیسون است. طلای آن با روغن زیتون جهت فالجی که از گردن به پشت میل کرده است نافع می باشد. مقدار خوراک، یک درم است.<sup>۲</sup>

گیاه هزارچشم به اسامی گل راعی، هوفایتون، و علف چای نیز معروف است. گلهای هزارچشم که دارای رنگ زرد و نارنجی روشن می باشد در انتهای شاخه ها پیدا می شود. قسمت مورد استفاده این گیاه گل و برگهای آن است که وقتی گلهای تازه آن باز می شود باید چیده شوند و در سایه خشک گردند و باید در جای خشکی آن را حفظ کرد.

گیاه هزارچشم از ماه خرداد تا شهریور گل می کند. گیاه هزارچشم را در نزله های مزمن، انواع زکام، آسم و در عفونتهای ریوی مصرف می کنند. استعمال آن در معالجه این امراض همیشه با موفقیت همراه بوده است.<sup>۳</sup>

۲- محیط اعظم، ج ۴، ص ۲۱۵.

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۴، ص ۱۳۲.

۳- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۲۳۹.

گیاهی است علفی، پایا به ارتفاع حدود ۵۰ تا ۸۰ سانتی متر و دارای برگهای متقابل است. در حاشیه راههای روستایی، مزارع متروک، نواحی کم درخت جنگلها، بیشه ها و غیره می روید. زمان گل دادن آن در اواخر اردیبهشت تا اواخر مهر ماه است. قسمت مورد استفاده این گیاه سرشاخه های گلدار آن است.

### ترکیبات شیمیایی:

سرشاخه گلدار این گیاه دارای اسانس و تانن شیبیه تانن چای است. مقدار تانن آن نیز در نمونه های مختلف ممکن است تا ۱۲/۴ درصد برسد. به علاوه دارای هتروزیدی به نام هیپیرین و ماده قرمز رنگی به نام هیپیرسین است که از نظر درمانی چنین به نظر می رسد که اثر مقوی و آرام کننده در انسان داشته باشد.

در اعضای سبز گیاه مذکور، موادی نظیر فیتوسترین، فلاوون، اسیدهای استتاریک، پالمیتیک، میریستیک، الکل سریلیک و غیره نیز وجود دارد.

### خواص درمانی:

سرشاخه های گلدار این گیاه دارای اثر نیرودهنده، هضم کننده، صفراور، مسکن اعصاب، ضد عفونی کننده مجاری ادرار، مدر، ضد نزله، قابض و تقویت کننده دستگاه تنفسی و رحمی است. به علاوه بطور محسوس اثر تب بر، رفع التهاب سرخرگها و ضد کرم دارد و در استعمال خارج، انتیام دهنده زخمها است.

علف چای را در موارد کمی اشتها، شکم روش، اسهالهای ساده، قولنج های کبدی و کلیوی، زردی، آب آوردن، سنگ کلیه، نزله های شش، آغاز بیماری سل، آسم مرطوب، کم خونی دختران جوان، هیستری، صرع، حالات تشنجی، عدم تعادل عصبی، سردردهای عصبی، میگرن، سیاتیک، دردهای عصبی صورت، بواسیر، دفع کرم روده، تب های نوبه، قطع حالت قاعدگی در زنان جوان، تأخیر وقوع قاعدگی، ترشحات مهلبی و غیره به کار می برند.

در استعمال خارج، سرشاخه‌های گلدار گیاه مخصوصاً روغن قرمزی که از گل‌های گیاه به دست می‌آید به صورت کمپرس در رفع و بهبود غالب زخمها و سوختگی‌ها به کار می‌رود.

هزارچشم برای درمان نزله‌های مزمن، آسم، عفونتهای ریوی مفید است. به علاوه قابض، کرم کش، محرک جهاز هاضمه، تب‌بر و مدر می‌باشد. برای جلوگیری از ترس کردن غذا یا انسداد کیسه صفرا یک فنجان از دم‌کرده هزار چشم بعد از صرف غذا میل کنید.<sup>۱</sup>

#### صور دارویی:

دم‌کرده ۱۵ تا ۳۰ گرم در هزار به مقدار یک فنجان قبل از هر غذا دم‌کرده مخلوط علف چای، بومادران و آویشن، به مقدار مساوی ۲ گرم از هر یک برای یک فنجان، به منظور رفع بی‌اختیاری دفع ادرار مصرف دارد.

باید توجه داشت که مصرف مقدار زیاد علف چای به علت دارا بودن هیپریسین، اثر تحریک‌کننده سلسله اعصاب و تشنج‌آوری دارد.

#### محل رویش:

نواحی مختلف البرز، کرج، جاده چالوس، گیلان: رشت به آستارا، لاهیجان، ارومیه، اردبیل، کوه سهند، نواحی شمالی ایران، خراسان، بروجرد، کوه الوند، گنبد کاووس، جنگل گلستان، لرستان و اطراف تهران می‌روید.

### \* هوم

درختچه‌ای از تیره گنتاسه که جزء تیره‌های نزدیک به مخروطیان است. در تداول عامه در زبان فارسی این گیاه را ریش بُز نیز نامند. از این گیاه و سایر گیاهان این تیره که به



نام علمی افدرا خوانده می شوند، آلکالزئیدی به نام افدرین به دست می آورند که اثراتی مشابه آدرنالین دارد و سمیتش نیز از آدرنالین کمتر است و بر خلاف آدرنالین بیشتر از راه دهان مصرف می شود.

در افغانستان، هوم به ریواس اطلاق می شود که به گیاه مورد بحث ربطی ندارد. آریائیان قدیم گیاه مزبور را مقدس می دانستند و عصاره آن را سی جوشانیدند به حدی که دارای رنگ شود و معتقد بودند که شیره آن روح را فرج می بخشد.<sup>۱</sup> هوم اسم ترکی نباتی است شاخه های آن پُر گره و میوه آن شبیه به تاجریزی و کبک از آن بسیار محفوظ باشد. هوم بدون برگ و بی بیخ و یا ریشه های ضعیف و غیر عمقی در زمین و از سموم قتاله است و چون پیکان را به آب آن آلوده و خشک نمایند به هر حیوانی که زخم تیر آن برسد آن را بکشد.<sup>۲</sup>

### \* هوم المجوس

گیاهی است ساقش یک عدد و باریک و صلب و گلش زرد و تیره و شبیه به یاسمین و برگش ریز است و ظاهراً از جنس ارغوان زرد است. هوم المجوس اسم عربی است و آن را مراثیا نیز گویند. گیلانی نوشته که آن شجری است در نواحی فارس مثل شجر یاسمین و مجوس وقت رمز مه استعمال می کنند. گل آن مشکطرامشع است و در مراثیه گفته که آن هوم المجوس است و به فارسی هوم الحواثر گویند و آن حشیشه ایست برگ آن کوچک و گل آن اغبر مایل به زردی. مؤلف مخزن گوید که آن گیاهی است اسفل ساق آن یک عدد باریک و سخت و گل آن زرد و تیره شبیه به یاسمین و برگ آن ریزه و شکوفه آن شبیه به مشکطرامشع. صاحب تحفه نوشته که ظاهراً از جنس ارغوان زرد باشد و بعضی بخور مریم دانسته اند و حکیم میر عبدالحمید محشی در تحفه می نویسد که آنچه متحقق شده هوم المجوس گلی است که آن را جعفری نامند و دارای اقسامی است: قسمی پنج برگ و

قسمی بیشتر دارند.

به قول گیلانی این دوا گرم و خشک به اعتدال است و بعضی گل آن را سرد و خشک گفته‌اند و در آن جلا و حدت و تعجیف بالغ است و مفتوح سدد دو گل آن حابس خون جراحات چون کفته بر آن نهند و چون طیبخ آن بنوشند ادرار فضول و اذابت آن و ادرار بول کند و آن سنگ مثانه را بشکند.

مقدار شربت آن یکی مثقال تا دو و زیاده از دو مثقال کشنده به تعجیف و به قول محسی ممدوح مقدار شربت آن تا دو توله است و روغن گل آن با دنبه گوسفند ترتیب دهند جهت ارجاع مفاصل بلغمی و سوداوی مجرب است.<sup>۱</sup>

### \* هندوانه

گیاه آن در تمام مزارع کاشته می‌شود. مراد قندی که بیشتر از ساکارین تشکیل یافته در درون هندوانه جمع شده و تخمه‌ها در آن پراکنده‌اند. هندوانه شیرین و خوشمزه بوده، رفع تشنگی و حدت صفرا را می‌نماید و خون را رقیق می‌کند. نیز نفاخ و دیر هضم است و همیشه باید بین دو غذا خورده شود، زیرا اگر بلافاصله قبل از یا بعد از غذا خورده شود در هضم غذا اختلال وارد می‌سازد.

آب هندوانه مفرح و مدر خوبی است و در تبهای عفونی تجویز شده است. تخم هندوانه ضد کرم می‌باشد. در پوست هندوانه مقداری ترکیبات شوره موجود است.

در صد گرم هندوانه ۰/۰۵ گرم مواد ازته و ۵/۵ گرم مواد هیدروکربنه و ۹۲ گرم آب و دیگر ویتامینها موجود است. از ترکیبات فوق معلوم می‌شود هندوانه غذائیت ندارد، بلکه معده را گشاد می‌کند و ادرار را زیاد می‌نماید، هندوانه دارای ششصد واحد ویتامین A است.

هندوانه زیادی ترشح سیب آدم را کم کرده و تعدیل می‌نماید. زیاده روی در خوردن آن برای مرض طحال مضر و بیهوده راضعیف می‌کند.<sup>۲</sup>

۲- اسرار خوراکیها، ص ۲۲۰.

۱- محیط اعظم، ج ۴، ص ۲۱۷؛ تحفه حکیم، ص ۲۶۳.

هندوانه از زیادی صفرا جلوگیری و تشنگی را برطرف می‌کند. ادرار را زیاد و خارج از نوبت غذا باید خورده شود برای اشخاصی که در معده آنها صفرای زیاد تولید می‌شود هندوانه خوب است چون زیادی صفرا را می‌برد و خون را پاک می‌کند.<sup>۱</sup>

هندوانه از زیادی خون جلوگیری می‌کند.

خوردن هندوانه با تمر هندی برای رفع خارش مفید است.<sup>۲</sup>

مربای پوست هندوانه برای درد سینه، ضعف معده و تقویت هاضمه مفید است.<sup>۳</sup>

در میان گردها از پوست آن برای رفع جوشهای صورت و گزیدگی حشرات استفاده می‌کنند و از تخم آن برای دفع کرم بهره می‌برند.<sup>۴</sup>

هندوانه مسکن التهاب، فشار خون و برطرف کننده تشنگی زیاد می‌باشد. سازنده خون و رقیق کننده می‌باشد و بهترین درمان حصه و مطبقه است.

خوردن آن با سکنجین جهت درمان یرقان و سنگهای صفراوی مفید واقع شده و مربای پوست آن مبارز نفخ معده می‌باشد.<sup>۵</sup>

آب هندوانه در تبهای عفونی تجویز شده است.<sup>۶</sup>

اگر پوست هندوانه را روی جوشهای صورت بمالند پس از چندی جوشها محو می‌گردد و شفا می‌یابند.<sup>۷</sup>

هندوانه منبع خوبی از ویتامین‌های A و C است. البته سایر محصولات این گروه نظیر طالبی و خربزه نیز دارای یک چنین خواصی هستند.

یکی فتنجان آب هندوانه، حاوی پنجاه درصد کالری است و حدود بیست و شش درصد از نیاز روزانه بدن به ویتامین C و دوازده درصد ویتامین A را تأمین می‌کند.<sup>۸</sup>

در چین و ژاپن از میوه و پوست و پولپ و آب هندوانه به‌عنوان مدر و مقوی معده

۱- اسرار خوراکیها، ص ۲۲۰.

۲- راه نجات از مرگ مصنوعی، ج ۵ ص ۲۳.

۴- رشته مروارید، ج ۳ و ۴، ص ۱۸۹.

۶- فوائد سبزیها و میوهها، دکتر سید نورالله ستوده.

۸- مجله برگ سبز، ص ۳۵، مهر ۱۳۷۱.

۳- همان، ص ۱۴.

۵- زبان خوراکیها، ص ۱۲۸.

۷- رشته مروارید، ج ۳، ص ۸.

استفاده می‌شود. پوست و پولپ داخل آن را برای معالجهٔ یرقان، دیابت و رفع مسمومیت می‌خورند.

از خاکستر پوست هندوانه برای معالجه برفک و تاوهای دهان استفاده می‌شود.

## \* هندوانهٔ ابوجهل

هندوانه ابوجهل گیاهی است که بوتهٔ آن شبیه هندوانه و در جاهای خشک می‌روید. میوه‌اش به شکل هندوانهٔ بسیار کوچک، کوچکتر از نارنج، بسیار تلخ، رنگش زرد و تخم‌هایش سیاه و گل‌های آن زرد و نارنجی است.

در میان کردها آن را برای رفع تأخیر قاعدگی بانوان مصرف می‌کنند. میوهٔ آن را نیز بطور کلی با دانه‌های خشک می‌کنند و سپس به صورت ضماد درمی‌آورند و برای التیام زخمهای مزمن دامها که حالات گرمی داشته باشند به کار می‌برند.

هندوانهٔ ابوجهل، گیاهی علفی، پیچک‌دار، چند ساله و از تیرهٔ کدو است. برگ‌های منقسم به قطعات دنداندار و گل‌هایی بر دو نوع نر و ماده، به رنگ زرد نارنجی دارد. ابعاد میوهٔ آن به بزرگی یک نارنج کوچک می‌رسد. دارای مصارف دارویی است چون اثر مسهلی قوی دارد ولی باید مصرف آن در نهایت احتیاط صورت گیرد، زیرا طبق تحقیقاتی که به عمل آمده مصرف آن موجب افزایش ترشحات صفرا می‌شود، گاهی نیز بطور قاعده‌آور از آن استفاده می‌شود و باید توجه داشت که از میوهٔ این گیاه باید در مواردی استفاده گردد که مصرف یک مسهل قوی ضرورت داشته باشد.

ضمناً در موارد التهاب دستگاه هضم بخصوص برای زنان باردار نباید تجویز شود. از میوهٔ این گیاه در دامپزشکی بیشتر استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

به فارسی: هندوانهٔ ابوجهل در کتب طب سنتی به نامهای حنظل و مرارة الصحاری علقم آمده است.

گیاهی است چند ساله، ساقه‌های آن گسترده روی زمین یا پیچکدار و با دندانۀ پهن

پوشیده از تار و به رنگ سفید پنبه‌ای این گیاه در بوشهر، بلوچستان، و جزیره قشم می‌روید.

نباتی خودرو است برگ آن مانند برگ هندوانه لکن مایل به زرد است گل آن زرد میوه‌اش مانند هندوانه مایل به زرد رنگ اندازه کوچک دارد و بسیار تلخ است.<sup>۱</sup>  
در منطقه شمال غربی هند و مرکز و جنوب در فصل زمستان می‌روید آقای ایچ من بیان کرده که در منطقه صحرائی بلوچستان می‌روید و در آن محل خارکشته نامیده می‌شود.

### خواص و کاربرد:

هندوانه ابوجهل یا حنظل در برخی استسقاهاى سخت ممکن است تجویز شود و زیر نظر پزشک مصرف گردد.

برای بیماری‌های سردرد، درد شقیقه، فلج، لقوه، صرع، فراموشی مفید است.<sup>۲</sup>  
امام موسی علیه السلام فرمود: فان كان الضرس لاأكل فيه و كانت ریحاً قطرانحنظل في الاذن انى تلى الضرس ثلاث ليال كل لینه قطرتين أو ثلاث قطرات يبرأ باذن الله.<sup>۳</sup>  
«اگر دندان کرم خورده نباشد و تنها باد باشد سه قطره یا دو قطره روغن حنظل در آن گوشی که دندان بجانب آن واقع شده سه شب متوالی می‌ریزی که انشاءالله درد آن از بین می‌رود».

حنظل هندوانه ابوجهل داروی درد مفاصل و نقرس و عرق النساء است مضمضه‌اش درد دندان را ساکت می‌کند.

حنظل در معجونهای دیگری در موضوعهای: خارپشت، سندروس، بزاق قم و... بیان شده است.

حنظل ثمر گیاهی است به قدر هندوانه کوچک و در نهایت تلخی و تنها شخم آن

۱- لاتانی لغات الادویه، ص ۲۴-۲۵.

۲- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۱۷۶.

۳- بحار، ج ۶۲، ص ۱۶۳.

مورد استعمال است که مسهل سوداء و بلغم غلیظ و مفتوح افواه عروق و مسقط جنین و قاتل آن و جاذب اخلاط از عمق بدن و جهت فلج و امراض بارده دماغی و اعضای عصبی و عرق النساء و مفاصل و نزولات مزمنه غلیظ چشم و سینه و... می باشد.<sup>۱</sup>

حنظل: به یونانی و سریانی قولوانیس و قولوقس و به یونانی قاطنحویا و به شیرازی گوشت و به کرمانی خرزهره و به فارسی: کبست و به فارسی عامه هندوانه تلخ و خربزه تلخ و خربزه رویاه و هندوانه ابوجهل و به هندی اندر این و مهاکان می نامند و آن میوه نباتی است شاخهای آن مثل خیار و برگ آن شبیه به آن لیکن مشرف و کوچکتر از آن و نبات منبسط بر روی زمین شبیه به نبات هندوانه و برگ آن نیز مشابه به برگ آن و مایل به زردی و بیخ آن باریک و گل آن زرد و میوه آن به قدر خربزه کوچک و زرد رنگ و به ندرت سرخ بسیار رنگین و سفید نیز می باشد می گویند بهترین آن نرم رسیده زرد ظاهر سفید شخم مایل به زردی است و مختار از آن سفید بسیار و نرم است و سیاه و سخت و اندرون زرد سبز روی است و گاهی یک میوه در تمام شجر آن یافته می شود و آن نیز رومی و از سموم قتاله است خوردن دو دانگ آن مشرف به هلاکت می گرداند و این به خاطر آن است که قوت جمیع اجزای شجر متجذب سوی آن یک میوه می گردد و لذا آن جنوه بسیار بزرگ است.

شیخ می فرماید: حنظل یا شرنگ یا هندوانه ابوجهل بر دو نوع است: نرم و ماده. شرنگ نرم الیافی است و شرنگ ماده سفید رنگ و نرم است، سفید بسیار سفید و نرم زیاد خوب است سیاهش بد است و سختش بد، هنگامی باید شرنگ را به منظور دارویی از بوته چید که رنگ سبزش به زردی می زند چون اگر تمام سبز باشد یا بکلی زرد شود از تأثیرش می کاهد و کاری از آن بر نمی آید و می گویند نباید پوست و تخم شرنگ را به کار ببرند و گویند اگر بوته ای تنها شرنگی داشته باشد نباید آن را به کار گرفت، زیرا در این صورت سم قاتل است.

بهر آن است که اولاً آن را خوب بسایند و بعداً آب غسل بر آن پاشند تا خیس شود

باز آن را خشک کنند و باز بسایند دفع گزند شرنگ و بر سر حال آوردنش یا کتیرا و صمغ عربی است.

گدازنده، تکه کننده، بسیار جاذب و برگ سبز آن خون دماغ را بند آورد، در مداوای جذام و واریس و پاغره بر پوست مانند مفید است برگ شادابش ورمها را می‌رساند و تحلیل می‌برد و مغز را می‌پالاید. شرنگ را در روغن زیتون بجوشانند و آن زیتون را در گوش چکانند احساس صداهایی در گوش را از بین می‌برد و کشیدن دندان را آسان می‌کند در علاج بلند نفسی کشیدن نفس بدان قی کنند بسیار خوب است. بیخ شرنگ پادزهر مار است و در خنثی کردن سم کژدم بهترین پادزهر است.<sup>۱</sup>

مالیدن حنظل، عسل، زرنیخ، روغن زیتون، آب زهره گاو از هر کدام نیم سیر بر شکم و بر کمر تا مقعد نافع استسقاء است، شیاف کاک حنظل نافع بواسیر و مسهل قوی است.<sup>۲</sup>

حنظل را به اردو، ایندراوین و توما. و در فارسی: خربزه تلخ می‌گویند، میوه یک گیاه دشتی خودر است و گیاه آن مشابه گیاه هندوانه است و میوه‌هایش به قدر پرتقال است. مغز میوه تازه اش نرم و با آب می‌باشد ولیکن خشک آن مغزش به پوست می‌چسبد و بی آب است در حالت خشک تناسب اجزایش به این صورت است: مغز ۱۵٪ و تخم ۶۲٪ و پوست ۲۲٪ می‌باشد و همین مغز و بیخ بطور دوا استعمال می‌شود رنگ میوه اش زرد خفیف همراه با خطهای سبز خفیف می‌باشد مغز خشکش سفید مایل به زرد.

محلل و مسقط حمل، بلغم سرداوی را با اسهال دفع می‌کند اخلاط فاسد را جذب می‌کند و امراض بارده مثل: رعشه و قلع، عرق النساء، استسقاء را مفید است آن را هیچ وقت تنها استعمال نمی‌کنند، بلکه با مصلحتش مخلوط نموده بعد خورده می‌شود اگر از آب حنظل زن شیاف بنماید حمل ساقط می‌شود حنظل را در روغن کنجد پخته و بر بدن بمالند درد سر و دیگر دردهای اعضاء را دور می‌کند بیخ آن جزء دوائی معروف یونانی

عرق مطبوخ می‌باشد و مغز آن در طب برای اسهال استعمال می‌شود<sup>۱</sup>.

برای مزاج صفراوی مضر است، مصلحش کتیرا و صمغ مغیلان است.

قدما برگ خشک این گیاه را با نشاسته مخلوط نموده و به‌عنوان مسهل می‌دادند.

دم‌کرده برگ تازه آن را برای از بین بردن کیک در اطاق می‌پاشیدند<sup>۲</sup>.

کتاب لغت سنسکریت آن را میوه‌ای تلخ، تند، مسهل و در امراض صفراوی مفید

است نیز در تب، امساک معده و کرم معده نافع گفته‌اند و نیز ریشه آن را در مرض یرقان،

ورم معده، روماتیسم و استسقاء مفید گفته‌اند نسخه مرکبی از آن ذکر شده که جیوه، مغز

حنظل، گزگرد، هل، فلفل دراز، عاقرقرها و هلیله از هر کدام ۴ حصه به‌کار رفته است. در

سنسکریت نام حنظل اندروارونی و ویشالا است.

در هند حنظل را با حب القراب با آب ساییده و روی دانه‌های پوستی می‌مالند در

روماتیسم از ریشه آن و فلفل دراز بطور مساوی قرص درست می‌کنند و استعمال

می‌نمایند همچنین از ریشه آن معجونی درست کرده برای جلوگیری از بزرگ شدن شکم

بچه‌ها می‌مالند.

اطبای مسلمین در باره حنظل مفصل بحث کرده‌اند و آن را مسهل قوی و خارج‌کننده

بلغم از تمام نقاط بدن شناخته‌اند میوه، برگ و ریشه آن در دارو سازی مستعمل است در

امراض یرقان، استسقاء قولنج، کرم معده و داء‌الفیل استعمال می‌شود بر رحم خراش

وارد می‌کند بخور آن مدر حیض است.

برای باد شکم صاحب مخزن استعمال حنظل را بدین ترتیب ذکر کرده است:

حنظل را یک سوراخ کرده در آن فلفل سیاه پر کنند لبه سوراخ را بسته در گل پیچیده

در خاکستر کنار آتش به مدت چند روز بگذارند بعد آن فلفلها را درآورده به‌عنوان

بادشکن و ملین معده استعمال می‌کنند در دستور دیگری به‌جای فلفل از ریوند چینی به

همان صورت استفاده می‌کنند. صاحب مخزن ادویه تخم آن را مسهل گفته است، نیز

برای اثبات رنگ مو مفید است.



به همین جهت امروزه در اروپا تخم حنظل مورد استفاده زیادی دارد، شاید اثر مسهل تخم صحیح نباشد به این جهت که در ایام قحطی تخم را شسته و می خوردند اهل یونان و روم حنظل را از قدیم می شناختند.

از عمل شیمیایی در آن ماده colocynthin c56o25 حاصل شده است نیز بعضی در آن ماده colocynthia c44h64o13 حاصل کرده اند.

در ریشه آن مقدار زیادی نشاسته و woody fibre است. عصاره آن به رنگ زرد مزه آن تلخ و مواد روغنی در آن وجود دارد.

در هند برای استعمال در بهداری عصاره آن مورد استعمال است.<sup>۱</sup>

### نفع خاص:

آن این که مسهل بلغم و سودا می باشد خوراکش ۲ گرم است اضافه بر این نافع درد شقیقه است و اگر با علوا و انیسون و افیمون استعمال بکنند برای مرض جذام و سودا مفید است، مسواک بیخ آن برای درد دندان مفید است.<sup>۲</sup>

اسم طبی حنظل را citrullus colocynthis نوشته اند و در دواهای مسهل و قی آور استعمال کرده اند و نسخه ای برای صاف کردن نزلات دماغ و مرض شقیقه هم نوشته است.<sup>۳</sup>

citrullus colocynthis (linne\_schader) (fam\_cucurbitaceae)

می گویند و آن دارای جوهری است به نام colocynthin که دارای فرمول شیمیایی c56h84o23 می باشد و اضافه بر این صمغ و لعاب هم دارد.

extract of colocynth یکی از مرکبات حنظل می باشد قرص آن و گرد آن هم برای اسهال و معده بیان شده است.<sup>۴</sup>

۱- فارماکوگرافیا، ج ۲، ص ۵۶، ۶۱-۶۰

۲- المنردات، ص ۶۱

۳- حمدرد انگلیسی، ص ۲۹، ۵۰، ۵۲

۴- دستور بریتانی، ص ۴۶۱، ۱۱۷۲

حنظل<sup>۱</sup> یا هندوانه ابو جهل عبارت از قسمتهای گوششی و خشک شده میوه نارس سیترولوس سنتیس از خانواده کوکوربیتاسه می باشد.

### ترکیب شیمیایی:

دارای بک رزین محلول در اتر و کلروفرم می باشد و مواد مؤثر موجود در آن شامل یک فیتوسترول گلوکزید به نام سیترولول و گلوکزیدهای دیگر و مقدار زیادی پکتین و مواد آلبوسینوئیدی است.

### مصرف و مقدار خوراک:

حنظل دارویی است که مقدار مصرف آن ۱۲۰ میلی گرم است و بر روی سیستم گوارشی دارای اثر مسهلی بسیار قوی می باشد تحقیقات جدید بر روی ترکیبات حاصله از گیاهان خانواده کوکوربی تا سه نشان داده است که این اجسام دارای خاصیت ضد سلولی بسیار قوی می باشند، به علاوه اخیراً نشان داده شده است که به کار بردن این ترکیبات همراه با اشعه رادیواکتیو دارای اثر متوقف کننده در رشد تومورهای سرطانی می باشد.<sup>۲</sup>

## ✽ هاماملیس

هاماملیس، گیاه دارویی ارزنده ای است که فرآورده های برگ و پوست آن بر اثر دارا بودن مواد مؤثر، در بسیاری از ناراحتی های مربوط به گردش خون، خونریزیها، واریس، بواسیر و غیره به کار می رود. هاماملیس به فراوانی در جنگلهای مرطوب اتازونی، پنسیلوانیا و کانادا می روید ولی در ایران، یافت نمی گردد.

هاماملیس، درختچه کوچک و زیبایی است. ساقه ای به ارتفاع ۳ تا ۴ متر و برگهایی ساده دارد. تکثیر آن به وسیله دانه صورت می گیرد. برای این کار، دانه ها را در زمین

خاکبرگ دار و سیلپسی می‌کارند و پس از آن که رویش مقدماتی آنها انجام گرفت و گیاه جوان حاصل، دارای ۳ یا ۴ برگ گردید، آنها را به زمین آماده‌ای منتقل می‌سازند. این انتقال زمانی صورت می‌گیرد که ارتفاع گیاه ۱۵ تا ۲۰ سانتی متر باشد.<sup>۱</sup>

### آب هاماملیس:

از تقطیر سرشاخه‌های تازه قطع شده و نیمه خشک هاماملیس ویرجینیانا به دست می‌آورند. محصول حاصله یک محلول آبی و الکلی اسانسهای فرّار موجود در گیاه می‌باشد.

تجزیه اسانس هاماملیس وجود موادی مانند دو هگزیمه، یک آل (۹/۷ درصد)، آلدئید استیک (۳/۲ درصد)، آلفایونون (۳/۵ درصد)، بتایونون (یک درصد) و سافرول (۰/۲ درصد) را نشان داده است.

آب هاماملیس دارای خاصیت قابض است و از این رو آن را در استعمال خارجی با مالیدن روی پوست به عنوان ضد احتقان و رفع گرفتگی عضلات به کار می‌برند.<sup>۲</sup> هاماملیس درخت کوچکی است شبیه درخت فندق که در حاشیه جنگل می‌روید. گل‌های آن زرد و دارای گلبرگ‌های دراز و باریک است که همراه با میوه در پاییز، پس از ریختن برگ‌های بیضوی و دندان‌دار، ظاهر می‌شود.

هاماملیس دارای تانن بسیار غنی است و به همین جهت قابض و تنگ کننده عروق می‌باشد.

در مورد واریس، بواسیر، التهاب وریدی، تورم، سنگینی اعضای تحتانی و پاها به کار می‌رود. همچنین برای ناراحتی‌های پوستی، جوش صورت و پرخونی چشم مصرف می‌شود. به صورت تنبور مادر یا عصاره مایع در ترکیبات دارویی وجود دارد. جوشانده آن بسیار تلخ است.

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۵۹۱.

۲- مفردات پوتکی، دکتر آنته جی، ص ۳۱۲.

### \* هویج

هویج نیز مانند سبزیجات چون مواد سلولزی دارد مقدار زیادی آب به خود جذب می‌نماید، موجب ازدیاد حجم مدفوع می‌شود لذا برای مبتلایان به یبوست بسیار سودمند است.

هویج به دو صورت خام و پخته مصرف می‌گردد ولی اگر آن را پخته بخورند به سهولت هضم می‌شود و دچار ناراحتیهای دستگاه گوارش چون نفخ، ترشی معده، درد معده و روده نمی‌شود.

هویج دارای کاروتن که از هیدروکربورهای سنگین است درست شده لذا به همان شکل داخل خون می‌شود و در بدن ویتامینهایی را به وجود می‌آورد.

ولی باید دانست که هویج دارای اسید اکزالیک است و کسانی که سوخت و ساز بدنشان خوب نیست نباید آن را مصرف نمایند، زیرا اسید اکزالیک در بدن این گونه افراد تولید ناراحتیها و تشکیل سنگ کلیه می‌نماید در عین حال در هویج مواد معدنی فسفر، کلسیم، منیزیم، پتاسیم، آهن و منگنز وجود دارد و سرشار از ویتامینهای PP, C, B, A می‌باشد.

جزر معرب گزر فارسی است که همان زردک و هویج می‌باشد و به یونانی اسطقلینه و اسطافالیوس گویند.

داوود بن فرقه گوید: شنیدم امام ابی‌الحسن علیه السلام فرمود: «اکل الجزر یسخن الکلیتین و یتقیم الذکر قلت جعلت فداک و کیف آکله و لیس لی اسنان فقال مر الجاریة تسلقه و کله»<sup>۱</sup> «خوردن هویج کلیه‌ها را گرم می‌کند و آلت رجولیت را بلند می‌نماید».

گفتم: دندان ندارم چطور آن را بخورم؟ فرمود: بگو کنیز آن را آب‌پز کند و بخور.

باز امام باقر علیه السلام فرمود: «الجزر امان من القولنج و البواسیر و یعین علی الجماع»<sup>۲</sup>

«هویج امان است از قولنج و بواسیر و بر جماع کمک می‌نماید».

در روایت است روزی میهمانی بر حضرت ابراهیم علیه السلام وارد شد و چیز خوردنی در

متزل نداشت و ابراهیم علیه السلام هم از سفر چیزی پیدا نکرده بود مقداری سنگ و شن به جوال جمع کرده آورد. و در روایتی دیگر آن حضرت رفت و دو رکعت نماز خواند و دید ظرفی که برای غذا آماده کرده بود نیست فهمید که خدا اسباب غذا را معین کرده است. موقعی که وارد منزل شد دید ساره چیزی می‌پزد، فرمود: از کجا آوردی؟ گفت: آنچه تو با دست آن مرد فرستاده بودی در حالی که خداوند به جبرئیل علیه السلام امر کرده بود آن شنهایی را که ابراهیم علیه السلام روی آن نماز خوانده جمع کرده بیاورد و خداوند شنها را جاورس و سنگهای گرد را شنغم و سنگهای مستطیل را هویج قرار داده بود.<sup>۱</sup>

در روایتی علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: از پیغمبر خاتم صلوات الله علیه در باره هویج سؤال شد، فرمود: داستان ابراهیم علیه السلام را تا آخر آن ولی در آن روایت به جای جاورس، ذرت و به جای شلجم لغت (شلغم) ذکر شده است.<sup>۲</sup>

هویج گیاهی است از خانواده چتریان که در زمین با PH ۶/۵ خوب می‌روید و کودهای تپاسه زیاد لازم دارد. تکثیرش با بذر انجام می‌گیرد و رنگ آن خاکستری و کمی مایل به سبزی است.

مواد ازته هویج ۰/۹۵ درصد و چربی ۰/۲۵ درصد و گلووسیدها ۰/۱۰ ولی از ویتامین A و B غنی است. نیز دارای مقدار زیادی آب، سلولز، مواد ازته، مواد معدنی، مواد چربی، گلووسیدها، مواد پکتیک، ماده رنگی که تبدیل به کاروتنها می‌شود، اکیسدازها، پکتازها و نوعی از انسوزین گیاهی می‌باشد.

مواد گلووسیدی هویج: ساکارز (۴/۶ درصد) و گلوکز (۴-۶ درصد) است و املاح آن کلسیم، پتاسیم، منیزیم، اسید فسفریک، اسید سولفوریک، منگنز، من، آلومینیم، آرسنیک، کلروزها و غیره است.

هویج اسانس مخصوصی دارد. سلولز هویج ۱/۵ درصد است. مواد پکتین هویج ۳-۱ درصد می‌باشد. هویج مدر و قاعده‌آور و ضد هیستری است. در قدرت بینایی نقش مؤثری دارد پوست صورت را شفاف می‌سازد از سفید شدن مو جلوگیری می‌نماید،

اشتها آور بوده و در رفع خستگی تأثیر خوبی دارد و در قدیم آن را به عنوان آرام بخش می شناخته اند.

هویج با وجود داشتن قند زیاد برای بیماران قندی خوب نیست ولی برای افراد چاق نیکوست. هویج اشتها آور بوده، قاعدگی را مرتب نموده و کمپرس آن بر سودا، سوختگی، کوزک، دمل و پوست تحریک شده نافع می باشد و به علت آهن نسبتاً قابل توجهی که دارد برای کم خونیها خوب است.

هویج و لیمو رشد کودکان را تقویت و برای ناقهین و گرسنگی خورده ها، عصبانی ها و پیران، سالاد هویج سودمند است و آب هویج در یرقان و ناراحتی کبد و گرفتگی رنگ مؤثر است.

جوشانده هویج وحشی خشک را مخلوط با عسل در هضم غذا و جوشانده ریشه اش را در حبس البول مؤثر می دانند. یک کیلو هویج و یک کیلو و نیم شکر (بهتر است هویجهای گلی رنگ متوسط القامه انتخاب شود) تهیه کرده هویجها را خوب شسته، خرد کرده در طشتی روی هم انباشته روی هر طبقه شکر ریخته روی همه گرد لیموی بسیار نرمی بپاشید و چون نیمی از این مخلوط آماده شد آب لیمو بر آن ریخته و بعد که نیم دیگر تهیه گردید ۱۵ دقیقه آتش ملایم زیر آن افروخته مربای هویج به دست می آید. در هویج مس قابل ملاحظه وجود دارد. مس در صدف، اسفناج، هویج، نخود و غلات وجود دارد.<sup>۱</sup>

هویج ضد کرم است و بیماری مخصوصی که در کودکان با فشار زیاد معده همراه درد به وجود می آید با دادن هویج می توان در ظرف چند روز درمان کرد. نوزادانی که می خواهند دندان در آورند با جویدن هویج کمک خواهند شد. هویج اعمال روده ها را منظم می کند.

کسانی که با خوردن گوشت پیوست پیدا می نمایند بهتر است هویج نیز بخورند؛ زیرا ملین خوبی است. جوشانده هویج در آب که کاملاً حل شود (۵۰۰ گرم در یک لیتر) با

افزودن اندکی نمک در اسهال کودکان مفید است به شرط آنکه چیز دیگر داده نشود. آب هویج مدر و تصفیه کننده خون بوده و خوردنش در صبح ناشتا در بیماران کبدی، روماتیسمی، مفصلی، نقرس، سنگ کلیه و شانه، یرقان، کم خونی و ضعف عمومی مؤثر است و اگر با شیر خورده شود برای ترشحات مجاری تنفسی سودمند است. کودکان مبتلا به بیماریهای پوستی زرده زخمی از راه خوراک و پماد بهبود می یابند و پماد آن در کوزکها، دملها و آبسه پستان مؤثر است و اگر با عسل خورده شود، قوه باه را می افزاید. صبح ناشتا به مدت هشت روز هویج خوردن گرم کدو را دفع می نماید. جوشانده تخم هویج مقوی، مدر و اشتها آور است، قاعدگی را باز و شیر را زیاد و نفخ را بر طرف می سازد. هویجهای سالم کوچک را روی سینی در کوره کاملاً خشک کنید تا رنگ گندمگون پیدا نمایند و از آن گرد برای رنگین کردن طعام به کار برید.

در یک بررسی در هویج فرنگی ارقام زیر به دست آمده است: (در صد گرم) آب ۸۸/۶، پروتئین ۱/۱، چربی ۰/۲، گلوکوسید ۹/۱، سدیم ۰/۴۸، کلسیم ۰/۴۱، پتاسیم ۰/۳۱۱، منیزیم ۰/۱۷، منگنز ۰/۲۴۷، آهن ۰/۹، مس ۰/۱۱۱، فسفر و...

آب هویج خام را ساده یا با شیر می توانند مخلوط کرده و بخورند مخلوط آب هویج و شیر در رفع ترشحات برونشیتها و ریه ها فوق العاده مؤثر است.<sup>۱</sup>

آب هویج در پایین آوردن تب مفید است.<sup>۲</sup>

آب هویج در درمان کم خونیها، زخم معده و اثنی عشر، ورم روده بزرگ و کوچک، اسهالهای ساده، بیماریهای کبد، صفراوی، مسمومیتها و ناراحتیهای جلدی مختلف مؤثر واقع می شود بطوری که مصرف روزانه آن ضروری ذکر شده است.

آب هویج با دارا بودن عناصری مانند آهن، فسفر، منیزیم در ساخته شدن خون و بافتها ضرورت دارند و نیز ویتامینهای مختلف و موادی نظیر پکتینها و غیره در درمان بسیاری از بیماریها تأثیر فراوان می نماید. مصرف آن در هر سنی، خواص درمانی مشخص در رفع ناراحتی ظاهر می کند. مصرف آن در افراد جوان باعث می شود که

۱- یوههار سبزیهای شفا بخش، ص ۳۶.

۲- اسوار خوراکیها، ص ۱۲۴.

جوانی آنها برای مدتی طولانی حفظ شود.

به آب هویج چون طعم مورد پسند ندارد، آب کرفس یا آب گوجه فرنگی یا آب جعفری یا آب لیمو ترش و گاهی مجموع آنها را می‌افزایند و نوشابه‌هایی به دست می‌آورند که در تأمین سلامت بسیار مؤثر واقع می‌شود.<sup>۱</sup>

آب هویج مسکن اعصاب است.<sup>۲</sup>

هویج مثل تمام سبزیها عمل زوده‌ها را منظم می‌کند و یبوست را رفع می‌کند.<sup>۳</sup> برای مبارزه بر ضد کرم کدو اگر هشت روز ناشتا هویج رنده شده را بخوریم کرم کدو خارج می‌شود.<sup>۴</sup>

انفکسیون مخصوصی که در بچه‌ها پیدا می‌شود و عوارض آن فشار معده توأم با درد می‌باشد با دادن هویج در طی چند روز شفا بخشیده است.

هویج با روغن زیتون مرهمی برای کبک و امزجه صفاوی می‌باشد.<sup>۵</sup>

سوپ هویج داروی قدیمی‌ها علیه اسهال اطفال است بچه‌هایی که معده‌ای حساس دارند سوپ هویج برای آنها مفید است.<sup>۶</sup>

آب هویج خام ناشتا یک نیوان برای امراض کبدی مفید است.<sup>۷</sup>

آب هویج میل نماید زرد زخم خوب می‌شود.<sup>۸</sup>

آب هویج خام خون را تصفیه می‌کند.<sup>۹</sup>

آب هویج مخلوط با آب لیمو و جوشانده پیاز برای درد سینه و گلو بسیار مفید است و همچنین مخلوط با شیر در بیماری گرفتگی صدا مصرف می‌شود.<sup>۱۰</sup>

آب هویج خام یا مخلوط با شیر صبح ناشتا میل کنید برای آسم مفید است.<sup>۱۱</sup>

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری: ج ۱، ص ۶۸۲.

۲- بوهدا و سبزیهای شفا بخش، ص ۳۷.

۳- همان، ص ۳۷.

۴- همان، ص ۳۷.

۵- اسرار خوراکیها، ص ۱۱۵.

۶- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۳۶.

۷- همان، ص ۳۸.

۸- همان، ص ۳۸.

۹- همان، ص ۳۸.

۱۰- همان، ص ۳۸.

۱۱- همان، ص ۳۸.



آب هویج خام صبح ناشتا میل کنید برای خنازیر مفید است. هویج برای کم خونی بسیار مؤثر است.<sup>۱</sup> آب هویج برای ازدیاد شیر مادر مفید است.<sup>۲</sup>  
دم کرده تخم هویج به مقدار یک قاشق قهوه خوری برای یک فنجان آب جوش مقوی، مدر، اشتها آور و خانمها اگر آن را مصرف کنند قاعده آور و شیر را زیاد می کند.<sup>۳</sup>  
هویج خنک و اشتها آور و مدر است مصرف آن برای اشخاص چاق توصیه شده ولی اشخاص مبتلا به مرض قند از خوردن آن بر حذر شده اند.<sup>۴</sup>

### آیا هویج برای چشم مفید است؟

هویج ضعف بینایی را درمان نمی کند اما برای تقویت دید در موقع شب مفید است و نیز مانع شب کوری می شود.

شب کوری به علت کمبود ویتامین A در بدن ایجاد می شود. انسان از هر منبعی که می تواند باید این ویتامین را به بدن برساند. یک راه این کار، مصرف هویج و سبزیجات دیگری است که حاوی کاروتن می باشند.

کاروتن رنگدانه زرد و پرتقالی رنگی است که در بعضی از سبزیجات یافت می شود. کاروتن در بدن تبدیل به ویتامین A می شود که سلولهای چشم به آن نیاز مندند تا در نور کم، قادر به دیدن اشیاء باشند. اما ویژگی هویج نسبت به سبزیهای دیگر، وجود کاروتن فراوان در آن نسبت به سبزیجات دیگر است.<sup>۵</sup>

هویج اثر شفابخشی در معالجه زخم اثنی عشر دارد. هویج مانند تمام سبزیها و بیشتر از همه آنها، اعمال روده ها را منظم می کند و مصرف آن برای رفع اسهال مفید است.

ویتامین A موجود در هویج، تولید سلولها را افزایش می دهد و برای پوست، سرچشمه آب «جوانی و تندرستی» است. کمپرس آب هویج روی پوست، از چین

۱- همان، ص ۳۶. ۲- اسرار خوراکیها، ص ۱۳۴.

۳- میوه ها و سبزیهای شفابخش، ص ۳۹

۴- میوه ها و سبزیهای شفابخش، ص ۳۸

۵- مجله برگ سبز، مرداد و شهریور ۱۳۷۱، ص ۲۵.

خوردگی و افتادگی پوست‌های ظریف و حساس جلوگیری می‌کند.  
 نوشیدن آب هویج بطور ناشتا، در درمان روماتیسم و دردهای مفصلی، سنگ مثانه و  
 یرقان مفید است و همچنین در دفع ترشحات ریه‌ها، مؤثر واقع می‌شود.<sup>۱</sup>  
 آب هویج در درمان کم‌خونی‌ها، زخم معده و اثنی عشر، ورم روده بزرگ و کوچک،  
 اسهالهای ساده، بیماریهای کبدی، صفراوی، مسمومیت‌ها و ناراحتی‌های جلدی  
 مختلف مؤثر واقع می‌شود بطوری که مصرف روزانه آن، ضروری ذکر شده است.  
 آب هویج با دارا بودن عناصری مانند آهن، فسفر، منیزیم که در ساخته شدن خون و  
 بافت‌ها ضرورت دارند و همچنین ویتامین‌های مختلف مخصوصاً ویتامین A و موادی  
 نظیر پکتین‌ها و غیره، در درمان بسیاری از بیماریها تأثیر فراوان می‌نماید.  
 مصرف آن در افراد جوان باعث می‌شود که جوانی و شادابی آنها برای مدتی طولانی  
 حفظ شود و دیرتر به پیری برسند.<sup>۲</sup>

### \* هفت کول

درختچه‌ای است که در جنگلهای شمال ایران می‌روید. نامهای محلی آن در آمل،  
 مازندران و لاهیجان «هفت کول» می‌باشد.  
 درختچه‌ای است که دارای برگهای متقابل با دم‌برگ بیضی شکل نوک تیز با  
 دندانه‌های ریز، پشت برگها کرکدار با کرک زبر نمدی و طول برگ ۱۲-۶ سانتی متر است.  
 گل‌های آن شکری دارای بویی ملایم و به‌صورت گروه پرپشت در انتهای شاخه گل  
 دهنده در ماههای آخر بهار ظاهر می‌شود. میوه آن گوشته‌دار کوچک به قطر ۸-۷ میلی‌متر  
 دارای یک هسته می‌باشد. رنگ میوه ابتدا سرخ و به تدریج که می‌رسد سیاه می‌شود.  
 این درختچه بومی اروپا و آفریقای شمالی و آسیا می‌باشد. در ایران در حد فوقانی  
 جنگلهای شمال ایران در ارتفاعات ۲۰۰۰-۳۰۰۰ متری می‌روید. برگ، میوه و پوست  
 این درختچه مصارف دارویی و طبی دارد.

### ترکیبات شیمیایی:

پوست این درختچه دارای ماده‌ای با اثر قرمز کردن پوست می‌باشد و استعمال خارجی آن تناول آور پوست است. در گلهای آن ساکاروز، انورتین، امولسین و در میوه آن والریانیک اسید وجود دارد.

### خواص و کاربرد:

برگ و میوه هفت کول قابض است و از جوشانده برگ و میوه آن برای بند آوردن اسهالهای ساده و خونی استفاده می‌شود.  
از جوشانده برگ و میوه درختچه به صورت غرغره در موارد آنژین ساده و ورم لته و همچنین در موارد پایین افتادن لته که دندان بیرون می‌افتد، مصرف می‌شود.  
چون ساقه‌های این درختچه قابلیت خم شدن دارد و به اصطلاح قابل انعطاف است در صنعت روستایی سبد بافی کاربرد دارد.

## \* هزار دارو

هزار دارو گیاهی است علفی، یکساله، خیلی کوتاه و عملاً گسترده روی زمین، دارای شاخه‌های باز، ابتدا پوشیده از کرک ستاره‌ای و سپس بدون کرک می‌شود.  
برگهای آن تخم مرخی تقریباً گرد، با دمبرگ کوتاه و پشت و روی برگها پوشیده از کرک ستاره‌ای فراوان، بطوری که سفید به نظر می‌رسد. گلهای آن سفید رنگ و میوه آن کپسول است که تعداد زیادی دانه ریز در آن قرار دارد.  
این گیاه در سراسر هند انتشار دارد. در ایران در استان خوزستان، در بختیاری، گوتوند و در بلوچستان بخصوص در گاناف دیده می‌شود.

### خواص و کاربرد:

در هند از گیاه خشک به عنوان مسهل و در موارد اسهال تجویز می‌شود و برای جوش و کورک و حمله‌های صفراوی و همچنین برای التیام زخم و تسکین درد در دست و پا

مصرف می شود.

عصاره گیاه را برای تقویت به کودکان ضعیف می دهند. در کشور تایلوان جوشانده این گیاه را به عنوان ضد سم و برای معالجه سوء هاضمه می خورند. این گیاه معطر را برای رفع جانور، کرم سعه بخصوص کرم کدو می خورند، بسیار مؤثر است و در موارد برونشیت، ورم مخاط بینی و ناراحتیهای جلدی در استعمال داخلی و خارجی اثر مفید دارد.<sup>۱</sup>

### \* هزار دانه

گیاهی است علفی با شاخه های منشعب و بدون کرک. برگهای آن دراز و خطی، گلهای آن کوچک مایل به سبز و دانه های آن مایل به قرمز یا مایل به زرد و در دو طرف کمی مشبک است.

این گیاه در هند در پنجاب، سند و بسیاری از مناطق گرم هند و همچنین در بلوچستان ایران دیده می شود.

در هند از این گیاه برای معالجه سوزاک و به عنوان تب بر و همچنین برای افزایش ترشحات دوران نفاس پس از زایمان استفاده می شود.<sup>۲</sup>

### \* هند بابری

به فارسی با نامهای گل قاصد، خیر آور و کاسنی بری شناخته می شود و در کتب طب سنتی با نامهای طرخشقوق، هندبای بری، سن الاسد و بقلة اليهودیه آمده است.

هندبابری گیاهی است بی بو، چند ساله، خیلی کوچک و کوتاه که حدود ۴۰ سانتی متر می باشد و شیرابه یا مایع سفیدی ترشح می نماید. برگهای آن دراز با بریدگیهای عمیق نوک تیز که شکل دندان شیر به آن می دهد.

برگهای گروهی به شکل یک دسته برگ از یقه ریشه گیاه خارج می شوند. میوه آن

فندقه که میوه‌ای خشک و مغز آن مجزا و نجسییده است مانند آفتابگردان و در انتهای هر میوه یک کاکل معمولاً سفید رنگ قرار دارد.

### خواص و کاربرد:

در هند از ریشه گیاه برای معالجه ناراحتیهای مزمن کبد و کلیه و دفع سنگ صفراوی استفاده می‌شود.

هندبایی از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی ایرانی و بطور کلی شرقی سرد و خشک است و تلخ و از نظر خواص معتقدند که قایض است و مقوی معده می‌باشد. برای تهیه دم‌کرده آن حدود ۵۰ گرم گیاه در یک لیتر آب جوش دم شده و در عرض روز ۶۰۰-۷۰۰ گرم از آن خورده می‌شود.<sup>۱</sup>

حرف

و



### \* یونجه

گیاهی پایا از تیره پروانه‌واران و هم‌دسته شیدرها است. گل‌هایش غالباً بنفش رنگ و کوچک و گاهی زرد رنگ است. این گیاه از علفهای بسیار خوب مراتع می‌باشد.<sup>۱</sup> یونجه را به عربی رطبه، قضبه، قن و فصفصه نامند. بهترین نوع آن سبز املس است و مزاجش گرم و تر در آخر، و بعضی گرم و خشک در دوم نوشته‌اند. و آن ملین و چاق کننده و نفخ کننده است.

مداومت خوردن آن با شکر مولد خون صالح است و ضماد کوبیده آن با عسل محلل ورم سرد و با سرکه محلل ورم گرم می‌باشد. خوراک آن شیر و منی را زیاد می‌کند بخصوص تخم یونجه و به قول گیلانی بهترین نوع تخم آن زرد و چاق است و مزاج آن گرم و تر می‌باشد.

تخم آن قوی‌تر از سایر اجزا و قابض و مولد منی و شیر و چاق کننده و مدبر حیض است بخصوص اگر در حمام یا بعد از آن تنازل نمایند و جهت خشونت سینه و سرفه نافع و قوتش تا پنج سال باقی می‌ماند.



مقدار خوراک آن از دو تا پنج درم و بدلتش حندقوقی است و روغن آن که از آب آن و روغن زیتون تهیه می‌کنند، خوراک و مالیدنش جهت لقوه و رعشه نافع است.

تازه آن ملین شکم و خشکس قابض است. گویند چون بیخ آن کوفته آبش را با مقداری روغن رازقی مخلوط کرده و گرم نموده و در بینی بچکانند نافع یرقان چشم می‌باشد.<sup>۱</sup>

یونجه علوفه چهارپایان است. روغنش در علاج لرزش بهترین دارو است. آخون را غلیظ می‌کند و برای بادها نیک است، آب زرد عقرب و درد پشت و سردی مثانه و تقطیرالبول را نیک می‌باشد.<sup>۲</sup>

صاحب لقوه چون یونجه را بانث کشند و بر آن مواظبت نماید بیماری لقوه را دفع کند.<sup>۳</sup> یونجه گیاهی است دارای ساقه‌های بلند و برگچه‌های نازک و گل‌های بنفش و به مصرف خوراک چهارپایان می‌رسد. در میان کردها آن را می‌کوبند و روی بریدگی و زخم می‌مالند تا جلو خونریزی را بگیرد و التیام یابد و از پخته آن برای رفع یبوست نیز استفاده می‌کنند.<sup>۴</sup>

یونجه واژه ترکی است و فارسی آن اسپست است و این گیاه دارای ویتامینهای K, C, A می‌باشد و از شب‌کوری و خونریزی جلوگیری می‌کند و در معالجه نرمی استخوان و رشد اطفال اثر نیکو دارد. پخته آن ملین است و شهوت را نیز زیاد می‌کند. ضماد کوبیده آن با عسل نرم کننده ورم می‌باشد و برای معالجه رعشه هم توصیه شده است. بذر آن مقوی و شیر را زیاد می‌کند و مولد منی است.<sup>۵</sup>

این گیاه به حالت وحشی در بعضی نواحی معتدل آسیا و شمال آفریقا می‌روید. زنبور عسل، نوش فراوان از آن به دست می‌آورد و از این نظر دارای ارزشی بیشتر از عده‌ای از گیاهان مولد عسل است. در تاریخچه استفاده از یونجه چنین ثبت گردیده است که

۱- محیط اعظم، ج ۳، ص ۶۰

۲- صیدنه، ج ۲، ص ۸۶۵

۳- الابینه، ص ۱۶۴

۴- زبان خوراکیها، ص ۲۲۳

۵- طب سنتی در بیان کُر دان، ص ۱۷۱

پرورش این گیاه به منظور تهیه علوفه برای چهارپایان و اسب‌های سلطنتی از زمانهای بسیار قدیم در ایران معمول بوده است.

یونجه از لحاظ دارا بودن مواد ازته و ویتامین‌های مختلف حائز اهمیت فراوان در تغذیه اطفال است. به علاوه در راشیتیس و تأمین استخوان‌بندی بخصوص در حیوانات جوان، اثر مفید دارد.

یونجه اگر به نسبت ۵ درصد به شبدر افزوده گردد، اختلالات حاصله از فقدان ویتامین K را در حیواناتی نظیر خرگوش و مرغ از بین می‌برد. شیره تازه یونجه یا جوشانده‌های غلیظ آن، اثر مفید در اختلالات استخوان‌بندی دارند.

یکی از صور دارویی یونجه که جهت رفع اختلالات استخوان‌بندی به کار می‌رود آن است که گیاه خشک را به مقدار ۳۰۰ گرم اختیار کرده در ۱۰۰۰ گرم آب بجوشانند، به حدی که مایع به نصف تقلیل یابد سپس آن را با فشار صاف نموده با افزودن ۹۰۰ گرم قند، به صورت شربت درآورند.

مقدار مصرف شربت و اصل برای اطفال، ۲۰۰ تا ۳۰۰ گرم در روز است. یونجه به مصارف تغذیه انسان نیز می‌رسد مانند آن که در چین، روسیه، آمریکا و آفریقای شمالی از آن به جای اسفناج استفاده به عمل می‌آورند. یونجه در نواحی مختلف ایران پرورش می‌یابد.<sup>۱</sup>

### ترکیبات شیمیایی:

پروتئین‌های موجود در این گیاه شامل لیزین، آرژینین، هیستیدین، آدنین، فنیل آلانین و اسپاراژین است. یونجه علاوه بر مواد مذکور دارای هیدراتهای کربن، دیاستازها، نوعی ساپونین با اثر عطسه‌آور شدید، ستن‌ها، دو ماده رنگی، اسید فسفریک و ویتامین‌های C, E, A و K نیز می‌باشد.

ویتامین C آن به مقدار ۲۳۰ تا ۲۸۰ میلی‌گرم درصد، یعنی دو برابر جعفری و ۴ برابر

شیره لیموترش است ولی ویتامین A در آن به صورت بتاکاروتن و به مقدار ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ واحد درصد است. مقدار ویتامینهای E و K نیز در آن به نسبتاً زیاد است. در خاکستر آن، مقدار زیادی آهک (به مقدار سه برابر شیر)، پتاس، اسید فسفریک، کمی منیز، آهن (به مقدار ۲ برابر اسفناج) و به مقدار جزئی ارسنیک و سیلیس است.

### خواص درمانی:

یونجه از لحاظ دارا بودن مواد ازته و ویتامینهای مختلف، حائز اهمیت فراوان در تغذیه اطفال است. به علاوه به علت دارا بودن مواد آهکی نسبتاً زیاد در راشیتیس و تأمین استخوان بندی مخصوصاً در حیوانات جوان، اثر مفید دارد.

DR.H.JECLERC در سال ۱۹۱۸، توانست با خوراندن شاخه های جوان مقداری از یونجه تازه یا پخته و همچنین شیره آن به مقدار ۳۰ تا ۶۰ گرم، عوارض شدید ناشی از کمبود ویتامین در بدن را، طی ۱۵ روز جبران نماید.

### صور دارویی:

یکی از صور دارویی که جهت رفع اختلالات استخوان بندی به کار می رود آن است که گیاه خشک را به مقدار ۳۰۰ گرم اختیار کرده در ۱۰۰۰ گرم آب بجوشانند به حدی که مایع به نصف تقلیل یابد سپس آن را با فشار صاف نموده با افزودن ۹۰۰ گرم قند، به صورت شربت درآورند. مقدار مصرف شربت حاصل برای اطفال، ۲۰۰ تا ۳۰۰ گرم در روز است.

باید توجه داشت که یونجه اگر به حالت تازه به مصرف تغذیه دامها برسد، بر اثر تخمیر تدریجی که حاصل می کند، موجبات مرگ آنها را فراهم می سازد. سابونین موجود در گیاه نیز منشأ عوارض و اختلالات می گردد.

## \* یوهیمبه

یوهیمبه، درختی است به ارتفاع معمولی که در مناطق گرم آفریقا انتشار دارد. در پوست درخت یوهیمبه آلکالوئیدی یافت می شود به نام یوهیمبین.

## خواص و کاربرد:

آلکالوئید یوهیمبین مصارف پزشکی دارد و از پوست گیاه برای کاهش فشارخون و به عنوان اکسیر عاطفه‌زا و محبت‌آور استفاده می شود. آلکالوئید یوهیمبین به شکل هایدروکلراید یا ملح آن به مقدار جزئی ۱ سانتی متر هر بار در ۲۴ ساعت برای تحریک و تقویت نیروی جنسی تجویز و در بازار به صورت دارویی نیز عرضه می شود.<sup>۱</sup>

## \* یوکا

در ایران باغبانها آن را با نام خارجی آن «یوکا» نام می برند. گیاهی است که اغلب گونه‌های آن به شکل بوته چند ساله است. برگهای آن به شکل گروهی و مجتمع از ریشه خارج شده، دارای الیاف خشن است. برگها دراز، نوک تیز، باریک و اغلب منتهی به یک تیغ می باشند.

این گیاه دارای یک یا چند ساقه افراشته است که در انتهای آن گلهای زیبای گیاه قرار دارد. گلها به صورت خوشه بزرگ به رنگ سفید و در برخی گونه‌ها بنفش و ارغوانی است. تکثیر این گیاه از طریق جدا کردن و کاشت یا جوشهای آن در بهار انجام می شود و خیلی کم احتیاج به آب دارد. گونه‌ای از آن به صورت درختچه کوچکی است که از الیاف برگهای آن در صنعت کاغذسازی بهره‌برداری می شود.

این گیاه بومی ایالات جنوب شرقی و جنوب غربی آمریکا می باشد و از این جا به سایر مناطق جهان وارد شده است اکنون در هند و ایران و سایر مناطق دنیا پرورش داده می شود.

### خواص و کاربرد:

میوه اغلب گونه‌های یوکا مسهل است و ریشه‌اش به علت داشتن ساپونین مانند پاک‌کننده‌ها جانشین صابون برای تمیز کردن اشیاء کاربرد دارد. از جنگ دوم بین‌المللی به بعد در آمریکا از یوکا برای انواع کارهای صنعتی استفاده می‌شود. فیبر آن در ساختن انواع طنابها و تخته‌های شوپان برای خانه‌های پیش‌ساخته مصرف دارد.

از شیرۀ گیاه برای تهیه کود شیمیایی و انواع صابون و شامپو استفاده می‌شود و پولپ آن را در صنعت کاغذ سازی برای تهیه کاغذهای بسیار مرغوب به کار می‌برند.

در مراکز طبیعت درمانی آمریکا از عصاره گیاه برای درمان و کنترل بیماری آرترایتیس استفاده می‌شود. این عصاره را به صورت قرص در اغلب مراکز فروش ویتامینها و مراکز فروش غذاهای بهداشتی عرضه می‌کنند و معمولاً روزانه ۴ عدد قرص برای کنترل بیماری آرترایتیس مصرف می‌شود که البته این دارو به موازات رعایت توصیه‌های رژیم غذایی خاص و سایر گونه‌های مربوط به درمان آرتروز در روش معالجاتی طبیعت درمانی باید مصرف شود. تجربه کارشناسان طبیعت درمانی نشان داده است که مصرف این قرص هیچ‌گونه عوارض برای تحریک و ناراحتی روده‌ها ندارد و غیر سمی است.<sup>۱</sup>

### \* یتوع

یتوع گیاهی شیردار است و کلمه یتوع دلالت بر گیاهانی دارد که شیرۀ آنها تند، مسهل، تکه‌کننده و سوزاننده می‌باشد. و آنچه در این زمینه مشهور است عبارت است از: هفت برگ، شبرم، چشمیزک، آذربویه، ماهودانه، مازربون که همه این یتوع‌ها کشنده هستند و تنها از شیرۀ آنها می‌توان استفاده درمانی کرد.

اقسام دیگری هستند که از گروه شیره‌دارها می‌باشند. از قبیل گونه‌ای از گوش موش و تیره‌ای از لبلاب خرفه‌ای بیابانی و غیره اما کلمه یتوع به تنهایی شیرۀ چشمیزک را

می‌رساند و به عقیده برخی پادزهر فراوی و پوشتگه همان شیرۀ چنمیزک باشند.  
یتوع دارای نر و ماده می‌باشد.

نر را هاناقیاس گویند، و شش قسم دیگر مادینه‌اند که به آس شباهت دارد و در سنگلاخها می‌روید و میوه‌ای شبیه به خیار دارد. نرینه آن شاخه‌هایش درازتر و رنگش مایل به سرخی و پر از شیر است و شاخه‌هایش شبیه درخت زیتون است و میوه‌اش در شکوفه‌ها قرار دارد.

اما گیاه یتوع که به دریایی مشهور است و آن را خشخاش هم گفته‌اند شاخه‌های یک وجبی و مایل به سر فرنگی دارد و شاخه‌هایش ۵ یا ۶ عدد می‌باشند.

یک مثقال از بیخ این گیاه را با آب عسل بخورند اسهال آور است و باید بیشتر از سه مثقال تجاوز نکند. بیخ این گیاه در طب به کار نمی‌رود. هر چه ما گفتیم از دیسقوریدوس استفاده کردیم، قرحه آور و سمّ است و اگر در حوض ریزند ماهیها همه روی آب آیند و می‌میرند. گوشت زائد، زگیل و خالهای زائد اطراف ناخن را برمی‌کند. بیخ یتوع با سرکه باشد سفتیهای پیرامون بواسیر را از میان برمی‌دارد و قرحه گندیده را بهبود می‌بخشد.<sup>۱</sup>

### \* یاقوت

یاقوت، سنگی قیمتی است که مقوی دل و دماغ، مفرح و از بین برنده طاعون، صرع، خفقان، انجماد خون و نزف‌الدم است.<sup>۲</sup>

در حدیث معتبر از حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نقل شده است که: انگشتر یاقوت در دست کنید که پریشانی را از بین می‌برد.<sup>۳</sup>

یاقوت را به انگلیسی RUBY گویند و دارای چهار نوع: سفید، زرد، کبود و سرخ است و بهترین آن سرخ شفاف گلناری است. و گویند همراه داشتن آن از طاعون جلوگیری می‌کند.<sup>۴</sup>

۲- تحفه، ص ۲۶۲.

۱- قانون در طب، ج ۲، ص ۱۷۸.

۴- عبیدنه، ص ۱۱۳۰ تحفه، ص ۲۶۲.

۳- حلیة الصغیر، ص ۲۰.

یاقوت دارای مزاجی معتدل است و اصلاح شده آن شادی آور، مقوی قلب، دفع کننده سموم و بازکننده رنگها می باشد. سرمه یا آن محافظ و مقوی چشم است و گذاشتن آن در دهان مسکن تشنگی و مقوی قلب است.<sup>۱</sup>

### \* یاس

یاس بر حسب شکل و رنگهای مختلف گنهای آن با نامهای یاس ایرانی، یاس سفید، یاس بنفش یا خوشه‌ای و در آخر یاس پرپر شناخته می شود. به فارسی آن را یاس، یاس رسمی، یاس بنفش و یاس خوشه‌ای می نامند.

یاس رسمی از گلهای بسیار زیبای گلکاری است. وارینه‌هایی از آن پرپر است. گلهای آن خوشه‌ای بسیار معطر و رنگ آن حنایی ارغوانی و بنفش می باشد. در بعضی ارقام رنگ گلهای آن سفید، قرمز یا قرمز مایل به زرد است.

### ترکیبات شیمیایی:

در گلهای یاس خوشه‌ای بنفش اسانس بسیار معطری وجود دارد در پوست برگ، جونه‌ها و میوه آن مواد مانیت، انورتین، ساکاروز، یک ماده تلخ بی شکل به نام سیرینگویپکرین و یک گلوکوزید به نام سیرینژین وجود دارد.

از پوست گلهای، میوه، جوانه و گلهای درختچه یاس بنفش در طب سنتی به کار می رود.<sup>۲</sup>

### \* یاس سفید

یاس سفید اسم یاسمن است نوع زرد آن نزد بعضی زنبق است، رافع ریاح دماغی است و جهت دردهای بارده و صداع خوب است.

درختچه‌ای از تیره زیتونیان که دارای گونه‌های برافراشته یا بالا رونده می باشد.

گلنهایش درشت و معطر و به رنگهای سفید یا زرد یا قرمز می باشد.

گلی است مشهوره بسیار خوشبو و سفید و زرد و کبود و هر یک سوای زرد بستانی و صحرایی و کوهی می باشد و سفید آن زیاد وجود دارد و زرد و کبود آن هر دو کمیاب و نبات آن میان شجر و بیاره یعنی نه مانند درخت ایستاده و نه مثل بیاره بر زمین افتاده و بر زرد و کبود آن شجریت غالب و در بعضی بلاد درخت آن غلیظ می گردد و ساق سفید آن اندک پیچ دار و برگهای آن کوچک دراز و مشرف و هر دو جانب شاخ آن رسته و زیر گل آن ساقه باریک مجوف و بر سر آن ساق برگ گل کوچک پیوسته است.

در جنگلهای شمال ایران به فراوانی می روید. گلنهای آن سفید و معطر است. یکی از گلنهای زینتی است که همه جا پرورش می یابد. اسانس آن بسیار معطر و در ترکیب لوازم آرایش به کار می رود. نام عمومی آن رازقی است.

### \* یاس زرد

درختچه ای است زینتی با شاخه های باریک و نرم بطوری که هر قسمت از آن با خاک تماس بگیرد، ریشه می کند و منشأ درختچه مستقلی می شود. گلنهای آن زرد لیمویی است و در اطراف محور شاخه ها ظاهر می شود. تکثیر از طریق خوابانیدن شاخه یا کاشت قلمه آن در پاییز است.

### ترکیبات شیمیایی:

میوه خشک آن که بیشتر در طب سنتی مستعمل است دارای ساپونین و چند فلاونول گلوکزید است و به علاوه دارای ویتامین A می باشد.

### خواص و کاربرد:

در چین معمولاً از میوه خشک یاس زرد به عنوان دارو استفاده می شود. مسکن و آرامش بخش و ضد کرم است. در موارد تبهای نوبه ای تب بر است. داروی ضد قی است



و آنتی بیوتیک بر ضد استرپتوکوکوس‌ها و استافیلوکوکوس‌ها می‌باشد ضمناً برای تحلیل لخته خون نیز مؤثر است، برای کنترل سرطان پستان تجویز می‌شود. ریشه آن کمی سمی و تب‌بر می‌باشد و برای معالجه یرقان تجویز و از جوشانده آن برای زخمهای سرطانی استفاده می‌شود.

### \* یاس رازقی

درختچه‌ای است بالا رونده و گل‌های آن درشت سفید بسیار معطر است. بومی هند است و سرما را تحمل نمی‌کند و در فصل زمستان خیلی سرد دوام ندارد، بلکه باید در گلخانه نگهداری شود.

در سواحل دریای خزر آن را در هوای آزاد می‌کارند. خواص دارویی آن شبیه گل رازقی است.<sup>۱</sup>

### \* یاس چمپا

یاس چمپا که باغیانها به آن یاس چمپا نیز می‌گویند. این یاسمین بومی هند است و تا دامنه‌های هیمالیا انتشار دارد. گل آن درشت‌تر، سفید و بسیار معطر است. گیاهی است بوته‌ای برگ‌های آن متقابل مرکب از ۷-۱۱ برگچه لوزی دراز و نوک تیز. طول برگها ۵-۱۲ سانتی‌متر و برگچه‌ها به طول ۲-۳ سانتی‌متر و پهنای ۱-۱/۵ سانتی‌متر است.

#### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در برگ‌های آن علاوه بر آلکالوئید ماده‌ای به نام سالیسیلیک وجود دارد. در گل‌های آن اسانس یافت می‌شود و ماده عامل گل‌های آن بنزیل استات است.

## خواص و کاربرد:

گل‌های آن تلخ و قی آور است. در هند له شده گل‌های آن را برای درمان بیماری‌های پوستی نظیر جرب، رفع سردرد، افزایش دید چشم و عقرب گزیدگی روی موضع می‌گذارند. برای تمامی گیاه اثر ضد کرم، مدر و قاعده آور قائل هستند. جویدن برگ‌های آن برای التیام زخم‌های تاول‌های دهان مفید است. شیرۀ تازه برگ‌ها را روی میخچه یا قسمتهایی از پوست که سفت و دردناک شده باشد، می‌گذارند. با شیرۀ برگ‌ها روغنی تهیه می‌کنند و در موارد ترشحات گوش، در گوش می‌ریزند. ریشه گیاه مسهل است و برای تسکین سردرد، درمان فلج و روماتیسم تجویز می‌شود.

## \* یولاف جو دو سر

یولاف گیاهی است یکساله به ارتفاع حدود ۱ متر، پس از رسیدن زرد رنگ می‌شود مشخصات عمده آن این است که میوه آن به شکل خوشه و سنبله غیر فشرده و در هر سنبله ۳ گل دارد که گل فوقانی آن عقیم است و گل‌های طرفین بارور می‌شود و دانه آن در غلافی دارای دو سر می‌باشد. از علوفه‌های خوب حیوانات است بخصوص برای اسب خیلی مفید است.

گاه یولاف برای تعلیف گاوهای شیرده مورد توجه می‌باشد. از نظر کشت و کار، یولاف بطور کلی دو نوع است: نوع بهاره و نوع پاییزه. در مناطقی که زمستان فوق‌العاده سرد باشد، نوع بهاره آن در اوایل بهار کاشته می‌شود و در مناطقی که زمستان معمولی باشد، نوع زمستانی آن در اوایل پاییز کاشته می‌شود.

یولاف در بعضی از کشورهای شمال اروپا در مزارعی مخلوط با گندم و چاودار کاشته می‌شود و از محصول دانه مخلوط این سه غله نان درست می‌کنند. یولاف در اغلب مناطق دنیا و همچنین در بعضی از نقاط ایران کاشته می‌شود.

با اینکه سبوس یولاف از نظر میزان الیاف گیاهی غیر محلول در آب به قدرت و نیرومندی سبوس گندم برای لیتت مزاج و رفع یبوست نیست ولی به هر حال بسیار مین

است.

توجه: برای اینکه هر چه بیشتر از خاصیت کاهش کلسترول یولاف استفاده شود توصیه این است که یولاف به دفعات در طول هر روز خورده شود. مثلاً ممکن است از این خوراک یک بار صبح و یک بار عصر خورده شود.

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در گیاه یولاف وجود آرسنیک به میزان ۵۰ میلی گرم در هر یکصد گرم گیاه تازه و ۶۲ میلی گرم در هر یکصد گرم گیاه خشک تأیید شده است و به علاوه اکسالیک اسید و ید در گیاه یافت می شود. دانه یولاف دارای ویتامین B است و منبع غنی از مواد چرب و پروتئین می باشد.

### خواص و کاربرد:

یولاف مقوی اعصاب، محرک، ملین، ضد عفونی کننده است. اگر از جو دوسر یا یولاف با پوسته خارجی آن به مقدار ۲۰ گرم در یک لیتر آب جوشانده تهیه شود، این جوشانده مدر است و برای دفع سنگ کلیه، رفع استسقا، رفع کمی ترشح ادران، تسکین درد کلیه و مثانه، رفع بی خوابی، تسکین سرفه، ورم حلق و حنجره نافع است.

یولاف یا جو دوسر از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی نه گرم و نه سرد، بلکه معتدل است ولی مایل به خشکی است. خواص آن: خوردن پخته آن در روغن برای نرم کردن سینه و تسکین سرفه مفید است. و اگر بدون روغن پخته شود شکم را بند می آورد.

ضماد آن برای تحلیل ورمهای گرم نافع است اگر با سرکه ضماد آن تهیه شود اثرش بیشتر است. هضمش سنگین و نفخ آور است ولی برای رفع نفخ و هضم آن باید از سرکه و زیره کرمانی استفاده کرد و زمان زیادی با روغن پخته شود. اگر در دهانه معده بماند و هضم نشود می توان با خوردن شیرینی آن را رد کرد.

دانه آن اگر در شیر یا گوشت چرب پخته شود غذای خوب و مقوی است و برای دوره نقاهت اطفال که احتیاج به تقویت دارند مفید است. در استعمال خارجی اگر جوشانده جو دو سر در مواقع درد روماتیسمی و درد کلیه در مواضع کمپرس کنند، به تسکین درد کمک می نماید.<sup>۱</sup>

این بود قسمتی از گیاهان دارویی به ترتیب حروف الفباء ان شاء الله بعد از این مجلدات به بخشهای دیگر طب به یاری پروردگار می پردازیم.

قم - مصطفی نورانی

ربیع ۱۴۲۰



## \* منابع و مأخذ

- ۱- ابریشمی، محمد حسن، شناخت زعفران ایران، انتشارات توس، چاپ اول ۱۳۶۶.
- ۲- ابن ابی اصیبعه، عیون الانبیاء، انتشارات دارالفکر (بیروت)، ۱۳۷۶ هـ.
- ۳- ابن الأثیر، النهایه، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم: تابستان ۱۳۶۴.
- ۴- ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر دمشقی، الطب النبوی، ۱۳۷۷.
- ۵- ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة (المجلد السادس)، مکتب الاعلام اسلامی، جمادی الاخره ۱۴۰۴.
- ۶- ابوری، محمود، ابوهریرة، دارالمعارف بمصر سنة ۱۳۶۹.
- ۷- احمدیه، دکتر عبدالله، راز درمان، چاپ اقبال، بهار ۱۳۶۸.
- ۸- اختری الکبیر- مصطفی بن شمس الدین القره حصاری الشهیر بالاختری، سنة ۱۵ ربيع الاول ۱۲۸۹.
- ۹- ادوارد کلوس، واروتایلر، لین برادی، مفردات پزشکی، انتشارات دانشگاه تهران، اردیبهشت ۱۳۵۸، ترجمه دکتر یعقوب آئینه چی.
- ۱۰- ادیب، دکتر عباس، تشخیص و درمان طبی بیماریها، انتشارات دفتر علمی پخش نو، چاپ دوم ۱۳۶۳.

- ۱۱- اژدری، اسماعیل، دکتر برای همه، انتشارات اقبال، چاپ دو زدهم.
- ۱۲- اژدری، اسماعیل، طیب خانواده، شرکت نسبی اقبال و شرکا، چاپ ششم ۱۳۴۷، آبان.
- ۱۳- اژدری، اسماعیل، مجموعه طب سنتی و گیاهی، انتشارات بارید.
- ۱۴- اسحاق بن سلیمان، الاغذیه و الادویة، موسسه عزالدین، ۱۴۱۲، ه. ق.
- ۱۵- اسهال، انتشارات دفتر علمی پخش نو.
- ۱۶- اصفهانی، محمد مهدی، بهداشت تغذیه، انتشارات قلم، شهریور ۱۳۶۰.
- ۱۷- اطفینس، محمد بن یوسف، تحفه الحب فی اصل الطب، ۱۴۰۵ ه.
- ۱۸- اعظم خان، حکیم محمد، محیط اعظم، چاپ هندوستان.
- ۱۹- اعلمی هرندی، بهادر، کمردرد به زبان ساده، نشر گستره، چاپ دوم پاییز ۱۳۶۷.
- ۲۰- اعلمی، هرندی، دکتر بهادر، چاپ سوم ۱۳۶۶.
- ۲۱- الافریقایی و المصری، ابن منظور، لسان العرب، نشر ادب الحوزة، سنه ۱۴۰۵ ه مطابق ۱۳۶۳ ق.
- ۲۲- الاندلس، سلیمان بن حسان، طبقات الاطباء و الحکماء، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
- ۲۳- الاندلسی، ضیاء الدین عبدالله بن احمد، ابن البیطار.
- ۲۴- الانطاکی، شیخ داود الضریر، تذکرة اولی الالباب و الجامع للعجب.
- ۲۵- البقادی، موفق الدین عبداللطیف، الطب من الکتاب و السنة، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ه.
- ۲۶- الجواهری، عبدالحسین، طب (امام موسی کاظم (۷): ۱۴۱۰ ه. ق.
- ۲۷- الرازی، محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر، مختار الصحاح، دارالکتاب العربی، ۱۹۶۷.
- ۲۸- المقرئ الفیومی، العالم العلامة احمد بن محمد بن علی، المصباح العنبر، ۱۳۴۷ ه.
- ۲۹- الهروی، مرفق الدین ابو منصور علی، الامنیة عن حقائق الادویة، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
- ۳۰- امیر صادقی، نصرالدین، طب و بهداشت (از امام رضا (ع))، مؤسسه مطبوعاتی معراجی، ۱۳۵۱.
- ۳۱- امیری، دکتر منوچهر، فرهنگ دارو و واژه‌های دشوار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.
- ۳۲- ایلچ، ایوان، قتل عام پزشکی، شرکت نشر و پخش کتاب، انتشار مرداد ۱۳۵۴.

- ۳۳- با تمام نقلج. دکتر فریدون، خود درمانی با آب، دفتر مرکزی و نمایشگاه شرکت کتابسرا، چاپ پنجم، زمستان ۱۳۷۰.
- ۳۴- برزگر، دکتر محمد، راز گیاهان شفابخش، انتشارات زرین، چاپ اول ۱۳۶۱.
- ۳۵- بنجامین، هاری، راهنمای همگان برای درمان طبیعی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۳۶- بوشنب، فائز، فن التداوی، انتشارات دارالرشید، ۱۴۱۴ هـ.
- ۳۷- بهداشت برای حوزه علمیه، انتشارات وزارت بهداشتی معارف امور بهداشتی، آذر ۱۳۶۳.
- ۳۸- بیرونی، ابوریحان، صیدنه، شرکت افست (سهامی عام)، ۱۳۵۸.
- ۳۹- پاک‌نژاد، دکتر سیدرضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، انتشارات بنیاد فرهنگی شهید پاک‌نژاد، تیر ۱۳۶۱.
- ۴۰- پایان نامه دکتر بهمن نواب‌زاده نوابی در مورد شیوع پوسیدگی دندان و بیماریهای دهان و دندان در کودکان ۱۴ تا ۱۶ ساله در شمال تهران، سال تحصیلی ۶۷-۱۳۶۶.
- ۴۱- پروفیسور شمس، مبارزه با تراخم، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، ۱۳۲۸.
- ۴۲- پناه، علی، طب النبوی و الائمه.
- ۴۳- توبرامایسین، ترجمه دکتر فرخ خماسی اسدی، انتشارات دفتر علمی پخش نو.
- ۴۴- ثابتی، دکتر حبیب‌الله، جنگلهای ایران، انتشارات کتابخانه ابن سینا، انتشار دی ماه ۱۳۴۶.
- ۴۵- جاهد، رضا، داروخانه معنوی، نشر هاتفا، چاپ دوازدهم ۱۳۷۸.
- ۴۶- جرجانی، سیداسماعیل، حُقی‌علائی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۶۹.
- ۴۷- جزایری، دکتر غیاث‌الدین، زبان خوراکیها، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۵۱.
- ۴۸- جونز، الی. جی، سرطان، دانشگاه آزاد اسلامی پابل، چاپ اول تابستان ۱۳۶۹.
- ۴۹- جهان پزشکی، جلد سی و هفتم، خرداد ۱۳۲۹.
- ۵۰- چغمینی، محمود بن محمد بن عمر، قانونچه، انتشارات دانشگاه علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۵۱- چیت‌ساز، دکتر رهما، راهنمای پزشکی خانواده، چاپ اول ۱۳۶۲ هـ. ق.
- ۵۲- حاجبی، پروفیسور محمد حسین، نجات از سرطان، انتشارات مجله پزشک خانواده، چاپ پنجم ۲۵۳۷.
- ۵۳- حاجبی، دکتر محمد حسین، پزشک خانواده: انتشارات اقبال، ۱۳۴۵.
- ۵۴- حاجبی، محمد حسین، بیماریهای تغذیه: انتشارات اقبال، تاریخ انتشار خرداد ۱۳۶۲.



- ۳۸۴ ..... دائرة المعارف طب اسلامی ج ۵
- ۵۵- حاجبی، محمدحسین: پزشک اطفال، انتشارات اقبال، چاپ سوم اردیبهشت ۱۳۶۳.
- ۵۶- حاجبی، محمدحسین، چه کنیم که دچار زخم معده و اثنی عشر نشویم، مرکز کتاب گلگشت، اردیبهشت ۱۳۶۲.
- ۵۷- حاجبی، محمدحسین، راز پیشگیری و درمان سرطان، انتشارات اقبال، چاپ اول آذر ۱۳۶۲.
- ۵۸- حاجبی، محمدحسین، مجموعه دانستیهای پزشک خانواده.
- ۵۹- حسابداری، محمد، نجات از بیماریها، انتشارات ذره، اراک، شهریور ۱۳۷۰.
- ۶۰- حسینی طبیب، محمد مومن، تحفه حکیم مومن، افست مصطفوی، سنه ۱۳۷۸.
- ۶۱- حکیم، سید محمد تقی، خوردهای و آشامیدنیها، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم بهار ۱۳۶۵.
- ۶۲- خسروی موسوی همدانی، دکتر سید احمد علی، راهنمای تندرستی، انتشارات مدرسه عالی کشاورزی، ۱۳۵۱.
- ۶۳- صه مقالات چهارمین سمینار گیاهان دارویی ایران، دانشگاه دزوسازی علوم پزشکی تهران، مهر ۱۳۶۹.
- ۶۴- خلیلی، محمد، طب الصادق، مؤسسه مطبوعاتی عطائی.
- ۶۵- خواص میوه‌ها و خوراکیها، مهرداد مهرین، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم ۱۳۵۴.
- ۶۶- دودی، علیمراد، در باره نفس، انتشارات دانشگاه تهران، شهریور ۱۳۴۹.
- ۶۷- رادپویا، علی اکبر، هنر خوب زیستن، راز طول عمر با تغذیه طبیعی (خامگیاه خواری)، انتشارات شهید، ۱۳۶۲.
- ۶۸- راشدی، لطیف، داروخانه در خانه، انتشارات قدس.
- ۶۹- راهنمای نجات از مرگ مصنوعی.
- ۷۰- زرگری دکتر علی، گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری انتشارات دانشگاه تهران، تاریخ آبان ماه ۱۳۶۵.
- ۷۱- زکریای رازی، الاسرار و سر الاسرار، ۱۳۴۳.
- ۷۲- ژورنال گیاه شناسی ایران، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع، چاپ اول ۱۳۶۳.
- ۷۳- سجادیه، سید محمد علی، پیشگیری و مبارزه با سرطان، مؤسسه انتشارات بعثت، چاپ

اول پاییز ۱۳۶۵.

۷۴- س. - دیوب، پ. س. ساچدو، مسائل سلامت روانی، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، آذر ۱۳۶۸.

۷۵- سروالدین، محمد، طب الکبیر یا فرشته نجات، مؤسسه انتشارات عطائی، چاپ پانزدهم ۱۳۷۳.

۷۶- سروالدین، محمد، طب المفید، مؤسسه انتشارات عطائی، چاپ نهم.

۷۷- سقازاده واعظ، حاج میرزا رضا، انتشارات کتابفروشی اسلامیة.

۷۸- سوفورین الکسی، روزه روشن نوین برای درمان بیماریها، دارالکتاب الاسلامیه، زمستان ۱۳۷۱.

۷۹- سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، بهمن ۱۳۳۰ ش.

۸۰- شاتونه، ژان، آشنایی با گیاهان دارویی، دکتر علی زرگوری انتشارات نشر روز، چاپ اول ۱۳۶۷.

۸۱- شبر، سید عبدالله، طب الاثمة، چاپ اول بهار ۱۳۷۶.

۸۲- شیوعی، اسماعیل، درمان گیاهی، انتشارات اسناد، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۲.

۸۳- شکل درمان عفونت در زمینه نارسائیهای ایمنی، ترجمه دکتر فرخ خماسی اسدی، انتشارات دفتر علمی بخش نور.

۸۴- شهری، جعفر، اعجاز طب و درمان. مؤسسه مطبوعاتی خزر، چاپ دوم.

۸۵- شیخ رئیس ابوعلی سینا، قانون در طب، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.

۸۶- صفی زاده، صدیق، طب سنتی، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، چاپ اول بهار ۱۳۶۱.

۸۷- صمیمی زاده، هوشنگ، راهنمای کمکهای اولیه، انتشارات کلمه، چاپ دوم ۱۳۶۸.

۸۸- طبری پور، دکتر سیدعلی، دانستیهای پزشکی و علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول مرداد ۱۳۶۹.

۸۹- طبری پور، دکتر سید علی، دانستی های در باره قلب، انتشارات بنفشه، اسفند ۱۳۷۰.

۹۰- طسیری پور، دکتر سیدعلی، طب اسلامی (حجامت و زالو)، انتشارات انبیا بابل، تابستان ۷۶.

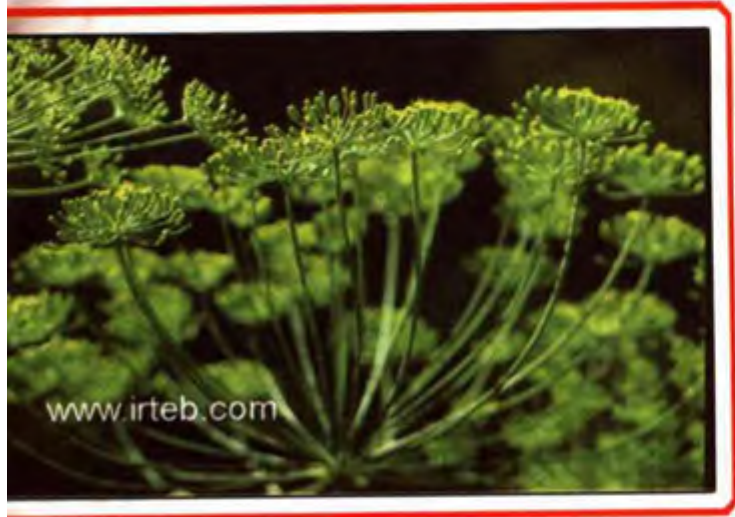
۹۱- طب و بهداشت در اسلام. ترجمه و اقتباس، جواد فاضل، کتابفروشی ادبیه، چاپ دوم ۱۳۴۰.

۳۸۶ ..... دائرة المعارف طب اسلامی ج ۵

- ۹۲- عبادزاده کرمانی، محمد، طب العظیم، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، چاپ دیماه ۱۳۵۲.
- ۹۳- عبدالغنی عبدالخالق، الطب النبوی، انتشارات دارالکتب العلمیه بیروت، لبنان، ۶۹۱-۷۵۱ هـ.
- ۹۴- عرفانی، دکتر حسین، صدگیاه و هزار درمان، مؤسسه انتشارات سگه، بهمن ۱۳۶۲.
- ۹۵- عزیزی، عباس، چهل حدیث (دهان و دندان)، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی، آذر ۱۳۷۱.
- ۹۶- عطارنژاد، ح، م، ت، نسخه عطار یا ایجاد معلومات و رفع معجزولات، شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۵۰.
- ۹۷- عقیلی خراسان، مخزن الادویه، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- ۹۸- عقیلی علوی خراسانی شیرازی، سید محمد حسین، فریادین کبیر، انتشارات محمودی تهران، فروردین ۱۳۲۹ شمسی.
- ۹۹- فانی، جلیل. برنامه نویسی مغز، سازمان چاپ و نشر هادی، چاپ بهار ۱۳۷۵.
- ۱۰۰- فروحی، دکتر علی، کالبدشناسی توصیفی، مؤسسه نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳.
- ۱۰۱- فلوک، پروفیسور هانس، گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری انتشارات روزبهان، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- ۱۰۲- فوزی طه، قطب حسین، النباتات الطبية، لدارالعربية للكتاب ليبيا، ۱۹۷۹ م.
- ۱۰۳- فیاض بخش، دکتر محمد علی، جلالی، دکتر علی اکبر، کمکهای اولیه، کمیته امداد امام خمینی وارد امدادگران، چاپ اول، تیر ۱۳۵۷.
- ۱۰۴- فیشر، هاری - ر، پرسش و پاسخ پزشکی (دهان، چشم، گوش، بینی و گلو)، انتشارات جانزاده، تیر ۱۳۶۵.
- ۱۰۵- قلی زاده کلان، فرض الله، بهداشت روانی کودکان، انتشارات ظفر، چاپ اول تابستان ۱۳۶۷.
- ۱۰۶- کارل، الکسیس، کمکهای اولیه، کتابفروشی فروغی، چاپ چهارم.
- ۱۰۷- کالمیتزاسین، مایه کوبی بر ضد سل، انتشارات انستیتو پاستور ایران، ۱۳۲۸.
- ۱۰۸- کتابهای ابی الجعد تألیف احمد بن عامر الطائی، کتاب نثر اللثالی تألیف علی الطبرسی و کتاب الطب تألیف عتاب عبدالله بن بسطام و اخید العسین بن بسطام.

- ۱۰۹- کریسکی، دکتر میلتون، پرسش و پاسخ پزشکی (ریه و مثانه)، انتشارات جانزده، چاپ اول مرداد ۱۳۶۵.
- ۱۱۰- کمکهای نخستین و انتقال مصدومین در فوریت‌های پزشکی، دکتر محمدعلی میلانی، انتشارات ستاد عملیاتی پاسدازان انقلاب اسلامی قم.
- ۱۱۱- کیهانی، ابوالفضل، تغذیه طبیعی مهمترین مسأله جهان، انتشارات دنیای کتاب، انتشار ۱۳۶۱.
- ۱۱۲- گاندی، مهاتما، گل‌سید تندرستی، مؤسسه علمی اندیشه جوان، چاپ اول ۱۳۶۶.
- ۱۱۲- گری. جی. ایچ، فیزیولوژی باینی، انتشارات کلمه، چاپ هفتم ۱۳۶۸.
- ۱۱۴- لابی الحسن علی بن سهل ابن الطبری، فردوس الحکمة، انتشارات آفتاب، سنه ۱۹۲۸.
- ۱۱۵- لمحی الدین ابی عبدالله محمد ابن العربی، البلغة فی الحکمة.
- ۱۱۶- مجموعه مقالات در باره طب سنتی ایران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.
- ۱۱۷- محمدبن الحسن المشهدی، الفوائد الرضویة و رسالة المواهب العلیة، ربیع الثانی ۱۴۰۰.
- ۱۱۸- محمدبن زکریای رازی، الحاوی، شرکت داروسازی الحاوی، مرداد ۱۳۷۲.
- ۱۱۹- محمدبن زکریای رازی، من لا یحضره الطیب، شرکت سهامی طبع کتاب. ۱۳۳۴ ش.
- ۱۲۰- مرتضی‌العاملی، سید جعفر، الادب الصلیبة، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، خرداد ۱۳۶۲.
- ۱۲۱- مصطفوی کاشانی، دکتر جلال، بررسی در طب سنتی و مقایسه آن با جهان، انتشارات دانشگاه تهران، آبان ماه ۱۳۶۰.
- ۱۲۲- مصطفوی کاشانی، دکتر سیدجلال، دارو مسأله پزشکی قرن، انتشارات کیهان، تابستان ۱۳۶۷.
- ۱۲۳- مضرات سقط جنین، ترجمه محمد علی ریاضی، فرزاد.
- ۱۲۴- معین، دکتر محمد، فرهنگ معین، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم.
- ۱۲۵- ملانک، دکتر سیدعباس، قرآن و دانش پزشکی.
- ۱۲۶- مهتابی، احمدرضا، غذاهای خام گیاهی یگانه غذای انسان.
- ۱۲۷- مهندس هاشمی، بهداشت، (برای سال دوم دبیرستان)، شرکت سهامی طبع کتاب.
- ۱۲۸- میرحیدر، حسین، معارف گیاهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تاریخ ۱۳۷۲.

- ۳۸۸ ..... دائرة المعارف طب اسلامی ج ۵
- ۱۲۹- میردامادی، دکتر حسن، فرهنگ پزشکی نوین، انتشارات شرکت سهامی چهره، خرداد ۱۳۶۳.
- ۱۳۰- ناظم، دکتر محمد، نادری نسب، محبوبه، باکتوی شناسی پزشکی، انتشارات آستان قدس رضوی، آذر ۱۳۶۷.
- ۱۳۱- نجفی، محمد جواد، خواص خوراکیها و گیاهان، کتابفروشی اسلامیة، دیماه ۱۳۴۲.
- ۱۳۲- نجم آبادی، محمود، تاریخ طب در ایران پس از اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- ۱۳۳- نراقی، مهدی، گلها و گیاهان شفا بخش، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، شهریور ۲۵۳۵.
- ۱۳۴- نراقی، مهدی، نسخه‌های تندرستی از طب طبیعی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۶۳.
- ۱۳۵- نسخه، ماهنامه علوم پزشکی، دفتر علمی شرکت سهامی پخش نو.
- ۱۳۶- نشاط، دکتر حسنعلی، فشار، دکتر ابوالقاسم، بهداشت گوشت، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۲.
- ۱۳۷- نفیسی، دکتر ابوتواب، پژوهش در مبانی عقاید سنتی پزشکی مردم ایران، انتشارات مشعل، چاپ اول ۱۳۶۴.
- ۱۳۸- نواب، دکتر عبدالحسین، خام خواری یا تغذیه سالم، نشر دنیای کتاب.
- ۱۳۹- نواب، دکتر عبدالحسین، خام گیاه خواری.
- ۱۴۰- نورانی، آية الله مصطفی، طب اسلامی، انتشارات مکتب اهل بیت علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۱۴۱- هاووزر، گیلور، چه باید خورد و چگونه باید پخت، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم ۱۳۶۰.
- ۱۴۲- همدرد به زبان اردو.
- ۱۴۳- هوشمند ویژه، دکتر محمد، تشخیص و درمان مسمومیت‌ها، انتشارات کلمه، چاپ اول ۱۳۶۸.
- ۱۴۴- یوسفی، غلامحسین (صحیح)، تقویم الصحة، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تابستان ۱۳۵۰.
- ضمناً مطالبی در این کتاب از اطباء مختلف مانند دکتر جوانمرد و دکتر اسفندیاری و... استفاده شده است که درای کتاب نبوده و تنها اسم آنها در بعضی از پاورقی‌ها آمده است.















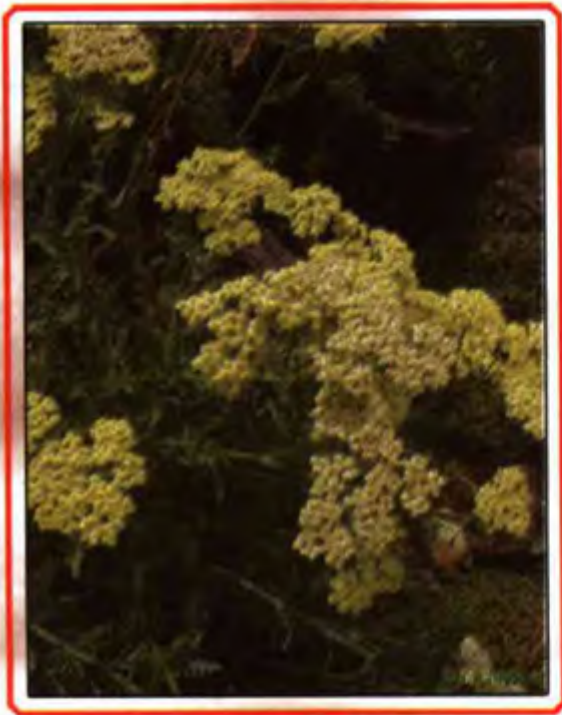






# DARU

ical Laboratory









# DARU

ical Laboratory

